





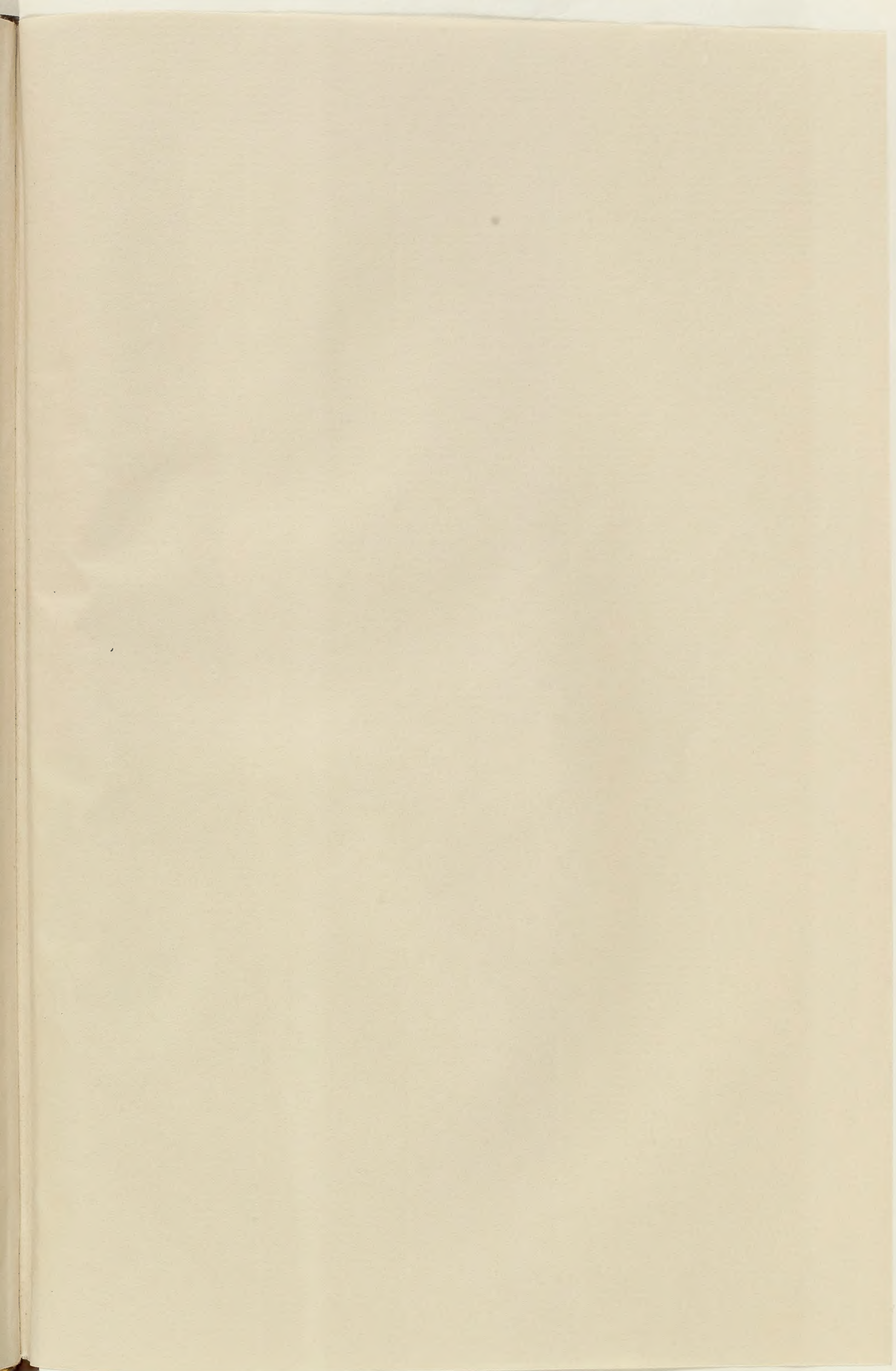




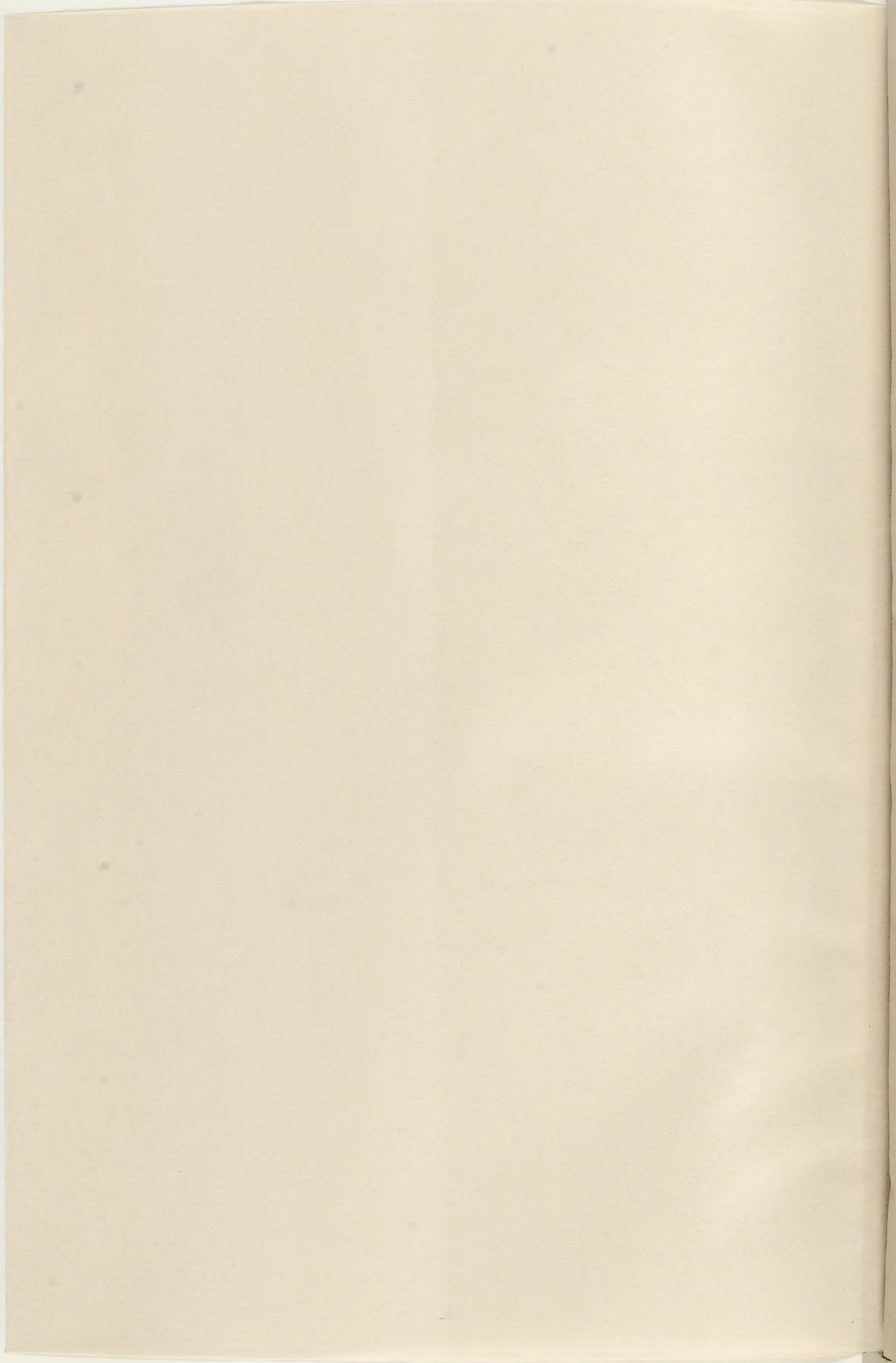


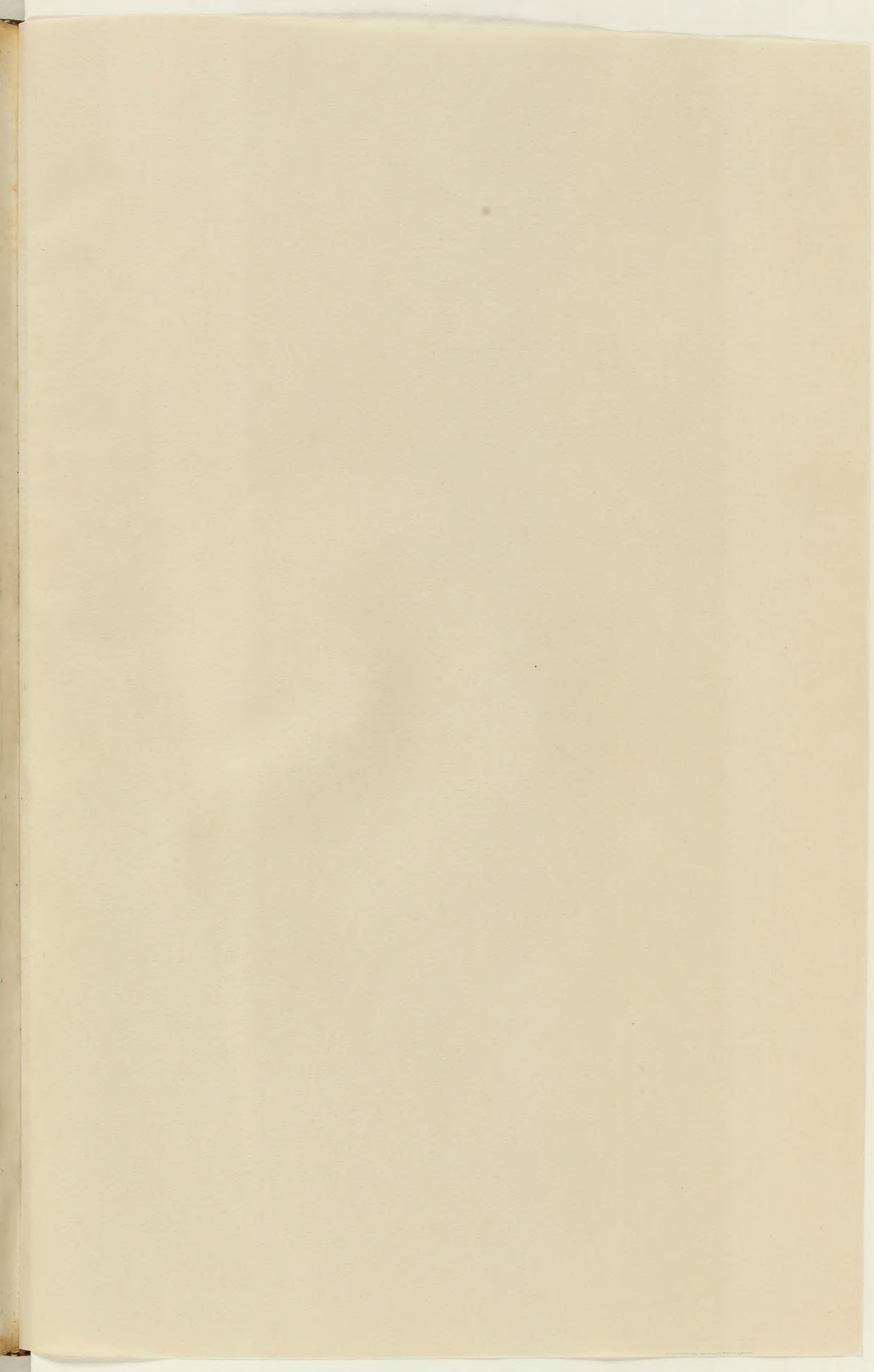
Toza 8.1



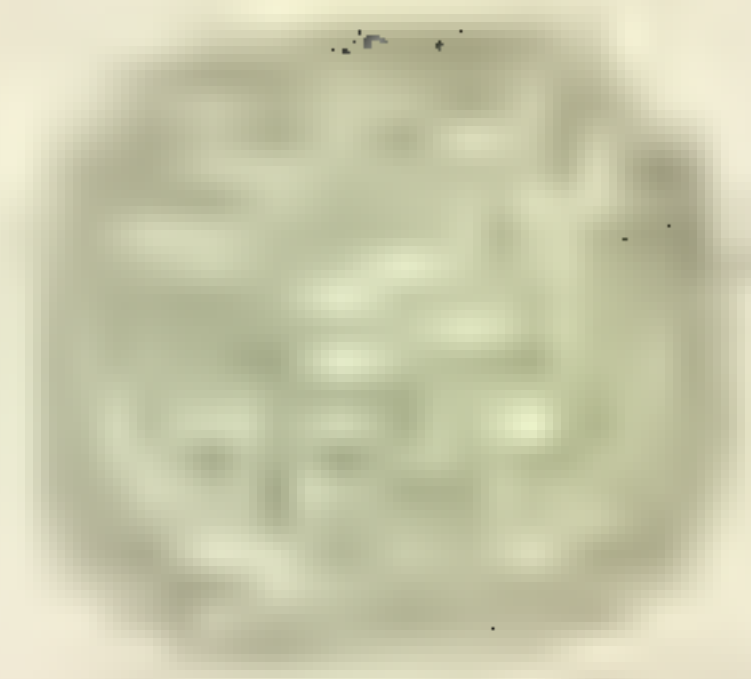








Handwritten title in Arabic script



<p>Handwritten text in the top-left cell</p>	<p>Handwritten text in the top-middle cell</p>	<p>Handwritten text in the top-right cell</p>
<p>Handwritten text in the middle-left cell</p>	<p>Handwritten text in the middle-middle cell</p>	<p>Handwritten text in the middle-right cell</p>
<p>Handwritten text in the bottom-left cell</p>	<p>Handwritten text in the bottom-middle cell</p>	<p>Handwritten text in the bottom-right cell</p>
<p>Handwritten text in the very bottom-left cell</p>	<p>Handwritten text in the very bottom-middle cell</p>	<p>Handwritten text in the very bottom-right cell</p>

فهرست کتاب اخبار و القرائب

<p>مقاله اعتماد مؤلف ۲</p>	<p>مقاله نغمه جناب ضیاءالوری صل الله عیه وسلم</p>	<p>مقاله حمد حضرت کبریاء صل علیه</p>
<p>مقاله جوابی سؤال مقدّم ۸</p>	<p>مقاله صراج بنوی ۷</p>	<p>مقاله بحث تواریخ ۴</p>
<p>مقاله غریبه خبری کربستان و استبداد کدشاه بهار کربستان ۱۳</p>	<p>فصل اول اسباب نسخه دوله روسیه بمالک کربستان و ۵</p>	<p>مقاله سبب رساله ۹</p>
<p>مقاله استبداد روسیه و ادب شاه ایران ۱۶</p>	<p>مقاله سبب انحطاط ارکلی خانه بدو روسیه</p>	<p>افزون و کثرت دولت روسیه در صفا کربستان ۱۴</p>

<p>مقاله دو سبب کربلا          حاجی محمد شرفه          اباب و زهاب          بیاض</p>	<p>مقاله محاربه شاه          ایرانه و سبب کربلا          مؤلف و مضمون          مقاله          ۱۷</p>	<p>مقاله ضمیمه کتبه و بعضی          ممالک عثمانیه          ۱۶</p>
<p>مقاله افغانه          شاه          ۱۹</p>	<p>مقاله کوزمه          شکرته          ۲۰</p>	<p>مقاله فضاک          ابراهیم خانی          ۱۸</p>
<p>مقاله غریبه          کوشاه          ۲۶</p>	<p>مقاله تافیر لفظه          ابراهیم شاه          ۲۲</p>	<p>دیکه مقاله اغا          کوشاه و          لاجه          ۲۵</p>
<p>مقاله فضاک          نادرشاه روسیه          روسیه          ۲۸</p>	<p>مقاله فضاک          فتحعلی شاه          ۲۸</p>	<p>مقاله فضاک          مشارالیه          ۲۷</p>
<p>مقاله اعداد و حساب          شاه          ۲۹</p>	<p>مقاله سرعت محاربه          نادرشاه و فضاک          مشارالیه          ۳۱</p>	<p>مقاله احوال اولاد          نادرشاه          ۳۰</p>

مقاله مهارت نادر شاه در هندوستان ۴۴	مقاله تفشیر نامه وسبب تفشیر عمیه فرزند نادر شاه و انقضای سلطه ۴۶ صفحه ۵	مقاله نصایح نادر شاه بفرزند خود ۴۷
مقاله تمجید نادر شاه در تفشیر عمیه فرزند خود وسبب قتل نادر شاه ۴۸ و زواید ۵	مقاله اظهار نادری ۴۹	مقاله قصه غریبه زکینا در شاه ۴۹
مقاله فطاک نادری ۴۵	مقاله لزومه حکمداران ۴۶	مقاله اتیان حکما و خدعه اعدا ۴۸
مقاله اجمال های افغانیک ۵۰	مقاله منبع مقربین ۵۱	مقاله سزاوار به کمد خان کفیه خاندان فریم و جدای ضابطین ۵۴ از اول
تدبیر ممالک در ضابطیه کمالی در هندوستان و ضابطین منبع اینک ۵۴ بیانی	فطاک افغانیان ۵۵	مقاله سبب نفلدیت دولت هند ۵۶

مقالة استفراب وخسين ابره مندون در صوم صناب بندوان ٦٠	مقالة ظندرس مشاريه ٥٧	مقالة صناب تيدرفان ٥٧
مقالة كرجينك ٦٢	مقالة غشتك ٦٢	مقالة شروان ٦١
مقالة غريمه مؤلف بارض ورم ٧٤	فصل ثانی ٦٩	مقالة قباير صبه قزاقه ٦٥
مقالة سرعك در صوم صالح بابا ٧٥	مقالة فضاي غالب بابا ٧٤	مقالة كفسه قاضي وافتحه ٧٤
مقالة مال مكندوب سرعك روسيه بارض ورم ٨٤	مقالة ديك ٨٠	مقالة صوت توفيق عيرك ٧٩

مقاله بعض مداد	مقاله اسیر شدن عیبک	مقاله فقهی صالح پاشا
۸۴	۸۵	۸۷
مقاله مکالمه دوله ایران بواسطه مؤلف	مقاله جواب مؤلف بامضی دوله ایران	جواب امضای دوله ایران بمؤلف
۸۹	۸۹	۹۰
مقاله اتحاد و اثر نامه لرک در دولت ایران بیانی	و مثال جواب قانقلم استانه	صدور تقریر مؤلف باستانه
۹۱	۹۱	۹۲
مقاله دیگر ۹۴	صدور جواب مؤلف بامضای دولت ایران	بیان تفصیلی رویه و رویای تحت ایران
	۹۴	۹۵
مقاله اصیاط اتحاد	مقاله عجیبه دیگر	مقاله اتحاد
۹۵	۹۶	۹۷





مقالة توبيه تلك الفرانسيه العاك ١١٤	مقالة اخذت ولدت في زمن الملك العاد ١١٥	مقالة ظهر حسنا كتاب الله من قاروه مؤلفه ١١٦
مقالة تدرجه ابدال اشتهر في صده اهل القبر ١١٨	مقاله طريقت ١١٩	ويك مقاله كيفيه طريقت ١٢٠
مقاله نظم علما ١٢٥	مقاله ترجمه حال شيخ محمد عيشي قدي سره ١٢١	صدرت مکتوب شرايه ١٢٥
مقاله بعض حالات شرايه ١٢٦	ترجمه حال عاصم اقص ١٢٩	صدره تقريظي عاصم اقص ١٢١
مقاله لطيف عاصم اقص ١٢٢	ويك مقاله لطيف شرايه ١٢٢	مقاله كيفيت رؤيا ١٢٢

مقالة توجیه حدیث نور ۱۴۶	مقالة کیفیه کف ارضی ۱۴۶	مقالة حکمت ۱۴۵
مقالة شرف کرة ارضی واراده جزئیة و کلیة قدر ۱۴۶	مقالة عشرت وارضی ۱۴۱	مقالة ابوسینا ۱۴۷
مقالة منجین ۱۴۶	مقالة زلزلة ارضی ۱۴۵	مقالة توجیه ابدال حک ۱۴۴
مقالة و با و ریج اصف ۱۵۰	مقالة جازو ۱۴۹	مقالة کوف خرف ۱۴۷
مقالة اثبات مدعا ۱۵۴	مقالة لزوم اصحاب عقل و تدبیر ۱۵۴	مقالة فلسفت عالم ۱۵۱

فصل رابع ۱۵۷	تدابیر ملکیه بپیش واصل منه اینست فضا اولیقت بیانی ۱۵۵	مقاله تدبیر و حکومت و وقوع اولیه فضا به عهد انفعال بیانی ۱۵۶
مقاله مسوولیت وزیرا ۱۶۱	دوسیه عهد نیک بدکسب کدشخانه رنج و ساز فضا را عذر نه و صحنی مؤلفند نویسی ۱۶۵	مقدمه امر محاربه و مصالحه ۱۵۷
مقاله غریبه ۱۷۴	مقاله اظهار امر مصالحه و صفات مؤلف ۱۷۰	نگار با بید روی رسیده عکس استخوانی بکنند بیانی ۱۶۷
مقاله رفتار عالی بدولت عثمانیه باشا عثمان ۱۹۳	مقاله منبع اژدهای نزار ارمان جدای بقدرت بدراسته نزار جنرال ۱۹۵	بیکم می کند ری صاوی مقاله رفتار ۱۷۴
مقاله سبب رد قضا جدید ۱۹۵	مقاله مواد ریک ۱۹۴	مقاله تمهید قضا رفصایات و تکلیف غریبه مؤلف الاجانب کرمستان ۱۹۴

مقالة ديكر ٢٠٤	مقالة دعهده مؤلف الاجانب كرجستان ٢٠١	مقالة ديكر ١٩٧
لايحه ٢٠٨		
قصه غريبه ٢١٤	نصيه نيمير بولوت بمؤلف ٢١٠	مقالة غريبه ٢٠٩
مقاله بعض عوارضات در صده مؤلف ٢١٩	مقاله فضاي مؤلف ٢١٥	قصه ديكر ٢١٤
مقاله تجلبي اصحاب هذو نوبه تأليف مؤلف در ترجمه اصداق قبائل و قوم ٢٢٥	مقدمه مقالات لازمه ٢٢٤	مقاله تقرير مؤلف ٢١٩
مقاله فقط فقرا ٢٢٩	مقاله تحصيل علم وارا ب ٢٢٧	مقاله ديكر ٢٢٧

مقاله شرح آداب و اصرار ۲۴۴	مقاله مدار و دیگر ۲۴۲	مقاله تشریح البسته ارکان دوله ۲۴۱
مقاله منع نفاقه ۲۴۹	مقاله مدار و دیگر ۲۴۸	مکایه ۲۴۵
مقاله تحصیل علم در کتابت رفه شعر و غزل و تاریخ ۲۴۴	مقاله منع شکار ۲۴۱	مقاله منع داعیه تفرد ۲۴۰
صدره مکتوب مؤلف ۲۵۰	مقاله اناطه و مقاله ساز و وضع بیت ۲۴۹	مقاله امد و افت وزکرا و صاف اناطه ۲۴۵
و مقاله تصدیق رمز بنا بر حضرت خدیو اعظم ۲۶۱	مقاله فصل فیه و حکمت و شعر و نصیحه ۲۵۶	تدوین زین شرح مشدی مؤلف ۲۵۵

<p>مقالة اعزته ووفات  مؤلف بعنة زوركرم  ضاب كره على حفظه الله  بخطه الجلي ٢٨٠</p>	<p>مؤلفه ايجاب ايدره قوه  مرعيه بيان  ٢٧٦</p>	<p>مقالة اوصاف فضيل  سرعة فظيكم ابراهيم  بش  ٢٧٢</p>
	<p>مقالة خاتمة  كتاب  ٢٨٤</p>	

1872	1872	1872
	1872	

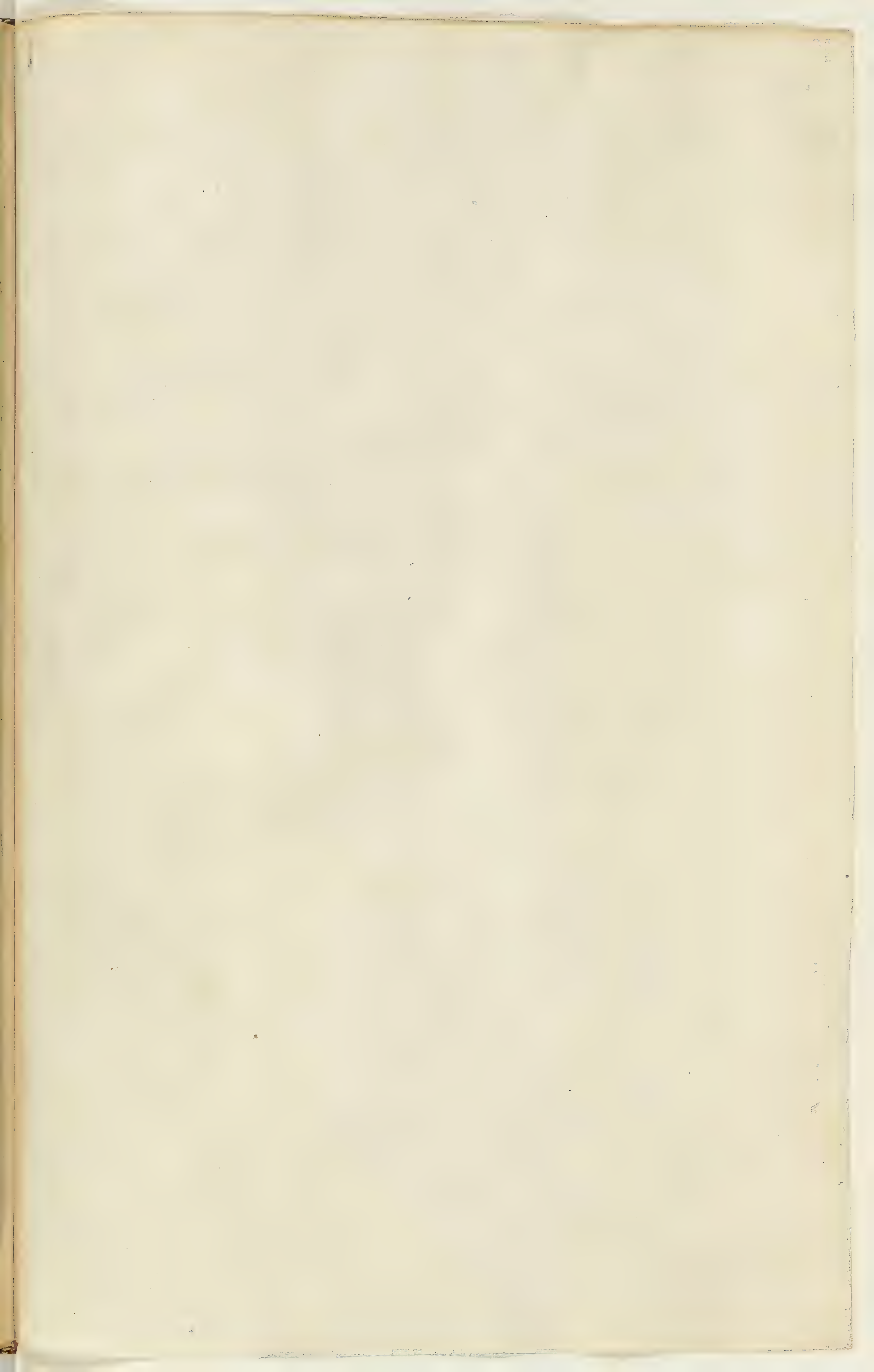


4

--	--	--

--	--

9





Handwritten text in Arabic script, likely serving as a title or introductory text for the diagram above.

Two columns of handwritten text in Arabic script, possibly providing a legend or key for the diagram.

Three lines of handwritten text in Arabic script, continuing the descriptive or explanatory text.

Two columns of handwritten text in Arabic script, likely concluding the text or providing further details.



بسم الله الرحمن الرحيم

معدوم ایکن تا ایدوب انار غراب	سه سین ایدن عاظمه انار غراب
ماتره کلزار سحاب کر مکه	اولون بوسقر نامه ده افسار غراب

جواهر کاتما به حمد تا معدوم اول داشته بند مجرعه کوه وجود وقادد  
 مظهر درگاهنه سزا والیقدر که افسوفه عبق ادا که سیه اصحاب  
 سیر و تواریخی ثبت بقا انار اسلوفه موفوعه ایتمدر

نظم

خا صدر الهی بودن صفت کبریا کما	وصف ک ممکن ایبه بو بینوا کما
مخلوقه یعنی حکمه ذوالجود لیده	اثباته کلدی زانکی ارض و سما کما
بندن حقیر وارذل مخلوقه سبیلیم	یا عالم سزار صفراز دیا کما
سه سین غنی و خالوه و هاقی لور کما	مخا جدر همه ملون و کدا کما
ذاتک صفاتک ایبه اولجا قائم وید	مخصوص ما سوا به عدم در بقا کما
بوفا کدانه صودتی ان ایبه کما	ویردن کن بو یبه حمد و ثنا کما

یعنی بود نیازم الهی را در قبل عفو ابتداء کما هم ضمیر الوردی سکا

فای قولک زیادت اوصافه عا جزای  
بود ابتدا و صلی بود انترا سکا

ولایتی درود اول فهرست کتاب زیت ساری عالم شهود و خلقت  
شیرازه بند دیوان شریعت مرهبط جبریل امینی و مکر علوم اولین  
والا فرین سبب ترتیب البایط و المركبات باعث ایجاد تکوین المکنات  
مقصدینت روضه ریاض خد برین آسا و درگاه قدح و سارینه  
اهد او محض فنورد که زیب سامعه نبوت **نحوه نقیصه عینک اصین**  
**النقص** بیور بیوب عالم عدم پوشیده خلقت وجود او طردت مضمع  
صور مکرمه **بنی آدم** مرآت عجایبهای خلقتده جلوه کر او طفه بادی  
اولوب سرمایه سعادت دنیا و آخرت او طردت **نظم**  
**مولفه** جیب و رسول خالق افدوک ۵ مظهر فهاب و ما در سناک  
کان فی وصف ذاک لولوک ۵ لم یکن ذاک العلو سواک  
**دیگر** از بر آیش آمد عالم از عدم ۵ نغمه او یعنی تکفید در رقص ۵  
ذات پاکش مظهر لولوک شد ۵ خاکبایش زیور افدوک شد ۵  
صلی الله تعالی علیه و علی اله و صلیا و علی مره جبراله

**مقاله**

**طوائف نظم** عباد الود اولون دل شاهد آتایه و ویرم ۵  
که مرآت مکرر صورت زیبایه فر ویرم  
مال مقصیه اشمانه صبی بهار کلش عرفان و سبحان نیسان

لایق صن بیان اولون ارباب معارف و از عانه نمایاندر که تألیف  
 کتاب و افت مانند اشعار بدو غنچه اصول و احد او ذره او طیب  
 الحوائج و امد جمعیه خاطر محتاج و صدوق او طغیان الحق نظم و شمار  
 هنگام عزت و مرتبه مساوی و بلکه مزون القلب اولدنی آن طراوتی  
 صن و آن اوطی هویدا و نمایاندر ماضل بو او ان قضی افترا اندر  
 تألیفه اجزا اولن ان اخبار الغائب مطالعه و منظور الحائنه انصاف  
 بیوریبی بود و گذشته دهان ازدها اولون مور و رفت حال  
 عیان اولدنه بود رتبه تحریک ضامه بیان و تحریره موفو اولدنیغه  
 نزد مکار موفد اصحاب انصافه مطلق مضمون هجای من العجائب  
 ظهور کلمه بک با هر فاشکاده او طغیان اولو جریده عقد خطا و اصلاح  
 نقصانده همه بیور جفای ظاهر و تطویل کلمه بیورده تصدیق  
 و اعتداده حاجت قاطعنی ممل و در کار ایسه ده اصحاب فضل  
 و افتادن مرید و مستولدر که فت بضاعت و کثرت محنت سینه  
 وقوعه کلون سر و سقامه عجزانه می اصله معامله تم با الخیر  
 اصولنه رعایت و حرمت ایله ر ذرا مرام جا کرانه میدان هنر و  
 معارفه تحریک توسن قلم او طیب مجر و بوندن اقم انداخته و ای  
 نیان و عدم اولون بعضی حوادث و اخباری جمع و ترتیبه غیرت  
 بر له ضمن مقاله ده مندرج قنات فوائد عبرتنامه اهل فهنت  
 و زکایه ترغیبین عبادت در **مؤلفه نظم**  
 نیت جهانیه ضمیمه بویه اثرده در همته بر اهل لبه صاحب نظرده در  
 لی و زلزل باشه مانند اقباب بود و دیدن حوادثی دور فرود در



قوی و قوه های فدک سایه طهون • دونه جراته سایه خیر بشرده در

مقاله

کافه خصوصات اولی و آفرینی سزاو عیناً **قران عظیم** ان **حاروی**  
اولدین با الوفا در روز آشنای حکمه از **لا صلوات الله تعالی علیه وسلم**  
هفتادین زمان درالتقدیرت ثبت تواریخ اسد فیه **رضه** و **یرطوب**  
بعدین **تکثیر** دایره سوادین اقصای مرام خفا و عظام **اولوب** **امردینی**  
در یقینه محافظه به اقدار و همتی نه فریضه ذمه انام اولدین بعضی  
وقوعات اسدیه رخنی زمانیه کتب و اعلام اولدین **ایراده** اکثری  
مدوم اسدیه نیک صحت و قوعین اختدق اولدین عینی واقع اولدین  
خصوص مذکورده مؤرخین اسلامیه حضراته اعتراض اولدین قالدکی  
قبل البعثه ساهه عالم و قوع کلون کیفیات مؤخرأ ثبت صفحات  
کائنات اولدین مباشرت اولدین تحریب و ایضا صبادرت اولدین  
مؤرخین ملل سازه نیک تواریخ صحت بیضاء اسلامیه صلیه صحن  
عاری دیوسرود و نون خامه رنن جاری اولون ادعاری کند و رینه  
عاند اولدین بیدریدر زیر قبل البعثه قلمه الزره **تکثیر** سواد ارقامه  
باری اولون وقوعات اکثری تواریخ ملل سازه دن ما خود و  
ثانیاً کون صحت اسلامیه و کون ملل سازه به دار مقدم و مؤخر کتیب  
ملک افلا و اثر بیوریلون تواریخ بعضی کیفیاتک عدم و قوعین  
ادعایه زاهب اولدین بودرخنی صلح و کدر زیر اصحاب و قابع و سیر  
زماندین بوندقوی ملوک عظامه عبرت داعیه سیه و کجه رنن  
ترتیب سازه اولدین لویه رینی اسد فیه **نسبه** ایستاد

بر حال اخذ فیه تا اثری مترجم اولون کیفیت استوفه و یا خود  
 بر امر غیبیه نسبت ایلمک انب اولدیفندن بالضرور اولوایدده هر  
 اسیران میدان بیان اولدرد مورخین کرامات بو وجه هر کاتی  
 حکم عقیه و عمیه جامع مصرع **ساریدو اقدینه غوغای توابع**  
 مفادجه تفریح تواریخ استوفیه دن غرضدی احکام بعثته بو  
 زینده ایراد نقیصه ایتمدن کتابه ایله بودغی **عقل و نقل**  
 معیوجا و مردود اولدیفنی مبرهتدو زیرا اول سلطان هر دو عالمی  
 نیجه نیجه تدریکاه حکمتخانه فلسفه بی مظل و نیجه ملوک و **صیبه**  
 طو و بالود و اول سوکتی شکسته ایروب ورددهوای شریفنده دعای  
 خدترین مشوخی و محقق ذکام عدم ایتمکندن بسفه بد بیضارینه  
 سلم بیوریدون همه قاطعه رحمانی و صبرالمطین برأت یزدانیکه  
 و آن عظیم الشاندر کافه اصحاب علم اولین و آخرین انجمن رای  
 ارعا اولدر برایتی نظیره قادر اولویوب عامه انارری مانند  
 سببه معلقه گو کوشه خجالت اولدن غیرتی نتیجه ویرمه حکم  
 ظاهر در **ثالثا** بیواسطه اسباب و بیواعیه اتفاقا و تعقیقات  
 و اصحاب بر ذات حکم ابات و کردونجناب منفردا عامه عالم  
 و عالمیانه غالب اولوب شرقاً و غرباً دبیده کره نای نبوتی  
 و عجب انداز قلوب جلا نیان اولدرد احکام و اجبالوهرام شریفیتی  
 قلیاً و قابلاً جایگیر ایتمکی مبعوث بالحو اولدیفنده عفت و دخی  
 تصدیقه مجیدیت باهر اولدیفنی ارباب تدقیقه و ازعانه ظاهر  
 و نما باندر قالدیکی اصحاب تواریخ و سیره لوزم ندرکه و قدعنا

سالفه و لافقه ده مبالغه دن بغایت اجتناب ایدوب اما طبعی مقدر  
اولون موادی کتب و خریدن اهتزاز ایدوبه ر و بعده ایجا بنه منی ثبت  
اوصاف اقتضا ایدن ملوک عظمی حضرتک و سائر اهتزاز مراتب افسانیه  
ایتمی اولون اکابرک دینه اعتبارینه کوده القابنه دون معاهده و تکرار  
تعبیر اولمیه زیر **سیدنا ابوالوراث سیدالادوافر والادوانر صلوات**  
تعالی علیه وسلم حضرتنیک طرف اشرف و سائینا هلدن ملوک  
و حکمدارانہ اوسال اوامر و سائر بیوردلوقه عظیم اروم و عظیم الفارسی  
و عظیم القبطی تعبیری ذیود صحیفه سطور بیوردلوقی ایجاب ایدوب که  
بر وجه سطور و بیان صرفا نقدینه وقت ایلمک لازمه عیده  
عیادوان و نقادان معارفنا ساند **بیت** صریقان باده هافود  
دند رفتند • قرهی ضمنی انرا کردند رفتند • ترخمیه بوزمکاه عالم  
هنزه قدم نهاد عرفان اولون اصحاب معارف و ایقان کلیاً  
نوشی صریبابی خمخانه اخبار جوانیان ایدوب ممکنه مانند جوعه زک  
ایتکلری دود صافدن غیری نشه یاب اوله بقی پیمانہ رصیغه نمایان  
اوطیبوب بوحررست میکده افکار بقیه قدون دود خمار ایدوبه لبریز  
بیاله اثر و کفتار ایتکه خواهک و هو بکار اولدیغمی استعاره  
بنج اصحاب عرفانه فرش سماط نقل اعتزاز اولندک • العفد  
من العرفا مامول • والعفد عند کرام الناس مقبول **بیت**  
یادوب و طی سرفوظطان صقده • اوضاعی تزویر و ریادون صقده  
فایح قولک اتمامه موفق ایدوب • دامان دلین خار جفادون صقده  
**مقاله معراج**

آیات کبرای **مکرر** صلوات الله علیه صلح اشرف واعظمی و قد عات  
 خوار و معجزه معراج در اصحاب حقیقت و شهود تصدیق ترد  
 ایتیموب انجی باکی بند صبر احکام مولدین و جاد غنا صرا و اولاد  
 حکمای طبیعی که دانشا ظاهر است اعظم بیوریدون فضل انسانی خوار  
 انکاره و صرا اولاد کردن بسقه **بیب** بای استدلیان صوبین بود  
 • بای صوبین سخت بی تکلیف بود • مدلولجه قمع فرام و ادراکری عروج  
 سلم معاجده منزل و قاصر او طغنه **انبیا** حقیق احاطه عقل و ذهن  
 بقدر اولاد خوارتی عدم قبول بر له ارباب شهود و عقول  
 رضیه میاتنه مدخول اولاد قدری ظاهر دور • **طولفه بیست**  
 صوب با فاله و ضلعه شد و رابطه • ازان رو نمودند با الواسطه •  
 مانده نظراً صورت انسانی ده روحا اولاد انبیای عظم و با  
 خصوص فی الانام صلوات الله تعالی علیهم الیوم الفیض حضرت  
 حقدین ظهور ایدین خوارده عاده نیک تصدیقی خصوص تناس  
 تبع باز عقل خلیع العنانه رضیه جولان و بر طبیب علی خوار  
 القیاس مناصب والوی نبوته خاص بیوریدون عنایه ازلیه  
 الیهیه ایمان واجبیه زمت عبودیت در زیرا اعیان ثابت  
 و غیر ثابت در بر نیک بو آنه قدر عدم خلقتی فرض و تخمین اولاد  
 یعنی از جمله سحاب و مطر کبی بعد اثبات وقوع ایدندی تصدیقه  
 اینده عقل مخیر و متردد اولوب محالونه زاهب اوله جفی بیدر سید  
 بر حال قابل حوصده عقل و ادراک او طیان خوار قلک و قوعی  
**انبیای عظمی** مخلوقات سازه دن امتیاز اولوب بدو توقف

\*

دولت تصدیقه نائل اولوند کسب شرف و فضیلت ایدوب عدت  
 غائبه ضمه اظراد قدرت و ابراز عظمت و جبروت در **طوائف حیات**  
 هر برده نمایان ایکن انوار تجلی • چندی کوکه بر دن او معنی ندن  
 اوتری • قضیه خاطر گزار اولور ای صودق محمدیه صلی الله تعالی  
 علیه وسلم سواکن کره افدوک شاهد بر له کافه عوامله بمعوض  
 بالحق اولدیفن اظراد اداوه آیره ندن تعلقیدر

**مقاله**

آلی البیان ترجمه خالدی <sup>ثبت</sup> صحائف آثار و عیان اولون شاهان دن  
 اجماع بحث ایدوب غیر سلطین عظام و جرائدان مراعی انتظام  
 در هم صلی الله علیه و آله اجمعی الحایوم الفیض مرزاتک قصه و حکایه لرندن  
 اضبار الفرائض درج و بیان او طبعی محل سوال اولور موقوفه سی  
 خاطر گزار محرو پریشان گفتار او طبعی بو کونه مثبت اذیال  
 اعتذار اولوند که اوردنک نشین بر سلطنت و در سجه هر دو  
 اولون ملوک عظام و قوعای بکایکان مضبوط خریطه  
 آثار اولدیفندن بقیه خصوص مذکور کی کلام بدیهه اثر رفیع  
 اورا و خبر ایتمک لوزم کلیدی کیفیتی طویل الذیل طومار  
 کاشفات او طغنه بو مختصر مقاله به کنجیستی تصور او طیبوب  
 اوقات سیر السیر روزگار دخی متحمل اولدیفندن ناشی <sup>بیدار</sup>  
 اسباب سلطنت و بیواسطه لوازمات دولت مخلوقات اظراد  
 قدرت آیره حکمته مظهر تیری بیدار اولون ذواتک احوالی  
 عبرة لولی الایضاد <sup>جمود</sup> ثبت وقایع طاق ذوقکار و روزگار <sup>فنون</sup>

دیگر نیچه توجیحات غریبه و تاویذت عجیبه تحریر و اشعار اولنوج  
رساله مذکور جاری روانه و زین العقاید و کلمات فیه حاست  
اسمیه مستی مؤلفات عاجزانم کبی درق فصدت تقسیم و مسطور  
قدک • ومن اكد التوفيق والتمه •

### مقاله

**بیت** در حوصه قلم نکتید رازم • کاتش بمان فی زلا<sup>ن</sup> نتوان کرد •  
ما صدقجه تاریخ غریب و سنه اغیار ثبت ورقه افکار خندنی  
اوانه اقطار شرقیه و لوله ادای ظهور اولون حالت عجیبه و کفیات  
غریبه علی طریق الاقتصاد ثبت صفحات آثار اولوج ضمنه ترجمه  
احوال عاجزانم مدخی ترفیح و اشعار فنی لوزمه عهد حکایه کفیات  
اولفین **بعدن الله الملك العین المختار** عهد فریده انداخته  
صدوقه بیان اولون لولی اضباری کثیره سده بیان  
ایدوج طاق بالادوق افاقه مانند یافته عبرت  
عبده لولا البصار والالباب آویزه قباب  
زمان ایتکه ابتدار اولندک •

### فصل اول

آشنه ابالتزه صدق مدیده والی و اولحوالی سنین و فوه عهد  
شیرینزه ابقایوریلوج ابالت مذکوره الی وفاته سایه  
انداز بقا اولوه داعیه سیده متشبت اذیال صید و عناد اولون  
**عیانه باث حضرت رفی** کرجستان والیسی ارکلی خان کویا  
ممالک قریح استیو سنزکک دوسیه دولته کرداندر اطااعت

و انقیاد بر له ابرار صداقت و عبودیت ایتمده در دیده درج دولت علیه  
 طرقت خدای حاقمه بی عرض و از ایا ایتمده در دولت علیه ندک طبیعی مجبور  
 اولدنی عدم تحقیقه منی هنگام مرقوم کرجستان دامن کشی تقنا  
 اوطنه مآ رالیه و بوهله اسباب و مدار کلی اولدیفندن ما خدا  
 طاعتان مماکنده واقع اوار و شکله شهرتقار اولون ولایتک  
 حاکم و خاندانی عمه خان حضرتیه پاشای مارالیه بالوتفاق ایالت  
 نقلی و کرجستانه ازا و از وادون خالی اوطیوی بناؤ علیه ولایت  
 مذبورک مانند غبار تذبذب و خرابی برستان و در ضنه دار اولدنی  
 با ایل همه حاکم کرجستان یعنی اولکلی خان سلیمان پاشا ایله عمه خان  
 بوموجب دیار کرجستان از دوه کزنده غارت و کند و سنک دخی صمیمی  
 دولت عثمانیه به کردن داده وقت اولدنی اسرار و ایما و از ناوردن  
 یعنی اوسط معتبران کرجستان فوقه یوسف نام سفیر ایله بفا  
 واسرا ایندیکه پاشای مارالیه واقف و خبردار اوطین اولکلی خانک  
 علی بنه کزیرانکه تاتاران تیز رفتار ارسال و سفیر و بعض عاقبه بین  
 اولیان زوالی اغفال ضمنه هدیه عنوانیه عرض رشوق پشمارتیم اولدنی  
 قبول سگادت ایدن زوات تخی انجام کاری بیطالعه شیند اولدنی  
 رشوق اولدنی و خصوص مذکور تحقیقن صرف نظر و بلکه تحقیقده  
 دوستی همدینه کوه البرودن کوانتر کلیمین سفیر سفوری اسناد نامک  
 در و باب رجا و التجای روی استر حاضنه شایند کلرینه بناؤ حاکم کرجستان  
 ناچار مدق مرقوم صورتا روسیه دولته ابراز آینه اتباع ایدوب  
 می فظه حدود ولایت مدار اولور امینه سیه روسیه دولته

بر مقدار عکس ابرده صدوق مافتره استخراج و بدو سیه اید  
 بعضی مگدن اخذ مرام انتقام ایدوب بعدد روسیه عکسینی اعاده یه  
 قرار و یروبا که جسته جابگیر ارام اولامی خصوصاً اهتمام تام تمثیلی  
 خصوص مذکورده منقود روایات صحیحه دن منگوشی سامعه صحاح عجمانی  
 اولون اخبار بود جهد ثبت اوراق خاطر پریشان گفتار اولی که  
 روسیه عکسین موجود جنارال افغنه محاربه شدن عدوق ایند کلین  
 انشای داهه ارکلی خان تا بعضی صبحه تا سزایه اجناس ایدوب  
 میانه رتبع عداوق و شتم نمایان اولدیفنی حالت عجیبه رسیده سامعه  
 وکلوی دولت روسیه اولدوره ارکلی خان تطیفاً دولت روسیه  
 عاکرینجا اعاده ایدوب ستمه جرات ایدون جنارالی امضای میدان  
 عناب ایدوب رتبه اعتبار دن سافط ایتندو ارکلی خان اللی دولت  
 سه مقدر اولون مدق حکومتده بر قاچ دفعه روسیه دولتدن  
 بالوقضا عکس لوب هر دفعه ده بر برانه عقد پسندله اعاده یه  
 ایدو اولیدر غلبه دولت ایران در صحره خدائین اذریجا نیک جلد  
 ممتاز عاقد و دانای عربی و فارسی ل ندینه اشنا اولدیفندن بشقه  
 باطناً سرف اسد صترف و سرافاز اولدیعی مرویدر فی الحقیقه  
 خان موی لریک روسیه دولتده بر وجهه مید و رعیتی او طیب  
 دولت عثمانیه به افدوم و بقدان منکد صورت اتبایعی اینسه مراده  
 جلدوه نما اینت قصصه اوطق ابرده دولت علیه طرفین داعی  
 سینه التاسنه دست دت دن ماعدا عدوم و اماره دیگر دونی  
 او طیبوا از هر جانب قطع دسته دجا اولدیفندن ناسی روسیه لویه

خرد



ضروری اتخاذ و مناسبت پیدا ایت شیدی

مقاله غریبه

اولی خانک دودولته کوندردیکی سفیره استانه ده مفرخ خانه  
اولدینی مهاندا دن حضور صدر تپناهی به رضا اولننده اواب  
تشریفات مدقات نوجیه اوا و اجرا اولنجهندن استعاره استبانه  
ابتدای ایدکمه مهاندار مرقوم غالباً خوان دایکان نوال ارتشاد دن  
سیرینجداوه اولون اهدانده هرکاسه بزیم کرماکم نقورقوم اولنده  
الحاوه اولدینه بناه جودانج دوستی استعمره کوره ارکلی خان اولدینه  
برفانندان بینه عنندان ایتمی صفین مرات وقاره ابراز صود تذل  
وصفارت ایتمه همان حضور جناب صدر اعظمی به هنگام مدقاتده  
وقلز و صبا کز خیر لواله دوستی ریوجا بعده کیمچوب صدر اعظمه قریب  
اونورق رسومنه رفته و بونوعله اطوار کلیانیم صرف وقار مقدت  
ایتمه سیرینجداوه ریوجا بوجواب ایلدیر سیه اغفال ایدوب اولدنی  
بوکونه غافله نه اجت رائیمی اولدیندن **مصع** نه جای کریرونه  
جای قار **مخدا** تشریفات دوله عثمانیه به مفایر خیرین و کاتنه  
صدر اعظم اتقار ایوب **قره** رانه کلیانته حضورندن دفع و صتیکن  
اولدینی مافخانه دن اثواب و اشیاخی خانه خوان بینه دفع  
ابتدایوب در سهارنده مدق و افرو اقامت و از هرجه کلدیکنه  
**مخدا** نداده اوزده ایکنه اوضاع با بقه صدرت رالیر کوان کلوب  
سفیر سفیری استانه دن طرد و افراج ایتکلندن اولدنی ریوجا **مصع**  
قره ریوجا ایوب عدوت و مکنه وصولنه بوکیفیه نامول شید غنه

کافه ممالک کرجستان طرف دولت عیبه دن تا امید و دو کردن  
اوله دو تکرار عرض استیج ایندن کفلسان مقال ایدوب  
ضدوری اخذ پر دولته اتباع و انقیاده کمر بسته عهد و پیمان اوطفه  
وارداده بدو عزیمتی قوه دن فعه ظهوری اثاره ایران محکمه  
علمی اوز میدان دعوی ساهی اولون انا محمد شاه کثرت عساکر  
و سپاه ~~عیبه~~ دیار کرجستانه عزم و سفر و شریعتی و از امداد  
محصره و اوج کون کار به به بندر مکت و اقتدار ایدوب با و خرم  
صورت فتح و ظفر مات عکرت قریبا سیده جلوه ک اوطفیت بده مذکور  
آودده قبضه تسخیر و استیوا ایدکره اهراف بالشاره ابتداء ایدوب  
کلی سبی و غارت و بغیر ایدوب بر هفته قدر اقامت و بعد طرفین  
حاکم و ضابط نصب و تعیین اینکسین علی حاله ترکله ایران جا سینه  
عودت ایمی اوطفی سنه مرقوم ار کل خان نیونام قصبه به وار  
وانده بر مدت اقامت و وارد زکک تراجم اکرادون خانج خدمت  
موت ظاهر و عازم سمت سامه یوم تلبی السرا اولوب سینه  
فرزند نافذ و بدبندی کردین خان جانشین فطا و عصین اوطفین  
اهوالوت واقعه و اثر و سائر محافظه بلکه قادر اوطفه صفتی بال شهر  
روسیه دولینه در کار اولون عهد اولی تجرید و اقطار شرقیه ده فلان  
بیان قنده و فاری تشبیه ایدوب اهلین بر قطعه محض ترتیب  
وامرای کرجستاندن کرسوان نام تو اوله ارسال و تریب ایدوب  
سفر مذکور بای تحه دولت روسیه ده ایکی سنه مقداری اقامت  
و بعد باب الالبواب یعنی تیمور قبو طرفین عودت و صبه ایدوب  
هنگام

جمعیه

هنگامه فرب بر مقدار روسیه عکس یعنی موزون جانمی و هوا ه  
 جاده سندن ظهور و نفس تقییه اقامته اتفاق ارای جمهور اولوب  
 بر مدتی بود او اوزه قید و قال مرود ایدوب خان سفور صیای  
 وسیعت الیخای زندگانیرف دور و نغم مستوع اولوان حیانتدن  
 صورتی و معندی لاجور اولغله بعده اوغلی داور مرزا التی ماه کلوت  
 خایزه و شرباط غور ایتی ایره با اوغره غل و روسیه دولتی  
 طرفه با رضود ارسلان قلمی سطر صیغه سطر اولدینی اوزره نمایان  
 او طدر ماهر روسیه اولدیکه دیان یعنی خاندان او کلی خاندان  
 ایالت کرجستانه فرد و احد بر اقمیوب جمله شی دار و دیار لرند  
 انداخته و رای مافه دور اورو ایتکلم حله خاندان لری و بوت  
 مذکور در کور و نابود و جزای ما ببقدرینه نائیه ایه مطر و

**مقاله**

کرجستان حکمرانی سفیری روسیه دولته ابراز صورت انقیاد و تکیه  
 مضمون مذکوره دائر و کلوی دوله روسیه در میان ایدوب قاعده  
 طریق تقوع و ضرر و موجب اقتدال و تحولات شور و شر موقوفه رسیده  
 اورا مرده بوسه رای و سوسه فرمادن نکول بر له عدم و غنبدی  
 نمایان اولغله از جمله کرجستان لوص و شک و نام جنرال بوکونه نرین  
 زبان مقال ایدوب و بیگه فی الواقع ممالک کرجستان داخل حوزه تصرف  
 دوله روسیه اولغله از هر چه سزا و شایان ابرده مده تقیم فطه  
 ایران اولغله سبیل تا بد دولتین میاننده ظهور دقت و محاربه ببارک  
 اولوب صلح کلوم ایکی شیرز بر دوصه ده مقابله و کارزار اینه کلرنده

دو صد تن خراب و تار ماد او طندن غیرک نتیجه و بریز د به راه  
 اظهار و ایراد ابتدایی مظهوری با اطلاق تصدیقه قرار ویردیکه بناؤ  
 سفیر مزبور عکس قضیه معلوم شده سیه با افزودن ارکان  
 دولت روسیه به التجا و ذکر اوندان و لایحه منافع کثیره و پشایستی  
 و فیرہ اشعار و ایما ایبه تحریص و تشویبه ابتدائیکدن ناشی مستولان  
 فرین صیر قبول اوطعین فی الحال دولت روسیه کجستان تبعه دولت  
 اولون ممالک اعدادینه داخل ابتدایی بین برقطعه نامه سفیر رفیع  
 ایدوب کرکین خانی مقدم تبشیر و بعدہ شمشیر ساعد وقت ابتدایی  
 روسیه دولتمند علی طریق کوثق دهن و زوال ایلخ اوانده سفیر  
 مذبور باطناسیه محرر و فیه بیان آیتدر •

### مقاله

بعده برهتہ من الزمان کجستانہ تختد ایدن عاکر روسیه جانب  
 کانتان و سمت شروان و صوب اذربایجان و روانہ اظهار دید طوی  
 ایدکک اکثر یا ممالک اسلمی ابراز چهره بیضا ایدرک جنک و غوغایه  
 بند حاصل مقدور آیتد ایدرہ ذکر اوطعین و لایحه با لخره کفتر  
 و زمر فسخ و استبدادیه با افزودن مجبور اوله حقدی ممالک ایرانک  
 نشین اریکه کیا فی فتح علی شاه مظندینه معلوم و نمایان اولد قیده  
 اون طفقز نارکتک با انصر عکس نامتاهی ایبه ایالت روانہ خلیج  
 عذیمت و ایالت مذکورک حکمی کرجان دخی طرفینہ اطاعه آیتدوب  
 درون قلعه ده اقامه اوزره اولوب روسیه عکسکی شپوختور نام  
 جنار انشرف دخی ذکر اوندان محمد شاه تارلیهی استقبال و محاربه

نیت و شروع ایبه تقابل عکس و واقع اولدقه لشکر ایران بقیه  
 قاب آورد مقام اولیوب او دوی شاهی روان کنز ساعت مفر  
 کیر وید خودت و روسیه عکس روان قلعه خنی دارا ماد او  
 او جهاه مقدارک محصره و تضییقه صرف بازوی مکت ایتکده  
 زبایت هنگام شتاند تقدیر طریقه بادئ برانه جهت اولوب  
 شاه ماد ایبه صوب اسیتهای ایرانه روسیه عکس رحی  
 سمت کرجستانه عودت ایدید •

### مقاله

ماضی ایکیوز اون ایکی تاریخه خطه کرجستانه صیغه تصرفه کنور  
 بعده جوار کرجستانه واقع حدود غنائیه سلطه ابدار از جمله  
 پیه کان و جارقضارینی ضبط و تارمار ایدوب اون بکر تاریخه  
 کنجه ویدمی بر تاریخه ایالت قس باغ و صوای مغان و سنه مرقوم  
 او افزون شروان و باب الیوباب جانبدی و جوارتنه واقع قضا  
 ی غنائان کافه پنجه تقدیر قضایه مغلوبیتله بیت سندی  
 فوضن اوردسه اگر دست روزگار • قدیر اقباب منور گشته اولود •  
 مان اوزره جگه انکشته بر زبان صیرت اولدید •

### مقاله

شوق البیان خصوصاً که شاه ایران عاکر فراوان و حیوی بیایانه  
 قلعه شایخ الوردکان روان اوزدینه عتیت و اول مجده روسیه  
 عکس به محاربه به شروع و مبارزت اولدقه پدر محوریاله میریوف  
 و سائر امرا و شرقیه شاه ماد ایله اعانت ایلوب به لشکر ایرانی

عدم ثبات و متانتند ناشی مدت مرقوم ایشه برادر صالحه  
 وقوعند تا امید او طفله شاه مت دایه پای تختی اولاد  
 طبران جانینه رجعت و عودت ایتمکه طرفت و ن ظهرو ایدن  
 اعانه دن طولی دوکار اولان مواده دوسیه دولتی طرفدن  
 کلباً مضی ماضی و نیامی ایشه شاه ایرانیه موقات ایدن امر  
 بعد ایوم مغایر صالحه حکایت اجت و ایتمکه باینه هر بندن  
 برودهن التوق اوزره قرار ویریلوب یکدی سنه تاریخی او افرین  
 پدرم طرفدن علی طریف الوثق التمی اولدیفدن **بیت** کوکل  
 کل ایله وضو خون اشک حسرتیه • قونغه چندک و داد کلون  
 ازان یرینه • ونیره دلوزیه تفسیر بر مدت اقامت و بعده  
 مانند دوه زبور یاقه دل والدینی آجا موقات عجزانه  
 سر سبز وریان ایلمک زمینیه دوسیه سرعکی طرفدن صوب  
 پرده بر مقدار اقامت و نصرت و طیش ابرده انجلی کار دوسیه  
 طرفه تکرار عودت اوله صفتی باطها لعه بر چوق ماه اقامت نصک  
**بیت** فکرکه بردانی فکرکوی دل کلکون • کایریوق آنده  
 عاشق طلع یر کلکون • ما اینجه بر تقیب فارص ارضروم جانینه  
 هزارینجی مع عزیت اولمشدر

### مقاله

مقدمه و مؤخر اون ایکی تاریخه قدر دوسیه سرعکی تواریخ مختلفه ایله  
 بشی دفعه جانب طرفه کلوب ینه عودت ایتمشدن فی الواقع بر دولت  
 برویجی آورده کند قسید و اسنیک ایتمکه مراد و عزیت ایتمکه

اور امره مشرب و طبیعت دینه کسوم و عادت دینه و قوف التزام  
 و بی مزاجه اعدا ذیر تصرف واد و ارام ابرج بکنه کبیا طلوع قمع ایتیم که  
 اقامت در صرف نظر بر له عودت و رجعته اهتیار ایلیم حقیقته فائده  
 مند اولدنی مال و کلو صد و از جمله دوسیه و ولتی از مننه مرقوم عیاری  
 کیر و به الیبوب اقامت ایتیم اولسیطای ایران و طاعتانک قوتدی  
 کالک اولوب دوسیه نیک بودرجه قوت و استقلول تامه ک اولدنی  
 ناسی زکرا و طغان ممالکک ذور بازوی هجومه تاب اور پنجه مقاومت  
 اولدنی و طفل بناء علیه بیت فاغت اولیان برده سفر کید و اقا  
 مفهوسیه طبرزن عودت ایتیم در بعده اخاکم شاه کربستان  
 و از ریجان طرفدیه تحریک زمام عزیمت ایلوب جانب شرقه ضارفت  
 ایتیم ماضی ممالک شرقی اور او خزانده به دوندروب کزوری  
 و حتی سال نایه عازم دوالسؤال اولوب رویت مذکور ک  
 بوگونه اشدول و غوائلی دوسیه دو تنک مترقب و متوقف  
 اولدنی حال و اظهاره تمام توافق ایتیمین بیت فصدی قوت  
 ایتیم که تأخیر عجزد • ززمه سیه تکرار حدود و ایشرفه ضبط  
 و سخیره و اربوب مانع مرتفع مدوظه سیه خدوف اصل اولیه  
 قصدی و ابتدار اربوب الی یومنا هذا ثبات و استقرار ایتیمه در •

**مقارنه فی ارض خان**

ارض خانک فریفته خنده کوشی روز اولدوق مدوظه انجام کار  
 ایتیموب خانه و خانداقی خرابه بادی اولون اسبابه غافدونه تشبه  
 وقوع بولون خطر نیک ابتدای • از ریجانک تفرده داعیه سنه

هوشکار اولوب خوانین سردان و طغتنان مافته و عدو فته  
 جارت ایلوب بارغزه شکی حاکی صبی خان حضرتیه محاربه شروع  
 و مغلوب اولوب بد وجهه افزای بین الناس شیوع بولوب کنه که  
 عنوان شهرتی شکسته او طیبی ثانیاً ممالک محمد خفیه برین  
 علم افراز دعوی ساعه شاهی اوطی امرن طهرانه اغا محمد فانه  
 آنچه و هدیه ایله تقویت و بروب اولکه ایرانه تسلط نالان مدار  
 اولوب خان شاره طوب سطنی اودوده چوکان تصرف  
 ایدکره صورت مخالفت کونروب مقه حکومتی اویون بدع تقیسی  
 زوز بازو و ایله ضبط و پریان ایدیکه سببستقر اولدیفدر •  
**ثالثاً** دوسیه دولتت شخیر ممالک ردکار اولون صنعه و مقل  
 رفت ایلوب جایی جیب عا که ایله صورتا قبول قوده عبوریت  
 ایدیکدر **رابعاً** اغا محمد شاه حور هنظم شاره لانه سیه قرق باغ  
 و شیشه قلعه محصره سندن کفید ایدوب طهرانه عورفت  
 ایدیکه ایشاده مدد مقوم دولت ایران تبعه سندن معدو اولون  
 ایالت کجه به عکر کونروب شاه مزارالهی بیوقه و بالضرور  
 تقیسی اوزرینه سراسیمه افتحام و غریمه مجبور ایدیکدر **خامساً**  
 محمد شاه تقیسی اوزرینه کدکرم درون قلعه ده تحصن و اقامته  
 ایدار ایلوب خارجه محاربه به شروعه مغلوبیتا آشکار اولدوره  
 عکر کجه تان ایله لشکر ایران معاً درون قلعه به داخل اوطقین  
 بویجه برام غظم و خطوب جسمیه به لویق و اوقف نذیر و تدار که  
 موفق اوطوب اولکون طرفه شهر مذکوری استیده چنا اوسید



ساداً کرجستانه بوقدر امرای ذوقنون و عاقل موجود این  
 فوقه یوسفی بر ساد دل و ناسزای سفارتمه دولت عمیده  
 ارسار الیمید بوکا محاش هزاره ظهاری مضبوط سجه شماریده  
 تحریر فرضی تکثیر سواد ارقامه باری اولور مدد نظرسیمه توسنی  
 شبرنگ خامه مضمار انجامه ساهه پیدی سرعت اوطنی تفسیرینا

قندی

مقاله لزوم سفارت

کافه حکمداران جهان و سکه زن و اولاد جاعنون و سطنه اولون  
 ملوک دودانه اهرم و الزم کوریونه موارد اقم و اعظمی بالوقضا  
 افر حکومته بر سفیر ارسار و ارسا بیور رقدنک احوال عاظم کب و قو  
 نام ایتنی عاقل و دانا یعنی طبایع ملوک و امه اسنا بر داند نسیری  
 لزوم دن اوطنین ماصو سفارتمه و اوردنی حکومتده خداعندالما  
 تجاوز ایتیموب عندان و امتح کاذبه ابرازیمه اظهار سفاهت  
 ایتیموب معذونه حرکات ایجاب لزوم سفارت اولدنی معلوم  
 اصحاب بصیرتدر از جمله قوغان حاکم سفیری دولت عثمانیه ده  
 بیضا دوانه تصرف اولدنی ممالک درویش موجود بر معدن نادر  
 الوجود اولوب بهر یورج شیوز عربیه السن خالص نسیم ضد بخانه عاقل  
 اولور دیدیکی کی اشاعه امر حاکم خنده پیرایه هوکار اولیوب بو  
 مثلد مقارنت کذب استمالدن احتراز اولنه زیرا شان حکومته  
 ضرر و منافید مهور سفارته اولدنی حکومتک شرفیاتی مخفیجه  
 نصیه مبارک ایتیموب ارکانه علی مراتبهم تواضعه رف ایتیمه

و اول قوتك لانه اسنا برده كتم و اخفا ايدرك امور او غنا  
 و مقوله اولدني سطنك امور و ثنا سنك حد اعتدالي تجاوز ايميه  
 و كندويه ظهور ايدن عطيه و اهدايد دار مواد ايراز ممنونيت  
 ايبوب لكن اظهار سردن احراز ايمى ماسم سفارته سزا  
 و شايان اولدني و ارسته تكليف قير و قالدو •

**مقاله اغا محمد شاه**

قاروره شكوه و كثره سنك فوضن هواوت روزگار ايميه شكست  
 و كاتانه سربند شكوتى صاعقه اقبشار قضا ايميه بت اولون  
 اغا محمد شاه زوجه اهولا اجازت ثبت ايوان اثار قضا يعنى  
 على نادر شاه پنج شجره سطنه صفديه بي بر كنه سبب قضا ايمكه  
 قضى واجزا ايدرك اغا محمد خان مصدق و طفل ايجد خان بودند  
 نامى قدر و اعدا شدن صرف نظر نادري بيور يوب زمره طواشيان  
 الحقه جرم شاهيه برورده كنار امان اولوب انقراض مدت  
 نادر بيدن صكه دور زندگيم فانيم سسه صفديه دن بونومه صيه  
 طهران حكمدار لفي رتبه بين تحصيل و بعد زمان قليل وجود سطنت  
 زندگيم خاندنى عليه او ظنين و بيابى لحاف دولتى بالسه خاكه مبدل  
 و مرتبه سطنتى منحل اولدوق اغا محمد خان تحت كيانين جانشين و سايل  
 بيد او طفل رفته رفته اوج اسفند و غلبه به عروج و مانند نادر  
 نادر انظهور و خروج اولمى ابرده راسترو و كوهار عدالته اولوب  
 كويون سطنك و ظلم و عنده مائل ماصول وجود ممالكه مشابه ستم  
 هدهد او ظنين كافه اولكه ايرانى تسخير و سنيديه مائل اولدوق  
 ممالك

ممالک هخامنشی و فیض ایلک سودا سید شمر ساعد غیر ته  
 ماند اولوب بیت جهاندار خواهد جهان از آفتاب • برانه است  
 کاوس و افاسیاب • خدیجه اکثر ممالک شرقی و غربی  
 اون بر تاریخی او اینج دفعه ثانیه ده اذربایجان تکرار عزیت اینکی  
 او اینج قم باغچه اردو نشین اینک صلوة صبحی بعد از نماز منقول  
 اولدنی او زده ضدف عاده غنوده جیباب غنقه اولدوق ساروده  
 ش هیه مستخرج اینکی نقره صخره ایله زنج و ضرب ایدوب هنگام ضحیه  
 قدر بودجه اوج او اوضان احکام قضا و قدر منور و رای تو کتمان  
 قندوب بالوضع عاکر و ضوئینه ایصار خیر دهته اثر اید کلر زنج  
 او ردوی تاهیه غنقه عظیم نمایان اولوب • لواقف قم باغی **نظر**  
 ای و داری کردنی دوران کچقاره باوه • دوزکاده قید نما کاره  
 باوه کرداره باوه • تاج سردن تاکه ایلدی دماغ پر غرور • پایمال  
 اولدی زمینج اول سرسرداره باوه • زفر مکسلیه کافه شکر بیان  
 قم باغدن ایران جانینه کریمان و پستان اولدیلر •

**مقاله غریبه**

اخا محمد شاه کثرت حکم و سپاه جمعیه تکرار جات اذربایجان و غنانه  
 قزیز بیجم عزیت ایلدی او ان و هنگام برادر زاده و دایه ای  
 اولون فتح شاه حضرتیه بعضی و صایایی حاوی تیرکات لوزمه  
 افاده و اشاردون مکه یعنی بود دفعه بن کافه ممالک شرقی طوعاً  
 و کرهاً قبضه تصرف و انقیاده کتدوب بعده روسیه دولت  
 صاف سامعه بینی لبریز ظنیه کره نای کبان ایتمک نیت جهانداریم

دو کار دور دید که فتحعلی شاه لفظه واجبه ان شا الله و بکلمه  
 اغا محمد شاه خوف غفلت و عدم انتباه صید صورت و اغیار کوبند  
 بوکونه وضع ناصوابه اجتناب بر نه زودانه سویشکه بنامعیه  
 شاهانه مع ایکیوزیدک عاکر جرات مهور بو قدر ملکه مالک بر باد مع  
 حاش اور کلامی طریف بخارنه سالک اولوب و زوان شکریدن  
 خوف و احتراز ایدن عجزه کار بانیا نه لازمه در مقابله شاه  
 م رالیهی تکبر ایوب بعده دو براه سمت طغتان اولد قدره  
 فتحعلی شاه امور کویه و جزیه ده تقید و احتیاط<sup>طه</sup> بشیوب بعض  
 محرم اسرار ای اولون و کویه سراً یعنی عمر شاه حضرتها بو فیم افکار  
 شرفیدن سحر کنار سموت اولوه احتمال بو قدر زیر مظهر  
 صحیفه طور اولون کلام بی انتظامه جرات و ابتدار ای دیدر یوب  
 ابراز تا سفا بلدی اولد قدر منقولدر شاه م رالیه ان  
 شاه لفظنی جمیع قول و امور نه سجه شمار تذکار ایندیگ  
 ضد صحت اثری راویان دن استماع اولمدر مندر فی دیوان  
 قضا ثبت جریم ضیا اولون عجتی تمهیر و امضا ایوب مدق  
 مرقوم اغا محمد شاه و بعد ستم الوردی القای دریای قاضی

لا یحیه

لنا مقه بیت جا، سلطان مراد و کیند مظهره • هو فی عاده اجاء  
 الیه الحق • ما انا قارآن قار بنی الومی • فواند در مکتب او آدم  
 جبریل سبوه • صلے الله تعالی علیه وسلم حضرت زینب ان معجزه بی صورتی لفظه  
 جدر ان شاه ای بکلمه بر قاج کون بائی انقطاع نزول جبریل روحی اسما اولد مع  
 مرقوم

بیت ای با فاورده است بگفت • جان او با جان استنا سه صفت •  
 بوقلمون مناسب صاحب اراد غریب هفت پر ثبت صحائف طهر  
 بیدردینی فقه عجائب که ملوک عظامین برینک اهدوی هوای میل  
 و خاطر برت هباز بند پرواز حسن و اندک جنکال دایم کیوی و فرینه  
 کفزار و اور غزال بجمالدخی پابسته صفت کندی پر جرم شکبار و اطفال  
 تأثیراتش عمو جگر سوزیه یوما فیوماخته و بیمار و متاع کرانری  
 صن و آنی و زد غاد نگر مجتبه یفا و تار مار اولوب حکمای و درویشی  
 عصری اول ماه جماله مانند حاله جمعه ابتدار ایتکله کافه حکمای فتنه  
 و مفورانه بزگرجای وقت و زمان و لقمان ادویه ستر زبانه  
 و بوکنیزک در بانک شفای صفت شفاخانه تدبیر مزده موجودد  
 دیدکدینه بنا بیت از قضا سرکنکین صفاق و دروغن بادام شک  
 میخورد • مفارجه استعماله موافق تطیح و ترتیب ایدکدک و واکار  
 او طبیب مانند داء موجب شدت امراض او طغیانه اور و بوسی  
 کند که هدر بوختن آن ضعیف و سوسج اولوب مجاری عروق  
 اعضای فیض نمادن قالب <sup>نامه</sup> حالن اماره موت ظاهر اولدق  
 شاه ماریه مقده سوز و اشکبار نیاز اولدوه مسجد عزیمت  
 و فرس سجاده تضرع و عبودیت ایدوب جاریه کجوبه صفت شفا  
 حکمه ضباب پروردکار دن دو اجوی صحت و رجا اولدق ذکر اولدق  
 عسبه بیچاره به مهر عنایت ازلی شایان بیویوب بر حکم نیش استنا

و در وقت ظهور به شاه دلگامه بشیر و فراموشی صدقات  
 اولاد **لنا مقه بیت** ویرمانند لقمان تازه <sup>جان</sup> سبانه لطف طوقه  
 فشی بیماریه نبض نا توان اوزره • فحوشجه اولنا توان و خسته  
 هواند علی **المشوره مرض سوداوی** یکنز با نظر **السماع** قول اوزره  
 مرض نازده عشه اولدیفی فرام اولوب بیمار مذبورده نده بنفندن  
 کیفیه حال معشوره و ماوا ای معشورده فی استدلال بیور یوب صوب  
 پادشاهیدن هدایای لائقه تنظیم اولماریسال و قیاد و وعظ  
 احسان بی شمار شاهانه ایبه احضار قندب و سیف ساهه حضور  
 اولدوق **طوقه بیت** کلوب یغما ایدرمور فطک اولدوانه خالی •  
 سه اوله بن کبی ایماه روغوی بنکده • مال اجتاب شتعال اوزره  
 حکیم دوا پرداز اولر سرونازه برع طراوتجشای صن بلای سین  
 از الیه دانه اویله ناموافق استعمار ایدر یوب و در چهارکی  
 کل خزانده به دوندکه جاریه مذبور به ارانه اولوب اول  
 محبوب قمر طلعنت روی دشمنان مانع عطف میمه اولدیفی  
 کوروب صمیمی ددکار و بیدار اولون عذوقه و کجی کجیا زائل  
 و یوزن مدته دار مخائل نمایان اوله رف تبدیل صحت بومرض هائل  
 بر وجه قابل اولوب مرغ صیانت آسیانه قدیمه طیران و اول  
 صابیه فدای جان و ترک دانه خانان جهان ایتمدر یعنی  
 عنقای قاف و قایوه و طریون جبار البزم قایوه حضرت مولانا  
**قدسه** **ضمه حکایه** در تیباز و فر و اشارت اولدقدک  
 کیفیه بو تیره دولت ایدر که جمیع اموری تفویض اصکام الایندو  
 هر

هر خصوصه شروع ان شاء الله لفظی را و یا ضووعاً تقی لوصه  
 ضمیر و ابتدای کلام و تقریر این را **ثانیاً** قابل زوال و مستعد اضمحلال و اولی  
 موارد و شسته بند فواد اولی در **ثالثاً** بچراست عملیه مافه بعینه در  
 مقرر اولی انصاف مجرب و غائبه صبی داعیه کننده ترک ایست  
 حاضر ایلیه **رابعاً** قطع عشوه قضی اولی در سودای و سوسه فضای  
 عشوه مجازی بازیچه طفلان عتبه **خامساً** ملوک و حکم از اندک  
 وجودی عامه به لوزم کلدیکدن حفظ و حمایت که اهم و از رخ اولی غین  
 ادراج ایلیه **سائماً** خضر صیانت <sup>تعمیر</sup> اولی عارف با الله حضرت الله  
 سامه ظهور کردن افعال ظاهریده حکمت معنویه اولی غین بیرون  
 تصدیق زرد قلمیه

**مقاله غریبه محبت**

می صده قلعه کرمان محتاج امتداد اوقات و طول زمان اولی  
 انعامی هک عکزه اماده از تمام و پیرانی غایبان اولی در  
 قلعه ده مکتوب لطفعل خان مانند بدی تا کرانی بر کیمه بخونده غریب و لشکر  
 شهم صودت هزیمت ظاهر اولی شاه مزار ایله وزیر اولی صارف  
 خانه زبانه تبه و اشعار ایدوب همیشه الان لطفعل خان طرفه  
 ندا ایدر یعنی شاه کراه تاب اور صوت و شجاعت اولی یارب و اراد  
 زاره تبیدر ایدی زبیرا هزار ذریع و بوکونه <sup>و چند</sup> دائرة جمعیت اولی  
 عا کر فزوانی پراکنه و تباہ ایندیب هر کس قلعه شریفی بود  
 یارین علی الصبح کافه خوانین و سرکردگان جنابکف بیت و شی  
 جانشین اورندک عظمت کبان ایلیکیزدن بشقه معینه بوشکر

بو شکر بی پایانه الوب اور غدار فاهوارک و داننده پای گشته ایفا  
 بر له و اور اظلم ضو خوارک از الة وجود ستم الوری مدک و معنه دانش  
 اسایته مقدمه خدمت ابره رذ صد این استیلمه اول جوان ساده  
 در و بی اعدائمه هوای حطسته مانر اولطفی درون قدمیه عودت  
 فراسه مزقبا ادائس بیعه ایکن بیت الود مبین عقیب مسکی براسنه  
 مهر عنک • زمره مانا تکرار نوای بند صدای که نای کیانیدن ظاهر  
 اینکده خان مومی الیه **ناطفه بیت** صیاد حوص قاچو رب اهوری  
 وصتی • ناطفه سیده نسبه بخش درون بی حضور اولدید بالآخره  
 قلعه مذکورک برج و باروی بندی خیره ساز قارمزان دیر صبر  
 اولطفی کهنه صبر بازوی ضیاله فخری محار کورینوب صلحه ایتم  
 ذات البینه قار و طرس اولد بقندن نائی درون قدمده موجود  
 زقاری اوج درق قات بر لانه اشترایدوب انبار قلعه کرمان  
 مانند فائده اصحاب در کتبای ای دیگر تکرار نقشه عهود و میثاق  
 قار و یروب زمان قسیر طرفه بوضعه ایبه شخیر قلعه به دسترس  
 اولوب خان مومی الیه قار ایدر ایکن کنذی خدمه رنیت غدیره  
 اله کچوب کقار اولدوق عنوان سلطنته لایق اولطیان صفارته  
 اویجه بر شجیع و لیرود روزاورد و شیر کبری قزو و توف ایلیوب  
 بر خیل مدد مومی الیه ماد و نالوالی انق و اینیکی مرثیه جکر  
 سوز افاق کیر اولدرد •

**مقاله ضحای کوشاه**

شاه شاد ایراک کافه انصار و اقوالی فها به مقرون اولوب



با خصوص فرادیه قلع موعود اولون خدام بی امانه نسیم متاع جات  
 ایدوب اولوب جهلم کوه جان کراغایه بویه دزد شکر فرسته  
 تدویع برله باز اوتفیع دوش دتلا قضایه اوزان ویردیکیدر •

**مقارنه و تقیله شاه**

روسیه دولتی کرجستان و طاعتان طرفدینه سوه وار سال ایندیگی  
 عکر برمدت اطرافده معارضه شروع ایتیب فقط کرجستان  
 صدوق قاعت کوندرج اقامت اوزره ایکن جواد کرجستانده  
 واقع کنجه قلمه سنه اون اتی و یا خود اوله بدی تاریخده اول  
 عا کرایه منانت ویریبوب اویه برسدید ثقدر محالک ایران  
 اولون محلی وقتیه فقط و همایه به همه ایتدیکیدر **ثابت** و به باغ  
 حاکم ابراهیم خانی ایالت مذکوره منصرف اولون مقدم عزرا ایدوب  
 ابراز انقار ایتکلم خان صومی الیهی بالفور روسیه دولته طرفدار  
 و اتباعه کجور ایتدیکیدر **ثابت** روان محاربه سنه ابتدا کندورینت بقس  
 عزیمتی ایی و ایش ابرده توقیف و اهما ایدوب اوله دوست  
 یا شنه صفیلن فرزند ولی عهدی عباس مرزایی کوندوب مرزا  
 شفیع نام وزیر ایه سرکد حیدان خانک و سار سرک و کاندک  
 میان رزه دو کاد اولون منافه و مناقشه بی تحقیق ایتدیکیدر **صند**  
 اوز عا کرایانک عدم دقته منی از زمانه سب اولیدر **رابعاً**  
 ضوی حاکم جعفر قلی خانک تا مین ایتیبوب اویه برسدید **خاندان**  
 روسیه دولته وفالت و اتباعه باری اولدیفیدر **خاندان**

بهر صورت و از هر چه ممالک ایران او به بر منصف و معتمد  
 پادشاه سزاوار ای او یکدیگر کیانی او ملشد و مثالیه صاحب  
 نظم و دیوان بر پادشاه معارف عندان ایدی افکار قلم بدوخت  
 تا آمدن از جمله **بیت** جان دل زارند اما این کجا و آن کجا •  
 هر دو افکارند اما این کجا و آن کجا • تیغ خاقان گاه درم چشم سنا وقت  
 بنی • هر دو خوبانند اما این کجا و آن کجا • ایکی دفعه صدی می رخ نوازی  
 و نطفی گندی در خنامه شاهانه ری کلمه در زیب شود دیوان  
 اولون مخلص خاقاندر نجا و ز الله عن سیانه •

### مقاله ضمنی دولت دوم

جای ممالک بجم و خطه ایران زمین علم افراز و عوایح تاهی و سلطنت  
 اولوند طغتنان و شروان و کرهستان و ولایت بدیه تقوی و اذو  
 و ادون خان اولاد قدرند بشقه ولایت مذکور منصرفی بیانه زنه  
 و انما در کار و بیدار او یون غواثر اضداد و اختدوفه بنی بالظوع  
 و الرضا بر دولت زیر حمایت سینه انجامه کجور بدیها ظاهر و هویدا وطن  
 ابرده دولت علیه افکار شرقی دن دامن استغنا اولوب ایران  
 دولتی دخی خارجه دن داخل دائرة حکومتی اولوبه ممالک حسن اداره و  
 موفقه اولد نقیده ناشی بعضی خوانین و امرا اسایش مملکه صولیا حداد  
 اولور من خطه سیم ضروری دوسیه دولتی <sup>طرفه</sup> اتباعه وار ویر و کلری  
 نمایان و بیدار اولشیک دولت دوسیه مدت مرفوعه فامور استیک  
 رعکوک آنلا سیه کرهستان فاسدانه ایدیک معامه کافه ممالک  
 شقه تکرار اسباب می لغت اولوب از جمله اکثر یا خوانین و امرا اتباع دن

اجتباب ایوب دوسیه دوتی طرفه دخی مید و رعینه زاهد اولنده  
 تحیرا و تقریرا بوکونه ایما و اتحاد ایدر ایدی یعنی که چتاره خانیا  
 رضا و طبیعتیه دوسیه دولته اتباع ایوب اباً عن جد صلح بود  
 انضام ممالک دوسیه ایدی و کند و ریدنی دوله شاره ایله ملت  
 واضح در مع هذا مرقومدی کافه دار و دیار زندن ماجور وجد ایدر  
 ماضی کیفیه مذکور اتقیا و اتباعه هوسکار اولنده باعث دوکردن  
 و مخالفت اولوب هر طرفن دوچار توأخذ صحت و غوغای اولغله  
 الی انون در کار اولون تکلفات محاربه عظیمه غیر عدیه ایله طرفیه  
 تکلف اولون انسان ویروده دوکیدون قانه سبب اولسیدر **ثانیاً**  
 اون سکتاریت کجه قلمه شی استیوا اموال و اشیا شی بغا و قتل  
 نفوس کثیره به اجتراب به تأیید مدعیای عداوت ایلسیدر ●

**مقاله احوال احوال قاوردا**

**تشریح** کور مدع صودق بینه بوکوننده دخی ● المزمع دمه آینه  
 بوکوننده دخی ● اله لم دستخی ای قلم ناوده دان ● ایلم صحت  
 دیرینه بوکوننده دخی ● شجره سله دولت صفویه ند نش  
 و غوغای هتکام و قورن تجاوز ایوب قرین رعنه ذوال انچه  
 اولد قاضی ممالک ایران غلبه افغانیا نه از هر طرف پرکنه و  
 اولغه یوز طوتوب از جمله تبریز و کرمان شاه ایاندی و اذربایجان  
 اکثر کندی و اضر کلوسه دولت عثمانیه اولوب و اولمرز و کیدون  
 دوله روسیه تصرفه کیمدب شیراز و فراسان جانبی دخی حکومت حکم آفا  
 اولد و به بودجه ممالک ایران متوسس و متحد و اواده کیم نای کجانی

زیاد و اولادی افغانه بیدار اوطنی مدت مرقوم فراسان  
 سرعکینه ایات مذکور عثاری اراشدن علی نادریه اتق  
 پیدایدوب خدمت بی با کتاب ایدرک اجرای مراسم شجاعت  
 و صفت محاربه ده هادست و مانتی ظاهر اولدوق پایه عالیجاه عندا  
 یعنی میدیرانقه و تبکیده شرقیاب اولوب زمان قیدلر طرفه عکس  
 مراتب تخصیص و فراسان و سارمکده و دکا و اولون اقتدار و فساد  
 افغانیا فی دفعه اثبات وجود ایدرک صلبه معلوم و باهر اولغین  
**بیت** بالای سرش زهوشندی • میثاقه ستاره بندی • مضمون  
 او زده عموم عکسکی و فی عمره سه اهاله اولوب و کید امور هر هر  
 سلطنت اولدوق دواطر طرفین دو سه عکسکی وقع و افراج ایدر  
 دوله علیه ضبطه اولون بود و الویه دولت صفویه بی ضمیمه  
 ایران ایدرک صک اسمنه و فی طرما سب قلع خان تعبیرین اختیار  
 ایشیدی •

### مقاله

مدت مرقوم ایران مالکدن دولت عثمانیه اقتدار و داخله  
 ایدرک الویه و بود فرصه غنیمه قبیلدن اولوب مجرور سبب  
 فاد افغانیا دن عبادت اولوب دفعه غائله افغانیا دن صلح  
 بود و الویه مذکور اعاده به عن صمیم دوله علیه قرار ویرت اوزه  
 ایکن نادوشاه مرام دولت مشارالیه بود تحفه عجلانه عواد کتبت  
 بیجه اولدوق محاربه شروعی دوله علیه بی با لغز و ضد و قتل

بجود ایدوب سنین واقع متعاقباً قطعات خردیه طرفین  
 دوچار اولتغین بیفانج و دکار و بیدار اولون شوغرا افتدول  
 وف راق دولین مطود مطور او و او کاشاندر خصوص مذکورده  
 الحوظه و قیامت صوب نادریدن نشئت ایدوب بویایه دولت  
 علیه معذور اولدینی هویداو.

مقاله

ما صد نادر شاه و نعمتی اولون طرما سب تا هله بنای کاشانه  
 عمر بنی هیم و بنای ایدوب بعده بر طرف شیر فواد تحت کیانین بر قرار  
 اولوب **بیت** جدر وقت از میان شهر یاران اتحاد آمد تاریخ  
 دولت علیه ایبه واقع اولون صالحه یاقیب کنار مریه ساهی بر عظیم  
 دیوان ترتیب ایدوب بر مقدار توقیفه شاه کرده نشین  
 کنار مادی و مریبان از وسیله زار و اینی ایدوب نادر شاه امر کم  
 مطاع دیدار اوکان دولته قطب ایدوب یعنی شرقیاب مشهوری  
 اولدینیز پادشاهز چونکه دفع غوائل اعدایه موفقه اولدک اقلیم هند  
 و ستان دخی و افد صوره حکومت ایران ایتمک و طوبیجدر دیو ادره  
 ایچ یور بنای علیه خصوص مذکور کشید و امن همه ایلمک واجبیه  
 عبور تمدر **تاریخ** کوردوب هندوی مخالف کردن بلقور و بیره  
 که **تاریخ** جلدی لشکر به هندوستان اوزره **مقایله** تدارک اسباب  
 سفر و تغییر ثواب دفع اهتیم ایدوبک عازم سمت اقلیم هند اولدینیز  
 بخارا شاه دخی دولت ایرانه اتباع و انقیاده و از نامه کوردوب

نهایت حدود ایران تخصیص مدت قدره موافقه دعوت  
 و اکتاف ایتمی اولدقند نناجی شاه شارالیه زود با ذوی  
 نادری پنجه مقاومت کوسر ملک خارج از عرف قدر اولدقن  
 بالی هم طوعاً و کرهاً رضا داده الهاعت اوطس ایره مدت  
 مخصوصه موافقه دسترس اوطیوب اثنای راه اوردوی  
 نادری بر مقدار بادی توقیف اوطلم اسباب تأخیر و تأئیدن  
 هنگام موافقه نادوشاه طرفدن سئاله ابدار اولدوق شاه  
 بخارا و سمرقند بود و جهل قدر ز اعزاز اولوب شانک لویق  
 اولیه رف تقدیم هدایا رتینه اجتنار و اشتغال باعث تأخیر  
 موافق جمال نادری اولدی دیرلک جواب ویر و کلرن نادری  
 شاه دخی بوکونه سکرفای تواضع اولوب یعنی عی عند مزده  
 ذات شاهانک مشهور شاه دل اگاه و دیندارک شریف قدوم  
 میمنت زومنده زیاده عظیم و مرغوب و ممدوح و محبوب هدایا  
 وارمی جوابیه اجری مراسم جلالتاری به رفه ایدوب بر قاج کون  
 سافرنه اقامتد نضک هدایای لویقه اعطاسیه پای تختی اولان  
 بخارا جانینه بدوع و عودته رخصه شایان و سزاوار کور طرد  
 و آیات غیر صحیحی دن منفقدد که شاه شارالیه هندی ضبط  
 و تسخیر ایتد ک نضک رخصه ویرمی اوله اضلاله مرصوب پای تخت  
 هندی تحریک زمام بجام ایدرلک قریب اولدوق هندوستانه پادشاهی  
 محمد شاه حضرتها دهن عا کر فواوان و بیرون دمانه استقبال

و غوغایه

و غوغایه قیام وقت ضحی در هنگام عصر قد مجادیه به شروع  
 و اقدام تمام اولنوب بعد میدان جاده فروش قانع سر با زنده  
 مراسم طرفین اهتمم آیدند او در ولایت دجعه و عودت  
 ایلیوب یکی طرفداری الحرب خدعه امرینه سلوک اولنوب  
 و کلوی دوله هند موجود معیندی اولان فیله ری قباله  
 عساکر ایرانه مسلط ایلمک داعیه سنه اولدقلین عسکری  
 ایران استماع ایلمک آینه تدبیر و شکیله بودجه صوت  
 و بد کلک روایت و دروغا اولتدرکه او در وی ایران موجود  
 اولان بلا تملک بوینوزرینه بر شمع عساکندانی بنیاد بود  
 او در وی هندون فیلد نمایان اولدوق شمدک آتش و پرو  
 فیلد مقابله ایلمک کافه فیلد شمدک فروزان کولر  
 او در وی هف دوغری طبر و صیر فرطوم فالدر و ب عساکر هندک  
 مغلوبیته اسباب قویه اولتدر لکن نادر شاه طرفین ترتیب  
 اولان صیر شمع عساکر افاقه مانند شمشاد و و ایلمک  
 ایسه ده ثقه دن وسیع و تبه ثبوت اولطوب اقا اولدو  
 هندک از زمانه فرباغت اولدینی روایات صحیح و ندر به  
 صورت دفع اعدایه ترتیب و مرسی اولان صیر و خدعه هندک  
 ضد و کدرندن اصحاب صیده دخی فرم و احتیاط اولدو اول  
 نوزمه دن اولدینی وارسته قید تعریف و برهاندر

مقاله

دوت ضدانکرده که او کسی کرد ابا قته میشود اغدس تا خدا

• مضمون عبرتنامه او زده و کلهای دولت فحیمه هند بوظوفنا  
 بدون کناره کبر فصوص و بجات <sup>اولی</sup> داعیه سیه ترتیب از غیرت و همت  
 اولاد قری سفینه تدبیر ریخی نوظیح امواج بحر قضا شکسته ابتکلی  
 کلیای عی که محمد شاه مستغرق در دیای پریشان و بنیاه اولطفه در  
 انجا پای تخت دولت هند و ستانان کشید و استیوایدوب  
 شاه متدالیه بر طرفه دو بر راه غریت و فرار او طیب سر این  
 قرار و نادر شاه دخی جوار دارالسلطنه ده ضیمه زن انتقاد  
 اولوب مدت مذکور ده اول ایک شاه صید القدر بر بریه موفا  
 و طرفین کمال درجه تعظیم و توفیق مبادرت اولوب بر قاج  
 کون مرور نه نادر شاه رای و درای محمد شاه غریت و فر  
 دولت هندی تکرار محمد شاه اباسی و اعها به همه ایوب  
 بود و ضعه مکتب عنوان رقامه تا صحنی اولوب ینه اور و  
 عودت ایتمدر فرار محمد شاه حضرتی فالص العیار انون  
 اولوه او زده صیح بر نسی به کافه جوهر کابری هندی وضع  
 ایروب با لوسنه شیخای و در یای نور اسمیه می کوه کراغانه  
 دخی عودت بر له حضور نادر که اهدایه ابتداء ایلم کدر نه نادر  
 شاه اول ایک کوه کاندور فی الاصل زین دوخت ها کینان  
 اولوب تیمدر فان حضرت معقیه هند پادشاهیه انتقاد ایتمی  
 ایرده کله شیخای بر جمع الاصله فحاشیه مال دولت ایراند و دیوب  
 فقط بو ایک سند با برای اخذ و قبول ایروب ما عدا فی اعاده  
 ایلمدر محمد شاه حضرتیت شاه باز مید و هدای اشیا نه  
 عنقه



عقده پروان و ساینه بر جاریه دربانان دام کیوسنه قرار ایتنی او دینی  
 قضیه سنه نادر شاه اکاه و خردوار او درقع جاریه مذکورده یا طب  
 ایتکه محمد شاه خواجه و نافرخواه **ناطقه بیت** سر بسطت جادو  
 بیجان و تنی قائم • کیدوب اور غمگرم گوشه گشته بن قائم •  
 بنی سیمخ گشت اشیاں اشتیاق من • و رای قافه دو شمع ایلیوب  
 ترک وطن قائم • ناطقه دلوزیه جاریه مذکورده بی کافه استغه  
 و خدمه سینه صوب نادر که ارسان ایتنی او طغین جواد سرا پرده حرم  
 نادر به نادیده و ناشین بر کرمیناب و مزینا تخصیص و معین خندوب  
 طرف نادرین نظر تطفیف و ضهاب اولوب یعنی سیمخ دست پاکیزه  
 عفت اشع و محمد شاه حضرتها داماد بنده اختر صدر و سوسه و اندیشه  
 اودره اوله سن دیوتشیر بیور مشدود •

**مقاله**

**نادر شاه** ایراندن جانب هندی غریبی مافه مو عودی تجا و زائینی  
 ایسده بایکاب برمدت اقامت و بعد صوب ایرانه عودت  
 و مراجعه ایلیوب بر مقدار قطع مرصده نفر اید که محمد شاه حضرتها  
 اشای طریقه همه از دوه بختی و اسمن اجرا به مبادرت اید و ب  
 کوند ریکی نامه ده بو تعبیریه ثبت درم آه و گشت ایتشد و که **بیت**  
 بادی هوای چمن آرزوست • دلبر نازک بدین آرزوست • غمی کلدر اکلن  
 ای طبیب • آرزوشی بدین حکم آرزوست • بیتی مانند شعله نما اورین  
 آتش جانوز محمد شاه مانند نادرانکه دوزخ نما ایرانه تأثیر  
 و ساریت ایدر مزایک معلوم قوه مدرکه نادر ای اطفال جاریه مستوره

دامن عفتی دست نامحمله جان اولیوب بگرد میان زده بر لطیفه اولیوب  
 بالوفاده و از هدیه اعلا سید صوبت رالرج اعاده به همه و در تبه  
 اولیوب زبانه هفت مرتبه و در عیت اولیوب خصوصاً در دوره نامه ده  
 نوصیه و تادوت ایتیمدر ماهره هندوستان و لوله کرم نای خودت  
 نادری هتین انداز صحاح ساعده ممالک ایرانیان اولیوب فرزند نادر  
 بعضی خوانین و ارکان دولته استقاله سرعت و صدقات اولیوب شاه  
 متارایه او غنیمت زب کوهاره دولت و غنوده بهد سلطنت اولیوب  
 شرزاده حضرتک نه عاظم در دیوسؤال رف فرزند نایب سکو  
 اختیار ایدوب تکرار سؤال اولیوب و جوابه بیافه اقتاری قاطعیت  
 نادر شاه فرج و سیه داز ایدوب شرزاده نک تهنه واقف اولیوب  
 بو کیفیات نامأصول و غریب تحریک خون دل جدول نادری به بحث  
 اولیوب عداقت ندانم عدم دقه و اخترازی بر دل بدوامان مردمان  
 چشم و جدول اولیوب او غنیمت کوزرینه میدهد و ایدوب خصوصاً مذکوره  
 سب اولیوب دخی سیاست عظیم ایتیمدر ●

### مقاله

في الحقیقه نادر شاه عاقد و در اندیش و اصحاب انبیا هندن اولیوب سبیل  
 عزیمت فرزند ایتیمدر او غنیمت سر ایدوب و صیای لزومه ضیاء بنام افاده  
 وقت و هتیم ایدوب با خصوص شجاع سرا پرده سلطنت و در کرا نهایه  
 دوله اولیوب شرزاده نک محفوظ صدوقه فقط و هت است اولیوب  
 باینه نیجه و در شاه دارنصاح حکیمتای اویزه بنا کوی تصدیقی ایتیم  
 اولیوب از جمله بودجه اثبات مدعیه و ایدوب سوبیلکم ای محذوم  
 در نواز والی فرزند جانگداز بوصلت ایران دانهستند فار و طغیان  
 بر قوم

بر قوع ایسه ده ایکیوزنده دن متجاوز اولود صفویه بی بیول  
 و خاندان کورشدور بر مقتضای طبیع انسانیه ممالک موجوده  
 ایرانیه بوسله ای تابع و امثاله طوعاً و کرهاً مجبور اولشدور  
 اگرچه هند سفندن سوشنه عورت مقدر و موافق میشد اولور ایسه  
 فیل و الا و طریفی صالح ینه شریزه متار ایچ سن اتباع قدیمی  
 سزایدورک بیخ نادر اولدیم قوت و سلطه مظهریت پیدایش اولور  
 بر صورت شریزه نیک باسیان باب حقه و حمایت او طعه بانه  
 اهتاج تام ایچکن تنبیهاتیه صوب هند عذمت ایچدیگ او اندن  
 بر فیله زمان مرور و گذران ایتمک او ردوی نادر کیه دایر بعضی  
 اراضی کاذبه السنه واقعه ناسع مانند شمشاد دور و دایر  
 اولدیم نادر شاه هند طرفه مستقر سیدج تفر و تپاه اولدی  
 حوادثاتک شیوع و وقوعه بناؤ قرناى فرزند نادر شاه  
 ابراز صورت اخصا ایروب اورادگان سلطنت و تیره دایر  
 زعمریه کویا شریزه نیک اعدام و تفری دوام دولت نادر کیه  
 باری اولور موقوفه ریه بوضع ناصوابه ایرامه باعث اولدی  
 شریزه دیوان دولت آرزو صفیه به تبدیلی اندازه ایسه مقراض  
 انقراض اوررقاری مروید **نامه بیت** امکانه ایرام قضا  
 و قدر ایله باوه حادثه کون فاده ندر ایله

**مقاله**

چونکه نادر شاه جانب هند وستاندن عورت و بیبوی فداقت  
 عاقبت محذومندک دیورین تفره جبارق ایتمکی کافه ارکان سلطه  
 موجب حیرت و وحشت اولدین افرایور قیام شکر خون

و ندامت عفت ایرات قصه بادی اولد بندن اکثر با مغایر صل  
 حکومت حرکات نابر جایه ابتداء و جرات ایتمکین از جمله رتبه هر  
 امکان متجاوز و محار قبیلدن معدود اولوب خاصه مناسب والوی  
 رسالت و مربوط احکام بعث و نبوت بیوریدون یعنی اجتراد  
 تبدیلی اخلاص و ملت و تغییر عقائد ملت خارج از عرف قدرت بنیت  
 ایکن شاه شارالیه بو کونیه ری فرام و اورا کن قاصد و طفل تغییر  
 مذاهب او عا سینه ذاهب اولدور اهرست و الجماعت صلح سینه  
 اختیار و بو طریق سلوک ایدوب دولت علیه ایله ناجار اتفاقه  
 قرار ویردیکدن بشقه جایجا او غلش بکارها ایتمک زبده دل  
 ارکان دولت سیاستدان فال اولطوب بودجه ایضا دستور مکه  
 مدار اولطوبی بیست یوز التمر بر تاریخ کجهستان حاکم اولط  
 خانک اجداد و تصدقات محرومده و اقع اولون منافقه و مغایرت  
 صدق قیدیه سردان و هفتان و اذربایجان ساریت ایدوب  
 اقع در قیه ده بو کونه وقوع کلون کیفیه ممالک ایران زمین  
 رضی تاثیر و مدبب می لفظه اولطوبیه شاه شارالیه **بیت** بر برین  
 تعقیب ایدوب کلکله در سنج قضا هر طرفدن خاطر ناسا و مسود  
 روتز ناطقه سید سفینه عمان لطنه و رطه خطر ناکه گرفتار  
 اولدین با امل هم جانب هفتان دن عدوت و محاطه بای کجه  
 عزیمت مبادرت و کلوت قلعه سنده اقامت نیت ایتمس ایدوب  
**نماز صبح** جهان کجه اسرار قضایه اشنا اولطاز مؤد سجه  
 اشای طریقه و مطفی فان بعض خواننی ابرانیانده سراجمن رای عقده  
 صورت و شاه شارالیه قلعه شمشیر ساعد اهتم و دقه اولوب  
 رکاب

و کاب عکبه دخی یکد و یکرت اوله در نیت مخصر ری بروجه  
 مرام قرار گیر اولدوق خوانیندن اون بشی علی قول یکمیدن زیاده صبا  
 قیب حاضر و آماده اولوب اول شعله جوفانوزی اطفی واحیکه سینه  
 داخل سر پرده شاهی اطفین درون هم نادر کیه و اصل اولدقزله و طغی  
 خان وهشیره زاده سندن غیری دفور همه که ده جارت اولیب  
 وعنه احتراز و اضطرابه جمیع خارجین پای بند صیرت اطفی خان  
 مدعی الیه وهشیره زاده کی فیه گاه شاهیه مستجد و تکالیف او زره  
 جولون ایند کلرین جواریدن بری حس ایدوب شاه قضا و سیف  
 بدوی نظر پوره اگاه ایلوب نادر شاه دخی خواب خون الودن  
 بیدار اولوب وضو برانه سینه شمشیر خوتزیزه بدل دست قضا  
 بسته به برابر اولوب فرسندن خارج کناده صیقدب خان مدعی  
 داخل حرم شاهی کوردکن ای ذن قره به این چه طوری اوست  
 دیوب فهاب ایند کلرین خان مذکور جوابین پادشاه حضور شاهی  
 مخفی افاده واجبه ذمت عبودیت اولون بر کیفیت خاکبای ملوکانه  
 به عرض و استعاریه مجبور اولدوق بوگونه ضوف رسوم و اداب  
 رقیه اجتناب اولندی دیو تقریر و بیانی وسیع شرح فتاح اولدوق  
 نادر شاه تکرار بوجهد استعاده ایدوب یعنی قضیه بیدار حرم مانع کلدر  
 شایع صدور و استقامت طرفزدن تمام غیبت و وعایبه اونشی  
 فی الواقع حکومت و سلطنته دائر سرور و با خصوص کردی ایجاب  
 ایدن موادی ملوکانه استعاده و فضیله بران تأخیر و توقیفه خصمه  
 و جواز و بر طاعتد بو صورتد بر مقدار صبر و ادب ایدو بند فی البانی

لباسی ایدوب کلک اوزده کم دینه دوج افند سفا صیف ایچون مکینه  
 وجعت ایدیکه دوآن وطفن فان فرم و سینه ضمیر ایدوب  
 ودا سندن هجوه صارت ایدیکه نادر شاه شمشیر قضا تا شیره  
 و سترسی اوطن نا امید اولوب بدینکه ابریقی خان صومالی لیرله اوزده  
 آتوب لکن مقصوده اصحابه ایتدیکندن تکرار محذره سرعته مباشرت ایدیکه  
 طناب قضائیه لغزین با اولدور و زمینه دوشدیکه خان صومالی لیه بر رفه  
 شمشیر لیه ضرب ایدوب کند و سیدی خلیفان غلبه خوفله روی زمینه  
 دوشدیکه آن همتیره داده مائیددی ناکران ایریشوب سینه  
 سزادری سزندن جدا ایتدیر وطفن فاندن منقولدر که اوردنه  
 دود با ذوق ایله اوزده آتدینی ابریه اصابت ایتسیدی یوزگی  
 پاره پاره ایدر ایدی و ایاعنه طناب ضمیمه طوق سیدی بینه غلبه  
 ایدر ایدی دیوب سجاعتدن بخت ایدر ایچی ماضی اول لیده  
 غلبه نمائت فدای بر هود آرمه سیاسته و سزا اولدینی شفاها  
 روایت اولدیفندن بشقه بوایکی بیتک مالک و حنی دلوله ایدر  
 بیت سرب و مغنی بتاداج داشت • سحر که نه تنی سرنه سرتاج  
 داشت • بیک کوشی چرخ نیلوفری • نه نادر و بجا مانده نادر  
 • اطلاق لله الواحد القهار الذی لوزول ملکه •

لویه

کرچه ناضق دست رای و تدبیر جل عطفه تقدیر ایتدیکه عاجز و قاصر  
 اولدینی عالم و عاطبانه ظاهر ابرده نادر شاه حرم شاهین ضلع نابود  
 کیفیته بعد اولدوغ تدارک اسباب و شمشیره وقت و اهتمام  
 ایتدوب تحسیر و قوف داعیه سینه فقط الله بر ابریه الوجب  
 اعدایه

اعدايه و تو چيني عقد و سجا عته لازم کردن خرم و احيان طبع  
خداييد

مقاله

شيمه مادر و وزگار و زيب كه او را اشترا و ايشيكي ذوات بگنجهت  
واقف ارون اطوار نادوي پسند بخ ميزان دغبت و قبول اولاد بقت  
اسباب و حكمتي دولت هذخا بعد الا سنيك محمد شاه حضرتش توجيه  
مناسب عباي سطنه ايشي بگنن بشقه شاه بخار ايه دغتي تخطيف  
و توقير ايدون تكدامند والوي شاهجه جانشيني و ابقا ايشي  
اولاد بگنن ماعدان ه غننا سرفاي خاني اسير ايشي خان  
شاه ايريه او غلج محمد خان محاربه به شروع عمار نادوييه  
صورت افزام و پريت في نمايان اولاد قوق سرفاي خان حضور  
نادوده كجيب اولوب او غلج بد دعايه آغاز ايشي شاه مشاوره  
صورت رضا كو سز صوب بوييه شاه باز بلند پرواز شجاعت  
انگار اولاد ديو خان شاه را ايج نسليه بخي درون اولاد قدر  
غيري قارص اولاد و جوهنن جاموس اغا اسيمه سرور مرد  
ديري عكر نادور شاه كريانكي اسير و حضور شاهي اخصار  
ايشي كرنه اغاي صوبي ايه اولاد بگنن فرام ايدوب بو و جوهنن سواله  
ايشي ايشي كرنه ايات وان و روان و قارصه بنج شير و بخ و  
ايشي قار اولون جاموس اغا سندن غيري وار صيد  
والوه كرنه بو اسيمه شتر اولون جاموس اغا سندن عبار كيدر  
ديو كلونه ختم و يرد كره بيشه حضرتها چراگاه هود خاقان به

علف فوار صوای کاو ذار اولون جاصوسی اغا بندن عبارت  
 اولوب بوقیفای محاربه ده تحریک غدیر فون ایدن بشقه  
 جاصوسی اغا یوقدر دیکره بود فعهنی پای نبد ذوبیه سیاست  
 ایتیب سومت بر اقسیم بر دخی بنج عکرده جنت و جدال  
 ایدر مسینی قطاری ابراز ایدر کج موحالیله بود جلد مردانه جوبه  
 قصدی ایدوب انظار ما فی الضمیره اجتناب ایشد که شاه  
 حضرت بر دقم دکل هزار گریبان حیات مستعار قید اسره کفر ایدوب  
 سونده تکرار عودت مقدر اولور بر دولت عمده فخره و جنابک عداوت  
 مباردت و ایهه ذمت عبودیتدر دبه دل ابراز صداقت و شجاعت  
 ایتدی که شاه شار الیه خوشی کلوب شایان اکرام و تشریف و سزاوار  
 انعام و تطفیف اولور و اعاده نه فرصت ویردیگی قاصد رضوی  
 علمای و خاندان قدسین دینور کوه اتقیا و اعظ ذاده السیدین  
 صبی حضرتین مسجوع کاجوانم او طدر دیکره غنا به اهلیندن  
 جنه عظیم و لامت صمیم در نیات نقر ادم در دست اولوب  
 کافه قتل و اعدامه امر و شادت ایدر کلین عفواری خصوصی  
 کافه ضواین ایران زمین استرحام و ابرام ایتد ایدر ده کادر  
 اولوب غازی قوه تابع ایتیه نام فریده مذوی گوشه  
 از و اهلیندن الحاج شیخ دودانلی حضرتها امینه استخصا  
 اسرا نه جان پرده از و ایدوب شاه م رالیح رجا به کدر  
 اوبه بر فاضل دیندار صوب نادرین شایان اکرام و عبا اولور  
 بشقه اسرای مذکوره دخی عفو و الهوقه سزاوار بیوردیگی  
 الفیت



انسانیت و مروت نادره دولت واضحه و برهان قاطعه در مجاوز  
الحدود استیانه

مقاله

ممالک و انگلستان یکی قسم تقسیم اولوب یعنی همان ترکی تکلم ایدین قومه  
مقال و غدیری زبان غریبه بیانیه نسبتی اولوندره لری تصیر اولوندر  
لکن علماً ذوقون و شعری فصاحت مشحون مهضو اصحاب علوم و فنون  
و ادب و رسوم و ادب و احوال و معالین فشت ایدوب لری کیدن ابق  
صاحب سیف و جماعت نظریه لری کیدی ظاهر و هویدا اولطین کرده لری کبانده  
رسوم و ادب و از حرکات لری بقیه نادر اولطین ایجاب سوال و جواب لری  
ساز لری فرق اولر اکلری قاصد اولر لری نئی لری کبانده لری مضمون نادر  
یع بود وجه سوال ابتدا ایدوب و بشکله ای شاه و اضرة اهل  
اولوبه عکس اولوان و ساز فواین و سر کرده ایرانیا لری عین عقل  
و اولر اکلری با هر دور زیر ابوه لری اصحاب شعور دن اولوب تمیز لری  
و بده قادر اولسید لری طبع و زمان نادر اولوب هر کس لری کیده عودت  
و امر کفر مخالفت بر له تحصیل مرتبه آسیر و استراحت اینتی اولور  
ایدی و سند عی بر آدم سن کافه مخالفت ایند کلر لری صیغه ضبطه  
کتور مکده قادر و کلین حال بوسنوال اوزره حیرت انگیزه ایله بودور  
مخلوقه طبع و حکومت اولوب برینه سیاست مراد ایند کلر لری قزاق لری بودور  
و محاربه به طاب اولر لری یوز بید اولر بی غبار ملول عازم  
ساعت قتال اولورده اجرای مراسم جانشاوی ایدوب مرآت  
مراکز صدوق مخالفت و اعمار کوسر مد کلر لری حکمتی ندر بودور  
سردشته سختی سوزن قب نادریدین کچی دکن شاه شاد لری بودور

از کیه اون بشیت غرضی اعھ سیده بر محمد مافوته اقامته امر  
 ایلیوب فرادی بر عظیم دیوان زنجب ایلچی و زکی مذبوری دخی ضاوا  
 ایلیوب قتلہ مستحقه و سزاوا او نلدون بر ادی میدان سیاسته کتورمی  
 و اعدامنی زکیه اشعار ایله کلرنه هله زکیه بیچاره مانه جزا اول  
 مردنا چادک سینی بدنن جدا ایله که په الحاک نادرشاه زکیه ندا  
 ایلیوب سولیمکه ای زکیه بنج فرمانه اهل علی بو ادی قتلہ اجتناب  
 ایلیکنه هکت ندو اول آنه زکیه بو کونه جوابه تصدی و ابتداء  
 ایلیه دن سولیمکه ای شاه صیده کار سن بنی خدعه امانه مجبور  
 الحظ ایلیکن سبب اولدی بعد نادرشاه زکیه مذبوری بو جهله  
 انظار و ما فی الضمیره ضبیر و اکاه ایتمکه داخله دائره جمعیت اولدی  
 عاکر جزا و خدائینی ذوی اوقدار و زخم ضرورتیتر اشتراک اولدی  
 زکیه نکیه اعتبار اولدی عاکر و خدام و مقربین اوج قسم **قسم اول**  
 مظهر لطف و احسان شاهانم اولوب **قسم ثانیه دخی** مذقب ظهور  
 احسان او طفل و اثنی رضا جوینانه عنیت و حرکت ایدر **قسم**  
 ثالث دخی بو ایکی گروهه مقلوبیتنه بالضرور انقیاد و اطاعت **قسم**  
 او طرد در دیوب سخن پریشان گفتار زکیه دن حاصل اولدن  
 غوائل قطع بے بو زمینده بر طرف ایلمشدر •

**مقاله در فضیله نادر**

استادنا حامد و اعظما ذروه **بیت** انقلابا ایتمدیمه حامد مراد  
 اوزره جرف • جرف دو آری بیله سنگیم و کل بی انقلاب •  
 مزایا سندن خرم و احتیاج ایتمیه دن ابتداء دولت عمیه ایله **بیت**  
 صالحی

مصالح و مخادنته موفوق اولیوب ه غسان طرقة دخی الحاج صببی  
 خان و سرخای خان هضاتی بدو تأمین هنده عزیمت ایتمیدر  
 ثانیاً شریزه زاده ندک حفظ و حماه فصوصنی او غنده هوالله ایدوب  
 تدبیر اخرا به محافظه مکه ایکن دآینه عدم وقفه خط ایلمسیدر ثالثاً  
 اعاده کقابرا مکان اولیان فصوصه بیدوفظ نذات عاقبت مخدوند  
 کوزری تنفه جرأت ایتمیدر دابعا بعض اولیای اموره بچون  
 اوغلی بدن دجا ایتدکز دیدرک بسبب سیاسته صبالفه ایتدکیدر  
 خاصاً هور لغزین تاتی بسید فرزندهد بدو کامل نکرود  
 امنیه سیه توسیع ممالک سودا سینه دور قیقای اقا لیم ایدن شها  
 اکثری تنف صوای حادثات اولدینی موجب کافه کاشفات ایکن  
 اتحاح مرع عقینیه بر محمد صودت ثبات و قیام کور سید تنفه  
**بیت** مدوزم بسید فرنی شدی بدولت کیانی کیان کی شدی  
 مفروضه ماصدوره اولطفه موفوق اولطفه داعیه سید الحوه دور بدور و  
 رغبت ایتدکیدر سادسا ممالک عجزن دولت علیه بعض اسبابه منی  
 اقتدایتدکی بود و اولدیندک اعاده و عدم اعاده فصوصنی تحقیق  
 و التماس ایتدن مقدم دولت مآرا لیه ایله محادیه به جرأته قرار  
 ویردیکیدر ●

**مقاله**

کافه حکمداران جهان و عامه ملوک و دوران هضاتنه لازمه دندرکه  
 نتیجه مودت نذات اولون مقدمات اموده غضب و هوارینه  
 تابع اولیوب مرع سلطنتی اصحاب دای و تدبیره تفویض و اهالیه  
 هت سف و هضرده اقامت ایتدکی اماکنه دقه اییوب و عدالک

دخی کند و رینک افعاله موافقه و صابه کیفیتیه کسب  
 و قوف و اطمینان اید کلرنگ اهلکامی مادی و مه به اول و طینت  
 بغایت حذر و مجانبت ایدر ذیرا ظاهره ماوات اوزر مشاهیر  
 اولیای کیفیات باطناً مغایر اوطی قریب الی صحوار اولیای  
 ظاهر و بود صوز و مقامه دار یعنی سائر سید عالم ملکوت  
 حضرت مولانا قدس سره العزیز فوائده کثیره حادی مستور  
 پرده باطن بیورد قاری و مذولک ازین بیدار اولیای اهلک  
 ظاهر بود و جهت صفت فطر قند که بر عطارک و کانه  
 موجود اولون طوطی شریفناده کند و ری سفر آخره اشتغال  
 خدمت محافظه دکانی حواله ایدوب راهی اولطیبه اولر اشناده  
 ناکاه دکانه نمایان اولون فاده به بر کدی جمع ایند که طوطی  
 دهشزده گوشه دکانه پناه ارنق وار اولوه را عیب سید وار  
 ایدر اینک و عن شیشه سینه طوقدب شکست اینک طوطی ناچار  
 رهها امکن فادغ البار واسوده حال اولر ره آرام اینک ایدره  
 فرش عمار دامن عفت عاشقان کبی الوده و سخ و در عن  
 اولوب فی الحال عمار دعوت ایدوب وار کاهی اولون فته  
 رقه اینیبوب اولر در قه البه و اثوابی الوده هر کاب  
 و سخ اولر قه بیومظه ندامت عاقبت سر طوطی به ضرب  
 سله شرف اینکین آینه کفتار طوطی به عارضه غبار کت  
 و نما اولطی طوطی شکر فائده سیر نینداوه الفت اولون بار  
 و مشرقا عکس و اولر عدم ترده و رغبتی صید کساد تجارت  
 دکان

دکان غارتگر متاع صبر و آرام اولوب عروج طوطی به اشته استیاجده  
 محتاج اوطین ماص بودجه دو اوجواکین دکانه خارصن برهنه سر  
 بر صاحب درون و رهنورد هاهون اسرار و ضد طوطی به اماله نظر  
 کما اثر بیورد قدره طوطی لول آغاز او ازده مقال ایدوب **بیت**  
 ازجه ای کربالکون امینتی • تو مکر از شیشه رغن ریختی • مضد نینه  
 مرغ پریشان حال اولذات کرامت اشتهای نمایان اولنا کیفیت  
 کنذی مبتدا اولدینی قرمته تشبیه نسبت ایلمدر **بیت** چون بیورد  
 صولوی ای هوشیار • یعنی در سخن حکایت کوشدار • و فتنه مسطور  
 بطور دوایت اولون عها دکی اصحاب حکومت دخی نا اهد تفرضا  
 امور ایتموند زیرا طوطی محافظه دکانه قادر و کدر ثانیاً فوهند  
 اسایش و راحت اوله بقدری آنه نظر اندازد وقت اوله قیومت  
 اوله سوال اولون بر رده اقامت ایلموند ثالثاً دکانه دونه  
 بازار تجارت ایندکی طوطی به ضرب ایله دوطار سوه ضرر و زیان  
 اولون عها و مثله عاقبتی موجب ندامت اوله جوه خصوصه نجه  
 مبادرت ایتموند دابعاً مانند طوطی صورت ظاهرده کنذ حاله  
 مشابه کوردیکی کیفیت صفتیه و باطنی اولدجه قیاس وطن  
 ایلموند •

**مقاله ایلمونک**

کروه حکامان ایلمونک ذوقدن و نبضنا میانه بحث جدل امتیاز  
 اولوب بین اوطیا بگونه قرار و برطشکه اهدها اخره بر فغان  
 سه هدهر و ذوق قائل ترتیب ایدوب نوبته نوش ایلمونک  
 صدکون و قایه به مدار اولور معالجه ایلمونکی منظره صدوت

مفتاح ادویه حکمتخانه دولت آنت دست استعداد یکسلسله  
 دید اتمام مدعای مرام اید کلزله اول حکمت برسی فی الحقیقه  
 بر فغان ستم قاتل حاضر و مهیا ایلیدب اخزینده استعمال ایتدی کیم  
 اول امرده منبر زهر اولون تیزالان عدونه مباشرت ایدوب  
 بدمشد کریمه خط ناکدن کاربان متاع صیغه سلوت کیمی وجب  
 نوبت دیک حکیم ثانیه کلدکن ستم مهکدن صرف نظر برله نوش  
 ایتدیکی زهرک و نیکه مابه فقط بر فغان صدور و وجب اولدغی نوش  
 ایلیدب ببع فقط ستمه دار معالجه استعمال ایتکله هادق قبی اید  
 من یخ تبرید ایدوب اولدوروناک بالافره تکف و هدرک اولدور  
 فی الحقیقه زهر اولدی اولیدی ضعیفی اسرین ایدکی دیوب حکیم ضعی  
 سرداز بر ضعیفی زمان مرورنه کتم هو ایتدیوب بعضی محرم اسراره  
 فک و رشیه و از ایدرک حکیم مقتول زیب و رفته تذکار  
 و تأسف ایدر ایشی ماضل بر وجه صیده و خدعه دشمنه اینی  
 اولدور کجوز کرده اصحاب عقول اولور موادون اولدغی معلوم  
 ارباب معقول و منقولدر یعنی اعدانک افعال ظاهرده دکی  
 موافقه کوسزوب بالهنا مفایرت اوزره اولدی موافقه دن  
 بعید و دور اولد یقتل لومه ضمیر مقایله تحمید تصور صورت  
 امثال و بیانی بو وجه مثبت صحیفه احتراز و تدبیر قلندور که  
 از جمله ایکی اوردو بر برینه ملایم و مقابل اولدوق طرفینک  
 مدت اقامتی امتداد زمانه محتاج اولوب غلبه داعیه سیله هر یکی  
 بر در لو صنایع ضعیف و صیده به دار بر در وضعیت اختراع کجوز  
 اولدوق حاله وضا طرفیندن بر دقله بناسنه شروع اولسه

۱۰۰۰ واقع صورتی یکسیدخی قلعه در اما احتمالاً در که برسی زیر  
 زمین بادوت خاد بر اقوب بعد ترک و تبدیل محل ابره در  
 او در وی دیگری اول قلعه به صیب و بوشلو خدعه نارینه اینه  
 تغه ابتدار ایتی اوله بر صورت و از هر جهت افعال  
 اعدا دن احراز و بجانب لزوم عرق او کان دولت اولدنی  
 وارسته قید و شمار دور

اغصان ثابت الاصل سلطنتی اشیا نه بوم و غراب و بنای قوی او کان  
 دیوار دولتی تزلزل تند باد هواوت روز کار به خراب و تار مار  
 اوظف کبیا ستفاد و لیاقت ایدن و و ندرک شعاب قدیمه ظلل  
 عارض اولدیندن بشقه ت هباز لونه صدقه و استقامه اولون  
 بندگانی وادی طرد و تبعید پرواز ابره کدی کلرندن ماعدا  
 که استرا و دولت میکند بیقدر نعمت مفاد بخیر سده دولت  
 صفویه نیک امتداد صرف عظمتی اکیوز هدیه ویب اولدوق  
 عندرین اسلی و سفاهت منتم و عورت و کلا و و عایالی  
 وضع گوشه عدم ایتکلم از جمله ذمه نضار اودن برینی افغانینه  
 حاکم نصب و تعیین ایدوب امر او اها لیه غدر و حقارت ایما  
 و استعار ایتی اولدقدن و قریح افغانینان امر وین صحت  
 تامه وطنی انداز صحاف سامعه عاطیان ابرده خواه نا خواه  
 سفوره برودت اها معنی وسیله حصول امنیت و راحت بیلوب  
 بالافح میروسی زیارت حج شریفه کربسته عزیمت تشدید عذر

ساعده صه ایلیدوب موجود مناعخانه ما ملکی اولون اوره ایکی  
 بیگ کیشان کشیدر و لایحه مکرمه مکرمه ده فرادهره مزید و غبت  
 و درو حایت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دن اجازت بعد  
 محل حکومتی اولون افغانیا؛ مضیه دان اولوله عودت و مضبوط  
 جریغ کاشاف اولورده خصوصاً؛ جباروت و مباشرته دولت مشار  
 الیه باری اولدقدیدر ثانیاً بوناثره عاطوره ای استماعه دخی  
 قبول عامه اولور بر سعادت بنده اقدار ایکنی تکرار خلفه مدار و تطیف  
 وقت ایتیموب حتی اصفهان می صوم سنه کزاندک دیر جلا نیلری  
 تره کور غفلت ایتیمیه اوضاع نابرجایه جبارت اینه کلیدر سبب  
 انقراض دولت صفویه مقربلرک امور ملکیه به مدافله اینه توسیع  
 ملکه جوئلری اولدینی دوایت کرمه نقال و وزیرکاو غائب شمایلدر

مقارین مقارین

تحصیل نوبه و تقرب نامه ضمیمه دانما مقول الذهن اولون  
 مقربینی تدابیر ملکه صرف اذهان وقت ایتیمکه موقوفه اولدقدری  
 اسبابینی امور ملکه مدافله ایتیمک جاژ و کلدر بر حال مقربلرک  
 امور اولیای اموره مدافله ک افتخوف نظامه باری اولور رعایا  
 و برابایه غدر و ظلم مبادی اولدینی جمیع زمانه کجیدر حاصل مظهر  
 و مظهر سطور صحائف کاشاف اولون دول منقرضه نیک شیرازه  
 نظام مجموعه دولت و مقلوب کتاب سلطنتی قطع حادثه مقراض تقاضی  
 اوطننه اسباب قویه قوه رجال و داعیه توسیع ممالک و ظلم  
 رعایا و ترک اسایش عمار و اسراف اموال بیت اطال اولدینی  
 مبرهندر



مبدهند سوطین برانندانه بوش مواری تحت زیر قلم  
 مفروض ایروب خصوص مذکوره صورت تکالیف و افعال  
 که ستمند ملکاً و صحتاً حکم و جوبیه اولدینی امر بیدریدر اما  
 ذکر اوضاع ادکان فیه نیک اعظمی قلم و جالدو قالدیکی خدمت  
 سلطنت مستخدم اولون ادکان دولتک تابع اولدینی شریعت اتباع  
 تامک اولوب امر دینک حدودی اولمه لوزمه و ندر زیر تزیکیه  
 نفس امنای عاقل کردن ظلم و هدایه مانند سلسله و عدول اطفین  
 تأیید خیانت قوی الوردکان دولت اوله بقصد <sup>محتاج</sup> بقصدات برهین کلد

مقاله سوطین

فایح داد سلطنت الفطنیه سلطان محمد خان عبد الرحیم و الفغان  
 حضرتک ایام ضربانجام ضد قدرنگه شیخ اوسدوم زمان بولسان  
 زوانه وقایع انقراض خاندان قسیم حضرتک یعنی نام خدائینی قسیم  
 اون بیت مقداری جوامع و مساجدک حاوی اولدینی می فیل مناره  
 تذکار محراب افتخار ایکن زمان قبل طریقه شمس جراتت جسطندی  
 مفردون سحاب ذوال اوطن حکمت و اسباب نه اولدی ویردک  
 سوال بیورد قدرنگه شیخ اوسدوم حضرتک اداب راسمه رعایت  
 ایروب پارتا هم سوطین جنکیده عاقل و دانان و اصحاب رأی  
 وزینی و ذرا و کلویه موفعه اوله قدرنگه قشت ایستی دیوب  
 جواینه صنی ختام ویردک سحان محمد کعب شاه حضرتک وزیر  
 اعظم محمد بابا حضرتک احضار وقصه ماوقعه ی ابراز و نکاد  
 بیورد قدرنگه وزیرت رابه آقای قبل شیخ اوسدوم امضای تصدیق

قال قبوله الطيب بكونه خريج جامعة بيان ايتمدرد که پادشاه  
 شيخ الاسلام حضرت مفسر و مؤلفها يونه وقت کتاب او با التزم  
 ايتيم اولد قلدن اظهار صوره استارته جارق اولنا مشي  
 زيار خاندان حکومت قريم عتر و فطین پادشاه وسو طينه  
 موفعه اولد بيلد اگرچه پادشاهها عقودون اولسیدی عقل  
 وادواکن خانی و بجزره اولان و ذرا و وکلوی استخدا مده  
 بنیان سلطنتیه برهن سیدوب اعدا و فاد ایتیز را ایدی فوت  
 پادشاه صوره کوی و هو سنده فنام کلدوم صدر اعظم و شیخ  
 الاسلام حضرتی معاً ذوة فاضله اینه تعطيف و اکرام بیو مشدرد  
 پادشاه مشارالیه عقربان پناه امثال و التزام احکام واجب  
 الامتزام سرفیت غرا اینه بکندن بشقه نظیر شان علما و تکدیم  
 ساواق و فضویه دفته دولت علیه نیک قبول عامه اولسه  
 سیتف اولوب داخل جویق سرفیات اولوه وضع قوانین  
 واقدم قلمنه ازجهل شان و برمدق مداومت ایتیکم ریوان  
 هایدون قلمدی مشارالیهک زمانه ایجاد و اختراع اولوب مظهر اعظم  
 فتوحات و ماثرفیات و صناعات اولد قلمدی افکار شریفه زنده  
 نهر و هویداد و رحمت اللطفا علیه ●

**مقاله سلسله سیدان**

مرتب قوانین سلطنت و مکتومراسم دولت ال عثمانيه سیدان  
 خان عمده رحمت و الفغان حضرتی از هر طرف امصار و الویه  
 اودده کند تحبیر و تصرف اینه رک تکرار توسیع مملکه نیت  
 و بودجهها

و بود چه آنچه دولتی ممالکند ضیف و تسخیری فصوصی و فی پیشی  
 شرا و همت و بیای تختی اولاده بیج شریخی محصره به عنیمه بیوردی  
 افتاده شیخ الاسلام عدومته الانام ابن کمال حضرتها بر کیمه حضور  
 پادشاهی به کونه تحریک زبان مقال ایوب یعنی پادشاه  
 بنی دینی و دیانتهم و فب و صداقتهم و اثر ضمیمه جهانگیر خاقانیه  
 مدد حفظه اشتباه و تروده احوال و ادمیدر دیوسواله اجتهاد  
 اید کلرنگ پادشاه صفات پناه حضرتها بعد اینک صاحبان عظمی  
 مت بیضا و امنای سلطنته عیارین سن دیوب سزاوار شریف  
 خدای بیوردی قدرنگ اقدی شادالیه بو کونه وضع دو و اندیش  
 تدبیری و پیشی ایوب عرضها فی الضمیره ابتداء بر له اشعار  
 و بیان بیوردی در که پادشاه <sup>توسعه</sup> ممالک هوسکار اولون دوله  
 عواقب سلطنتی زمان قیدیک زوالی نتیجه ویرد یکی اظهار <sup>الشمس</sup>  
 اولدیفه اصحاب تجربه و وزیر و ادباج تواریخ و سید معتبر اتفاق  
 اوانه ثبت صحیفه اثر ایشدود بو صورتی تسخیر ممالک  
 آنچه سود استند صرفا نظر بیوردی بود مدت سلطنته <sup>ضمیمه</sup>  
 اقا بیم دولت علیه عثمانیه اولون ولایتیدون بشقه اجداد عظمی  
 حضرتان اقد و ضیف اید کلرنگ بدور و ثغوره وضع قوانین عدالت  
 ایدرک نظام و انتظامه وقت و اهتمام اولونوب توسیع مملکه  
 رعیت اولونون کف ید بیورطی فصوصی صوم ملکانه ده ضمیمه  
 ظن اولونور و به درک بعضی اخبار سابقه بیانیه اثبات  
 مدعای مام ایوب کلام سلطنت انجام شیخ الاسلام سیرت غایبه

ضام اولدوق باوی اشارت مفتی الانام طفرای غای حسین  
وقبور ایله طرز دستخصلد و تجلیات هانه ایله سرنیکام و معزز

بید و طرد . مقاله در خط افغانیا

اوضاع سخته صفویه دن کران کلوب ناهار طرفینه ماعده  
والتجایه ابتدار ایدن ولایتک ظلم و تعدی به اجتناب ایتد کلیدر  
ثانیاً بعضی محله عاکر افغانیانک اوضاع نابرچارینه سخن او طیب  
تفدرینه جرات ایدن قومه بدل سار مملک اومدینی اعدامه مبارک  
ایید کلیدر ثالث مادالکر دولت علیه طرفین اهدی ایجاب  
ایدینی ممالک عریض افغانیا نه اعاده کبابنه ارسان ایید کلیدی  
نامه نیک زمین بیت خدا کشتی ایجا که خواهد برد و کونا  
خدا جامه برتن ورد بیست کویا استدعان ماعده اولند بیضه  
سزاکر فی مقصد کلوز مائنی ایما ایدرک یعنی ایران زمینک  
برکوشه سه تخطیه مفرد اولوب مدت مرقعه دولت  
عنائیه کجا بر معظمت بوکونه مفای اصول و اداب حرکات  
نامرضیه به بار نه دولت م رالی ای اعانه صفویه مجیدر  
ایتمدیر فی الحقیقه افغانیانک بدوضع ناصواب ایدر حقیقت  
کافه ممالک شرقک افغانیا نه ندای سیف ابرازینه بار  
اوطرد فی الواقع و اندک نظر افضص الیه اولوب اوست  
و حکم اوانه قول و فعلد نظیم و تکریم اهنم وقت بوزعه  
وقت ان نیت اوطنین صفا که بویا ببع اودیا روندنیک  
نظیر ملوک وسطین فصوص دعایت و احرام نامه لری  
مخبر

محمد عقول اولی ابصار و در ماصو اعظمک زاندره تعظیم دن  
 بشقه و قینه مقیم اولد قدری ساری و تحتکا هدره دخی بابی تکلم  
 و توفیرکث ده دور بیت پرده داری میکند دو قصر قصر غنکبدت  
 بوم نوبت میزند در قلعه افاسیاب مالا سرفات ابوانع نمایان ساری  
 سلاطیه خاندان قریم هیت اولسی اوزره معور و جمیع مفروضات  
 و قنایین و خداییده ارای خدمتی بر کمال اولوب هر کجه دوزنندن  
 پر تو ازا اولوبه شعله شمع علی مصفا و قناییل بر ضیا ایله ضیا  
 اولد و در قصد سیر و تماشا ایبند و درون ساریه بر پادشاه  
 اقبیح کث زینت طراز تحت جهان آوردن و خنجه ایدر

مقاله

دولت قحیمه هندوستان بد قدر قوت مالیه و کثرت عاکیه به مالک  
 و جامع الاطراف بر سطنه قدیمکنه ایکنی و نادر شاه دخی و فرت  
 لشکر دسترس اوطن ایبرده حدود ایباندن التمس مرصده بیرون  
 قطع مسافه بعید ایدرک و هندود خیفای بی پایان و هامدون اولد  
 در مانع و بیرون هت و اردینی آنک غلبه تک اسباب قویه سی  
 نادر شاه بر ضیعی مدت ولایت ایرانه علم افزا دعای ساهی  
 و شیعت اولوب طرف طرف زور بازوی هتته ایران زمین صیقله  
 تصرفه داخل ایروب دولت علیه ایراز ابتدکی مرآت مفاربت  
 و محاربه ده صورت نما اولون منافی دخی اقبیح هتت عکس  
 انداز دهنش اولد یقندن ناشی او اوزه سطوت نادر دی دولت  
 هتت بوسیده بولوله ارای مغلوبیت اولدینی بدیدید

مقاله جنب تیمورخان

وقایع احوال تیمورخانه معلوم است اثنا سده اصحاب و قوفدن  
 بری تیغ دووم زبانه آبی و تاب تکلم و بروج محراب و لغزشدن  
 بود کونه سوال عجایب اشغال ابتدای ایدوب سویدیکه تیمورخان  
 کافه عنایه شجاعت اولدینی ممالک اکثریا طریقه اتباع و امانه  
 سالک اولوب ولایت ایران مشا و ایراک دارالحکومه قریب و جور  
 اولدیفدن بشقه بیزاره ماقده سفر ولایت مذکورده نشخیر  
 واستیوسنه بیت کفتم باین تیغ ایران زمین • کشیم بسی کینه  
 از اهدوینی • ثابله صورت عجز و فطرت مشا و ایراک جود شمشیر  
 جهانگیرنه جلوه ک اولدینی نه اسبابه مبنی ونه حکمه بنا قندی  
 دید کلرنه صوب عاجزان مدن و بیرون جوابی فی الواقع عرفه زرف  
 تیمورخانه راضا اولون ممالک نسبت ایرانه قدیم و درکار برده  
 او اذمه مراتب مشا رلیه اولکه مذکور به و اصل اوطن مقدم محاربه  
 شروع و حرکت اولنوب اولوجه دوی شمشیر و شمشیر نه  
 جود اضطراب و تأخیر نمایان اولدی فی الحقیقه جرات داران زمانه  
 لازمه و ندرکه ضیه و شمشیریه هرکار اولد قندی ممالک قبیله ندرن  
 اقدم هیت بطرف تامه عدل و انصافه قبول عامه اولد قندی  
 دانه نشر هواوت سرده سته ضیه اقبالیم و بپوده باعث اولدینی  
 و اوسته ابراز دلیل و برهانند •

مقاله تیمورخان

مظرافتصاص البریه اولون ذواتک قبل السلطنت مناصب و اولدی  
 نبوت کبی یعنی انبیای عظام صلوات الله علی نبینا و علیهم اجمعین  
 قبل

قبل البعثة بعض موارد عادته نك ظهوریه مانند اماده نبوت  
 بودند وخی افعال و حرکاتش عظیم عظمت ظاهر او طفه بشد  
 بناء عليه تیمورخان حضرتش اباعن جد امرای سمرقنده اولوب  
 ابتدای عالی دستمایه معاشرت قطع اولول و فاضل او طمی ایره  
 ناصیه هانندن نمایان و باهر اولون افتاد شریقی قدوس سلطنت  
 یار و اغیار ای کس و او طرفه مداومت وخی سوار جوانان جهانی  
 اظهار قصب سکر مجت ایتمکه مجبور ایند بکننده بشقه بیت . انا نکه  
 خاک را بنظر کیا کنند . ایا بود که کوشه چشم بجا کنند . ماله قائل اولوه  
 ایند بیه جوار سمرقنده واقع بر ذاق کرامت ایات و ولایت  
 جانتک سفره خانقاهی زاد و ذقار دن زای قاطی او طغیان  
 اوج کوه فقادی درگاه مداومت صیاق صمان اولون لقمه به  
 دستس او طیب حرارت جوع وجودس لکینی تفت و احواله شروع  
 ابتدکی آن جناب تیمورخان ~~...~~ خانقاه مذکوره بر کوه سفند  
 فریه و تدانا و واف نان عزیز ک اینل کتوروب خان صومی ایبه  
 کبش توانای کندی ایبه زنج و بر بیان ایدوب حضور پنجه عرض  
 و فقادی خانقاهی جمع و اطعام طعام ایندیر و کد نعلک جناب شیخ  
 خانقاه تیمورخان مظهر نگاه و ضهاب ایدوب بیوشکه یا تیمور  
 سه جهان بر ادنا بلایه و بلائنه اثر ایندک بخار و صلح خودک  
 شاه ایران زمینی هوذه تصرفه ارضال برله جانب دومه غم ایدوب  
 سله آر عثمانیدخی فقط برزیه ایبه عودته مقرر کنندک دیوتیه  
 ایلیش . بعد چند روز مرورنک جناب تیمورخان تا نکرکچ و ایضا اولوه

بیت . بر شخصه اوله حضرت صفیه عنایتی . بوجود اولور زمانه ده  
 اسباب دولتی . مفادینجی مثالیله اسباب سلطنتی حاضر و مهیا  
 اولفین هتکله مذکورده عروس اراضی سمرقند و بخارا ای دراعوش  
 و قریه معدوی سلطنتی مانند شربت سره بسته نوشی ایدوب ایران  
 زمینه دخی اظهار بد طولی ایدوب بالافه جانب دومه و اصل اولدوق  
 وقایع غریبه غمناکله محو کون برک و ده فتنی باط اقامت ایتکله  
 عیسوی ادره ده و ساریه دیکر کجه بولنوب تیمور خانجه  
 بودجه اقامتی حمله آل عثمانه کینا تقاضی داعیه سنه در اصفه  
 بنای امیر سلطان و سقاری صفائی سلول آل عثمانه تقاضدن  
 کف ید ایله دیوانه عاینه کلرنه تیمور خان فرام اندیشه و ازین  
 ایدوب بوکون تحریک بلج زبان بیان ایتکم بن دولت عثمانیه  
 روانه مایور دکلم کنی بر جزای زجه ایله کار و استقلولدرینه  
 مایور جو ایله شیخ شاد الیهک تیه و وصایای ایا و اشعار  
 ایدرک تکلیف غنائد اضطراب و احتمال ایدوب از میرک  
 فنکون اخذ و ضمیمه مالک اسلام ایتدیگی هنگام عقینده مانند  
 سیدج بد عثمانی عاکی ماورای النهر اجرا ایدوب بعد  
 زمان . لنا مقده صریح . آمدنجه اخذ و راه فها رفت . ماصدق  
 او زده قصد عزیت خرافیم فها ایدیکی او انج اثنای طریقه  
 عازم وار بقا او شدر مثالیله به پادشاه عظیم القدر  
 مقصد صف اول و مفایر اداب حرکات افساری اصحاب  
 تداریح و سیر میاتر ایدو اطوار نایجا و ناپسند و غیر معتبر اولفین  
 بنای



بناد عمده احوال و حركات و بقیه قاله و قلمه النیب اکثره  
 و قد عانی انداخته تاضیه بسیار قشند و عادت مشارالیه قبول لغوی  
 بر کل مرتفعه عروج ایدوب از دو سو نظر و تحدیث نعمه خالوه البشر  
 ایدوب زباده سینه بکا و شکر گزار و نغ بارگاه جناب کبریا اولدیغی  
 نوشته کلام بدیعه نادر

مقاله

صاحب فضا و فنون جناب ابد خدوون تیمور خانده مدوفا شرفیه  
 بیور یوب صماخ سامعه جناب مشارالیه دره مرتقب ضهاب و درونی  
 سانه حال ابد فاعب و یا اولی الالباب و به درک تیمور خانک مقود  
 اولوه احوال ظاهره سیم مظهر اولدیغی تجلی و قوت قاهره به استغراب  
 اوزره ایکنه افندی مغزی ایبه بوکونه ابراز جواب ایدوب یلشک  
 مرده زبانه کفنه راحت اولدیغک عادت فانه فوده باب  
 و فونا عطفده واقع اولوب درون عطفه به داخل اولدقده  
 جانب عینک اوجنی باضود و درونچی قیو اولوب درون و بیرونک  
 اما فنون کلی ضیقدر و دیگر ابد خدوون تکرار معجزه اولدور و وقع  
 اولدور فواظر استغفار ایدوب بی الحقیقه ماودای المزدون  
 ظهور ابدن پادشاه جواد نیز مرده بنم خانه عجزانمه ایا اولوب  
 بوجه از باب تحقیق و اصحاب تدقیق و انتباه هر حاله جهاندارغه  
 سزا و سایاندر دیوسر تصدیقه ابتدکی روایت استماع اولمشدر  
 لوجه مصالح عامه اداوه به کب استعداد و اقتضای ابلک  
 حکمه محض البریه در ماث و البریه بودکام مائل غریبه قابل صیغه

تعداد و کلاسه و در ضمیمه وقایع اطوار نیمه و خان ابتدا را بدند  
 دولت علیه دن اجتنابا ایدون با افزودن قبا که نسبت ثبت  
 صحیفه مطور ایشدود مع هذا سوطین عظام العثمان و محض  
 الله علیه اجمعین مضافی ملوک و حکم اوان مقدره ذم و قدسه  
 رضا و برمد کلدی و فصوص مذکور عند رنه منقول اولد یعنی مسلم  
 در باب تحفیه و شعور دور

**مقاله**

<p>نه جوهر دور ایدون مع هذا سوطین عظام العثمان          او پیدان مقدس سرور الیم فیض در کمال          انما از خایره اولضه نیک سنک بیابان          که چون تصویر حایط نقشه حیدره در کمال          او ملک و صفه کلز بر چرم کسوی خود بیابان          کند و خانه قضیه اول زلف پریشانی          کند و میدان فایح بصلح صلح آل عثمان</p>	<p>اونند کیمی عیای دوش خامه من داغنا          مقدم ذکر شروع ایدون کیم پیرانه حوسله          او دینه خانه تاثیر ایدون انفا ساری          بسط اری که مانند یو و شروع و او قده          و مانند جنت استر طول در اذ اینه          او کسوی صحیفه شانه فرکان کوستره          سرین بر اولوب کیم وادی کیفیت شرف</p>
---	---

**مقاله شروان**

کلزار فتوحات نام و ساله مزون بعبار قران نقل ایدون احدال اولکه  
 شروان اجمالی ثبت صحایف بیان قلمند که شیخ سیدی حبی و شیخ  
 مجد الدین و شیخ نامدار و شیخ محمود و شیخ یوسف و الحج الشیخ  
 حکیم لغار و بو ذوات کرامک امثال معدود سجه شمار و موجود  
 خانقاه انقاصه و وقار هزاره اولیای صاحب ملکین و شهاد  
 و پیران خوابه گان نقشیه دن و اصل انداز اسرار ک و کار قرسی  
 اسرار هم الا بوم المیزان و القدر حضرتک مراد منوره رینه شرفیاب  
 و تابناک

و تابناک اولون خان عهده ناک شروان اهل بسند امر دین صفت  
 و اهتاج تامه له درجه زبانه موصول کبار و صفادینک احکام و  
 الاضرام شریف غایبه امثال و انبا علی خ حد ذاته صحیح بقول اولی  
 ابوبصار دو جمله اهد شدند بود یار مغفرت انارک اکثر شافعی مذهب  
 اولفم مذهب لطیف صنف صنف قبیل العدود و غیر المنافع ایکی ایلت  
 صیبه حاوی اولوب و ایکی خاندان منجور شکی و شمی فی ناضح ایکی  
 بده عظیم مقدره مندیر طوعاً دولت ایرانه تابع اولیب میان رزق  
 قنار و کارزار متابع الایام و الوعصارور یکری بس تاریکه قدر  
 ساجد و مبارزه سان فطیحه نام پادشاه اسدوله زیور محراب  
 تذکار ایدی استخراج نام و معلومات و اختصار و تحقیق و تبصیح  
 ترفیله نظر و شایان اولوه اورزه انقاس قدسیه اهل بسند  
 هر دوده او توزعدری حاوی علاقه ذوی الاقدار یکه ناز  
 عصه اشترار اوله کلندر نامه بیت ولی ایند کلری مجموع معنی  
 شاه دور فو اسان فو اهلکانه النجا پیران شروانه صحیح  
 العدو التمش بیک عکر افراجه متحر و بحسب الحدود و اغستان  
 و کرستان و ایران و لوی تکرینه مقصد

مقاله طغستان

عارف اهل حال آسا اهدار فلیکه و اوضاع دوزخ کار نا اهدا و دن  
 و انما صیبه در صیبه یعنی اعجوبه ذوی زمین اولون جبال البرز که  
 طول و عرضی اولدوز و قوه قوناه مرصه مسافه بعیدی حاویدر  
 ذک اولونان جبال عظیم المثالک درون و بیرون اطراف و هوای سی

طویف نری و پاداد و قلمرو و بندگان و سایر انواع منفرد که  
 شیرازه بند رساله اتفاق اولون سان غریبه بیانها بر برینه  
 مغایر ماضی او تو ز ایکی دولو زبان بدیع الزمان و نویست  
 مذکوره سان اولد یقینه ناشی اکثر مخلص عربی تکلمه مانند  
 اولو و عرب رونو اقزای سخن اصیاج اولوب کتابت خصوصیت  
 عربی کتیر ایتمکه محتاج اوطفاین قدم مذکور کجمله تافعی المذهب  
 امر دین صمد بنوری مشهور افاوه اولوب استخارج نام معلومه  
 مالک بالملکه علمای حدون اقوندر بر هودو مخلص قسیر انما  
 وار ملک شیع و غیرت اراد و هبوط آمدن بو آنه قدر یقینه  
 بر طرفه مکلف اولوب فقط سایه حضرت پیغمبر ده کب ایند کلام  
 اتباع عامه شرفه صبی دولت ال عتاه ماسم انقیاد و اتباع  
 پابرجای ثبات و استقامت اولون قوه بی تاریخته قدر اسم  
 پادشاه اسوده محفرازای محاب باهات و افتخار ایطیر  
 التي عدد ایالت صیحه فاندان مربوط ماعدای زای شریفیت  
 پیرای علمایه منوطدر معدود سجه بقیه اولوه اوزره مردانه  
 و شیرانه هوب جو وضبت ازما اسیر الوداره و الاخرانج  
 در تیوز بیک نقر عکس متحد ممالک مذکور نکت بر جانبی  
 شردان و خزنه و بر ستمی کرجستان و طرف دیگر مقتضای  
 طبیعتی اوزره حدود قزاقده تصدیر

مقاله کرجستان

حدود اسلامییه قریب و ذکر اولونان و نویستک جوار اولد  
 بدکله اجمالاً بیان احوال من اشمال کرجستان بو وجه اول  
 جاسوس

جاسوس ضایقند که جمال و لغوز شود اقرا و تناسب اعضای  
 و لکث و صفت دوزاقون بیهوشی دشت و همدون صرف  
 نمودن پر لاله و اغداو و امن کربار پر از هاد و کونا کون و صوم  
 و انواع اشجار و از یاد ایبه و لال و لیر اما لثتة عاشقان و کج  
 او باب ایمان و عرفان اولون دیار کربستان ایلی ایالت صبیهدن  
 عبادت اولوب او بیوز سنه دین و دولت ال عثمانه اظهار عت  
 و ابراز مرام عبودیت ایدن اولاد بیک دیانه منحصرا مقرر مکتبی ز کور  
 او زرنج واقع شهر تفتیس اولوب آیه باشد دخی کوریر اولاد دین  
 منکن اولد قدا مقرر حکومت کوریر و داد یاندر آیه باش ایالتی سنک  
 و کوه ر اوطه صبیله می هوا قیلر و دوندن کن ایالت تفتیس منافع  
 کتیره ایبه حاله مان اولد یقینه بشقه لعل اولد رینکله مشهور معادن  
 عظیمه نادار نظر آورد صدق نادوشا هدیدو ایالت مذکور حکومت  
 راض و الحاقه مجازی و بخاری الاصل قبائل قرآوه عشار صبیله حاوی  
 و شمس اولد روه لکل مذهب یذهب قییدن اولطوب جمله صفتی  
 اذذهب و دیندار شجاعت و مانتته شرر شعار بر قوم پسندیر  
 کفتار دور و اصل و دجاست عبیه معنویه میر بدالدین غازی  
 و قصه عجیبه کزار فتوحاته بر وجه تفصیل محرو اولون شیخ بیفته  
 شریه بو محمد مدفون خان عطرنا کدر غریس باغبان صنع اولد  
 اولون تازه زبان حدیقه سن و آن یعنی دلبران کربستان  
 و کات مطبوعه لری شورشا فکن اقدیم جان اولطنین و جوهره صبح  
 و تخمین صور کیه شایاندر فضه و ضایع غنیه بو مشکای پرچم و کبوس  
 و چشم بادام و غمره جادو حاصل سن و لو و الله ملو بر ولایت زهت

افزود که خاش خلقت هوشربا را اندازه تعریف و توصیفند  
 بیرون و بیست زلفه سوزنی سوال قلمه • کیم اول کیم قصه  
 او زو نذر • و ندر کیم طی تفصیل بیان قند •

**مقاله**

یاد آن که بوده اند ندانم کجا شدند • ایامه حال بود که از ما جدا شدند •  
 مثل فرقت اشغال او زده زجه احوال کجاست تا بیانشه منظور قرائت  
 فرقه فرقه قبائل صبیح دن عبارت اولوب صوفیه اجداد و تعلقات  
 عاجزانه مرید او طیفین قبائل مذکوره عم اصل قبل البعنه حجاز  
 و هیف اطرافدن تاتارستان کبیره عزیمت و قزاقه کبیره ضمیمه  
 صیای اقامت و عوائل هائده جنکیزیده تکرار عورت و البعم  
 ساکن اولدوقد محل و ماوی رنیت بر طرف کجستان و باغستان  
 و جانب دیکه اذربایجان و حدود ارضی و قارص ایالت کبیره و  
 و جدار اولوب نادر شاه مقدم باشکوباشنه بر حکومت  
 ایسه ده شاه مشد ابراهیم دیکه دماغی سخیده غنسان  
 هداسیه غنسان ایندکه قبائل مذکوره نده جا مستدن احتراز  
 ایدوب اون ایکی بیت خانه ممالک ایرانه روان ایلیوب  
 ما عداسنی کجستانه الی و اینجه اولدیفندن الی الی  
 کجستانه ملحقدر اولدی خانه اجداد و تعلقات عاجزان  
 میانجی دوکار اولون مراسم صن عودت صبیبه ایالت کجستان  
 حضرت ه غنسان و اعدای سارهدن و قایه و باب کما قظه  
 عزیمت و همتی کشاد ایلمشدر عواقب نادریه بالاده ایما  
 و اشعار اولدیفنی وجهه ابتدائون و ظهور کسب استعداد ایدوب  
 بعد ممالک ایرانه سرایت ابدن اضداد و فادمدت مرفوعه  
 اولدی

ادکی خان اجداد و تعلق آن میانه واقع و اشکار اولاد معاد آن دن  
 نشئت ایوب عاقبت بومواد از آن وجود نادر که باری اول شود  
 ارضی واسع و کثیر المنافع بر کس نزهت افزا و در عاکس کافه سوزید  
 و آت اوزد نوح لشکر فتن پروردگی تفتخ اندازده ماسمن  
 اجداده ماه و پوانه قدر جنه و غدغاده مفلوینده نر هر  
 او طیب کافه ممالک شرقیه ده صنایع عربیه و شجاعت مسلح  
 اوطین اولکه اذربایجان قبائل مذکور دن اجتناب و احتراز  
 ایدر باه الفوائد و صحیح العقاید بر قومدر علم و از کما کتب  
 و شعری کثرت اوزده رویا پدید نیک هنگام شناده مفرح اوقفا  
 محله مافه سزوانتی ساعتدر هر گوشه مانند جنتدر فقط  
 مریان و تموزده باید درین مضمرا اولاد جای فرخزاده اقا  
 و استراجه ایدوب اغنوی و صولنه مصرع غزلیج اقلیم هوانده  
 اعتدالی قاطدی مان اوزده عودت ایدر انواع مصلوینده مرزوم  
 و مستقیم اولوب هر قبیله نیک هنگام مطر صدع عندان اوست می اید  
 سوطینه مشایخ ایدر میان رننه دسوم عادیلری اولوب امرایه زرتعا  
 مخالفه و مفایرت ایوب خاندانینه انقیاد و احترا ممالک زانده  
 عن الوصفدر و خاندان عاجزانه منظر و بازی تعبیر اولنور  
 بر نوع کچیلون ساعقه عنان هجود اوطین صتی دخی بنی آدم مشایخ ایدر  
 یعنی زکوری آنه سنه و قضا و قدر داشته و آنه سیده معانقه کردن  
 معانست اولون مادیانه طوق نماز و سوار زین صبار قناری  
 اولنور دن بر کعبه یم ضرور زبان اصابت ایتدیکی مسبو و کلدر  
 کافه ممالک ایران و توران و غنسانه مشهور و معتبر اوطین  
 از جمله نادر شاه و اغتانی داعیه تسخیره و شوی تیمور قیود

اردو و قشیرہ ایکہ جمع میر غیاث الدین ذکر اولیایان کجیوندت  
 کزیر بر آت اهدا ایدوب بعد زمان هندوستان و لولہ اراک  
 استیت اولوہ سورا سیدہ راہی اولدیعی او ان ذکر اولیایان اسبہ  
 سوار اولوب اثناای طریقہ خوانیندن بری نادرشاهه بیکونه  
 سخن پیرای اجت ر اولوب دیشکله ه غسان کبی صوب و کتاف  
 بر اولکه نیک نخبیدیه هودکار اولدوه تحریک عنان اختیار  
 ایدوب صیطة شمار و ص به کلمت خرابی رعاک جوار بریده  
 و بیفانغ تکف و ضار اولدی دیوب ابراز و اشعار ایندیکی جوان  
 وسیع مرصده ضام اولدوق شاه مث دالیه بود و جهره نریزیکام  
 توسن سان ایدوب سولیکه فی الواقع اسبران میدان مقال  
 اولدیقت سزاد برنج در لکن میر غیاث الدینک الون زیر  
 دانمخ اولون کجیون ضیفه ه غسان داعیه سیدہ صرف اولیایان  
 خرابی و تفانہ مقابدر دیدیکی مرویدر فا عتبر و یا اولیایا  
 وار و دیار مدن دور وطن و خاندن ماکبور اولدیقم او اندنبر و  
 اجدادک سوار اولدوق کجیونہ بدل طویله خانہ عا جزانہ مع  
 توسن غم دوست غریبانہ مع عنان الم کوروم ذالک تقدیر عزیز  
 السیر و اصل قیات مذکور نیک ساکن اولدوق محار و ما کنه  
 غرائب ممکنات حدودها بدن بیرون و اطراف و اکنا فی عجبانه  
 شکر او طیفین از جمله السنه ناسه کوه زن تعبیر اولیایان  
 صوفی عجب و عظیم که امدی صحیحی کوه سان یعنی هاندن صبر و بیکدر  
 فی الحقیقه شنی چشم دور بیه فلک کورمکی بر صوای وسیع  
 اولیایان و کثاده هیت مناده اوزره معمار کارخانه قدرت  
 اصحاب



اصحاب دقته غریبه بر عیبت ضلوه و تکوین ایتمدر ذکر اولیا  
 صیغند با لوسنه عوجه منظر طریق اولوب اولطریقیه مقلمور  
 تختدن نصف ساعت مقداری بعید او طرخی با لوسنه کمنظ نظر قلعه  
 ایتمد فوقه بعضی اشجار معدود اولوب ایکه قطعه کلبه رسمه  
 بناسی و ادور فوقه اقامته روز کار زور کار ماندر صلی  
 کدوم ذکر اولیا قباثلک اطرافنی محیه اولوبه جبال و کوه ر  
 لاهه صیغای فرضا سنه کویا عاشقه اولوب مانند سیاه بزار  
 طرف طرف تها ده کنان و قطع بار او طغین اکثریا ابنیه خانه  
 مقص کنار جویبار اوله روه بریده رود و از بار درو قباثلک  
 کلک خدبان جهان کبی رفتار و جریان ایتمک در **بیت**  
 کور مدح اویمه زمین صلی بن اویمه دیار • بری واردیم ریح  
 کون اولورسن خدنیار • کرچه اکثر عشار و قباثل اقداموال  
 و غدره مائل اولوب ارباب تجارت و ذراعته باعث و غدره  
 و غدائر اولدقدندن بنا رعلیه فی زماننا بین الناس مترام  
 اوطنلور لکن قباثل قراوه متفروه رویای نعمه تجارت  
 و غدره ضررجه ذراعت او طغین اقدام سازه یه نقدی و غدری  
 موجب حرکاته صادره ایتمدر زیرا قباثل مذکوره یه اگر چه  
 اهریدیم دنیای اقامت اولوب لویحی و ابنیه علی و ذیبا  
 و اشتغال ذراعت و آمدشد امر تجارت خصوصه در کار اولیا  
 و فاه و اهتامدینه بنا عشاره و فی نسبت و مشا برتدا اولوب  
 فی الحقیقه بود و قباثل اوصافدن اعد بر کیفیت عقود سنه

مظهر بند وادسته قید و الزام

نظم

- ویر خلاصه اید سیفا و جماعت قبائل
- از هر جهت ویر لای قضیت قیانه
- اول نیند او دی قبا تر ضفانه
- تیمزی بویه یعنی بو دولت قیانه
- یعنی محمد نینه اول شارح شفا
- هب ویر لای شرافه و وقت قیانه
- بره ادعایی ایتمزم انفا ایله بیور
- مخصوصه در سیمت و عنیق قیانه
- اجدی شمسیت صبح قیه دن
- فایح سن ایله کزکی نسبت قیانه

فصل دوازدهم

بارده رقمزده بیان اولدینی اوزده اسباب معلوم یهینی  
 بکرمی بر تاریخی او اخرنه ولایتده هجرت و قاص ارضروم  
 جابینه عزیت و محمد مذکورده اوله ماه مقدس اقامت و بعد  
 ارضروم طرفه ارضای عثمان غنیمه مبادوق اولوب بو فضیا  
 باش حضرتیه شرفیاب موقات اولوب مدق مرقوم دوت  
 روسیه ایله واقع اولون محاربه به بناؤ تکرار قاص طرفه  
 وجهت ایجاب اینکله هنگام محاربه ضامنیز اولنج به قدر خدمت  
 عالمینده موفقه اولدیغنده ناشی سرعکرت رالیه دو سعادت  
 نوصیه لوبقه ایله ارساله نیت ایتمشایرده صلواتنا صلیب  
 باشکرت رالیه ارضروم قشیر دامن مراجعت ایندکه لهدنی  
 ارضرومی بیت وادایکله بر جای دلکش شهر استیو مبول کبی  
 ارضروم آه کیم بر کلغزار اکلرینی مفاد بجه قاص منظمی

مدتی داده بعد از آن حضرت با توقضا قارصه تدقیق  
 بیرون نظر سرعکه استرام ایندیکنده ناشی مدق مرقومه  
 طصیقه قارصه اقامت ایجاب ایدوب بی الواقع دولت ایران  
 و اگر ادایه بعضی وقوعه کلون حادثات هائیکه دفعی دفعه  
 موقعه اولشیم بعد زمان بر مقتضای قسمت تغییر کنی قسما  
 ذکر اوندان محله فلت رابطه اقامت و یکدی روی تاریخچه  
 اسلامبول جائنه تحریک زمام غایت اولنوب بر زمان شخصی  
 علم شریفه اشغال و ترک اشغال و نیای فی الحقیقه اقصای  
 مراتب امان اینش ایسه **بیت** های سلطت بر آرزودر  
 درج کیم هائی **•** بیان کار بانف ماه کنفانی چالار چار پار **•**  
 مقال لطافت مانه بنی آرزوی بیوش هم دنیا نعت مشاع  
 کوشه اثر وای غارق و بیغایدوب تکرار بوسودای بی سر و پا  
 سر سودا زود هزار دوسره مندو ایتکلم جایجا دو کبار دولت  
 و با فصوص مرصع و طیف نظر افندی حضرتتیه النجا اولنوب  
 یکدی ای تاریخی دولت ایرانکه کف در کار اولوبه مناقشه  
 تدبیر عاجزانه بر طرف اولدیقنده بشقه دوسیه دولتی فاشی  
 قلم سیده جور کصوی مبادله ایتکلم ابراز رغبت ایتدیکی فصوص  
 ایجابته وای و تدبیر افندی مشارایه طرفه کون عریغی جزایم اولد  
 اولدض بر وجه مراتب صن صنایع بولوب بناء علیه ناموه الحرفی یکدی  
 طهوز سنه تاریخی ذمق کتبه دیواره های بون الحاقه ایدوب  
 سنه مرقومه اونوز سنه تاریخی قدر ذکر اوظ قلمه دومیه صورت

قیام و شبان کوشش کرده اندی شارالیرک و فائیدن  
 ملک بر مقتضای شیوه تقدیر خدا عظیمه باغ اعالم کل تصور  
 اسان شکفته و با نشودن و دفع مقصود مع باره و صریحا  
 قاشیکه بیت • بوسه ملک بیالته روح زوان او بر • فیض  
 بسم کل تصوریه جان و بر • مدلوله به شقه شکر المنعم  
 علی المنعم علیه واجب قول شریفه انبای ثبت اذکار جمیع  
 لوزمه ذمت فائده بدیده عدم اولیه فور دان اصحاب علی  
 و هنر آصف شان معارف دور مدبرند اید ملک و مت مشید  
 بنیان قوانیه دولت مدوع هیت مجریه بطنه سلح دار حضرت  
 شهریار کشورش اسبه زینت طراز مقام والوی صدوق عظام  
 مشیر مندی نیدر الوزیر ابوالوزیر السیلابی و حمت الله علیه  
 حضرت نیک هنگام ضرابی صدارت در کاسه و طوبی عاجزانه  
 لیدر باره صرف و دامن صیب آرزوکنش کل موقوف اولیا  
 سلم اولین پایه دولت عثمانیه اولان فواج کاندو رتبه سیده  
 قدر عاجزانه رفیع بیویوب و و اوج سنه سی تاریک و کیمه  
 بعضی مقرریند و بویوب مدق مطوره واقع اولون مجزوه  
 با اراده شاه شروه جانبی رعک غاب بشانک معینه  
 میایه صلیت خدمت بعضی خدمات کفیه لوزمه انضام سیده  
 مقررین اقتضا ایدوب الحوه کار به و مصالحه ده جانب پاره صیده  
 واستقامت خدمت کمر بنداهتم و دقت اویش برده ریاض  
 اعان عاجزانه باران سیب از لیاور اولدیفندن زلال باغ امید  
 و غلی

و چنان بار آور او طیب بیت توفیقه رفیقه اولیه بجه فائز بقدر  
 ان نه بوداده عقد او باره ضرر اید و نیز کسب حیطه ص بدن  
 بیرون او قدر بکلون امک صدر تا هباز مشهور اولدین محلی  
 کلد کج ثبت ورقه سطور قلند لوزمه کلد بدایع نکار عجزانج  
 اولشدر

مقاله

بیت یکبیز قره دوق سنه تاریخ ارضومه وصول عجزانج  
 مقدر اولوب بر راه مروزی ممالک ط غنائی امرغزایه تشویه  
 و کافه امور و خصوصاً و عامه نیاز و مستلک تزر و کلدی دوش  
 عیاره قرین ماعفه و تسویج بیویله صبی اشعار بجه و احد و صیب  
 انبیه لرین مالامال آهانه و ساعده ایدوب و دریناق سازه مسدود  
 اولفند ناچار ذکر اویج اف و ده رتبریز جا بنده ارساله قرار و یوب  
 تبریزه مافوه بقعه غنائی الحایع عیان و ساطینه و غلام  
 دوت ایران عباس مرزاد حق سفایه اکرام و محل مودیه و مودیه  
 خصوصه اقدام نایع ایدوب بعد حاجی مومالیه ارضومه حسب  
 اوله دوه تکرار ط غنائیه طرفدینی تحریک و تشویه اهتمام اینک  
 رایجیه سینه اعاده و بعضاً خصوصاً مدنی تفاهاتیه و افاده اولند  
 ط قنیت محاربه شرعی زمان واحد تصادف ایندیمی لوزمه  
 اولدین تزر عجزانج مع سلم و مستقیم اولند بقنده ناشی مقدم و خوش  
 ارساله ابتداء اویج او امر و جدایات سازه دره بشقه صوب عجزانج  
 کوند و یکم ورقه نایع مانع بکونه درج و نظیر قنیت یعنی بعد  
 ازجه طرفک ایصال مندی ضمیم اولون تحریکاتک حاوی اولدین  
 مال اوزره محاربه به انتفاوه ایندیا ایما قنیتدی مؤخر آسته و قنیت

تعبانہ لفظندت او اسطرح تخصیص مدتہ ارسال ابتدیکم مکتوب  
 عجزانہ من بعضا سبب مبنی مع عہد ایران توقیف ابتدیردیگی او لکن ہو  
 ہفت سنانک محاربتہ شروع افتداف و تردورینہ باعث اولفندہ  
 ذکر اوظح ورفہ نیک ارسالی خصوصی شردان حاکم مکتوب فان مع عہد  
 طرفندہ التماس نتیجہ ابرہ وہ کارکر اولیوب اثنائی قبل وقایع اوردی  
 سرعکھا منزما پربت نہ و تارمار اولدین حد او ثانی استماعندہ نکلہ  
 ممالک ہفت سنانہ متخیر و سرکردان قاطع ابرہ وہ بعد المصالح اوج  
 سنہ کاملہ پیدوبے دولت روسیہ ابرہ صحت و غوغایہ اجترایدوب  
 طرفندہ جو وضعی بکشت روسیا اولدین تخصیص کریم عجزانہ مکتوب

مقالہ <sup>ص</sup>

ارضدومہ و صولطہ بریکہ ماہ مقدم ایات و قلعہ فارص و اولدینش  
 کولہ مقدمہ من ارضی <sup>وین</sup> مشرقی قضا و قضیہ روسیہ طرفندت  
 جوبنا استید او تئیدی و دور عجزانہ مدہ برہفتہ مرورینہ روسیہ  
 سرعکھا بقیج غرافت ارضدوم اوزرینہ غریبت ابرہ بکی شایع  
 و فارصہ ارضی تینہ واقع کولہ و اردہا نہ صحراستہ وضع ضیاع  
 اصنام ابتدیکم خبردوش اثری باعث و غوغا و دور سرعکھا  
 اولفندیہ در عقب صوب عجزانہ مہ ارسال پیام و حضورینہ قادیہ  
 جنبان قیام اولوب واردرفہ سرعکھا لاصو صالح باش و مندرجہ خصوصاً  
 مذکورہ دائرہ دائرہ مشرق اولوب سیم سیکہ تئیر صوبہ  
 افراغ اولند نیندہ متخیرانہ صوب عجزانہ مدہ سڈالہ ابدالہ کلرینہ  
 بود جہد و قیام غداثر و شتہ یازویند سڈالہ تئسی اولوب دید مکہ  
 ایسہم هنگام ایلول و فول ایتمک صبیہ ارضدوم شدت شتہ  
 اشتراوندہ بشقہ روسیہ عکھا ایلولد نکلہ او ان تقریب  
 بود

بر د و صلوات شاده ضرورت ایجاب ایندی که بر حقه ضرب او وقت  
 امتحان بوقدر بریده بود صواب و هشت آنکیز ایله عکس و اها ایله  
 ایزان و هشت ایله و خصوص مذکور اعتماد ایتمک عبت نوعی  
 اولدین ظاهر هر حال بود صواب غیر صحیح دن صرف نظر  
 اصیاط قلعه مناسب دیدیم حرکت را به قصد مدعا  
 ایدوب وقع شد اعراض و هراس ایدید ای واقع ایله کون مریه  
 روسیه حرکت معینه بود اوله عکس ایوب تقیس جا بنه  
 حدود ابتدای صواب شیع بودی مدت مرقومی بر ماه تجاوز  
 ایدیک استغنا ایتمک ابرده اهان و تکالی اسبابه بنی نصب  
 عکس بدیه عزل و مقامه مارالذکر صاحب باث نصب و نصیبه بودید  
 اندر افشار شرفیه کافه عرف شیریه احواله اولوب اسباب نوزده  
 حرب و قتال تدارک همه و بنزل ماصص غیرت ایله شروع ایدید

مقاله فقهی غایب باش

فی حد ذاته غایب باش مرضی بر مقتضای تجلی اوست صاحب  
 رأی و زمین و دور اندیش بر ذات ابرده کافه ادرنجه و دکار  
 اوله رضوت و تکالی وقت و کاسنه غایب و دائما عقبنه  
 اعتنا ایله داعیه تفرده طالب اولدیننده مره غیر ملوک شرف  
 جانبیه واقع اولان فضا از جمله قاص می فقه سنه قانون  
 زاده مصلحت بل کبی بر ولید سجا عت پیرا و شیر کیرک فدیینه  
 صرف نظر بیوروب جدول باش مراد ایله افندی میر میر  
 رتبه سیه قلعه مذکور عرف می فقه سنه احواله بیور سید ثانی  
 صیت و شهرت لبریز صاف سامعه اطراف و اکناف یعنی

اسما عین صفا باشد کجی بر وزیر جامع الاطراف افسحه دره عزل  
 ویرینه سکه احوال احمد بی نصب ایلمیدر ثالثا محاربه دن برماه  
 مقدر مفتح ثغور و مملکت اولان قارص قلعه سنه استوخ مثلد  
 بانفس کند وک عزیت ایلیوب امری کفله به صورت قیام واقام  
 کوسته کلیدر رابعاً ظهور شایسته سفر اثنا سنه شروع جابتنه  
 موجود روسیه عکرنیت عکسندنه کله کینی غافدونه سفید اوله روم  
 رد دونه تحریراً ارسال پیام ایلمیدر حتی خصوصیات مطروده واقع  
 و دو کار اولونه فهارینی باطناسیه دو بروثا رالیه افاده شمار  
 ایندکعب ابرازتاتسف ابرارک و آت قول کوم صورت رضا  
 و نسبت کوسته دیدر منوفای شادالیه کورد سخی ایله موصوف  
 و نهایت رحمته معروف اولوب جریزه نطقه مالک هر حاله  
 رفتار و کفنا رومه طریقه صدق و سزاده سالک ایدی و حسن <sup>عینه</sup>

مقاله

سر عکرافه رشده سپه سالار او دروی غم صانع بنا حضرتی  
 ندادکات کثیره و عاکر و فیره به فریفته اوله روم مقابله  
 اعدایه بقلماوه فصولی کتخاری ابراهیم پاشا ایله بالوتفاه  
 ارض و مع اقامه زنج ایدکلب شاه اولندوق ارضوم  
 اعین فی خیرالدین اغا و عرافا و مفتی ادهم افندی و ناموه و خوف  
 بعضی ذواته موافقه اعدایه سر عکرافه مشارالیه ارض و مع  
 قیام کوستوب صفا پاشا حضرتی ارضوم خارجه ضرب  
 ضام اصنام ایدوب بوسندال اوزره تار بند اولون دشته  
 و ارض دست اثبات مدعا ایله سوزن قلب سر عکرافه  
 کجیوریا



کچھ روپ ضیاط دیا و زوئی سرعکریہ مدافقہ کلج ابرہہ  
 لاورد لفضائلہ **مصدوقتی** بعض ذوات بوکونہ قاب صدقہ  
 و صدایہ مسدون اوٹش ذرفا صالعبار تدبیر بوٹہ غما بقیاسہ  
 اوردہ و سح غزوتش اولوب بچو مدافقہ اعدایہ عزیت اوتفہ  
 قضیاتی شادایرہ تعریف و ترغیب ابتکلم قور و دوق سنہ ذالچونک  
 اوردہ یعنی کون ارض و مہ اتی ساعت مافردہ واقع صن قلعه کے  
 نام کجہ وار اولوب بر قاع کورہ مورنہ زویہ نام فریڈ منہ جانہ  
 واروب صفاباشا رف غزیت سرعکریہ مقنع صوغاندو کا غی  
 زد و کسنہ فنکار دوزی رینکلہ معروف کجہ منان و بر دیکلی <sup>سنہ</sup> و <sup>دور</sup>  
 سرعکریہ دایرہ واعیہ امداد و اعانتہ ضرر معرکہ کادزار اوردقہ  
 شادایرہ مانک عمر <sup>رین</sup> لورد اولوب عاکریہ یکریہ دقیقہ طرفہ کاری زاد  
 اولوب صورت انزاع اشکار اولوق سرعکریہ بشا تکرار صن قلعه  
 عدوت و صفاباشا رض اوردوسہ صعبہ ایندیل ذرا بر علی کس  
 روسیہ عکک صفاباشانک اوردوسہ کجہ ابتکلم عکک اسلام <sup>جوب</sup>  
 و قال پریشا اوردقضا خیر مدوش اثری اوردوی سرعکریہ  
 واصل و غلغله انداز دشت اوطین شادایرہ موجود معینی اولوب  
 عاکریہ کینا ارض و طرفہ میں و رخت و طرفہ کشندہ بغایت قدر  
 و مجاہدین شادایرہ ابتکین بالضرور جانب ارض و عطف عنان  
 عزیمت کجور اولوب بعد مغرب شہر مذکور دروٹہ داخل اولوب قدر  
 وجود مملکت و اعیان ولایت کافہ صوب عجزانہ غزیت و کجمن  
 ادای جمعیت اولوب بود <sup>جلا</sup> ابراز ما فی ارضیہ مبارک و ابدیکہ

سه آتون و ادوب اهن طرفین کفیل اوله روه محاربه به ابتداء اوستی  
 خصوصه و از سر عک باش به است وقتاعت و بر موجود اوتون  
 عاکون توفیقه صرف اراده همه بیدر بیداریم بگونه تیغ و قدرته  
 جمله مز و بینه بینه و دولت علیه ابد فرجه او غزبه جائت روه و ستمی  
 اجرایه مرها و اعاده یز دیوب و بر دکله جو ایدر به کور فقیر حضور  
 مشا و الیه و ادوب بعضی آینه کلیماتمه خصوص مذکور می عرض  
 و اشعار در صلح مشا دایره ای ایفاظ ضمنیه بوکونه ب جنبان مقال  
 اولد مکه کچه دولت علیه نیک موجهت المنافع ارض و مرصه ذبانه  
 صلیکی موجود ایدر ده لکن موجهت المصالح ارض و مرصه معادل ایالت  
 او طبعی سلم و باهر ربه و دولتی اجرائی و راس خدمت و عبودیت  
 این جمله هنگام ظاهر او طبعی الحوب سجا قضیه منی بود دفعه  
 واقع اوتون کیفیت ناکر ظهور ذات دولتک موجب حصول و خود  
 او طیب اطراف و جودت بلده ده آتون موجود اوتون عاک  
 تقدیت و بروب طوب طاعتی و کرمیدی صینی بوقیبه می فظله  
 دقه ایتمک لوزم کلور کجه است ایست غلبه مز قریب الی صلی  
 ربه دن تقدیره ضام و بر یکیم اولد و جمل هر کانه ابتداء اوستی کجه  
 بیله مذکور ده دفتر دارک اغدا و افاضه سید خزینه دفتر  
 و صدق عکله معدن جائنه قضیه فار و اریال اولد یعنی بینه  
 و ادهق نمایان اولد قلمه خارجیه نقد عاک و اریجه فراد  
 و درون قلمه موجود بعضان عک و اها لیدی فار و فتنه یقینار  
 و بر دکله نایجار حاجی عبد القادر اوغلی عثمان اغا مشد ملت  
 خانه بوی اشیانته و برانه سنه و بعد سرای جناب سر عک به جمع  
 اهل

جمع اولوب اغای مذکور رعکث رالیهی علناً تحقیق جارق اینکیم  
 دوران جوده سخن پیرای رعکث پامال کوم اسافل اولغین  
 مصلحت قضی عاصی بر طرفیه و دفتر دارصفت شعار برجا بنندن  
 مفتاح قلعه نسیمه صدوق رضا کونست مکه تمام سوز ایاغه  
 دوستوب می دبه پیشرفت امرعید اولدیفنده شقه عاکر دوسیه  
 دهن تقایب ایدوب ارضدومه بر ساعده سافه دوع بدینی نام  
 مصنفه نصیب ضیاع و ارام ایدوب اها لیه بر قطعه مکتوب تحریه می ربه  
 اسیر ایتدیگی محبتی ای نه ارسال و نسیمه ایدوب مکتوب سطوح  
 عثمانه اغایت مانند دارالندوه اولاده فائده ذاع لانه سنه  
 قرات و معلول اولدوق تدریس دای و تدبیر هیچ بر وادیر قرار  
 کیر اولدیفندن بالاضافه مفتاح قلعه نسیمه دوی نسبت کونستوب  
 اولدجه ابحن ارای اتفاق اولدقدندن کویا شروه و عیور یولفه  
 اجراء ضمن صدق عاجزانه علماردن واعظ بشیر اقدی کونستوب  
 طب اولدیفنده بدوضیه جوابه نقدی قندی استماعرینا  
 بیاعیه قبال و بیزاره هرب و قنای مفتاح قلعه ارسال اولغنه  
 قرار و طرح عذر شرعی بولندقی صورت تسلیمه جواز و بر ط  
 علی و وجوده بنده سلوم ایله ناموس و شان ارضدومی هب  
 ایندوب بر دفعه غوغایه همه ایستند آینه جنک و جدال سیه  
 مغلوبیه دونا اولدویجه بنه مردانه صالح اولنزه مرام اوزره  
 اجرای لازمه حال صلح بندن طب ایستند و اومرام و تدری طلعه  
 قلعه بدکاربه نسیمه قرار ایله بنم بولنمز ایجاب ایلمز

صالحی صلوم بوقین وقال فاد اشتال اثنا سنه لشکر دو سه  
 از ضرورم خارج کشتی کینه تعبیر اوضاع محله ضرب ضمیمه قرار  
 اید که ملاحظه و ساز انساقدناس غارات و بقایه اجتناب  
 اید کردن کتیا و جده و اکابر بین الناس سابقه عن اربعه  
 او طغنه و فتر دار افدی و حاکم افدی و عثمان اغا نام یادگار  
 نمت بحرام مفتاح قلعه تسبیح اقدام و ارسال ایدیدر

مقاله

سرکشتار ابراهیم از ضرورم خارجه عزیمتی ذهن و تدبیر  
 عا جزایه مع بر رتبه تقیج اولنشدیکه حتی هنگام عزیمتده عشقی  
 الحاج الشیخ محمد راقی حضرت نیت استقبال قدوم بیست روزی  
 برانکه ایدر کمال حزن و انقطاعن مشارالیهی تسبیح اصله  
 رعایت ایتیم فقعه صن قلعه سنه و درودی ضربی و اصل اولدوق  
 روسیه عکسیت حرکات و سکناتی بعد التخصیه قدیمی مشهورم  
 اولوبه حال و اظهاره تطبیحه ایدرک اردوی اسوده  
 علی القعه جمع ایدر کتیا ایما و اشار ضمتنه بر قطعه عریضه خزینه  
 مجید اولم یعنی صن قلعه سنه ایدر ویه تجاوزه میں و هوس  
 او بتیوب عاکر اسلام طوب و مرهات ارانسه مجتفا ثبات  
 و قیام او زره اولسوندهر مثال و رفته ده بیان قلنشدی کنی  
 مژدایه هر قدر ویدر و فکار بر وزیر ایدر ده روسیه محاربه سنه  
 غافل او طغنه انبا و اشار اولنان کیفیت افاده و ثامتیه  
 او طیب صرف نظر ایدرک صید و شکاره کیدر کتیا بر مقدار  
 و پیاده ایدر زویه طرفه عزیمت و محاربه ایدر اولدوق  
 عاکر

عما و دوسیه علی القفله هجره ایدوب با بر منوال شروع مستوفی  
 حبش دیوان قضا ثبت جریح ایما اولوبه اصکامه مطابوه ذیل  
 حجت و عوای عا جزای می تمرد و امضا ایدی • الحکم له ذی الملک  
 و الجبروت و اللغاب علی امره •

**مقاله**

**بیت** هر کسی از همزبانی شد جدا • بین بان شد کرچه دار و صد نه • هر کسی  
 که رود مانند از اصل خویش • باز جوید و وز کار وصل خویش •  
 مایه سوزناک از مننه و افوه و نبر و دممه پیرای و اسرنا ایله  
 سینه جان اولوب تربیه ذی سابه نخل و الیدن نلال برک اوی  
 چشم ترار تشنه کنار جویدار وصل خویش و تبار او طبع دوصه زار  
 وطنه ندر و نما بوطن سینه بیگانه کی جدا ترک ریاض اوطان  
 و دیار چه سرکش ویدار یار و آشنا اولدیفدن بو محاربه نصر تمال  
 اقربا و تعلقاته باعث تدفنی نعمت وصال اولور امید و امید سندن  
 بشقه تکین ناموس مدح و منّت و محافظه شان سلطنت داعیه سینه  
 بقدر الدع و الومکان قوت و فعلت جانسارانه هت و غیرت  
 واجبه ذمت هیت و دیانت بلش ابرمه **مجموع** تقدیر خدا  
 قوت باز و ایله روفر ماصدق اوزره اسباب مغلوبیت مدوظه  
 ایندیکم مواد که سر عکس ارض و مدن خارجه عزیمت اینتسندن  
 عبارت ایدی مثالیله افاسته وار قطع سردشته امید  
 قبول ایدوب توفیق فصحی استی و خارجه بصدق درکار  
 اولون وضامت و مظهرات بیان و در میان اوله روم بر قطع تقدیر

اصول اوزره باب عیبه و برقطه عریضه قائمقام خصوصاً عهدی  
 حضرتین و برقطه ورقه رضی خزیه و کلبه بشرایغایه و دیگر برکتها  
 رضی استبه و صرفه کتداسی بحیب افندی صوب عاجزانه مدت  
 نوبت و تیسیر قنوت هنگام محاربه به قدر بر مقتضای قدر قبول و عدم  
 قبوله دائر ضی و غیر جواب و اراده ظهور ایتمیدب <sup>حالی</sup> افر الامر  
 در سعادت و در عدم سعادت است از ضرورتی خارج عدم عزیمتی  
 بییه ارسال ایتمیدب معروضات اولی و دوم جواب و اراده صادر اولی  
 نه اسباب و نه حکمت بنا قندی ریو قائم مقام باشد الیه حضرتند  
 سزاوار است و اولی و دوم بود در ضرورتی مکتوب عدم وصولی  
 اجبار ایجاب سازید علی کذا است بنا علیه صوب عاجزانه مدت  
 موصل معروضات اولی و دوم امام علی نام شخصیت تحقیق مبارک اولی  
 تحریر اندک طفره اخذ ایتمیدب ضرورتی در ضرورتی طراز و نا  
 قضا سنه واقع خانه سنه کلوب بر یک کون مافوق اوزره مقیم  
 اوطنش بعد قریه اهلیستن یکی نفر ادم بر برجه غوغایه تصدی  
 ایتمیش مذکور اسم امام علی بیان لرینی تقریبه و اصوله مباشرت  
 ابدراکیه آنقدر قدرشون قضا و مرقوم طوقب در حال  
 ارتحال و اربقا ایتمیش و مکتوم صیب کتمان ایتمیدب او را قدر و اولی  
 تلف او طفله قرأت اولی و دوم فراموشدن قاطش اولی کیفیست  
 صوب عاجزانه مدت مرقوم اعدون اولی • **پیوسته**  
 دل جووری کره ذلفنی هر ایلمدی • تا بود اعلی قالدی بو سنوال اوزره

**روید علی بن سید علی بن اوزر و مه کرب**

**ایتمیدی قائم مقامی**

**دولت**

دوت قویکت روسیه ندک داض صوزة حکومتی اولون ملد  
مختلفه و با خصوصیت استادمیه ندک امر دین و دنیا ریه مدافعه  
و معارضه اولنیوب جملک تابع اولدینی شریفانه مینجه اجمالی مراع  
آییه واسترامت ایندکله کافه عالم و عا طبانه معلوم و بود و جهل  
سز ررض بود محاربه طوعاً کورنداده انقیاد و اهانت اولور بکن  
فریا و اول طرفکزدن بوامان نامه به اعتماد اولنیوب صورت مختلف  
و عناد نمایان اولور چکه عاثة سبی و غارت اولور بکن یقیناً مجزوم  
اولدوق عاقبتیه دق و مرگه مبارد تکر و ایجه و منکر اولدوق  
حصص معلوم بود فعه ابراز و تسیر ایندیکم اما نامه به امنیت حاصل  
اولنیوب غوغایه مباشرت و اجتناب اولور بکن هنگام جنگ  
و قانع سبی و ضایع اولون صبیان و نسوانک بوم میزان و جزاره  
وزر و بالای سزک عاثة و راجع اولدوقین حضور جناب صفح مسؤل  
قد بکن کفیه سبب اولور جهل ايجاب و اقباضی اجرایه سرعت  
و مباردت اینیکسز زیرا بگونه ابدار و وطن تکلفات سفریه  
مقصود و مراع قصد اهانت مت اسوم اولنیوب مجر و شوکتو  
ایمپراطور و پادشاهم حضرتیه شوکتو سلطان محمد حضرتیه  
میان ملوکانه رنج واقع اولون منافسه ده صونه طرف اولدوق  
عامه جلایانه اظهار و ایضا مه مجبور بکن عبارتدر حاصل  
بد ضحوت حاوی ارسال ایندیک مکتوبک ما لا معلوم علم اهالی  
اولدوق همیشه ذاد و رونق شیر جارتدن فانی اولوب دران  
فعه مذکور مفاصلک ارسال و ایصال خصوصه قار ویر سبب

قوه بش سینه محرم الحرام بستی یوم فیس ساعت التي بچقده  
 عا کر دوسیه داخل درون شهر اولوب کذاکک یوم سطور  
 ساعت کزده ابع قلده رخ نسیم او نذوق سراسر عکری به  
 و اچاب ایدن محله عقیر و پاسبان نصب و تقییه اولوب  
 اولکیجه تا بصباح تحین دوق بیت مقداری عکر درون شهرده  
 دوز و محافظه به مشغول اولوب فرداسی هرکس تجارت و عبارتیه  
 شروع و مداومت ایدوب صلوة جمع بهر حال اذن غایبه بود  
 اولدیفندن انکرضی ادا سنه رفعت ویردیگی و اولدرا به اعلون  
 و شایع او شغلی دفع عداوتها ناس و دفع شواعل خوف  
 و هراس اولوب هرکس طیبی مجبور اولد قضا اشغال و اشتغاله  
 قرار و بر دیر

**مقاله**

اول و آخر باطن و ظاهر دوسیه دوسته صوب عاجزانه دن  
 و سمر مرتبه در کار اولون مخالفت و مغایرت اقتضای عامه  
 ناست اعتقادی نامو الخ و وقت خصوص و بدستی بروجه ممکن  
 اولور مواد و کدر مقاله لایحه السنه ناسی تفوه و دور و تنقه  
 ایدی فی الحقیقه اخبار سابقه و یوسفده دولت من رایه صفتیه  
 اجهت را و نمان حرکات و افعال عاجزانه نظر اکر بیان زیاد  
 حیاترم دامن صبح قیامته قدر دست عذر و محنتن وها بو طاز  
 ظننه اولوب صفتیه دوسیه دوستی سرعک طرفدن صن بساطه  
 و رعایت بروجه خاطر و ضعیفیه فطوره ایتم ایدی حتی فرمت لد  
 ارض و مه و صدق ایران و کیندن قایق اقدی قرار ایدی

و یا فطوره



و یا خود بوزن سیدر سدا لکن استماعی در اثبات مدعی یا س  
 و نذات ایتشیدی بدانشاده کرجستان امراسدن بر شخص معتبر  
 بدکونه ایصال خبر صحیح الاثر اظهاریه ابراز مرام ایتدی که انون  
 تمام بکرمی درق سنه در دوت عنایه به خدمت و دامن در میان  
 صراف ایتکه اولدینک معلوم و فکله در کار اولون عنایتدی  
 کاهی بخروج اولغله حاصل درق ماه مقداری دوت روسیه به مافق  
 اوزره عزیت ایلکز و طلبدر مدت مرقوم دوت روسیه نیک  
 معامه و نظیف بکرمی درق سنه طرقت دوت علیه دن نانو اولدینک  
 نظیف و امانه معادل و یا خود زیاده اولورجه بعد ترک محنت  
 ایدوب و لایکله اقامتک قائلدر و الحی ص جنا بزی غیر بیک  
 ایدرتکدر ایلک روسیه دوتتک شانه لایحه کیفیه اولدیندن  
 مجرد مافقکه عزیتک خصوصه قار و پیشدر دیه درج جا یکجه  
 ایتدی مرامی سافه تقیر و بیانه کندوب رسیف غایبه فت می  
 اولدق کارگاه تدبیر و افاده به بومندان اوزره تار بند هر تقیر  
 اولدیکه بی الاقاع چند روز مقدم کورب و کورمیک اقبان و تعلق  
 مقداری بر ادرج صن بلک طرقتن صوب عاجزانه اشعار غنچه  
 بشقه و یونجه عزیت خصوصه درق هزار ابرام و الحی ایس و نمدنی  
 بر مقتضای بشریت آرزوی همدای وطن و ماغ جانم تاثیر ایتش  
 اولدیندن غیرک بسفدج غافلک درق بودجه مقدره در کار اولون  
 اولون رعایت و اهتزامی حد مبالغه بی تجاوز ایتش اولغله  
 مذکور هر حاله صورت رضا و نسیت کورمیک لازمه عرف

ات نیت این ده مارا که دولت علیه طرفین مراتب دوی  
 مغلوبیت کوسندی بودند اوزرینه بنی و یونین طرفه غریب و واقع  
 اولدین حاله بو حرکتت ملت بیضا اسدوم میاتت شایع اولوب  
 ای افرالمر سر و پیش نجات اوله جمدن ماعدا سحده خاندانه  
 اسباب لکه زامت اوله جن با هر اولدین محتاج اثبات و برهه و یقین  
 بد دفعه بو تکلیفدن صرف نظر قلمی سمد عادر زیار دولته صدق  
 ایتمیان اوم یولوه اهتاج و رعایت و کدر بعونه تقی عهد قیبه ملا  
 اولون مصالحه ضمیمه نکت عقیده دولت علیه طرفین مآذونا و یونین  
 طرفه عظیمه عهد ایتم ایما و التماسیه اعاده و نظر و فتنه خصوص  
 مذکوره دائر صادر اولون کیفیت جود اسکت ایرادیمه بعد اولدین  
 تمام بکرمی برج کوه ارض دروغ اقامت اولدوب بر کوه قبل انظار **مورد**  
 هر چه بار اباد بفسندیم هوای کاطله • و تیرکجه او توز قوه نفر و فغانه  
 بد اذن و رضت بعد مذکورون فتنه رابطه اقامت و تر جان  
 قضای طرفه غایت آیدوب اثای طرفه نرضه مباشرت اولدین  
 فداسی قضا مذکور یکی اسریر بکات قونا غنه فتنه بساط  
 استراحت اولدوب اطراف و اکنافه مودر اولون دره بکلرینه  
 و میر میراندن بعضی و صایای ضمیمه و تبرکات دینیه ضمنه نشر  
 صداوت فرج و ایفا فله مبارک اولدنی ان شاکه تکمیل  
 قصه مکاطه دولت ایران فتنه مقتضیه امور ای جزایه مایه  
 نتیجه بکان بکان کشید صدق صی یفا یفا قنور و من کنه فیه و اوتلم

**مقاله**

روسیه عسکری ارض روسی بعد اسکند و درق کون و روز عسکری  
 روزها

حضرتی و دفتر داری و میر میران اهد باش و عبدالله باش بی  
 در و سنه دعوت و بر قاج کون مافوت او زره طو توب تفسیر  
 جانجه ارساله مباروت ایوب حق باش حضرت بدی افریض کار  
 دوزی نام کده و دوست و ارسال اولمفین و دانندن مشا در مدی  
 ابرام متعاقباً کوندر یوب هنگام صالحه به قدر نفس تفسیر اقامت ایتند  
 ایسه حیدر مافوت کافه اسرای فرمتش لده التماس و سزعا ایسکیم  
 و ذرا و میر میران و دفتر داری غیر بدینه رفعت و بر یوب نفقه سطور  
 ایسان زوانده مخصوصه فصول و دوشیه میانه نه کونا قرار گیر اولو  
 اولو جهیم هرگاه ابتدا اولو در به درج ابراز صورت مدافعه ایس درج  
 جداب و بر دگر ناعه خوف بوزمین اسپان میدان مقال اولدکه  
 قدانیه دولت دکیه معلوم و مضبوط در جنا بکن سر عکله عندانیه  
 مالدی رضی اوطه مادامکه ووشکه اهر از مراتب اوصالیش فرمتش  
 بهر حال بر افسر حکمتاً دولت آخره اعها به مقدر بین بود صورت  
 و جانم عند کرده مرعی و معتبر اولدیندن قبوله قرین اولدی جو کلمه  
 رسین سر مدضام اولدق اولنقلا نام ز جهان جنارال کیفیت  
 افاده بی تقریر بیان ایسکیم چهره فرمتش ده اماره حجاب اضطراب  
 سنان اولعب و ذرا و میر میران و سازه به کافه اذن و رفعت  
 و بر طس فضیله تقید و عیان ایسکیم بی احوال هنگام مذکورده  
 تفسیر طرفه عدوت و وصوله عامه اسرا نه و ذرایه و فیض  
 و بر یوب صوب صدابنمای ممالک اسوده راهی ایسکیم مخصوص  
 و ذرای عظمیه و اثر التماسه فرمتش است ماعده اولدیندن عکله  
 ثالث عثمان باشا حضرتی افاده و اشعار ایسکیم بود و جمله

دو سعادت از آنرا ریشه ایما ایستد بیکه. دولت علیه طرفین مخصوص طلب  
 اولی قبح اعاده و ذرایه اعتماد اوینا و دیده روح تأثیر اینست بر سه  
 مدت مرقدن چند روز مرور نیز و ذرا و اسراندی فارصم و صولح  
 هوادنی اعدون اساعه اولیدی حتی دولت طرفین عثمان باش  
 سراً کتیر اوینان قائم نیک مانع بدگونه افاده مرام اولمشد بیکه  
 دوسیه دولتین اسیر و در دست اولون و ذرا و اسراندی قدر صدینه  
 دانه بر صورت مستحسنه نیک استخوانه غیرت نام کوثره سینی  
 و نیش ابروه مخصوص مذکور غیرت عاجزانه مده رسیده ساعه  
 ظهور اولدینی افاده اشعاره بحکم مقرر بیود لیدی امور سفر  
 واقع و در کار اولون کنه و خطای مانع اولدیکه ●

**مقاله فهای صالح باش**

سر عکس جانب شروه صالح باش حضرت نیک مقرر اولدینی محاربه به دانه  
 و ساز حیدر و قوه کلون فهای بو گونه ثبت صحیف آثار قندور که  
 ابتدا شروه دفتر داری عارف اقدی حضرت به امتزاج ایتمیدوب  
 غزنی آنرا ویرینه کامر زاده کبی محول و مفید و شورش اشنا ببرد  
 نایبای خدمت مذکور تعبیه و ابقایه باری اولدینیدر **نایبای**  
 دفتر دار موی لیلیه ارض و صومعه و صولح حرکات نامرضیه به اجزا  
 واجب و عدم معالغه دن تجاوز ایدوب حالات ناسزایه ابتداری  
 فهای و هویدا اولدوق دولت علیه به بد آنرا دیار بیکه نفسینی و  
 مذکورده ده و کلهوی دینی اسکانه سفید اولم و نه ارانه طریقه ایندیکه  
 اصف و جارت ایتمیدوب فقیته مور و وقت دفتر در نصب تعبیه  
 بیولسیه مرقدن غزنی تکرار در سعادت کتیر و اولم ایتمیدوب

**ثالثاً** موجود معینی اولون عکرایه ارض و مع افاتمه صوب  
 عاجانه مدن و دکا اولون ابرام و ای همه وقت و اصفا ایندیکید  
**رابعاً** هنگام مجاری ده طوب و مهانه برابر الطوب و وسیه عکرایگی  
 بر لک آتش شان اوزرینه قریب کیت عنان ایندیکید **فصل**  
 مدد معینی اولون عکرون جنت اورد و کزین بر مقدار عکرون زاده  
 ابراهیم پاشا معینه افراز ایدوب اضی طرفه ارسال ایندیکیدن بشقه  
 وان منصرف میریدان تپور پاشا یا بایزید اوزرینه مدد اگوزدوب  
 جمعیت عکرون نفقه و بر یکید **سابعاً** امر جهاده اقدام و اهتیم  
 اولون خصوصه کافه اسلوح مشرک اولدینی باهد و هدی ایلون  
 امدد سفینه اصحاب و آئی و تدبیر ایه مشورت ایندیکید **سابعاً**  
 محاربه دن چند ماه مقدم روسیه فرمخانه عقب و فواستدن  
 عاری صورت بشوره بر صیدان نا همداری سفارته قسیر  
 و اسرار مایه ماهیتی بازار اعداده زیاده دوشی و لادن شترها و  
 ایندیکید هنگام مذکورده جوفه می صفی پاشا حضرتینه نسبت اوجن  
 فضا فقط انزاع اوردوی سر عکس عقبنه ارض و مع طرفه عزیمت  
 بر مقتضای تقدیر تشیر و امن همت ایندیوب فرداسی روسیه  
 عکس ساعت ایکه مشا و الیرک تحصن ایندیکی محمد هجیم اینکلم  
 معینه موجود کون عکس بدو عجب و قان مغلوباً فار ایتش  
 اولطف کند ورنیت اسیر اوطنه باعث اولد قدیر سر عکس مارلم  
 رحمت الله علیه بی الحقیقه امیه و صادره فعلت تریه امراض صافیه  
 مانند طیب خاوزه مقدم و فعال قتل و آئی و تدبیر کله دکا ایدیه

في هدياته بر شیر سجاعت اشغال ابدی رحمت الله علیه  
و تجاوزت عن سیئاتها •

### مقاله مطالعه دولت ایران

وق عهد دولت ایران عباس مرزا طرفدن عسکر صالح با حضرت  
وصوب عا جزانه ارسال اولنان نامه راج مال حاله بر سر  
دن خان و کلا برده **صبر** سویداره زاندر ضلعه بواسر اریست  
• و تیرگی بعضی موقوفه بی منی مراد ثابت صحیفه بیان اولیوب  
و ربه جیب کتان اولنان مواری حاصل نامه ب تا صوب  
عا جزانه عیان و بیانه شروع ایند کلیدن ناشی وق عهد  
نامه سه جواب اولعه او زده بود وجه خامه جنیان سرعت اولی

### صدوق جواب کور

تشیخ بنها دولت ایرانه وضع سبابة وقت و از عان اولند فده  
دولت علیه ایله هب زوی معانوه کردن اتحاد اولعه اماره و عدلی  
عرو جهت جامعه اسلامی دن طیان و نمایان اولطفیه خصص  
مذکورک مصلحت مباشرت اولند یعنی خارج حدود خاقانیه ده واقع  
الویه و بی قدر مصرف و با نفوس شرفه عسکر حضرتیه اجتن  
ادای عقد مشورت بعد در دولت ابراز و اشارت اولنوب مارالذکر  
اتحاد صریحه و مخادنت صحیح و اراکیده اولد یعنی صورت ایدت اولطفال  
دولت ایرانک قیام و ثباته اسباب قویه اولد یعنی وارسته قیه سید  
و تعریف اولطفه و کندی دولت ایران سالفالبیان مواد و نوزمه  
اطرافیه مطالعه و در میان ایدر نتیجه رأی و تدبیر نه کونا و اراکیده اولد  
طرف جناب عسکریه و صوب عا جزانه رفیم و انشاء مبارک ایدیب  
س

شمس جوانان در وقت عید عثمانیه ایله دولت فحیده ایرانیه بیاتنه  
حائز اولون سبحان ترور و غنائل اصیاطی هوای لطیف تدبیر هر  
و پذیرایه مجتبی و بر طرف ایست خصوصت هفت و دوقه اولنمفده  
ایراز صورت اهلی اولنیه کلمه •

**صوبه اولون جوانان ایران**

بومرجه تقیر اولون مواد ضعیفی زمانه نیر و جا کبر ضعیف و صلا دولت  
ایران اولوب بوندن اقم خصوص مذکور اطرافیه دولت عید عثمانیه به  
تحت رساله مطور قنیش و منج اولدین فداشد طرفین مسطور اولوش  
ایسره دولت عید خصوص مذکور ای بغداد و ایسی طرفین ضعیف  
استفهم ایستوب وائی مشارایه بعضی غرض و اسبابه منی خلاف  
ما وقع به ازنا و اعموم ایتمکین بوصولت ضیاء انجام ترک و تأخیر  
اوطفه باریک اولوش ایسره جنابدی مد الفیوم ممالک شرقیه  
خاندان زاده رندن اولوب بیله الموم غیرت دیمه بیند اثبات  
وجود و مدعا ایتمش اولدق رندن هر حاله ابأ عیبه دوستین  
علینک صمیمی ضیاء فداهی اولدق ظاهر و زاتک انیت طرفین  
باهر اولغین ماصن اقصالی اعلی ضیاء فداهان و عیاقبت  
اندیشان اولون اتحاد دوستیه دایمیت خاطر رنجه جلوه نما  
بیوریون دای و تدبیره صورت سن رضا کوستر بیله چکی  
نایان اولدق بوصولت ضیاء فداهی بر مقتضای وقته و حال

وصولت سرعت و ابتداء اولن •  
**مقاله اتحاد و انضمام درین عین دور و اولن**

مع عهد دولت ایران عباس مزد طرفین و بالنسب از یکه نشین  
 تحت کمان فتحعلی شاه و حضرت زین العابدین صدیق حضرت عسکری  
 و صدوب عا جزایه از سال او خط نامه رندن بشقه ل تا شمارند  
 و خلیفان و دولت علیه ایله سفر و حضوره اتحاد و اتفاقه تشدید  
 ساعدهت و غیرت ایینه حکمرانی و الا افران زمان حضور مذکور  
 بیله الدولین حکم و استوار قلوب اساس بنیان حب و خدمت  
 عداوت شمه و در حقه گردش و وارون مددکاری هایت معاد  
 تدبیر جانین ایله مصون و پایدار فتنه روه مرعی و معتبر طریقی  
 حتی مع عهد زین العابدین دولت علیه طرفین براف عی و بر طینی  
 عدوه اتحاد ایله حکمرانی طرف سرعکیردن قلمه آندوب  
 نامه رایله معاً در دولت بهت و اشعار اولندوق صدوب عسکری  
 و دور ایدن مکتوب قانقک مخصوصه

**مقاله حال قائم**

در تقدیم اظهار و حرکات دولت ایران ایام مختلف هدایگی  
 بر رنگه هدایگی و اول طریف مسلم اول انو بشار اولدیفندن  
 بشقه خصص مذکور اخرو جهه اموری عارض اولو کیفیت  
 و با خود ملی نظری اولون بر فائیه نوعاً ترتیب مقدمه رسیه  
 فلام انش اولطین بو کونه میدان ابرازه کند و کلری صحت اتحاد  
 زبانت مزملری ایام زاف البین بر بو مشهور امور عظیمه به سطر  
 اولطری اصول قدیمه دولت علیه به مغایر اولدینی بیداری و ظاهر  
 اولطری ذکرا اولنان مدارج قبول و کلا استماعی دخی عند العقاب  
 تجویز اولندور کیفیتدن اولطین باه دور با خود نیز دخی  
 ملت



ملت بیضاً است و بیرون معدود اولدین شرفه بی نقض عهده  
 مباشرت و دوسیه دولینه محاربه بتکرار عزیمت ایدرز ویرالیه  
 کیمچی سنه ده واقع اولان مغلوبیدینه بوادعاری منافیدر حاصلی  
 کلام بود وضع نایجا ایله بیرپوده مزجات قیل و قالی قرطه بنا کوش  
 قبول و استماع ایدوب تکرار قالد و قلمه امکا ایجاب ایدرایسه  
 مفکوره اتفعال شاهان موجب اولور ندینجا تپه بدو کتیه و بدو  
 موجب تکدیرها و مارا بیان موادل بر وجه شروع قبولنه فائده  
 و عدم قبولن تکلون ایدن خاد و ضرری بیدر خط مشا ابرای بود  
 تحمیلی اینکله کردن غیرت عاجزانه کران کلکین صوب عاجزانه  
 نقصین ما جراضته قلمه النان تقریر بود وجه ثبت صحیفه نظیر

فصل • صورت تقریر

بدرجه بر ابرو سیمه نیک بین الدولین معلومنی اجرایه مندره اولون  
 وزرا و غدیه دن ابتدات هله ایندکله فائده و ضرری استماع  
 بر له ایجاب بدو طالع حسن و قبحی در میان او طعه و انا کور حرکانه  
 نفسی قلمه و نیک و بدی اظرفیه بنهات لزومه صلح کن ایدر  
 خصوص مذکور بیدر خط کجیا دو و بود بایع در ماسع سد اولدیندن  
 ناشی اجرای مراسم عبودیت معترضه سالف ابیان موادی عرض اولان  
 و ایجه زمت رفیق اولشدر اولد بوسال صرف اشتغال و وقع اولون  
 سواغ ناریع و خواند معدوم سفریه غیر غیره ظاهر ایکن یعنی  
 بر دولتی بوسکلو و قوعانه ایران دولتی مانند بر حکومت او طیب  
 بچو صلت اخرون بر ایالت اتحاد و اعانه فوائده کثیره با حاوی

اولدین بیدایی و باهر اولدیندن غیره الیوم تربیت و تویضدی  
 خصوص کول عریف جا کانه بیوریدون ممالک شرقه امر جلاوه قیام  
 واقعا ایتمکینه ایران دولتیله اتحاد و برادری حاصله سره  
 حاصل اوله صفتی می طعلیم اولیای امور بیوردوقه محذور آفر مه کوندن  
 صرف انقاد بیوریلوب ذکر اولنان اتحاد خصوصه ضابطه عکریه  
 وضعت شیان و سزاوار بیورطس اوزم ساعتی عالمندازه  
 سرعت بیورطه مقتضای مصلحتدن اولدین مستبان اولدوقه اولدین  
 امر اوله اولمکدر بعد ذکر اولنان خصوص طرفیندن سنده دبعه  
 اولدورده وضعت وقار و برطس ابرده بر مقتضای اصکاح  
 قضا و قدر وقت و زمانیه ایران دولته غیره اصل اولدیندن  
 کان لم یکن شیاً مذکوراً و مزینه نظریت پیدا و نمایان اولدیک

**مقاله**

په الواقع ایران ماده سنه فها و کلهوی دونت رانی و تدبیر رک  
 برینج اولدین معلوم عاجزانه اسم ده بعضی ترتیبات غریبه ندک  
 افترا حیده تصویب اینده ضمیر ایندیلم صورت وسیله ابراز اینجه  
 از هر طرف ممالک شرقی غوغایه بجبور ایتمکی پیش زیاد همته و غیرت  
 ایتمشیدیم بنا بر علیه خصوص مذکور اطرافیه ایضا مه اجتناب اولدیک  
 عرض اولدوقه اول امرده طرف دولت علیه دن اینده مراده صورت  
 مساعده کونستطوب بر مدت مانع عقده تقویله اولس وسع عمره  
 باعث اشتباه و کتبیله اولوب کیفیت حال صوب عی جزانه دن سوال  
 اولدوقه بالضرور ویریدون جواب حقیقه اشتمالدر

**مال صودت جودا**

دولتین میانه صانت پیرای استقرار اولون اتحاد و تفاقه در  
 و قوت

و قدمات سخن نه که کیفیت کما هو صفة و در دولت عرض و از به  
 اولیاد و وصول خبریدنی صوب سرعکه که اشعار و انبیا قننش  
 اوطینیه ذکر اوزان مواد بر مقتضای قانون سلطنت سینه کلس  
 ندرایه احاله اولدوق غایب اعظمای دولتک بعضی نیک بوگونه  
 صورت رأی و تدبیر رونمون و چهره کث اولوب یعنی از جمله  
 دولت فحیمه ایران مجاریه دن منقصدتک ابراز اولنه **مضامین**  
**على القتال** اراده قاطعه سینه مخالفه و تشویه ابتدایک حالده  
 قد این دولت مفایرت اینش اولورز مدد حفظه خاطر گذار اولورده  
 بر مقدار خصص مذکور تأخیر و دوچار اینش ایدره بو اشاره بر وجه  
 مزاج ادای صدور نیک تأمین ایدره بر مقتضای خیر خواهی دولت  
 بعضی و صابای خیریه نیک افکار و اشعارى تمام صلح صدق  
 و استقامت اولقدنهای بدو جهاد افی زار درون صقیفه مشون  
 اولدورکه دولت علیه نیک سایه صاحب شریفینه دول سازه اوزینه  
 شرف و درجای نیکه هود ایدرین روح معنی و قوع عاتق روسیه  
 دولت طوقور بعضی تفهات بود بودعه واقع اولون تکلفانه  
 نفع ایدر و میثاقه باری اولدینی اقتضا ایدرکه هبوط اودن بونه  
 قدر کافه دول دامن شان سعادتین لکه زامتن برل و مبتدا  
 ایدر کدکله مواردنا سیدکله دولتین ایلرک سفیرینی تفدن  
 عبادت ره صالح روسیه دولتک حوصده نمکنن خارج و هضمی  
 خصوصیت درجه استخالیه عارج اوطین علی ای حال بو عاده روسیه  
 دولتیه عید فریب مجاریه نتیجه و برهمن دولت علیه طرفین خبر ایدر

مترقب او طیب ال بر لکیده مندی ضمیر طرفین اولون خصوصه  
ابتداء اولنسی لوزمه دندر ●

**مقاله**

في الواقع دوسيه دولتي سفیرینک بای تخت دولت ایران طهران  
متکن اولدنی خانه اهالی طهران و اثر امار و احاطه و محاصره به  
ابتداء ایروج توابعاتیه اعدامه اجتناب رینک اسبابه تحقیقه  
مباروت و صقیقه حاله امانه نظرقه اولدوقه تفصیل و قایم  
کریستانه رقمه کلهک بیان قنات انعام شاه طغوز تاریخچه  
تقلیبی ضمیمه و تحیر و اهلیتی بای بند زنجیر سی و اسیر نمیشدی  
و اسرای تقلیبی نفس طهران اولود و عیال صاحبی بونانندی  
ملمزدندر دینه دلج لوعا و کرها اخذ و حبس اینکله بوکونه  
اصول دوله مفایر اولون اوضاع ناسازون کفاید جرات  
ایتمی امرینه و کلدی دولت ایران طرفدن تبیه و اعتدال اولنسی  
ایسره کارکر او طیب قطعاً سمع قبول ایله اصفا ایتمیکندن  
ناشی غیریکشان طهران بودجه مفروانه و کانه سخن اولدوقه  
و سیدکار و باسخوان فحوسیه مارا بیان مواد غیر واقعه به  
تشریح دامن جمعیت ایلمشدر و الحقیقه خصوص مذکورده و کلدی  
دولت ایران تحیر و حیران اولوب سفیرک قتنه و اثر مدافعه ای  
او طیبی یقیناً تحقیق کرده عافران اولمشدر ●

**مقاله**

انفاکشیه سله بیان قسنینی و جهه اتحاد خصوصیه دولت  
عیه دامنکش استغنا اولدوقه تکرار عرض و ازرا اولنوب  
مقدم

علاقم قبول دو نما او طش برده طول زمان کیمچوب حتی طرف  
 دوت عبیه دن تمیز بیوریدون سند بعد التمزیز او جهاه مرورنه  
 ارضه و مه و اصل اولوب حامل نامه تذکره اول طبی افندی هنگام  
 وصوله او دروی کسوم صورت از تمام کوسه مشیدی افندی هوئی له  
**به رجعت مد الفینت بالایاب** و ضدین کویان اوله روم جنب  
 استانه به صورت و شتاب ایدوب الامش المرفاده همت  
 ایتشده

**مقاله**

بگویند بذل ماصد مقدود و صرف نقدینه کیمچور اولن رشته طول  
 اصل وضع مندان تقدیر عزوجل او طریفندن ناشی دورونه اتحاد  
 نامه نعت سرعت ایصال رفعا تیه ایما و اشعار اولنش البرده مانع  
 عقب تر دو اوله روم وقت و زمانیه و اصل اولوب بنا علیه روت  
 ایران روسیه روتی طرفه مید و رخته ملک و مصلحت کیمچور اولن  
 از جمعه مؤفاده غنائم تخصیص مدت ایدوب محاربه بیشر و عدینه  
 و اثر ارسال و قسار اوفان مکنوب عاجزانی تبریزده توقیف  
 ایند کلرینه بناؤ و روت مذکورک امور محاربه تر دو و توهمدینه  
 بادی اولر قلندن **بشیر** و عهد طرفدن ابراز ماسم اخصص ضمنه  
 او علی خسرو مرزای کوندوب مارا بیان سفیرک قلی قطار اولدینی  
 اینا و خصوص مذکوردن و ولایه اصل و دو کار اولون اغبار و انفعال  
 انداخته تا حجه نیان ایتلمزنی و جا و بیان انیش اولطین مرزای  
 صوملی به تفسیه وصولنه بر جنارال مرماندار نصب و تعیین بیوریدوب  
 روسیه ایچرا طوریه لدی ملوقه التماس اولنان خصوصاً کافه صدر

صورت ماعده بیدار اولدیفندن ماعدا دولت ایرانده بیدار بده  
 اساسی عامه ناسی داعیه سیده وضع اساس بنیان صالحه اولدوق  
 تضمین تجاوت و دو ممالک و مصروفات صریحه ایچون ایران دولتی  
 طرفدن روسیه دولته ایجاب ایدن دونیوز بیلک کیسه ایچون دن  
 باقی قنون یتیش بیلک کیسه ممالک نصفی تئزیز و نصف دیگرینک  
 اراسنه بئشنه ولت و بیروب مرزای موسی الیرای اتواج اکر اینه  
 تطیف و تجبیل ایدرک عدوت ایندی مشوره

**مقاله**

سالف الذکر اتحاد بر وجه مراد قرار کیر اولیوب عقد تأخیر و تعویقه  
 دوچار اولدوق دولت ایران مانند سیف دور و روسیه دولتی  
 وکلونک تحویل رضا بین آرزو ایدرک دولت علیه ایله ایلز  
 می صمه و مفایر نه بلایه جو اولدوقدی بین الناس باری اراصف  
 و گفتک اولدیفندن بشقه وان ایالتیه واقع قطور قضاسین  
 ضمه واستید ایدرک ضمه عرض و اثری ایالت مرقوم منصرف  
 تیمور بانا طرفدن صوبه سرحدیه عرض و اثری **دو در اظنه**  
**نقده افری قضیه** دونما اولش ایلره قانقاص مع عهد مرزا ابو  
 القاسم طرفه صوبه عاجزانه مدن تحریر و انبا قلوب ایلم و الحاح  
 ایتدیکیمه بنای ذکرا و ننان قضایه کویا قضاء کوندریدون عسکری  
 کیرویه اعاده ایندیروب تکرار مرات نوازش و تواضعه دی  
 اعدتار کوندرک برکنوبدخی تحریر و قیای ایشیک

**مقاله اتحاد**

في الواقع دولتين مابتنه ایجاب ایدن اتحاد و دانه وکلای طرفین  
 بعد

بعد زمان وقوعی تحتی اولان عوارضاته لایقیده وقت و از هر  
 جهت نقشیند لویه اتحاد و اتفاق اولدقاری خصوصاً مع صدق  
 فوائد مطالعک و بین علم الیقین اولدقاری او مثلاً احد و عظیمه و در ۳۵  
 اشتغال او زوره اولوب بیرده تفسیح اوقات ایتمدن لایق طرف  
 اولطه اصن و البیه اولدقاری ظاهر و هویداد و زیار دولت ایران  
 اتفاق مزاکرخی دولت علیه ایله دفعانیه در میان اینتلدیرده  
 دولت مازالیه طرفدن ماعه اولدقاری اتفاقه و اثر بعضی مگذورفت  
 و مخاطرات ممالک سنن بشقه اون بشی سنه / تاریخدن یک می سنه  
 تاریخه کلنی به قدر ایران دولتی دولت علیه ای امر اتفاقه زنجیر  
 و تکلیف ایدوب از جمله روسیه دولتی دولت علیه هر نه وقت  
 محارب بولنورده بزردهن محاربه به شروع ایدوب و از عارنه  
 اولوب یک می بر تاریخ روسیه ایله واقع اولان صلح مغریه ده  
 شروع جانی عکس مصلح بوسف ضیا باشا حضرت صاحب طریقه محاربه و  
 کزماه مقدم ایران سفیری کلوب شروع جانیته بالو اتفاق  
 امر قائله قرار و بیروب تاریخ مذکورن افریلا درنه عکس مازاله  
 ایران اتفاقه فریفته اولوب تدارکات لایقیده بکسول  
 اولدقاری قاصد سنه غزیت و اون بشی کون اقا صدقکله ایدوب  
 نام زهرن روان حدودنه روسیه نیک تحصن و حکام و بیرون  
 کوی نام فریه اوزرینه غزیت و ایران هر عکس حسین خان رخی  
 روان ایالتی واقع اوج طیب جوارنه قس صونام محمد نصیب  
 ایشام ایدوب دولت علیه عکس به معاً محاربه به صورت

قیام کوسه صحت ایسده سر عکرت رایه ذکر او نشان محده قوه  
 بر کون اقامت و هفته ده بر و بعض ایکی دفعه محاربه به صدر  
 کش عزیت اوطه امرینه مباشرت اوله دوه اویسین تا حای اولوب  
 مقدمات و عداوت فاقع مبالغه ایله ابراز فلوصل ایدن دولت ایران  
 عکدی اوردوسنه استراحت وقت و اهتمام ایدوب بالوغه  
 قوه بیخی کوفی روسیه عکرنه تکرار تقییس طرفین کوه و جضارا  
 بر مقدار عکرنه اعانه و امداد داعیه بیله کلوب فراسی علی السو  
 اوردوی اسوم اوزونیه دفع دفع اهتجام ایلوب نصف ساع  
 صفاری طرفین جنح و جدال واقع اوطس ایسده **صبر** سو  
 کوردوم نه شمع مجلس ادا و ارنه پر و انه **مفید** وقت ضعیف دن  
 اقم بر مقتضای تقدیری **لایبام** اوردوی اسوم کس و از تمام  
 نمایان اوظلم قاص قلمونه عودت و رجعت اولدیفی هنگام  
 ایران جانبین روسیه طرفه دوی مخارت و اجترام کوسه کلری  
 معلوم اناح اوظمین حدت مرفوع دولت علیه دن ایران دولتی  
 جانبیه تنوجه و درکار اولون <sup>نقطه</sup> **ظنک** مرآتیه عبار انفعال غرض  
 اولوب بده اقتضا ایدن مقاله ها مقرون رای صواب و تصدیق  
 اوطیب **فصوص** مذکور مبالغه باعث و هشت و عدم امنیت اولدیفی  
 معلوم ارباب تدقیق **مؤخر** ابراز ساهه بیان قنات اتحاد  
 فصوص طرفین سنده و بط بیورطه و ددوله عرض و استرام و ابرام  
 ی جزایم حد مبالغه دن کیجوب دولت ایرانه دخی سوز ویردیکم  
 معلوم و کلوی دولت اولدوق **ظواهر** ایشو سوادری کوسه و مایه مقرب  
 اولون یا مورانه دی بنه کجور اولدوک و **الوجه** استه کب امنیت  
 ایدرن **تجرب** سند اختیار اولدوش **ص**

صبر



مقاله طبایع

طبایع ملت ایران کلاز قدسات نام رساله مزده بر وجه مرام  
 ثبت صحفات بطور و بیان قلمی اولدیفندن بشقه بکرمی تاریخچه  
 وقد عبدالون محاربه دن اقدم هنگام حرب و قتالده اتفاقه قیام  
 واهتمام ایبیه جکلرینا یوسف ضیا پاشا حضرتیه تحریر و تشار ایده کلرنه  
 پاشای شادالیه صقیفه حاله کب اطلوع نام را عیسییه کیفیه مذکور  
 ناهو الحروف دن سؤاله ابدار بیورد کلرنه دولت ایران دوسیه بوشه  
 تکرار اعاده حربیه مقتدر وهدسکار او طیب مؤدومینت اولون  
 عاکرایده لشکر ایرانیان صف بسته انتقام اوله روه غوغایه شروع  
 ایتمدی وکلور دینلمی ایدی بعد قوه اوج سنه تاریخچه  
 صوب عاجزانه دن دشته بند انتظام اولون سجه اتحادده  
 هده هوشدار دین شهر دروسه طارند که بتدبیر کلاه از سره  
 بردارند مان لطائف اشمال اوزره کتابه لوحه تدبیرده نقی  
 غریب و معتبر و کمتخانه ضیاده شیرازه بند نسخه ویک اوله  
 فذن صین و ضعه حربیه به داز بر صوره مسائل و مسائل موجب  
 ایعبر ثبت صحیفه ضمیر و از بر قلمی ایسره حکمت ازلی به  
 توافقه ایتمیب بیت پریان خاطر مع نکته بسته و ش  
 قالدی نه که حکمتی اندر نه راغب عدلی سوبله

مقاله

قلعه وارانه نه استیوسی کوچی زده وکلوی دولت ایرانیه اولدوقیه  
 حکم ایجا دولت علیه به ابراز مغایرت و مخالفته اجزا ایتمکده

اول بدایه ده مقدمه زمان تدسین اسرار لرین نسیم بدعا جزایم  
 اینجی اول قدری محذورون بشقه قانع و عهد مرزا ابو  
 القاسم عاقل و دانا و دور اندیش و عاقبت بین و حکمت اسنا  
 برآدم اول طفل صوب عا جزایم بدن بو مثل حرکات نامرضیه ندک  
 بین الامم ساعه ظهور کلیدب مشور و رای مکتوم قاطعی در صحن  
 اشعار ایندیکه فی الواقع مرزای مومی الیه بو بایع از هر جهت سعی  
 و غیرت و همت نام مذکورده کب استعداد بر له جریان ایدن  
 سیوب فاد و روز الله سد ممانعت حکم در تجاوز الله عن سینه  
 از جمله ادعا ایندیکه ای امور اتحاد مخالف فطور قضا سنه  
 عکس کوندر و ب ثانیاً ذی القصد ندک اوله بشنخ محاربه شروع  
 اولسون ایجا سینه ط غسانه ارسال ایندیکم مکتوبه تبریزده  
 توقیف ایدوب ولایت مذکورک مقانده خصوصه تردد و تأخیرانه  
 بادی اولوب ثالثاً تحریات عا جزایم می روسیه عکس کینه  
 ارسال و تیار اینجی اول قدری سلسله اتحاد و اتفاقون  
 عدوله برهان واضح بدایه ده استنبط حکیمانانه صوب  
 عا جزایم بدن حرکات ابعاد اولندوب ابراز صورت استغنا  
 کوسدن سر رشته ویرمیدکن عیناً عداوته جادق  
 ابتدایر القصد و ارنه قلم سنه غلبه دوت روسیه  
 شایع اوطدن مقدم اتحاد مادم سنه تجیر و سرعت اولنشدی  
 فی ثلث دن فتح اوطدین مهالعه اولنشدی ●

مقاله

خوبی

**جزوی و کلی** صورتهای ظهور اولاد فصد صانع حقیقت  
 و حکمته دقت و اجبه عهده اصحاب سلطنت و حکومت او طفل  
 هر صانع عدم تحقیق و تدقیق انجمنی صورت ندامت اولد یعنی  
 هزار بار تجربه کرده کبار و صفار اولد یعنی از جمله تیمور خان <sup>بنی</sup> حضرت  
 او اندرهای غلبه و قوت طبع صبیبه آینه مرایه شاهد کلچره  
 اقبال یوز کوزمگی ایرده بعض اصیان پنجاب پرجم درباری  
 اموری شانه کفیفدن فتح او طفل مرات سیف نصرتی سکنه  
 صورت مغلوبیت کوزم و ب جوده دودم شیعی رضنه  
 انگار دن و ارسته او طزایدی حتی براسنا دکامل شارالیره  
 مثنی نامبود بر تبع جوده دار اهداسنه اجبار ایدوب  
 ذکر اولدن شمشیر ایدون جوهرنه اجرا ایدیکی صنعتکه بویست  
 لطیفدن کنایه در **بیت** کوفت با این تیغ ایران زمین • کشیم  
 بی کینه از اهل دین • یعنی بدبیشه اول استار معارف  
 مغاند مانند خط عمادیت ایدیکی خط جوده پیرا بین انظر  
 و التمی نمایان اوله روه قواف اولندویمگی مع هذا تصیح  
 اولند یعنی هنگامه دقت اولندوب اهدایه ابتدا ایدن استاد  
 کامده بر جزوی اکرام اولند یقندن ناشی مانند عرفای زمانه  
 زجاج همدم و غمد مومنه باعث اولوب بعد جوده شمشیر  
 اجرا ایدیکی عزیز ساهه هنری سنووری اصحاب قتله فرام  
 و ادراک اولندوب شایان اصان بے پایان اولد یعنی نمایان  
 اولوب بالتحقیق جانب نیمو خانه وفاتی اخبار اولندوقه

اول پادشاه جم اقتدار تأسف و ندامتہ گرفتار او طغیان  
 الی اخراہے منظور استماعی اولان کیفیتہ تحقیق طریقہ  
 سلوک و رفتار ابتدائی ثبت کردہ و او یا نذر حتی ابرہ خندان  
 معارف فن تواریخ برہے و اعداد انفاہہ دائرہ مبالغہ ایہ  
 ثبت خدمتہ زہے مشارالہستہ سبب صحیح سامعہ او طغیان  
 مردہ ساکن اولدینی محل و سعادت خانہ لرینا و ایجاب ایدن  
 اطوار و متواریخ اول رتبہ وہ تحقیقہ بتشکہ احتمالہ کہ این  
 خدمت اول قدر احوال خانہ یہ واقف اولیہ خصوص مذکورہ  
 ابن خدمت دن صدور ایدن سنا و تحمین بالودہ ثبت صحیفہ  
 تزین قلمشدر •

### مقالہ

ذکر آنی خصوصی بعضیری ملوک فوسدن اسدوق بکہ ناز  
 عرصہ سلطنت اولندن برینہ و بعضیری نادرشاه نسبت  
 ایشدر یعنی دور قیفای سفر و نزل ناز بالی حضرت ایدر  
 اثنایہ بر مرد ہوشیار برابر نارین و صبار رفتار حضور  
 تالی بہ احضار ایدوج شایان احسان فراوان و بشمار  
 بیوردینی عقینہ اسب مذکور صاصی بنکار بود و جہہ ہ  
 قزیز لجام اتعاری بیوج یعنی پادشاهم اہدائتہ اجناس  
 و مقابلتہ احسان سزاوار بیوردینم کھیندہ کندم سوار اولعب  
 بعض صنایع بدیعہ و اطوار عجیبہ میدان ابرازہ کندیت  
 مرام نیزہ کاہ قدر دینہ درہ نورد کریم بیان اولد قدرین  
 طرف شاہین دقت ارزانی بیوردیوج زیب زینہ قرار او  
 دوران

روان فراوه ابتدا از اتمکله و دانستن بر قاج بید سوارى ایغاف  
 ایتى ابروه سمن باد پاند غبار بدخى بیدار او طیب **بیت**  
 کجه مالک اولون اکیری نیدو • اول کید شد که کید او افی کیدو •  
 ما نجه غائب عن النظر اولدقن بر مدت مرورن اول مرصفت  
 شمارا سب مذکورى ساهه اهدایه اضار ایدکره محبوت بر محله القا  
 و کیفیت واقعه یات شاه مار الیه عرض و ازها وقتى خصمى عدوق  
 مقاله ایجا ایتد کلرنج اول شاه نکته دان تبسم کنان تحریک زمام  
 بیان ایدوب دیشکه صورتا اول مرد صیبه کار دن ساهه ظهور  
 کدون حرکات نایباند حقیقتی نه حکمته منی اولدینت تمسینه تین  
 مقدم قر و اعدامه مطیه دان و ادی عدم ایتد ایجا ایتمز بعده  
 مردمی اضار و حقیقه واقعه استغ راوندوق بوکون سواد  
 کیت جداب اولوب سیشکه پادشاهم ماوای عافانه مات صاف  
 مدت شکر کاملی متجاوز اولوب ده راستم دزد دهنندن فرس  
 او طیب حقه در کار بیوریدون احسان خانه مه یته بوآدن غیری  
 ایصاله مقدر تیه ضیالغ بویه بر صیداند جدولی مسافه مدینه  
 دن صدر صه بعید کوندیکنه بناؤ بووضع نایبایه اجبار اولوب  
 اول نقد شایگان رونق اقرای دکاخانه ویران اولدقن صر تکلف  
 اعاده ایتیم دیوب قطع مافه کفتار ایتدکره احسانه اولی نلت  
 ایکی مقدار بنی اعص و سمن بادیه بیایى رخ اعص یکسزار او بیور  
 فوازج لویجی اینه خوشحال وجیب امالنی مال او مال ایدوب  
 اعاده سنه اذن وضعت شایان بیور شد ••

## مقاله وکله

عالم و عالمانه قضی و کله در که اتمام ناموس سلطنت داعیه سنه اولون  
 اصحاب حکومت اسباب اسایح ملک و ملت خصوصه استخدام  
 ابتدایی امنه و کله سنه وقت و بین انان قدر ارکان دوسته  
 رعایت و دافه هوزة حکومت و احاطه اولون دعایا به فکره  
 عدالت و امنای بقضیه دوله تواضع و حرمت و فدا هتکره حایه که  
 سورا سنه دوشن حکومته امداد و اعانت ایلمک سبب قیام دولت  
 و باعث انتظام مملکت و باری اتباع اقا بیرم و ولایت اولدیفی معبر  
 در باب بصیرت در دولت عثمانیه نیک ابتدای دبدیه و سلطنت در  
 بقاعده مرضیه مرعی طوتمدیفنده دور سازه اوزرینه تمایل  
 فیض و حیانت ایتشیدی بعد زمان داخل دایره حایه که ارزونه  
 میر و رعیت ابدین حکومته لایفیه ماعده و همت اولمدیفند  
 ناسی بوزالسنه طریقه اطراف عالمه بوینان حکومته کفره  
 امرا عانده روسیه دولتی جائینه میر و وفات ایتکلنده  
 صورت استغنا کور میوب جمله سنت اقصای عالمه بذا  
 حاضر مکت ایتکل افرایم شرقاً و غرباً احاطه سنه بو کیفیت  
 سبب استقلال و قدر حده صفویه کون اواسط سلطنت در  
 • و کون او ان انقضیه دولت علیه دن اعانه و اتفاقه هزار  
 بار نیا زمندرجا و دامنگیر الی اوطندایر ده طرف دولت علیه دن  
 فخر اولون دست و دستغنا اقد قسیر بر یوز بیات اومک  
 تنفیه اویجه بر سلطنت صمیمتک انزاسی دونما اوظفه باعث  
 اولوب خصوص مذکوره اهتیم ایتیبب مصر دیوار دولتی  
 اولون

اولون بنیان سلطنت ایران خواب و پریشان اولد یعنی سببه  
 بنی بالوغه یا لک دوت عثمانیه تک بومارده وقد عبودان  
 زیان ملکه مضبوط جریه اصحاب دقت اولد یعنی بشقه  
 بعضا دشمن ضعیف تدارک میدان فرصت ایدوب عمار و میکن  
 رواج ویرمکله قطع مراسم باج و خراج ابدیه دن اوج استغیبه و ریح  
 و بادی سلم اقبال و قوته خروج ابدیوب انجا مکار کافه منتظر  
 اولی ابصار و ...

مقاله

بر مقتضای تقدیر ممنوع التفسیر امر قاطع اوصحاح توتی الملک  
 صدق شاه و تنزیع الملک ممدت شاه و هدیه کل شیء قدر حال  
 اعجاز شماله نظراً سامة عالم بر ذائقه بیداعه اسباب  
 سلطنت بکه تاز عرصه شرامت و چوکان ربای میدان دولت  
 اولعه امر نه مشیت از لیه الهیه تعلوه ابدیکی آن ربیع کافه  
 حکمداران جهان و زمان الورد و ناک خواب غفلت ابدیک  
 حکمه ابدیه اقتضاسدن اولد یعنی مشهور اصحاب دقت  
 و بصیرتدر بعد زمان اولذات نصرت ایانت دبدیه کوس  
 توتی غلغه انداز صماغ جهانیان اولدوقه عامه ارکان دول  
 خواب ب هنگام و نابمکدن بیدار و امر محاطه به مدار اولدور با سببه  
 وار ویریکه ابتدار ایند کلرنه بودجه نظر اقتضای الهیه اولون  
 ذات بیداعیه کنت و بیواسطه اسباب سلطنت مالد اولد یعنی حمایت و قوت  
 مفور اولوب طلب لذایذ غفلت و استقامت اولدور و ستمایه تحصیل  
 ابدیکی بنای سلطنتی آز مدتره دهنه یاجا و بنیان قوتی لورکان

حکومتی اشیا نه بوم و غراب اولدیغی وارسته قیدارتبا بدر

### مقاله

عامه حکمداران جهان وکافه سولطین زمان حضرتیه حکم لازم  
 اولمشال شریعتیه اتباع و مطاوعتیه بین اناس تخصیص رتبه قبول  
 عامه و کبیراتب اتباع نامه ایروج تأییدجیان قوی اولرگان  
 سطت ایتمکله هت و اسباب ایسی مدح و ملت اولرک  
 تعایرهنه و مراسم تخسینه به و وضع ایبدیکی قانون مرعیه به  
 رعایت و تیبیر ماسم و تشریفان دن بغایت حذر و مجانبت ایلیه  
 ایرارملکیه و مصارف عکریه مخصوصی حد اعتدال دن تجاوز  
 ایتمیرمیویب افتخار ایبدیکی امور جزایه و کلیه ده توسیع و اسراف  
 مباعدت ایلمک باعث ثبات حکومت اولدیغی ثبت و قایم  
 زورنکار ووزکاردر از جمله دولت قویملکت عباسیه نیک  
 اسیه فافخ دولتی قریب مقراض انقراض اولطفه قامت سلطنتیه  
 اکای قوی اسراف ایبدکلدن نشئت ایتمی اولدیغی رخرده  
 صفیات کاشاندر اجنبیه کثیره و صمیمیه عدم میل و رغبت  
 لزومه ارباب سطت اولطفین اولطمین طمی همجار کفشار قندی  
 فوائد قبول عامه و منافع اتباع نامه از جمله دولت علییه  
 عثمانیه صفتیه هزار بار وقدم طردن حوادث مرهکه ووزکار  
 دن خصوص و ثباته مدار اولون کیفیت مجر قبول عامه اولدکلرن  
 صدور ایتمی برحالتدر توسیع و اثره ممالک و مصارف  
 زائیه به هوکار اولطیوب قوت مالیه و عکریه سنه عتیا  
 و اعتماد له رعایا وارکان سلطنته عدم رغبت و اعتبار قوت  
 ضرورت



خطادون معدود اولدنی نقش کرده دست زال و و ذکار و وضیعه  
و دبه ممالک اسباب قویه ابراز صوت عدالتن عبا رتدر  
والا جو و قوته صوله کلز

مقاله

بر دولت افریدونه ابراز صوت مفایه و محاربه به عزیمت  
ایدک که ذری آن خصوصه رفت ایلمت هر دونه لوزمه عهده  
احتیاط سلطنتدر یعنی محاربه بوشنی دوشته ابتدا فوق عکریه  
ثانیا وقت خزیه ثالث مهات عربیه رابعاً و خاتماً ایلمت  
ملکی موازنه ایدوب تمام مساوات اوزره وضع میزان بقیه اولدنی  
تکرار امتداد سفر و کارزار صیبه اسباب محاربه به نقصان  
وقت عارضه رضی مدوظه دن بعد اولیوب احتیاطاً هنگام  
مضایقه ده لوازمات عربیه استانه به بردوشته رضی مفاو  
ایلمت الزم و اهل اولدنی بدریدر

مقاله

کذات ایلمت بر بریه پیوسته دست اتحاد ایدوب رفع شوار  
نقاره و بازو بند فحیه اتفاقه ایلمت رک باعث ایلمت سلطنت  
اولون موالوف صیغیه به شمیرا عدت ایدک کزیه اتفاقه دتر  
مظهورات و مخی طرای مدوظه وقت ایلمت بعد التقرار بر وجه قطع  
رشته مودت ایلمت رک اتفاقه ایلمت افاندرینه اسباب غرور  
و حقوق ایلمت هر حاله تواضعاً هر کانه مبارت و ایلمت سلطنت  
بذل نقدیه مقدرت ایلمت لوزمه عنوان بیت و دوام سلطنتدر

## مقاله

از یک پیرایه اقدیم سظت اوزنت ارای عالم دولت اولون پادشاهان  
 جهان و سد طین زمان حضرتنه البیعه و تا یا ندر که مادون سظتی  
 بونان حکومتی اجرای مراسم تواضع و تظیف ایتمکی التزام ایلیه لر  
 زیرا تظیف ترستی روزگار و مادون دولتی اولون حکومتی اقدار ایتمکه  
 تکلیف و تواضعه هنگام بجزو تیب عار لوصه اوله صبی در کار اولطین  
 خصوص مذکور وقت وزمانیه وقت ایلمت لازمه دور اندیشی  
 اولدینی معلوم اصحاب بصیرتدر دانشا محافظه امور سلطنتی حکم و جوبه  
 الزم و اهم عدا بدران وقایه به صرف مصلحت قدرت ایلیه لر بر حال  
 کالای کرا بیلای حکومت قبول اندازه شرکت ایتمیکی شرعاً و قانوناً  
 نبوی یافته اولدینی زمان عدالت عنوان ضوفا سید اولیاده  
 نمایان اولمشده

### تذکره حضرت قائم

اسد الله کفایه علی بن ابیطالب رضی الله تعالی عنه و کم الله وجهه حضرت زین  
 نز و ولایت بنا هدرن دنیا و مافیها مانند دانه خردل اولطینی  
 هدید اولستدر ایکن هنگام ضوفا درنجا و نایمچر ظهور ایدن  
 مخالفینه مدافعه به هندی مجرد وقایه نامدر احکام ضوفا در عباد  
 ایدی و اولونه آنکه مراسم سعادتها از این سلطنت اولم اوله نوبه  
 و تا ویلی کافه عرفای ملت بیضا اسدوم جبارت التزام اولنوج  
 بود ادرین نوسن رهوار قلمی جاده مستقیمه ارفای عنان ایدر  
 بحث تأخیر ضوفا حیدر کزاده قطع صافه صحرای سکوت و آرام  
 ایلیج

ایلیوب هزار تأویل و توجیه اصن و ملزمه به موفو اولدقلری  
 مبرهن بنیاد ایسه ده بر وجه غریب دخی مرآت خاطر محروم  
 رونما اولطفین اللام اسباب رجحانیت صده جهت العلم و الشی عمه  
 وبالنسب و السیاق جناب کار جمله سنه فایله اولدیفنی دوکار  
 و بود وجه حکم واجب الاضطرار ضروف لزومه عندان شاه و بویست  
 مدار اولدیفنی ظاهر و اشکار و دیده دلج اوعاده پارهای ثبات و استقرار  
 اولوب خضراء سازه ندج بعدلبنی ضیفه بالحوه اولدقلدنی انکار  
 ایدندر عین انصاف حقیقت بینده صرف اظهار دقت ایوب طریق  
 فعد و اصدره سلوک و رغبت ایندکطرح حالج محو بر تفصیه بوکونه  
 زیب صحیفه تقریر و تفسیره اجتر ایدر که تأخیر ضروف سلطان  
 اولیاده ایکی وجه متصور و در یعنی زیور کربان عرض بیور بیون  
 و امن آسمان پیرای نبوت اولور و احقاده مربوط قلند نه زبایت اول  
 آویس کله سلطت اولوب احکام و الای رسالت مانند مراسم سلطت  
 اولدیفنی نمایان و خصوص مذکور مواد منظورون و فایله قلندیفنی  
 و ارسته فیه دلالت و برهاندر ثانیاً او ان بعثندن هنگام حزن  
 انجام رحمت علیه به قدر ضفای عظام رضوان الیق علیهم الایوب<sup>القیا</sup>  
 حضرتان خدمت خیر الوری ده جائتشار لوه مراسم اجزاده کمر بند  
 صدق و اهتمام اولدقلدنی بناء دنیا و آخرت اعزاز مراتب  
 عیای ضروف ایتمکشان نبوته شایان کویلیوب اولوب جمله  
 بدروت ابد حده نظر تیدک حکمه معنویه به بالسنافه ضاراده  
 حضرت پیغمبری اولددر فی الحقیقه اصحاب فطانت و ادراکه

خفی دكد كه بحث مذكوری اساسی بنیان عقاید است اید و جب  
 بین اولوج موجب تفرقه و نفاق و سب برورت و سقاوه  
 ایتناک و بودارید کربوه صعب الصدده کتاک عبث و ضلالت <sup>عین</sup>  
 اولدنی هدی و فصوصی مذکوره مدک سادات صوفیه و نفع <sup>الله</sup>  
 باسراحم سلم و اعی دور

مقاله اولی من حضرتین

**شافی و مشفق** دایرین **رسول الثقلین سید المرسلین** صل الله تعالی علیه  
 وسلم الیوم الدین حضرتین **والدین محترمین** حضرتین **صفت** بعض  
 مقالات غیر صحیحیه **اجتناب** و بوکونه سواد ایه ابتداء ایدند  
 عفت و شفاعت پیغمبری به نظر او طاز را به نکال و عذابه کفناً  
 اوله جفاک دوکار اولفین از جمله هبده صفت او مدنی تشریف  
 طراز خلقت عالم صل الله تعالی علیه وسلم حضرتین **کلیه قدر ابا و اوان**  
 پیغمبر وقت شریفی او زره تنه بند نکاح شرعی اولد قدرینی اخبار  
 بیورد قدرین بشفه نور عالم فروز محرمی صل الله تعالی علیه وسلم  
 مرات ناصیه **عبد** و آمنه رضی الله عنهما داده جلوه کر و رونما اولفین  
 زاندن و دیقه کبری الیه اولون کتخفی به واقف اولو جریه  
 هزار ضار و عاده نک حکمته عارف اولو رو لایق و لایحی نیجه  
 اشرف معنیه نک ظهوریه شرفیاب بیوردیوب اور سلطان  
 علم لدنی به کبشرف اطوع ایتناک اید ده هنگام بعثتی **ارواح**  
 ایتناک مقدم غنوده صبا ج فان عطنان اولو ج قبل بعثه  
 تصدیقه نظر بندی و رفیق بن نذر کی ایمان و تصدیقه  
 عالم عقبا به تشریفدی ظاهر و فصوص مذکوری بوکونه تصدیقت  
 ایجاب

ایجاب عند الحقیقه والاشاعه فرض و واجب اولدینی باهرا و طغی  
 اول مجتبع طی تفصیل طومار قید و قال قننندر بخت مستغرب  
 ابوطالب ده دخی ائمه اهل بیته اتباع لازمه عرفه امتد و  
 هدانا الله تقی الاسواء السبیل .

**مقاله ابوطالب**

بیمه الانام هذا البیت منه فالله الاقدام اولدینی مالو کله صدر یعنی  
 یاسیان دوگاه جوانپناه رسول خدا لولای مهربان سیدالوزری  
 و پدر سخنان اولیا جناب ابوطالب الا وفاته اسوم و ایمان  
 مستور پرده کتمان و اضفا ایتم حکمت معنویه مشارابه اعظم  
 قدم اولعه صبیح اهالی مکه مکرمه توفیق و تکریم فی صحنی واجبه  
 زمت بیوجب و انما رعایت و احترامات لازمه عرفه حجت بلج  
 اولد قدر ندره ناجی اکثر با طرف اشرف سیدالوزریه جفا و از درایه  
 میر و جبارق که ستر مد کدی بجز ابوطالب علی نازده غیره  
 هد اکیر اوج اظهار اولوب ابراز شعار اسومیه به ابتداء  
 ضیاء ایدی بناء علیه نه هرا شعایر بیضاء ملت اسلامه  
 راغب اولیب بود وجه شداییین دین مبین ایتله اصحاب  
 نقر الطاب رسول الله اذ ادن و قایه به همت ایدی قالدیکی  
 مطور صی یف زوایان صحیحی اولدینی اوزره حضرت محمد صودانه  
 دکار و اشکار اولون اضوص و عبودیتی و برهان ریاض  
 حب نبوی غری و پرورده ایتدیکلی زلال عشقه و مجتهد نمک  
 نائل دولت ایمان و سعادت اولنه ولید وضع و برهان  
 قاطع در زیر ابولربیب لقمه زینت جمیم اولدینی آیات  
 بیننده مثبت اولوب بورتبه مقطع الاصل الیک و فائز نیک

حضرت عباس رضی عنه و با الناس مرات غریبهای و و یاده  
 مآه ایدوب استغ و حال اینک سزای شدت عذاب نار  
 اولدیفن افاده و اشعار ایدوب فقہ یوم اوثین با و رة غلام  
 تخفیف اولوب ما عدا سینه روی راحت کور عدم یوم مذکور که  
 وقت ولادت شفیع کائنا ندر دنیا تشریف دین ثوبه نام حایه  
 طرفه بشیر و اخبار ایند کدرن کمال صبور و سرور مدته مث الرایه  
 ماطن ازار ایشیم یوم مذکور عا طپیده غریب ساهه دل اولون  
 شجیع مرت و مجت شمع هفته ده بر کون میوه چایک  
 باغ راحت و سلامت اوظفه باری اوظشر بوضوح جناب  
 ابوه بیت ایمان و اسلمی صفت بیان و بیدار اولون اخبار  
 صریحه و روایات صحیحین قطع نظر جمال با کمال رسول الله  
 و صیاب اولدیفنی بر کون و ارایه اولکدرن سزای عتاب اوی  
 منصور در فیه حال العلم عند المتعال بر نقش غیب شمال  
 دخی بحث بیچار تک الفرانیه العدا اولدیفنی هدیدار

### مقاله

عمان فضائل و علوم اولون عظمای ملت بیضا و عرفای امت  
 و اولون سفایه تحفیه و تفکره جوونکر کواج صیرت  
 ایدن بحث عمیه تک الفرانیه العدا میناب روضه طه  
 قطع بار اولون سحاب حکمت سبزه نوظهور تا ویلی بوزین  
 اوزره بهار ادای روضه بیان قندور که علمای عظام و فخر کرام  
 هذال میاتر بوسیدوب فار اوج قسمة تقسیم اولنوب حتی  
 سید شریف شرح موافقه توقیف ایدوب بعد التوجیه  
 مفریات ملاحظه در دیده ک سداب سید عناد و حیه سیده  
 حجت

حجت و قبالة توجیهی فتح و امضا ایتمی ابرده كافة اصحاب  
 تواریخ و سیر بو کیفیت غیر معتبره یا ثبت صحایف اثر ایلیدج باعث  
 خدشه ذهن و نقیج درون بشر اولد قلندیک حکمتی نزد عاقران  
 مجبور توجیه و تا ویلی خصوص الامور مانند کربوة اصحاب الوصول او طریقی  
 اللہ صبط حضرت ادم علیه السلام جناب نبی الرحمه به کنیه به قدر هر  
 نینت بعث اولد یعنی امته سبطان علیه السلام القای فساد ایندن فتح  
 او طریقی نه هر و بعد انبیای عظام صلوات الله علی نبینا و علیهم السلام  
 حضرت شریفی میزان صفایه احکام جناب کیریا او طریقی آینه  
 صفت نمای شریفی فاد شهنشون غبار ضل عارض او طریقی **صریح**  
 کونخ طوغدوق زیاده ظلمت حجاب او طاز • مانیچه پرده ظلمتی  
 جهانتاب شریفی محو و زائل اولد یعنی وارسته قید بر اهین و بر کدر  
 بناؤ علیه سورة شریف و اینج نازل اولوب نبی زینان قواف  
 و تدوینه ابتداء بیور و قدره شیه ندخی عود زینت سمعنه طور  
 ورقه بیان قند یعنی وجه طنیه انداز فار او طی و طاقه کفار دخی  
 زبان کوه بار نبوتدن صادر اولدی او هابیه سجده ده موافقتد  
 طرف اشرف نبوته و شان اعجاز عنوان رسالته باری ایجاب  
 نقیصه دکندر زیاده ریای صفت نمای شریفه القای شیهان اولد  
 صیفة فار تو طرمان قوت و امواج بحیرتده انداخته کنار ادبار  
 اولد یعنی باهر و نمایاندر صا سربو و قدری رضی احکام واجب او حرام  
 رسالته نقیصه و ضرری مرتب دکندر بر حال بو مشدد کیفیات  
 غریبه نک ظهورنه حاصل اولوبه غوائلی واردات الریه و قوت کیه  
 نبویه رافدر مند بر روضه دلاری محدودده نک درون نمایان اولد

67

سبزه بیکانه و خاریدن انداخته دست بیکانه کان اولون سنده  
 و کلده صاحب دوضه نده اصابع اهتسبیه قطع و انداخته کنار  
 دوضه و در کلندر و علی هذه القیال ذات رسالت آیات و بعد کتبت  
 عز آیزان احکام جناب خدا اوطین امور عیه محدود اولدیفندنا ضوف  
 رضای الریه و مغایرتی نبویه اولون خصوصیات دیوار شریفندنا  
 خارج قاطین یعنی کل الوجوه کافه فاد داخله شریعت اوله رده  
 باه قانور صتا ممکن و تصور اوطیب خصوص مذکور صحت و قوعی مطلوبه  
 زبان بد بیان شیطان دن رسیه صحیح سامعه کفار اولوب بعد نبی  
 زین دافع فسادنا کران اوطدر مؤلفه بیت قبا احمد صاحب بیت  
 الله در هیکل یوز طوفی وجه الله در **•** قال صقیقت اشتیانه  
 بناؤ قبت شریف نبی محل واردات سجانه و ان معج بیان پیغمبر گشته  
 ظهور و صدور امر دبان در بنا علیه شیطان کعفت فارسی قبت  
 و ان پیغمبری به طریقه تأثیره مجال بطی امر عبید و محالدر زیر زان  
 رب لیتناه نظراسم هاری اولوب شیطان نظراسم مضدر افتقنا  
 مغایرت نظریت صبیبه قول و فعلت ظاهر او باطن متمیز سیرت  
 و صورت اولو حد امکانه و کدر **••**

**مقاله**

دیگر کارگاه کائنات بافته دست افتدوف اولون بر نفس غریب  
 و دوت فی زمن الملک العادل کلامتک بعضی حدیث اولونه  
 ذاهب و بعض کفین صیه صمدنا عی طرد یو طرفیندنا اثبات مدعا  
 ایتد کلیدر بود بایع مرات خاطر عکس انداز اولون داشته باریک  
 تحفیه بو صندار اوزره دبط سیرازه تدقیقه قندور که سبب و روی  
 عدم و قد عن انکاره باری اولون افتخار اوطیب مجر و عدالت اوصاف  
 کامله



کامه ان نیت اولدینی امتدن ایام القیم ساهه ظهور قدم ۴  
 زیاده اجود و سلطنت اولون ملون و سوطین غلام حضانه تفهیم  
 و اشعار بیورمی اوله لر و یا فود و لودت عارف ایاندینک مدت  
 اخبار دن عارف اوله و یا فود شمس جلا کتاب و لود نکرینک  
 تقدی هدر سلطنت نوشروانه باعث اقتباسی نور عدالت اولدینی ایما  
 بیور و قدری اصحاب وقت و ترجمه نمایاندر بو صورتی حدیث و دیر  
 اریعا ایندر معذور و در اعلی مرتبه اختیار بیت نزد کبر و درش  
 نیازم جنان • که سید بدوران نوشروان • ناطقه سیده صاحب کسنان  
 بستایم مانند بیور نفه پیری بیان اولد قدری جیت فالندن احتراز  
 اوله زیرا دعوی داعیه افتخار و دودینه مانع اولوب او معناده انکار  
 وقوع ایندر مصیب و مجبور دور ••

**مقاله حسبن کتاب الله**

ذکر ای خصوصه ملت شیعی تعریفه ابتداء جبارت ایند کلر ندره بنفہ  
 کرده صوفیه دن بعضی بنی دخی مبتدی و غدغه اضطراب و افکار ایشی  
 ارفیقین اجماله بو کلمه ایراد و تا ویلی صورتی بر وجه مراتب مراد مناسب  
 کو طرح اولغی یعنی فاروق اعظم و ضیفه مظهر جناب **عمر ابن الخطاب**  
 فری علی سید بنی ارحم **شیخ الامم** صل الله تعالی علیه وسلم حضرتی قصد رکال  
 دار بقا بیور و قدری امت میانش اختلال و مفارقاته موجب حال اتدن  
 وق یکنتم بر وصیتنا مگر عینه نکت ترتیبه اراده قاطعه رانست جملی  
 نمایان اولوق حضرت عمر رضی الله عنہ حسبن کتاب الله دیر دایر ویر کجری  
 جواب مانع اراده الیه اولدی دیو ایند کلری ادعای غیر لایفه  
 صفه عداص در بای ضیال آورده کنار وصال ایندیکی ورناده

و نارینه اول بود کونه نظم داشته قضیت اشتغال قندور که اللهم  
 جناب **ابراهیم خطیب** **صبا کتاب الله** جو اینک نظری بر مقتضای  
 بشریت **فی عالم صلوات الله علیه** **حضرت زینب** وجود سعادت **عزیزه عارضی**  
**اولاد** اخراج صبیبه مزاج همایون نبوی که زحمت اولون مضمونند  
 عبارت اولوب و یا خود تورات تریفه بیان بیورد یعنی وجه حضرت  
**یعقوب** صلوات الله علیه **نیت** و **عبد السلام** هنگام رهنده او بود یعنی  
 اول ماه جوانی برای نیت اطلاق حاله بند جمعیت و برویت نامه زینب  
 مبارک **ابلیوب** یعنی ذات تریفند **صک** الا افرادان سندی  
 آوردند رسالت بیوردیون ذواتک اسماء تریفین امته ایجاب  
 ایدن خصوصیات انضمامیه یکان یکان زقیه صحیفه بیان اینکه  
 شروع نیت بیوردی اشتهار منعه اراده قاطعه **الیه** صادر  
 اولد یعنی صکت معنویه به بناء سید کائنات علیه صلوات حضرتند  
 بود کلام معنی انتظام **سامعه** ارای انام اولدوق توقیفه اراده **الیه**  
**تعالیه** **اوله العلم عند الله تعالی** بوصورت فاروق اعظم حضرتند  
**قب** زینب اقبال نور صقیفت ایتکیه ندید که تمام موافق تفسیر  
**اولوب** علت تنه **فصل** سطور برهان قوی اولدینده **بشفه**  
**صبا کتاب الله** لفظی اشاره ابتدای مجود قرآن عظیم **الناس**  
 كافة **المکام** **سبعه** یا **مخیر** اولدین بیان بیوردی اولدوقری  
 و فی محترود و جای استباه اولدین معنی ارباب بصیرت  
 و مجوع اصحاب دیانتدر بر حال **تان** **خدا** **الراشدین** **اصحاب**  
**سید المرسلین** **تکرم** و **توقیر** **واجبه** **ذمت** **امتد** **هدانا** **الله**  
**سوا** **السبیل** **باضا** **دیوانه** **باسی** **یا محمد** **بارک** **ونیره** **سجده**  
**بافص** **فی** **وجودات** **وسب** **صفت** **کائنات** **صلوات** **الله** **علیه**  
**وسلم**

حضرت زینب و ائمه ارج و تظهير غایت الفایه وقت و سلوة  
 سارانه بظلمه ذواتی ذات رسالت پناه اجداد تعبیرند  
 حذر و مجانبت ایبهار زیر صفا بر طهارت اولاد یعنی وارسته قید  
 ارتباب در شجره کنجینه رسالت شمس جوانتای صبح سیادت  
 سیده فاطمه العاطین ام المؤمنین **فاطمه الزهرا** و حاصل خاتم  
 صدف و حاکم اقصیم و بوی **عالم رضی** رضی الله عنه و عنده حضرت  
 و انما جناب سید الراحیه رسول خدا و حبيب کبریا دیو تعبیر  
 بود و قلبی هویدا و

**مقارن اهل قبده**

بیت عقایدی بپیشانی جلال ایدوب اصیب کبار دن بونان  
 اهل قبده تکفیر انما ز دیواتمه مجتهدین رضوان الله علیهم اجمعین  
 حضرتان محکم زن اجتناع و اولاد قری زرفا لصل العباد و ضعیفیکه  
 توجیه و عنبار قندوب بود و بوی رونو ادای بازاد نقد اشتراک کند که  
 از رسول الله صلی الله علیه و سلم خلفای عظمی و بعضی صحابه کرام مباحثه قوم  
 مذکور ادعا ایند که مفاخره دو ابیات غیر صحیحی است صقیفته آگاه  
 اولی دره اجتناع در نه رضی نمایان و در کار اولون ظاهرینه تحسیر و قوف  
 نام ایتوب و عدالته ضروری اعتقاد بکبر و وطند ای کوه مذکور  
 تکفیر و قضا و برین اما علما متافین و همهم الله علیهم اجمعین حضرتان  
 زقیه و تحقیقه کوه عداوت بکبرند ظاهرینه عدم و قوفله او طیب  
 شاهه عی یعنی اول امروه شاه اسمعیلی موقوفه ملت و سلطنت  
 داعیه تفرقه بیان ملت سورانه زاهدانیم او طغیانه استوار  
 ایند که اقوال ناسرا مجرود اینه تابع اولاد قدرنا نشئت  
 و به دن ملت مذبور کف نسبت ایند ایسه در صدت اهل

قبه یا تکفیره رخصت و برمیوب جزایین عدالة عرق مشت  
ایست آنسب و اهدون و خصوص مذکورده اجتهاد ائمه وینه مثال  
و اتباع الزم و حسن اولدنی عند الفخام سلم و مبرهنه

**مقاله طریقت**

بیمه الامم مباضنه طویل الذیل طومار کاشاف اولون خصوصه شریعت  
عزاً و طریقت علیا میانشده و دوکار قنانه نزاع بیجا تفصیلاً کذا رتوضا  
نام رساله مزده ثبت صحیفه امده قنانه ایسه ده بر مقدار دخی مداریت  
و از ام اولور ضمیمه تکرار اجازت بوکون زیبا سر لوصه اشعار و املا  
قدنور که شریعت ذات رسول الله طریقت صفات رسول الله در فیه  
مذکورده ادعای نادر و ایه رغبت یعنی سرکردان صوای غفلت اولورده  
میان شریعت و طریقت فو مفارقت دنک در باره واقع اولون  
استباه و مخالفته مطبقدر زیاد دنک در یا صورت تقدر ایله  
تعریف قبول ایندی کی طریقت و شریعت دخی تقدر قبول ایندی  
داخله دائرة شریعت اولوب مشبث زیاد استقامت اولور بخیر

**مقاله طریقت**

فاما ماهیة هذ الطریقة <sup>العلمیة</sup> فوام العبودیة له نفا بدوام حضور یا لله  
نفا نفا بتطهیر القلب عما سوی الله و کلیته بدوام ذکر الله تعالی  
فیقطع عن غیر الله تعالی قال الله **زرهم و جملهم یتبت** الا بذكر الله  
نظرین الفلوب الا ان تسمى غیر الله نفا و اما شرطه فالتزام  
بالکفایة فی الشریعة و السنة و الاجتناب عن البدعة بل الرفیعة  
بوضوارة ملجئة و تزینب الاضواء الذمیة و اما تلقین شیخ و یمنه  
فی لیسنة المسلمة الا صد السعادة صاع الله نفا علیه وسلم بواسطة  
صدیقه الاعظم **و المرضی المذموم** رضی الله نفا عنهما و اما ایة السنة  
فقطها المنة ایضا المجتمعه علی ولا یتهم کجند البفداری و بسطی  
و اسقی

و اسقطی و دوود الطائی و سفیان ثوری و شاه محمد نقشبند و عبد القادر  
 فخر منیر همدانی العظمی قدس الله سره و نفعنا الله بانوار علومه  
 ما صل بافته کارگاه قدرت از لیه اولون قاج ذراندوز بیکرندک  
 شریف و طریقه طمغازن کله سلوک و ارشاد اولوندک صدر زین  
 عباردان میزان حقیقت اولون کافه اثمه حقیقه و اشاعه و محکم  
 شناسان سادات صوفیه و نفعنا الله بشفا عشره هراتت نقد خصیصه  
 روایت و اتحاد اوزده قاب اتفاقه مسبور ابد کل کثیر تقریر  
 وضع کتابه تحریر قند

مقاله

**بفلسفون شریف** و زیور لومه مت اولون علماء عظام و نصیای  
 ذوی احترام و حمت و رعایت ایدن حکومت بیزاحمه اکر قبول  
 عامه اولور و بین الناس اقیع و بومش صید القدر مقلدین عدم عایشه  
 مشر اولون حکومت و سلطنت عداق اوردی ابر و عقیق اولدینی  
 سلم اصحاب دقت و طبع سلیم اولطین ضفای عباسیه نیک بکدن  
 عالم اشترار اولدقدی بوقوعه مستحینه به اهتاج و هندندن نشئت  
 ایتیم اولدینی مقلوب اولور اولبصار اولطفه نیمور فانت دخی بکه ناز  
 ساهه نصرت و شرامت اولدینی بوزوم و ایوبه اتباع و اعتبارده  
 واقع اولون معامه مرضیه نیک نهم سید بنا علیه سلله ملوک  
 اذ غنائت بوقوعه مرجیه به رعایتی الحقه محمد عقود عالم و عا طیندر  
 صتی مدرج زمان ارشاد و کرامتی اولدین **شیخ محمود عیسی قدس**  
 اسراده حضرتیه **سلطان سیرت** علیه ارحمة و لطفان حضرتی و لطف  
 خدوقدی هرات مدقات داعیه سیه هزار تکلفه دوچار اولوب  
 استانه به صبی فصوصه ابراز صورت امکان ایتیب التماس کونه  
 معامه بیوردقدی مشهور افاقدوره

ترجمه حاد عزیز مشایخ

بیت از برای هوسجت سالها بازگودا اذان خوشحالای ز فرصه سید  
 ارشاد و ولایتند اتقاد ارای عامه اولون عظمای سنت بیضا و  
 سلیمان تاج العارفین شیخ یوسف همدانی و حسن خرقانی و بایزید  
 و جنید و عبدالقادر کیلونی و شاه نقشبند محمد بن ادریس و مدونا  
 محمد بن ادریس و الیقین و جناب ذوالنون و مرهتود اطربون  
 اولون اولیاء الله و ذوق علیهم و لوهم بخیرتون سرنه نظر صاحب  
 فیض و نظر • سلیمان اقلیم ولایت سریر ارای اورنت کرامت •  
 مرشد کلام راه حوره مرید سالکان طریقت و بی القلمه • الشیخ محمد بن  
 قدس سره اسراره و زاده الله بالروحانیه انواره حضرت ذیست صفا  
 و اشرفی مرغی و ولایت اولوب نوزاد هوای طفولیتی رتبه  
 صبا کیچوف ذهب خالص العباد صابر عمر نازنینی طوبی بافته  
 بازار تکلیف و وقوف اولوق تحصیل علوم شریفه رخت و قصیری  
 شهر در بندینه عزیمت و ضعیفی مدق کب علوم نافه داعیه سینه  
 محمد مذکورده اقامت و ذکر اولونان بدع علمائین کرامت اولیج  
 الشیخ حسین افند حضرت ذی طریقت علییه نقشبندییه به اذریفت  
 انابت اولوب علوم فقهیه و باطنیه ده اخذ فیض و مراد ایوب  
 طریقت خلوتیه به دخی شیخ بیدر قدسیدان اقدایدوب ایک طریقه  
 دخی مرشد صاحب فیض و ارشاده قادر صوری و معنی کعبی  
 مع وجودی نادر ایدی مشارایه علوم فقهیه و باطنیه به موفو  
 اولوق قدر نضک و ولایتی اولون مرشد اولوق فواید مدانطیت  
 و بعد زمان والی ولایت طریقتن هوسعد تدریج وقوع کلون  
 ضیانت و اهانته منی اور آفتاب اوج کرامت خودی مکمل ایدر  
 بیج

برج صبا شربا به رغبت و هجوت ایتکه نافع عینا به صبر اجابت  
 کرد با امر لطیف فانکه اطاقاب • تاریخچه صبا نفسی الحی حسن  
 اذنی حضرتین شیخاغ سراپرده عصمت کوه بکنای دریای عفت  
 اولون کریمه مختره رین محی شبنان نگاه و ذفاف ایدوب  
 اول ولی صاحب تکلیف و استقامت و اول سیده قدر شهر ولایت  
 مدت مقدمون الی بر سنه که تاریخی شهر رمضان المبارک اون  
 یدی سنه قدر زیور عالم حیات اولوب هتکلم مذکورده عنوده  
صبا ب صفت اول طغیان اول عنقای قاف صبر و قناعت و اول  
 البرز و قار و استقامت صبا شربا ده واقع عثمان پنا جامع شریفی  
 جداره ضریح و فتح با و سکون یا تخانیه ایبه صبیحه نام محله رفون  
 و غریبه دریای رحمت خداوند بیچون او طشر مثالیه صاحب انفا  
 و استقامت و احکام واجب الی صبر شریف غایبه اهتکلم نام بو  
 واصل درجات عالیة ولایت اولوب لید و زار مواظب ازکار  
 و مداوم عبادت شایع و آکار بروی کرد و نقرار ایدی قدس استقامت  
 سه العزیز عادت سینه ها اعد و ادنایه متواضع و شریف صوم  
 داخل و العادة القدری بیوریدون ذوات کرام مظهر تطیف و کرام  
 بیوریدوب وفا و مرهمه و انما یا به جای ثبات و استقرار اولوب  
 قبول دائرة محبت و عنایتی بیوریدون احبا و اصداقا بیکار و شنای  
 بر وجه و آمدن بیوریز ایدون احبا و اصداقان حج قلیل المقدر  
 هدیه عنذانیه تقدیمه اجتناب او نذوق بعضیدینک اهداسی نائل  
 حیاطه قبول بیوریدوب اکثرا افزه اعطای بیوریز ایدی بیت یکسوف  
 یکدی التی سنه تاریخ استبدول شریف بیوروب صوب صباب  
 ش هبیت و ساروده و امن همت و قناعتی الوده لکه زمت اهدا  
 اولوب زید عفتی پاک و مبرا اوله رو عورت ایدید استانه ده

برسد اقا مندرج طرف سے نذر عودتہ طالب رفعت  
 اول قدرے سرائی پادشاہی دعوت اولندب صوب ملوکا درج  
 و قدم کردن تعظیم و توقیر قابل موصوفہ تقریر و تعبیر اوطیب  
 حتی فرقتہ شریف اولہ سنہ هنگام و داعیہ جناب پادشاہ  
 عرقیز تائب و عجب اولہ روہ طیفین جہا داعیہ ابتداء اولندب  
 ببع اغای دارالستادہ و ساطیہ قبول ہدیہ بیوردیہ ایشعار  
 اولندب ایمنہ سوال مامہ بود و جہد ذیب ارای صورت جواج  
 اولندب کہ از ہر جهت شد کتوب پادشاہ حضرت صوب داعیہ  
 تعظیم بودیہ بجز الخاط بیوردی و قدری فہر اوطیفین بنہ مراد  
 ہا بیوندی تخیل رضا اب قبول ہدیہ تکلیفندن صرف نظر  
 بیوردیہ و بیدریہ بالفردور بر سوال مطور حکاۃ ابتداء اولندب  
 عزیزت ادایہ یکرمی بیدی ہمازی الاول او اسطنہ استان دن  
 فتنہ رابطہ اقامت بر لہ برا کوئے بروکے جائتہ سایہ انداز  
 ہت و کرامت اول قدرے بحر عرفی شتہ زول وصال اوطیف  
 متحد اوطیب تکرار بجا بیت **سے اصحاب کربف روزی چند**  
 بے نیکان کوفت مردی شد **•** مآلنہ ماصدوہ اوطوہ سورہا و راون  
 عزیت و بے مذکورہ شرفیاب موقات وصحت اولوب قدرے  
 اور اھوی گرای و بیت کوئے بروکے ہم عبیدماع زمین اولندب  
 ابرازن مراقہ مبارکہ مطربین فلکای زیارت ایدوب بر محمد  
 جلسہ فقیفہ ایدہ اسابج واستراحت اوزرہ الیکہ دست  
 کرامتتاریخ اولون **سجۃ شریفہ کستہ نار اولوب**  
 تنظیمی محرم اشارت ارزانا بیوردی قدرے دران تنظیمی  
 عابدیہ تقدیمہ ابتداء ایدیکہ فاطرینا ثاثرہ بود و جہد  
 مطور



**ظهور** ابتدیکه نسیم مذکور بجای منظورها اول درجه ساعه نظر کیمیا زو  
جلوه نما اول و در امنیه سله سرور اول در غیر خارج سجه مطوری  
حاضر اول و ندرت برینه اعلا ایدوب صوب عاجز انیم توجه برله  
نسیم بید و قدره ایکی وجه تصور وضیا اولدی **وجه اول طفل**  
**قلیم** عرشه نه جو لونه قت • مزایای وجه ثانی یعنی  
دافر صفة کندیجت اولدی ایسه و انما صبر الین نظر صده با  
بند عنایه سین هماره نار ضعیف سجه به کردن بسته فواد اوله  
ایجا سندن عبارت اولدی اولدی فرام اولدی عزیمت و البریدن  
مدغیر اراده و قدم کلون خوار و عاده صوصه تقیر و تصداده صفحاز  
از جمله مترجم کتاب قاموسی **غواص عمان معارف و عرفان ابو الکمال**  
**احمد صالح اقدی** علیه الرحمة والفضلان سره ابد وضه نمازه شروع  
و تکالیف ابتدکیه لطیفه طریقیه یا هواگاه اول ابدتال بند  
وضه نماز صحیح و جایز و کلدر جو در خاطر ابتد کلندن بشقه  
رای همایون خوابورندن چهار سنوی الحاج **مظفر اقدی** حضرتها  
قدارویه مرات عجمینهای دو باره عزیمت دایره زیارت و حضور  
امامته اشادت ابتد کنی بعدک شاه فریادی وقت عصرده سلطان  
بازید درخا سنه واروب شرف ادای موقات اولد قدره  
**اقدی** موی البرهی صلوة امامته اشادت ایدوب بو کیفیت غریبه  
نمانت وقعی نزد موی البره مجر کرامته حمد اول نور ایدی زیا  
رویت اولد فزین بر مقتضای رؤیا بو کونه جلوه نما اولون  
کیفیه کرامتن غیری معنا و بیطن دیده رت **مشاد ایراک**  
صنعه دقزده کلک از اولون قبالة کرامت و دویستی تصدیقه  
وامضی ایدر ایدی دیگر انگشت کزای صیرت اولون کرامت

با هر روزی بری یکی یکی تاریخ مبتدو اولی فرم عمت صبیح  
 تنه نزار مع بر نفس و زبان ببقاد بکنت بیان مانند بیل و نفس  
 قاطبیکن هت علیه کرم پیرار بیه وجود عاجزانم اسیر فرشی  
 او طردن ازاد و لسان بکنت فشانم فتح و کساد او طغیان دانما غبار  
 قدم اکبر تو آمدین کج رویه اصفهان جان و سرمه عین دوان  
 ایتشیدم کوسه بر کوه هنگام و داعه بر مدند زلفه اقیع  
 نوزم الفطیر عربستانه غزم و جرم خصوصه اراده و شارق بیوردی  
 بناؤ و مر فادوة العطره عزیت عجزانی عرض و شکاره جهنار  
 ایتیبوب تقییم ایتیکم و بینه یطفا شرفیم بیورد قدری جواب  
 با صدایها تنزل الرحمة عند ذکرها یحیی قول شریفه امثالک  
 عنایتنامه مذکورک ثبت و رفیمه صحائف اخبار الفرایب تزیین  
 قند بقدن بشقه نفع عامه مشتمل بر نصیحت او طغیان زیور کتابة  
 تطهیر قدسی مؤلفه بیت بیو اجماله و کلام قانع • بیک اوقات  
 جو سیف قاطع • **عزیز شاد البرک** سبای لها قسیر الرک  
 اسم اللون مع اللفا معذل قامت منشی خوش صحبت حاصل  
 مالک حسن ادا یعنی صدق و معنی درجات عالیه اصحابندک  
 اولدنی مبرهن و هدیادور • **نقشنامه الفیز**

صورت مکتوبتاریخ

**بسم الرحمن الرحیم**

و صل الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه وسلم و بعد اذ اجمع مولانا قاضی اقدی  
 فتح الله علیه و ستر کل صعب لیه جنا بدینه عفت و عافیت  
 و سوسنت رعاری تذکار و تکرار بیه مفاد فقیر بیدر که بجز بده  
 با یومن و السلام هر قاهره به اعتراف و با لغز و الاضرام اقامت  
 بیوردی

بیورد قلبی مفہم رسول مکتوبدی موصول و فوہ الفایہ سرود  
 و جبور و دعاً خوفور موصول و وسعدی قدری ہر امور رزق  
 استقامت و امر عیشیدنہ قناعت و طول آمد و ذل و کل  
 مدجباتندن قبلاً و قابلاً حذر و بجا نیت و فقیر رینی دخی خیر گزاردن  
 ظاہر و باطن موقوفہ رینی تو صیہ و تذکیر ضمنی استیود عا نامہ تحریر  
 و قید اولیٰ **مقائد مشاہدہ**

سلمان کبیر خان ناکث علیہ الرحمہ رجا الوادث حضرت عزیز شاہ  
 رؤیت و زیارت داعیہ سیدہ استانیہ جبہ خواہنگر اور یقین معنی  
 مٹھے بیورد قدری دعوت خیرلی وصولندن اقم **مذہبیت**  
 اور صاحب کرامت بغدادہ دوتدی روہ ابتدای لسان عالیہ اصون  
 سرفروہ یعنی اثنای طریقہ عزیز شاہ تصادف ایڈن اصون  
 مراتب معنویہ دن رزان و حیران اولوج **بیت** ہرکہ رسید  
 از صوفی کزیدہ ترسد از وی انسا و جن ہرکہ دیدہ ستر شریفی  
 نمایان او طیفین ماضیہ دار السلام بغداد جانیندن بالاضیہ والسلام  
 عدوت و قطرانا طوبیہ برمدت سیر صنع کردگار و صدیہ سیاحت  
 اور زہ اور قلبین سلمان کبیر خان حضرت استماع ایتکلم اور او انہ  
 کتذای رید علیای طقت بونان یوسف اغا حضرتیہ بوسر بستہ  
 اپنا و اور کوھر کز انبرای ولایت جواہر رضاری تحسیر و اشترا  
 اونوج محفوظ صندوقہ مباحات دولت عظمیٰ او طوہ امرنہ آستانہ  
 صبیہ صوفی ارادہ و ایما بیورد قدری اغای ہومی الیہ فی ترجم کتاب  
 قاموس احمدی صم افندی رحمت اللہ علیہ حضرتیہ جب و اضار و خصوص  
 مذکورہ اطرافیہ افادہ و اشعار و حصول کھدیکی صورتہ مراتب مہاب

مودوبته نائمه دفع غبار خاطر ابرم مکنند بنقه صیب از اوده  
 عارفانه و کینه قلندرانه نیزالذون اون بشیت غرض اعطایه  
 مالامال اوله جفتی دخی ابراز و اظهار اینه کلرغ اقدی مومی الیه  
**صع** بز قنذر دوش بزره ثروت کلرغ • مضمون بالمطالع بعد یوکون  
 جدا به تصدی و ابتدار ایدوب سیمشکه ذالواقع بو قدر احسان  
 و عنایت مظهریت حد اعتبار مدن هزار مرتبه اقرون اولدیفی نمایاندر  
 لکن فرض ابرم لم الیوم شوکله پادشاه حضرتینی دود پاشا صوانه  
 رعدته اجتنار ایشیم ربه قدره سحر او طه یفندن قانوقا صقره تکدی  
 موجب اولور کیفیت اوله جفتی بدیاهی و بیدار او طغین بنا بعلیه حرکات  
 و سکنایه مربوط و ارادات الریبه اولون او شکره ان اقیم و لا  
 ضوف اراج رعدته اجتنار معنوی صوب عاجز ازم باعث مدست  
 وضار اوله جفتی امر اشکار او طغله هر حاله خصوص مذکور عراض بیا قنندن  
 بعید و دور اولدیفی هویداد و دیدکله انذ العذر عند کرام الناس  
 مقبول • فخدا سیده عذری قریه قبول اولدیفی او انذ کلسی شیخ عثمان  
 اقدی اوله بیت غرض اعطایه منفرد اولوب عاجز سوی و مطلوب  
 اولدوق مشارالیه اعاسیه شریفی شریف بیومشدر ایشی برای کوه  
 اسایح صوری و استراحت معنوی عقیننه ذکر اوضاعه مکنند فله  
 رابطه اقامت و سلطان یابرد جامع شریفی مدرسه تودیع و صایح  
 تنیه و اشارت ایدوب یعنی عزیمتد ضلع تخبنا النی ساعت مروزی  
 ظهور ایدون زانه سیده بنم و راندن کلیدوب همان کلدیکی کلدی غرض  
 و مراجعت ایلدون زیرا عنقای فافقناعت اولون همت عاجزانه  
 آشیانه دوتنه پروازه بروای دغبت اینه بلکی معلومده اولون  
 ذالواقع مشار الیلاک اشعاری و جهله مدق مرقوم مانند مرغ دران  
 الحاج

الحاج شیخ عثمان افندی نمایان و واصل و امینه ضمیری بروجه مراد  
 حاضر اولدی ضیاییه مدرس افندیکن سائو شده و صار اولدوقه  
 مدرس افندی در حال ایزانما فی ابال اید کلرله افندی مرقوم متحیر  
 بیچار زهی تصویریا زهی ضیای محال مقال یا حی یا قیوم و جمعت  
 فقهریه مطبهران استیجار اولوب **ح** رضیت من القنیمة بالواجب  
**خدا**ی مضطرب الحال اولدو و عودت شهر جنبان اقبال او طشردو  
 بعد زمان سلطت حضرت محمد فانیله یکدی ایتمی تاریخچه در سعادت شیرازی  
 دعوتیه اولوب بجد اشارت و وارداتله در مشارالیه ایله کب  
 ترفیحت و تحصیل دولت قریت ایدن دوانت اکثریا متحیر و تعجب  
 اولدوقه خوارده عاده یعنی کون کوهسار و کون صحراوه حاصل  
 عزیزلکون و مأمور اولمایه محال و اماکنه اطعمه فاکر نظر مشاهد  
 ایدر ایدی از جمله کون **م**رقاهه در ورتنه کلشن باغ طریقت  
 غنچه روضه صقیقت کلشنی **ه**زرتینیک در کاهنه ایوم سجاده  
 پیری روضه متین شیخ ابراهیم افندی عزیزتارالیه ایله ضلی بدت  
 زانوزده الف و صحت اولدینی اثناده بر کون حب الشربان  
 بر ساعت سافه بعد **ن**امقه بیت نسیم جنان و در ولسی جا گرفت  
 تمام کنان راه صی اکوف مفادجه قصد غماش صنع کبیا ایدر  
 غزیت بیروب بر جسم تقصه سفور عبادات ایکن شیخ ابراهیم  
 علی طریق لطیفه حالات جوعدن عارض اولون عجزنی اظهاره جوات  
 ایدرک طبعنت نه استر بیان ایله جه اشارت بیور و قدره با عزیز  
 هنگام صدوق انجام برار اولدو تقریبی بودریای بیابانه زینت  
 اشتیای نفس و طبیعت برنج بدویده ات لقمه سینه طالب و فاکه  
 فنون و فنون میوه به فداهشک و رغب اولدینن اشعاره مبارک

ایند که بر مقدار زاویه صبر و تحمل و آرایه در راه عالم سیرت  
 و الم عنایت اید ایماخی تخمیناً بر ساعت مرور ایند که او بیخ تقاض  
 ظهور و بریند اول مظهر و مظهر طعام و فکره یا بر فیه عالم  
 عرض حضور اید کلین شیخ ابراهیم اندکی صیرت مستولی اولوب  
 عزیزه قطب ایدوب سولیمکه یعنی جنس بشردن خالی بویده بر دماغ  
 باشند بو واقع اولون حاجات و حالات غریبه سن عالم السر  
 وقاضی الحاجات بیدردن لکن بو اولدک نگونه بیدردی اول  
 سره اکاه و واقف اولدک مرام عارفانه در ریسی بعد کتفی برقیب  
 زکرافان اولدک برندن استقامت صفت حال ایلمی اول مرد  
 زود استنا کف اسرار صکت عالم بالا ایدوب اول و اویس کربین زلم  
 ساره ایدوب سولیمکه نماز صبحی بعد الودا دو چشم عارفانه مانند  
 نرکس بیمار کنار دوه زارده الوده ضواب اولوب زینت سرای  
 عالم دویاره عزیز بو کلی شریفین بیان و اشعار ایدوب  
 طعام ماضی اشارت بیوردیلر

زمینه صادی صیفا دور اول دیری عرفان  
 از لایت الدی طوقا قنا اول ج عثمانی  
 جو صولدی کلینی باغ جونا ای بید شیدا  
 او عثمان کرامت قاف ارض استقامتدر  
 اول شاه سباب فیض واراکا قریب قانع  
 بقا تکلیف قلم کلشن کلستان  
 جو قطع صریحی او نامدار عالم فدی  
 که موجود اید کویا سیدون کلیدون  
 اید کلون طبع ساهه حشره جو لونا  
 بعید طار صیبا طبع او روح خاق

**ترجمه حال علم افشا**

غده ناصیه اصحاب علم و عرفان مردمان عبودن ادب و فضل  
 و از عیان ابوالکمال احمد علم افندی حضرتها فی الصل عینا بی  
 اولوب علمون نافع عقین و ذو ادن برینه دیوان کتابی خدمتی  
 اختیار

اختیار بعد عوارضات و هریه اسبابه بنی خدمت مذکور در زکوة  
 آنها که در بر مدت محضه پیرای قرار اولوب محرم قومیه اتمام آج  
 و دانه مقوم ایتکل حب الشرباده دخی بر زمان و ساره ارای  
 استقرار اوطنی ابره ده زبایت حب فاضلیه معاً در عادت عریه  
 هدی کار و بخیلی مدت استانجم گوشه اثر و او محنت اختیار ایدوب  
 اول در دریای فنون و بدوخت بازار زبان شعاع عالم ابراز سرمایه  
 معرفت ابره صوب **ح** **رضیت من الغنیمة بالایاب** سوره غنیمت  
 او زره الیمن بیت و هر بر بازار و هر کس متاعی عرض ایدوب اهل دنیا  
 سیر ز راه هز فضو و کاره ماله امثال بر له کف بضای و بیای  
 فصاحت ایدوب زجه برهان قاطع همت ایدوب سده کسیم فان  
 ثاب حضرتیه تقدیمه ابدار ایتکل کالوی کران برای فضل و هندی  
 ضایه بندرگاه فضائل عند ربح سلم اولوب اولوبه شریه افان  
 اوطین طرف بادشاهین شایان التفات واحسان اولوبه  
 رفته رفته سلم اعتباره عوجه نظریت پیدا ایدوب بالوجه  
 ثبت وقایع ذوت عنایه خدمتی عریه فاضله رینه اعاله بیورلوب  
 در میان محمد خانیه فقه سونیت مولوسینه **ب** بکلم اولوب  
 اول غنیمت کوه رصعارف اونوز اتی تاریخی او ایتیمه روچار نهجه  
 زه شیراجل و واصل رحمت عزوجل اوطفله اکلار وده واقع ذمه  
 ابراردن وجه احمد **حضرتیه** جوارز مدفون و غنوده بسیار  
 مفقت مقرون مدون نام راه **حضرتیه** افاز قلم اکبر  
 نو آمدن از جمله **شحه باب** و یا ضی ظهور اولون زجه لغت  
 قاموسه که او فیانوس اسمیه سیمی در دیگر بر قطعه سید شریفکه  
 هنگام خبر انجام و لودف هایون نبودن صلح ایدوبه سلم او ان حزن

افزان رصنه قدر شرف و قایم اثار ایدوب سیره الحیه و بطل  
 معروف کوشتر رود و لغت فارسیه دن ترجمه برهان قاطع  
 و در کتبت منظومه عریبه کتبه عاصم تعبیر به بنا و صلح نمایان  
 نحین ارباب همدرد ماهر زین و بیابانه معارف و بدوخت اولیا  
 ذات فصاحت ایامه جریحه و همه مرهم نافع و اول اوقیانوس  
 هذین هر قبح کصوم و رعناک برهان قاطع اولدینی بدیلاک  
 و مبرهندر سیما ی لغت تئاری اسم اللون و بالاق ایدی  
 رحمت اللطیفه اول ذات فضائل سیما تک تألیفات و اثار شریفه زین  
 مانند سجات مندرج اولون حسن و آن بدوخت نمایان این بعضی  
 هوشکاران خود فروشی اورنیه سرمد مستغ تعبیر اولون فصاحت  
 قاعه ایمیوب سینه سبت افشاده جزوی نقصانته جارد  
 ایدنک متنی نمونه ضرواربت مار ضروب استماله منی جارد  
 پروانه اسمیکه می فنجان ساق نامه عا جزا نامه زیر طبع فطون  
 اسارنک برورده ایدوب مانند یاقوت سیاله بزیم هنزده  
 لبز قمع و بیاله اینکله صریحا بدوخت نشه پیرای اجمده اورده  
 طبیعت اولوه داعیه سید تقریض مذکور برای نسبت کتبه  
 سلسله سطر فکری طوفان نشه بیت از برای صوف انفا لینی باب

کریم در سیوب کرد از عینتاب  
**تقریض مذکور**

سخن فحست و وقت کنز • دهذا جوفای دوری کنی تو کنز • خوف  
 ساق نامه طالبتی که از مطلع نام قطع مه لعه و معان و نسجه  
 تعبیرات و نکین و استحکام مضامین و نشسته صرف بهر وقت  
 و ادعای او نذوق صفا که هر طرفه طرف وجه صفت و هر کلمه  
 بیانه



پیمانۀ لبریز بادۀ معرفت و هر مصرعی باب های یونان است و حدت  
 و هریتی بیت الشرف زایجه بخ حکم در بیت سخن کرده از غریب  
 زید و بفرش • سخن نیز از فزونی ضید و بعثت اول در نضیر  
 و شته نظیر و ترخیه کشید ایدن فاع میدان زبان وری و ظار  
 فیض و فتوح هذوری با شانه شبره مایه دار کنجینه کنج کاوشه  
 سید و اندین جاشنی صحت معنی اول یعنی زایقه مندان و او مشنوی  
 اولدک و ارسته قید و بیاندر • زمره حقیقت سخن کوز است  
 زمره حقیقت سخن کوز است • بدینک با تاب اول منظومه بر آب  
 و تاب معالمانده بود که نشود یجاب اکتب ای یکدن  
 بشقه بر تقضای خیر خواهی دولت عدیه کردن جناب همیشه  
 زمره کتاب طرفت فایض از معروف و علم معرفت و هنر حقیقت  
 نشود و تخارینه غیرت فایض از معروف اول یعنی با ارباب اول طبق  
 مقدمه تا طبع موی لیه فدایگان چون معالی ارکاندن اول یعنی  
 دو باب باری دشاری و بعضی مرتبه تسبیح و تقالید عادی  
 اولدی علی اولطوه نازبانۀ مطایب خواهی و شواهد اولطوه ضمنیه  
 او مقدمه ارباب استعداد و سخاوت مقدمه سراج و هاج لطف  
 و عنایت بر توانکیز و سحاب نجاج توجه و عظمت باران زین بیو طبعه  
 از قیاس شیمه کرمیه ارکان دولت عدیه اول یعنی سجدۀ رضیه عالم و عالمیه  
 غیر فضیه اولطوه او بیابره امر و احسان کاشته کرم کج با یاندر •

**مقاله**

سید کاکیم خان ناکث عدیه روحی الله گوشت حضرت نیت و انما در بیای و آ  
 شاهانه اول کوه عثمان معارف مقصد توطیع و تعدیه کلکده اولوب  
 شایان مراتب عدیا بیو طری هر کوز ضمیر ملوکانه لری اولطوه ابرده

علمای رسیده اند و او به دانش قید و قال لرندن اجتناب اولندوب  
 قاضی و آلاء تطیفا حضرت ها، رینه اضار خدم الملوك  
 مدون العلوم سربنی ابراز و اشعار ایدوب بووجیه سزاوار  
 فضا ب بیورشده که یا عاصم آقذی از قدیم اصول دولت علیه مراتب  
 و مناصب فاضله بر فقه و عظیم و بی شماده است بهر که اول  
 قهاده کیون و شتران و استران و شور و هماران منظم خدمت در  
 اکثر اوقات کیون کیروده قلوب او تنه است تصادف ایدر  
 بدمای غریبه به کیون منیر و مضطرب و حیران ایکن و رادان بر چهار  
 دخی تقدیم ایدر ماهر کیفیت جریه روح دولت بوحالت اوزر شیشه  
 بند غفلت ابرده امثله ملوک ال عثمانات مزاج و طبیعتی  
 هر ذری ذاتنه اعتباراً کیونه کیون نظریه میل و غیبت بیورد  
 حاره عمار در دیده نظر انداز وقت اور کل شد در یعنی سندن  
 قدر و اعتبار ک نردشاهان همه به مجرد دیده در تطیف  
 و تسلیه خاطر بیورشده در **باب** شاه

**مقاله**

**بیت** ادباج فضل و معرفت ماعدا کیدر بوفوان دهرده  
 خون حکیمی • مفارجه زهرینار ایرات ایینه حانق صورت  
 عرف نمایان اوطین اون اریکه پیرای سلطنت ال عثمانان  
 سلطان محمود خان حضرتیز بووجیه عرض ما فی الضمیر ایلمشدر که  
 یاد شاهر بلرم بر کتاب کنار نیمی کوردم و یا خود نقه دن استماع  
 عافانیمی واقع اولدی اولوچله نغمی لوحه نظر اولون حدیث شریف  
 رضمدنی ابرازه مجبور اولدم یعنی خبر صحیح انوش خیر البشر بوکون  
 ثبت صحایف از بر خدمت در که عدل و انصافه موصوف واقف  
 و رحمت

و ساحتها معروف اولون سلطین عدل اینک زمانه بر آدم مستند  
 اولدنی عسرت حال اظهاد ایندیج ضرورتیه اوقا تکذار اولور ایسه  
 یوم تبلی لری کرده اور سلطان منصف اولدومک جیب وکریا نخ  
 درکت ایدوج سامة حکمه عصارت بوکونر دعوا به نفسی وابتدای  
 ایدرکه بو آدم بکا دنیا ده افاده حال مرام ایندیج نفسی القای  
 و دله ضرورت ایندیج عقلی ستم بو صورتی عالم عقبا ده شوکتلو  
 اقدز حضرتین دست هایون ملکانه رتدن کر بیان حیات فقیر  
 وقتی فرصت الیکن فرض درهایه جوأت ایتکی واجبه وقت  
 بیدریندن عرض ما نحن فیره جارت اولدی فی الحقیقه بو عرضی  
 نزد شاهان ده غایت مقبوله کچوب کیه امید نظر اصسان  
 ذوا ان وهیان نیازی مال مال بیکران بیدر یوب الا اولم  
 جای طرف شاهین تاثر اعطای سوال بیدر دیندن بشتم فایته  
 رض کافه دیون طرف یاد شاهین ادا اولدی رحمت الله علیه  
 نظم کجه اربانه بو عالم صبر عالمیده مصلح عاقبتی بود و نیدر عالمیده  
 سرعت سینی مانتق و دویا صغمه هر و روه ساهه و هر زده هر و عالمیده  
 فایحه سند فی ایقا ایدر کور نام و نشان امتحان اولمک اثبات وجود عالمیده

**مقاله دویا**

نفس بدیهه نمای دویا سهران اقدیم وجودت نیه اولون نفس ناطقه  
 کسب ایندیکی اطلع قدیمه سبب اسرار عالم بابو اینمندن عبارت  
 اولوب اصیاب دویا نفوس زکیه اربا بندن ایسه نکرار نصیره  
 محتاج اولوب مرآت مناصق شاهه ایتدکله وجهه دونا اولور  
 اما نفوس غیر زکیه اصی بندن اولدنی مالد کور یکی دویا عبت نمای

بجای آن بر معبر صفت است آنست که تعبیر به اشیاء ابدی است و در  
 بحث در زیاده حکمانه نقش صحیف تصور اولیای فطاری و مجربات  
 عنده رخ علم ایکن افراد افریه نه کافه مجرب او در نیندیش  
 بی شایسته شیره گذریدنی هزار بار شاهد ایند که خصوص  
 تقاضای حکمت عقلیه به مفار اولیای بدیدر صورتی و اصل  
 کمالات انانیه و استدلایه اولیای ابرده بعضی معنی به  
 موفوق اولیای مانند عقل حکما انکار اولیای هر قدر بحث عقلی  
 حکمت خارج از عرق قدرت ابرده بود بحث جلیل و عرق قدرت  
 عاجزانه مقداری ثبت قائمه اثر و رقیع اورا و خبر کنند  
 هدانا الله الی سوا السبل

**مقاله حکمت**

چونکه علت غائیة باشد انبیا صلوات الله علیهم و علیهم تسلیع  
 و هدایت و اجرای عبودیت و اشیاء موجوده که ماسوا الله و  
 مخلوق و حادث و مستند عدم اولیای مخلوقات تعلیم و تفهیم  
 عبارت اولیای عقابیه استیادان بحث اینست مناسب است  
 و اولی نبوت اولیای معقله و اثر انبیا و علیهم السلام  
 حضرتان اراده فاطمه صادر اولیای حکمت معنیه اللهم  
 بوقدره جوهر کرامتیه کفیه بود و وجه زینت کردن عرض تدقیق  
 قسود که انبیا و زینتیه صدور بیرون علوم صفت انجام  
 ولایت انتظامی ضوفا و اهاب و معتقد اولیای کفری بودی  
 اولیای بدیدار و علوم ریاضیه در بحث و بیان بیرون اجاب  
 واقضا استیدی موصلا تصور احاطه به قادر اولیای کافه  
 ناست عقایدی علوم عقلیه در مورد اولیای ضلعه موجب  
 ضلوع

ضلع اول در موقوفه ربه حقا به اعیان ثابتة حکمتخانه نبوت  
بکشته و اخرا و طمسترد

**کیفیت کره ارض**

جوانب کره ارضی الی میل مقدارش هدا کجیف اولوب ظاهره جریان  
ایدن بجار و از بارشلو باطنه رخی عوده بنی ارضه جریان ایدن  
دریسا هدا و ما جاری و سیدون ایتمکه در و ذاق شریف ارض کوب  
جسبه دن معدود و معتقد فوه و تحت تصویر بیجار و انحق  
انبیای عظم علیهم السلام بعث اولند قضا جانبه سرجهت الشریف  
فوه اطلوه اولنور دوی ارضه موجود اولون مخلوقاتک فوه و حتی  
مطلوه بولند قدری مکانه نسبت اید بلنور و الا قبل الخلقه فوق  
و حتی منصور و کلد ارضی هدا و بعد قوت سما کجی طدر هیچ بر جانبه  
مرکز دن خارج ارضه حرکتی ممکن اولوب اوزرنه موجود اولون  
اجسام متحرک و غیر متحرکی جاذب و محول هوا اولون قوت معنویه  
کافه اجسامی جانب ارضه واقع و آسمان دخی مرکز دن خارج ارضه  
بر جانبه میل و حرکتی مانع دره

**مقاله**

علم افراز میدان حکمت رأی طراز ساهه نبوت صلوات الله علیه کلم حضرت نبی  
زبان معجز بیان رسالت پیرارندن شورتن ارض واقع اولوب  
کره زمین اند فوقف ثابت و قائم در دیور و ایت اولون کلم غجاز  
انتفصله تدبیه و تاویبی اللهم ارضه فار و نباته کره شور مداد  
اولدنی رمزی ایما و اشعار در زیاده کهنه کره دیک دور و نباته  
و شور خارده اسباب قویه اولنه قوت باهم و قدرت قاهق

اریه تعالیه ابتدیی شمس و قمر کرة ارضه بحرب و در کار اولون  
 تأثیر و ترتیب رندن مستان و اشکار و نور القمر مستفاد شمس  
 قضیه معلوم اولی لابصار در کف افدک بر برینه دور و نبات  
 و ترتیب و استقامت مدار و اسب اوطک و ارضه معلوم اوطسی  
 و مؤثر حقیقت بوند قوت کامله و تأثیر ضلع شمسی و بیل عظمت  
 و برهان قوت اریه در قعر زمینه هدا محدود و مجدد و طفلی هزینه  
 محبت اولون هدا مثلا با شعر رضی دور ایمکه در درون زمین  
 کلیاً اجد و هدا مملو اولوب اللی مقداری ارضی حفر انیمک  
قابلا پوش روشن موجود شاری حائز اوطسی و راسی ضی و زسید  
حکایت تأثیر کواکب اتفاقی ارض معلوم در بیه دل دو کار اولون  
از عاری و جهد ایده اعیان خاتبه و اشیای موجوده ند حد و شده قبل  
و عدمه عقیده مانند ایده ادعای مسلم اما قد عاطفه بصر اولون  
محدود تکوین فصوص مخالفت زاهد اولد قد عاطفه قادر ایده رض وظیفه  
هدون و ند اولد قد متفوعه عبر در ابو سینا رضی حکای اسودیه  
و تکلیف بوند فوق حکمت اعزاز مراتب اشراق قید و مت نیون  
ابتدای برده بج عبیه حدوث و قدم و سربهم و جهد و عدم سودا  
سرشته فیقای ظن نال اولوب ذات عقاید متفوعه بج  
غفلت ابتدای ما صو شاهباز بند روان اعتقاد کوتاه دام  
فوق حکمت اوطن و قایه ایدوب تخصی رایه علوم خود صبر نه  
صرف اوقانه وق وامر رین خازه مدار مت و باب حکمت  
متشبه صلقه هینه بقر باضه موزمت لازمه اد باب بصیرت در

مقاله ابوسینا

حکیم مدعی برهان و طوه صیسی سم قند اولوب تخصی کالتو بوی صیسی  
 فنون خبر

غریبه به مالک با خصوص علم تا خود و نیرانجات و بوندت مانند  
 فنون عجیبه مالک او طغیان کیفیت علل و امراضه واقف و نصیب  
 نباتات و تاثیر ادویه و ماهیت عقاقیر عارف ماهر جمع فنون  
 عمده مکتبای ذوالعارف و طفل از جمله فتح و تسخیر در مقدم  
 قطنیه ده جانشین حکومت اولان ملوکون برسی بر علت روان پذیر  
 سید اولوب یعنی او نور دینی محمدن قیام و قعوده حرکت اقداری قاطب  
 دانا مقصد و اسیر فرانس و خواجی او در قریه مدتی حکومتش بود و کافه  
 حکما و عامه اهلها که تیراده فکت در صفای جری در معانی مصرع  
 عجمی تا بین کویا اوله ره با لایحه ابوسینای جبهه قرار و سلطان  
 غیاث الدین حضرتیه نامه و سفیر ارسال و قید اولوب حکیم مولی البرک  
 کوندی نه رجاستدعا اولدق در سنه شصت و سه تا راه نبض انناس  
 قواله وضع سیاهه اقبال ایدوب ابوسینای سفیره ترفیقا ارسال  
 وطنی مافه بعد ایدوب ساهو بجا هه واقع فوج بدت اکلده سنه  
 و در روز حکیم مولی البرک سفینه به سوار او طردن اجتناب ضرب  
 و اجباره بادی او طفل زلالت دست حکمت بیوت بوسیا مانند  
 متجربینجا بسته اوله ره سفینه اتفاقا اولدوب بر قایم بی یکن  
 کئی مرور و گذار اولدق در بدرینک کتارینه دانشر جایه ابتدا ایدوب  
 قریب ساع اولوب سفینه به سوار او طردن اخترازی فصوص سوار اولدق  
 حکیم مرفوعه بد اینه زلف حکما و اصحاب تألیفان دن اولدق فرم صید ابرام  
 و جبر اولدق سفینه به رکوب اختیار نسیم از قضا غوه دریای فنا  
 اولدق اضداد در بند صحن بو عالمه کشتی سوار بوج معارف و حکمت اولان  
 زوانک عند زلف کالوی کرانبرای تألیفانم اعتبار دن ساقه اولوب با بازار هنر

و رانده کم دور او نور مدو خط سنه منی شد و در مخالفت با کف در  
 مجبور او بدیم زیرا سفینه موضع هر که در عقد طبیعت کشتی سوار  
 او طعه شایان و سزا و کلد و دیوانه ایدوب بعد استبدادیه و در  
 نبض قرابه وضع انگشت وقت ردم قاسد قرابه نگون ایدون  
 فاره کب و قوف نام ایتدک کناد سر رده مجددا بر حمام  
 بنا او منی تنبیه و ایما ایدوب اول وجه بنای حمامه شروع و اتمام  
 اول ذوق کلنی حمامه طب و آتش وضع اول نوب درون و بیرون  
 مائت آنکه زردت حارته اکنف و مایه مال اول ذوق کوبل  
 طی تغییر اوضاع محله قراله فرج باه استذات اول نوب  
 و ارض فدق نام اوطف زکوا اوضاع حکیم رض باب حمامه بسبب  
صبار قمار مسایه و اضمار ایدوب بر ساعت مورخ درون حمامه  
 داخل و قرالی خواب سبات آرامدن بیدار و کردن قراله ضربه  
 شمه رض اجتناب ایدوب ابو سیان بود و وجه وقوع کلن حرکت  
 نام سبده و خارج از دایره مکتخانه اب حکمت و حقیقتی نام سبده  
 نه هژ وضع ناصواب و اطوار فاسد باعث جریان خون را کلد  
 ماهر بو کون طرد و اسلوب اغربا قبه ذماغ و الی بی اختیار هوا کید  
 نائره بخار غضبانی اطفین کلنی درون اکنف شراره کین چشم  
 چشم آلودی مانند زجاجه نکین اوطف هان برندن صحر ایدوب  
 ابو سیانیه هجم ایدوب سبار رض ناچار میدان سوخته جان آتوب  
 اسب و سیاه سوار و فاره ابتدار ایتدک در دست و کف قمار اوطه  
 داعیه سینه و رانندن بر قاج نفا آدم بسیار اول نوب و ارضی  
 صدف ملول و جورخ آنز بیدار اولون شی و حرکت اقتدایه  
 صرف



صدق با صحت از عیان و دقت بر له تکرار تعظیم و سوسنته امضارینه  
 اشارت اتمکین حکیم مدعی آیه اول وجه اعاده اوله زو حضوره داخل  
 و مرتبه انتفاته ناثر اولدوق بعد اطصاحت ظاهره مغایر مراحم  
 و ادواج ساعه ظهور کلون افعال ناصداج مدعی الیهدن سؤال  
 اولدوق ابد سبنا بود وجه کف برده اسرار ایدوب دیمدر که  
 وجودک سبب ثبات و در قاص ساعات حیات اولون دملک حیاته  
**خلع عارض اولدوقدن** و اکد اوطح بر حال بودیمه عار و جدید حماده  
 مدته تحریک غرور غضبه بادی اولور بر کیفیت ترجینه محتاج  
 اولدوقدن خصوص مذکور بالضرور اجتر اولندی دیدودواج  
 ویردکلرک قرال طرفدن هزار تطیف و تحسینه شایان کوریدوب حکیم  
 مرفوعت مشایخ حیات ترک هدای و طه ایدیه دن **تطنینه ده**  
 اقامتی خصوصه ابرام و اقدام اولدوق ابد سبنا شیرازه بند صحیفه  
 اشعار و ایما اوله رو بودکونه و درکردان **رسالة بیان** اوطسکه  
 فی الواقع دارالحکومت کرده اقامت صوب عافرانم موجب ایسی  
 و راحت اوله صبی نمایان ایدیه جنبانک ناچار طرفدن اجتر  
 اوفنان حرکات و فوجیه بت اسکلده سنه سفیر کردن صقره وقوع  
 کلون صفات میانده بادی نفاوه و حجاب اوطغم بر صورت  
 دندان فها و غفت قطع ایدیکی رشته بخت که بند انشیم اوطعه  
 اصحاب و دکا ایدیه عقده دن فح اوطینی اظهار بود وجه داخل  
 دائرة نفاوه اولون اومه بالافتین قصر اتفاوه اوطنک انجاشی ضرر  
 و خصوص مذکور عدم دقت عند الحکما غیر معتبر اوطین بر حال اعاده

عا جزا، مع خصوصه صرف اواده رخصت بیوریدوب بر منوال افاده  
 صوم ما فرتنه رعایت بیورطوه مقتضای شان حکومند و یو آینه  
 مرآه قرآله بوزینه صورت استگاراستفنا کوسته و کلزله قال  
 طرفدن نظر تطیف و سزاوار احسان فراوان بیوریده ره اعاده به  
 رخصت و بیوریدوب قطع مرصه مقصود ایدرون جانب سحر فیه تکلفی  
 ورود اولدوقه شفایه مدرسی افان و اول تدریسگاه حکمت اواده  
 ارا فراتر قرار ایدوب بعد وفاته مدرسه مذکور غنوده حساب  
 اختفا اولتدریس توفیق رفیع اولطبعه فائز بودره افان بود  
 عقلمه او یارنده ضرر ایدره مفارجه حکیم مردمی الیه حکما، متکلمیندن و عظمای  
 ملت بیضا، سلیمیندن بودند با حجت فاطمه صدوری و معذک اولت  
 کلام و بگمالین یعنی کتاب مینه کسب فیض اطلوع ایتیم علومه  
 زوقنون ایکن التزام افوار فلسفه اینکلمه اظهار سفاقت ایدوب  
 مترجماد و اعاده معدوم قدرت تامه الیه به محال نشیده  
 متفوه دریای غفلت و غنطه خوار عمان صیرت اولتدر  
 نجار الله عن سینه آینه خاطر محریرت نمانده بود و جهل نمایاندر که  
 منقد لونه علم و حرکت مبادرت و بی عظیم معقدلاته العالم عنده  
 اعتقاریه سکوت مد اظمت ایدوب سفینه عقایدی کثیره کنار  
 سومت ایلک و اینه وقت احتیاطدر

### مقاله عرش و عرض

سب خلقت عالم یعنی عرش اعظم کافه کثر افنون و سماواتی  
 محیف اولوب احاطه ابدیکی اعیان ثابته ده کیفیت و ضمیمی قرار  
 واحد اوزره در قدرت و قوت الیه به نظر بیت تامه سبب  
 مدب کلام

کافه افدکدر سئونانی افدک ساره نده تا نیرینه محتاج اولد  
 بر سبوه اوزره دو کف ارضدن الی میل مقداری بالایه عروج اولوشه  
 رنده اقباب مانند ذهب فالص او طیبوب هار آدغنی مؤثر و کلدو  
 زیلا شمس متهه او فنان رنده و حرارت بخار زمیندن نشست  
 ایلدیوب لکن نریبه و تأثیری باخاصه دو زیلا هوا و غنی کافه کفیه  
 اوزرزه طوب بکمت انقش دور و استقامتدیه مدار ارضی بالی صده  
 صویک سفایغی فوقه ادرکه کذالک کوه ارض الی میل مقداری  
 مجیه و درونیه و غنی تجسی ابدن هوای جاری و ثابته ارضت بیک مقدار  
 و خلقت ما نیک صبیعی هوای ثابته دو **لا اله الا الله** و حده لا شریک  
**له لا الملک وله الحمد و هو علی کل شیء قدير**

**مقارنه سرف کف ارض و اداوه جریه و جنت قدر**

کف ارض مکرم قب سادات و مرکز دائرة عالم و جامع القبتین  
 و منبع نوع بنی آدم اولطفه کافه افدکدر اشرف و مارسان ک  
 الارجحه للعالمین فیه یظهر بیوریون ذاق شفاعت آیات  
 خیر البشریه مشرف **منشعبت** ایسه هر ذره غبارک تابع سر  
 خاک ارضه با صدمه او ایسه • فوانیه تطیح شان ارض اربابا قن  
 و عبرته الزم اولطفین احوال عجیبه اشمال ارض صفت افعال الیه دور  
 زیلا هر بر تخم امید که ذراعت اولند منقنی برورده ایدوب ساهه  
 ظهور کندور یعنی ان دغنی هر بر خصمه که صرف اداوه و عزیمت  
 ایسه قدرت کامله الیه اولوجه فله و تکوین ایلد از جهل خیر کسر  
 او عاریکه بعضی قوم افعال شرکی غیره نسبت ایتدیلد بو صورت ارضه  
 صورت نمای نشود نما اولان اشیا نیک صد و تجسی دماغ جان اولدیغی

اراده و خدوئی غیره نسبت ایستند و در حق او ضلح احکام قدره  
 فعلت در لایق در کادور حتی اسباب نیز هیچ بر شیشه یو یقیده نشود و کما  
 و برین حاصلی کلامی بحث با پایان قدرت الیه در مستور بود بدون  
 احکام مقدر و در که لا یعلمه الا الله یعنی دعا و اسباب قشیشه  
 فاعله اولوب الذات تبدیل و تغییر امکان ذاتی در تعریف قدر  
 بود و جهل نسبت رقیبه اثر قدر که وقوعی بحدی بظن بشر کتم عدیدن  
 ساعه ظهور کردن احوال مجزوله و افعال نامعلوم در که بالویج  
 نمایان اولور هوانک در وقت موجود و کف اولون آب طاهر معارضه  
 مکتوب قنانه سیم و در یکی کافه خصوص مقدر بودیه ایچی در یک  
 و اسباب نشیدن غفلت ایلمک افعال اسباب حکمت معنیه به  
 جرات ایتمکدر بر حال امر دنیا و عقبا دره مثبت از یال اسباب  
 اوله لازم دندر قدره منزه اولون تأثیر اسباب موافقت  
 و اراده جزیه در حق انسانه مخصوص صفت مؤثره اولوب احکام فضا  
 و قدری سجدایه سبب اولون عبارتند و قدرت الیه  
 هانغ تعلقه ایدوج خلقه ابتدکی اسبابه امر مقدر و نیلور اراده  
 الیه نیت تلقیه وقوع کلامی کیفیات ظهور نیمی تکوینیه قابلیت  
 پیدا ایددی و یا خود از لیمیدر عبور نیت اولقدر تدرسه کنه پای  
 تفکر بوداری حیرت فزاده رفتار و جود و رفعت و برتر علما  
 غفله مضراتک بی تعلقه اراده الیه بر سیدری سبب و یک  
 بال و بر اینک تصور کدر هو اثار نیت یعنی وجود سبب خلقه  
 اولنجه امتناع بود و یکدر و الا هر چه موجوده قوت و استعدادینه  
 کوره هر کانه قابلیت از لیدر و در حق قول فعلنه فالله اوله کما یوتد  
 کن

لکن اراده جزئیة نیک صرفیه اکثر یا ذاتک خارجیه مطلوبه اولون  
 قصص جا بیدر بوا یس سبب نفعندون اولوب قول فعلتک فالقید و  
 تعبیر واجب روی نه اسبابه بیدر زیرا فاعله ایجاد محالوت بر له اعھای  
 جسم و روح ایون ذات عظیمات نیک صفاتیدر از جمله بقیت انبیا  
 صلوات الله علیهم اجمعین و علیهم مضافه اسباب توحید و هدایت و تکلیفیه اتباع  
 و امتثال سبب نجات دنیا و آخرت اولفین هر دواری موالاته عمره  
 مقدر است بیکر حاله بقیه انبیانک علت غائیة نه بقیه بر معنا  
 ویرست ایجاب و اقتضا ایدر بوا یس محال و موجب صدور اولدیغی  
 بیدر بیدر ماحصل امر معاشه موهل الوجوده اسبابه قشبت ایروب  
 امر معادیه شیرازه اعتقادی مربوطه رسته کتاب قدر ایملک  
 بوجوه و عقیدت عبارتند **بیت** **الذین** بر اقمه رسته اسبابی فاتحاً  
 مربوطه دو بورسته کتاب مقدره

**مقاله حکما**

حکمای شرافین و متشیونک قدر عالمه ذاهب و بودادی حیرتقزوه  
 ضد فاسد انبیا علیهم السلام اختیار مذاهب ایندکله موجود اقتضای  
 قدرت فالصیت و ایجاب حکمت عظمت الوهیت تکوینیه و ایجادیه  
 اولطیب عکس تجلی ذات الیه اولون مخلوقات قابل عدل و قدر  
 و برین جانب عدیه طریقه بو طیب عقود دهندود کربوه ظنانک  
 عفت و سرکشته فبفای حیرت اولشددر قصص مذکوریه قول  
 اصحاب صفه اتباعه موقفه اولدقدندن بقیه ذاتنیک بسینه  
 قاطع وجود و تنذاده کبریا شهود اولوب ابا و اجداد رست  
 مطیبه ران صوابی عدل اولدقدن تفکر و مصلحت ایس اولسیدر بو تکلیف

دو سخن را یکی زیرا شمس عاقلان کائنات افق عدمی و غیب  
 ایوب بعد اراده الربینت تعلیقیه تکرار بود عاقلان مانند  
 نیجه عداطلت فله و تکویبه اوطنه بود اعیان ثابتند در بر راه  
 باریه عدمی اوطی مانع و کدر حدوث و قدیم بحثی ذوق حکمانت و ادنی  
 مقال بیما و در بند اضنوف و اضنور اوزره قالب مقدره سوره  
انظنی مدجب اریون اسباب قویه جناب فدوه علی الاطلاق هرآنکه  
 نیجه عداطلت ایجاد و تکوینه قادر و قدرت تامة الیه جمیع محالون  
 فها هر ایکن محو و اثباتی محاله تعلیقیه ایوب قدرت تامة کماله الیه  
 ممکن الوقوع اویون کیفیاتی سبب ابتدیه صدرتک فرح و ادراک  
 او تذنیفند رد او تذنیف مذلفه بیت ذاتک صفاتک ایله اولوب  
 قائم و ابد • مفوض ماسوایه عدم در بقا کما • مفروضی احاطه  
 و اقراره موفقه اولاند ایرده اکثر یا قولک علی عقیده ده شرعه  
 موافقه و امر هدایتیه مهابه اولوب تزکیه از هان و فکار فهد ضرب  
 نوع بنی آدمه ایت کلمه قدمت اقضاک مقدره مقالات ناسزایه  
 ابتداء اولوب استحقاق قربی عدالة عنه ثبت ایمان نقضی  
 شان و مروت انما یقر

**مقاله زلزله ارضی**

زلزله حیرت اقرای ارضه دار صحرانور اضنوف اونان توصیه  
وتفصیل اضنوف اضنوف عقله قرب ایره بومیدان مزالو  
الوقامة بگونه خریب زمانی نوس سارت قلندرکه کف ارض مجبه  
اویون هدانک بعضی کنند اعتراوه واقع اولوب تکرار تجدد ایدن  
هداده درکار اویون شدت ضرب حرکات ارضه بارک  
اولی اصحاب رقه هدید اور

**لوحه**

بجاست الله و قدرته كره ارضه واقع اولون ذرله هدر بانك طيباً  
 بخار ارضه نسبته قبل الوقوع اخبار پنج منافع زيرا تاثير كواكب و فلكون  
 نشئت ايدر ماده اوليدوب بجز بخار ارضه نسبت اوليه اصحاب نجوم  
 اول سر بسته اگاه اوليه ربه زهر و صواعق ضدت اولور ايدى  
 بيهذا قبل الوقوع ايمان بطله منزه ظهورى بجز ايدى غيبه و قوف  
 مربوط علم از ليله اربيه اولديفدن حكمت ارأى كارخانه عالم صلى الله عليه وسلم  
 حضرت با بوضا كرامت فروغ اولد صاب و تجربه ايله كس اظنوع ايكه  
 احكامى غيب دانله سوراسنه كتم واقفا ايدوب جهل ناي اغوايه  
 دوشريك اصحابيله و وصحت بجز بيبوروب ذره منجمن  
 بواصنا طه منى تصديقه اولمديلر

**مقاله منجم**

صاحبه ايجاب ايدن احكام مجرده اكثر يا منجمنك اصابتها بيبدر  
 و منجمنه زانجه سناس احكام كاشات صلى الله تعالى عليه وسلم  
 حضرت نزن صدور ايدن اراده نبويه بامفتي فارغ رحمت الله عليه توجه  
 ايدوب بومقاله منجمنك منزه بكونه منزه پيراي عقده  
 تحميمه واقفا اولمشد در كه يعنى مافه بعينه دن بر مقدار عكس  
 نمايان اولسه اوزاقون شاه ايدند جمله سوار بيدر ديسه لر  
 در وقت پياده وجود اولوه كمتدر و يا ضرر بالعكس ادعا اولسه  
 كذا لك اما خاطر كوره ظهور ايدن معادن برى بو وجهه و حمزه  
 كلك بيان قنور كه منجمنه حديث شريف سيب و رورس اولون  
 خصوصه كذبه نسبت بيو طرح اولور زياره و بارانك ظهورى اعلاه  
 اكثر با فضا كه ه اولديفنى تجربه كرده ارباب بصيرتدر

## مقاله کسوف و خسوف

مراتب عالمای سمی و فخره نمایان و معروف اولون صورت عجبیه  
 کسوف و کیفیت غریبه خسوف نیزین مظهرینک بر برینه مقابل با حضور  
 میانندیه کوه شریفه ارضی را فضا اولوب اهدای افق اولوجه نور  
 وضیائیه حائل اولدینی امره قائل اولمشد و سولمدر و یا فود کوه عالم  
 ماه و آفتاب بیجه اولون هواده اضراقت و قدعیده نکلون اینتی  
 کیفیات غریبه در ذکر اوضاع غائبانک و قدعنه فوج عالم صلح اینتی  
 عدیه و سلم حضرتها یکی رکعت نماز قیلوب طالب استدعا و نیاز اولدند  
 حکمت بین العلماء صلح و ایضاح اولدیندن بشقه حکما: ملت نصار انک  
 و قدعی مجرب و صبر مریوت اولون کیفیات و اثر ادای صلاوة اولمشد  
 تدقیق و تحقیق عدم و قدعنه ادعا و اعتراضه جارتدیه بوگونه حین  
 فامه جواب قلندر که احوال انبیا واردات همه و افعال شریفه  
 حکمت و طقور زیرا انوار سمی و قر روی ارضه بوجور اولدو انبیا  
 نشو و نما سنه مدار حکمی اولوه صید و قدع کلون کسوف و خسوف  
 رخ جانب ارضه ترتب این رخاوت و حضرتت دفعی بانبع  
 بارگاه جناب بی انبازه طرف اشرف خیر البشر دن تضرع و نیاز  
 اولدینی اصحاب دقته نمایاندر و حکمانک قول بو و قوعاته از  
 نشئت ایچین حضرتن احتراز زینی نبی زینان فعدوا اجرا  
 بیورد و قدص بدیهی و لطیفه فصوص مذکور مقام نرد و صبرت و کله  
 فی الحقیقه حکما هر نه قدرسی و ریاضاتمه قابل استقدار و اجتهاد  
 کمالوت صوری اولمشد ایرده عدم قوت قدسیه روحانیت  
 صید کب کمالوت معنویه دن ز اهل اولد قدندن بشقه  
 نائب مقام جناب همه و ضمیمه اراده قاطعه سلطنت مظهر  
 بید زیدون انبیا انصاف ملک مسکنه کلون انبیب و دوندر  
 محل



محل واردات الهیه او طریقت افعال انبیاده خاروه عاده  
 سرزده ظهور اولان حالات غریبه نکت حکمته تحصیل وقوف نام نمکه  
 نائل و موفقه او طریقه زیرا عارف اسرار عالم دل او طیان ارم مورد  
 باطنیه ده غافلدر

تظلم در بیان شرف قلب

ویر یور بدیهه فوش الی نا کو خدن کو خله	انور نغمه عرفان کو خدن کو خله
اصیلور روزنه جان کو خدن کو خله	ماندان اوله بسته اکر خانه دل
اولد یقت نازل قرآن کو خدن کو خله	آیت تر وجود اولد یغه برهان بیل
کشف اولور دقت اکران کو خدن کو خله	قید اولور صورت موجود سویدای دله
نیجه بیل عالم امکان کو خدن کو خله	وسعه اوله مینه هر کلمه کلمه کلمه در
عکس ابره حکمت و برهان کو خدن کو خله	لوحه خاطری مرات تجلی ایسه
دور ایدر صهیبتی نزلان کو خدن کو خله	ما سوزان از پاک ایسه هم اوله غافل
ویردی اول حکمتی لقمان کو خدن کو خله	ابتدی نبضی نه تحریک انما اما
صرف اولور کلمه فراوان کو خدن کو خله	رایگان اولور مانتق کتت مخفی
آزیندن چشمه حیدران کو خدن کو خله	طوبی اکندر دور طماندن دوندی
کوستر رسدته عنوان کو خدن کو خله	در عارفنه عیبینه عبرت در
فوریلور شوکت دیوان کو خدن کو خله	هر بینه نیجه طمان سر ابرده ناز
که حبیب اولور انان کو خدن کو خله	حضرت فائزه قرآن مدبر دیوان
یول بولور شرب زندان کو خدن کو خله	ابدی نزهت آسار طریقو اضدوه
صورت سیرت انان کو خدن کو خله	بر برندن اکور اندرینی مانند حواغ
دید اول حال نمایان کو خدن کو خله	کوشل اسرارینی او زانه سواد ایسه کوش
نقش اولور ماسیمان کو خدن کو خله	دیدیم هر سویدی حکما که طبع غائب
دوشدی هون نقطه عرفان کو خدن کو خله	نیل فیض اقدس بو اولور کو خله کو خله
جریان ابدی عمان کو خدن کو خله	کسب فیض ابدی و باری معارف اول

صلى بسوا الكاهن مدققتا هتره دور ایدر عالمی پیران کوشدن کوشده  
 متصرف اولون اقلیم موجوده فاع ه سید ایدر عالم سیران کوشدن کوشده

### مقاله جازو

على كنه البشريه بن حقايقه اشيا وظيفه قوانينه حكما اولد بيفندت  
 اعيان ثابتة وغير ثابتة يعنى روحانى موادى دغى كنف و ايضا هتره  
 ماضى مقدرت ايلوب فقط بيه انك معروف موشر اولون  
 جازو ديدكله كفيات غيبه به دشر بن و خير لزومه عنوان  
 اصحاب حكمت ايكن ثبت صحايف اثر ايتدكله علت مذكور عدم و  
 انكاره سند و حجت اولطيقى اما كيفيت مطور و اصل رتبة نواز اولون  
 انكاره مجال مرتبه محاله موصول اولد بيفندن بو حالات عجيبه نك  
 تحقيق و تدقيقه صرف ماضى وقت اولوب قديمى تركيه فوتور  
 تعبير و طمان علت روحانية اولد بيفنى شكار و توجيهينه دغى نخبه خانه  
 اجتناب اولونى مفضنا اللى بو كيفيت ذاته تكون ابدى ادم  
 هر قدر اكي ضلعت فافق صورت انانية ايتى ايسه ده  
 سرت حيو ايتى غالب اولطيقى مائة خلقت نباتيه فوتور اولوب  
 سيب سومت دارينه اولون عباد الله تركيه نفوسه ساله وقت  
 فضائل نفسى ناطقه ماله اولد بيفندن وجود نيك ارضه نعلوه  
 ايتيه مانند نباتات نشه ثانياه بيدا ايتى مستعد اولد بيفنى  
 خباثت جسمانية مانع قوت روحانية اولد بيفنددر زير انفسندن  
 قطع عذوقه ادباريت ايتيوب مانند عفتيت دوى زمينه المايوم  
 الضياع اقامت ايدر كيفيه مطور جميع مكدن ظهور ايدر اما خارجه  
 اهانت و ضررى ترتيب ايتير مطلوبه على حاله فوه كون زير كجده  
 قابله بيه

بعضه تنفس اولور قالدیکه روح ایلی خطه سنه واقع اولونجا بوزونک  
 زبان و ضرری ظاهرانمایان اولوب اسباب عادی اوزره قتل  
 و تنفسه باقما ریفی حایره برخیلی زمان امتدادی بکرت اول ارضت  
 فاصکبیر سادات صوفیه و تنفسا ایشفاقیم حضرتتک کله مکلفات  
 انتقامدنه اصدوح نفس آماده به دانش صادر اولون امر و تیریش  
 بونک و بونک امثال بر زفون سومتیه اشارت اولدیفی وارسته  
 فیدتقریدر ذکا و اوضان خصوصه کلانک عدم تفرقه نینه غالباً اعاده معدوم  
 بخشه و کار اولون ادعا صانع اولمشور

مقاله و با

مه دین العقاید طوره نظم ایتسه بر قومه غضبی و ازله  
 ایلر اولوب و هوسن مختل قبی اکر معتدل اولمشه هوا  
 حکما دیر بوکجا افار و با ایتدی فالعه بونی عصبانه عرض دیدیله  
 بوکجا مجبول مرض ایلیوب بونک سیوطی وقت ویردی تحویل مکانه  
 رفعت ماضی بیه اولم تفرقه زن اقدار عالم بخت مرض و بادیر  
 سریع تاثیر و الراه اولدیفندن تدبیرنه دو اثناسان حکمت عاجز  
 اوطافی عند الحکما تعبیری مرض مجبول و طریقه عروج و ادویه مقرون  
 کربوق صعب الحصل اولدیفندن ماعدا فی الحقیقه ساری باز ایتسه  
 علت مذکور او ان ظهورننه و با خود مقدم ادویه روحانی و جسمانی  
 مداومت یعنی اتقا و نظافته دوا و مواظبت ایدوب بعضی معالجه  
 ضعیف و بارده به وقت و افراج دیم و کشادگی یعنی ترکیب بقی دیگر  
 وقت اکل و طعام و عدم استغشاء کمر بند اهتم اولوب هر فرد  
 فواشکر اولدیفنی سلون و طبیعت مزاجه خدمت ایتسه و ظهور ایتدیگی

محل و خانه دن افر بجهت که مازنه اختدوف مهال او طیه  
 غریبه رخصت و بطندر رضا و ایدند کدخی هقلرنه قبل و قال  
 تجویز او نماز زیرا بوشلو مادون طبایع ناک اجتنابه مجبور  
 اولد قدرندن یعنی فطراندن تا شیدر عقائش طوقنور ماده و کدور  
 زیرا صحت عقاید اسوح و بارن عدم احتیازه بناقلنمشدر اما بوان  
 بر ارم وفات ایدوب علی حاله جنازه می دانند قلبه قریب اویون  
 جماعت آثم اولور کون کفری مؤدی و کدور و علمای عفا هم حضراتی  
 بوداز ویر صیوب واردید کله غالباً بود و بواسطه طه منید و بوشدن  
 امام اقدیر ادا ایدوب فرض کفایه او طفل امت سازه دن به قاه  
 سه اولور مدت سلطنت عباسیه ده بر حکیم سازده و دانا علت مذکور  
 عدوی و تدبیرینه موافقه داننا او طری ایدره بر آذ مدت طوق  
 بکمت الله تعی اول حکیم ذوقنون ابتلای علت جنون او طفل ادویه  
 ماضد معلوم موضوع صندوقه اخفا و مکتوب قلندر ذاکر تقدیر  
 الفیز العلیم منشته نظم سرعت قله اودج اصفر شد ضربله  
 و بارن بدتر ماضل بو عتده ایکی دفعه مبتدا اولیم معلوم حاتم الطیر  
 و میت من غیر دایمی دفعه اولاده سقوط صابنی استعمال ایدوب  
 ایکی ساعت مروزه عقرب عافیت اولدره بر اتمام حاصل اولوب دفعه  
 ثانیه کون مروزه واقع اولدره تکرار جائه ذورقم سوار سلومت  
 اولدم کون دفعه ثانیه بیون عدوی ایدوب یعنی بیون صیونی  
 فنجانه سقوط جائه که برابر نوحی ایتدیکیم بر ساعت مروزه اجرای  
 خاصیت شربت مسهل ایدوب صحنه مبتدا اولدی

مقاله خلعت

خوشتر نسخه لطیف ابدی منظومه وجود لفظ و دل اولی معنی  
 بیکانه استنا • ابتدا ارض قدرت الهیه تعلیقیه اکتب با صدق  
 خلقت ایدوب بعد نباتات درجه ثالثه معدنیات و مرتبه  
 رابعه حیوانات کافه لازمه هواج ان نیه اولی یقین و بها اولی  
 ان ندخی مکلف و حاصل امانت کبرا و قابل فیض علوم و ستر اعظم  
 و اشرف مخلوقات عالم اوطین درجه فلسفه آینه بند ستر وجود  
 و صورت تمام عالم خلقت و سرود اوطر منشئه نظم هر کس  
 صدرت ان نده ان اوطاز • یعنی الفاظ عرب آیت قرآن اوطاز  
 نذر و دوه بدعت و کلچینی و وضه فصاحت اولون اصحاب  
 معارف و عرفانه اشعار و اعدون اول نور که بعونه نوح و قدرته  
 رشنه شیرازه کتب اوقات نور دین دست دوز کارها در اللذات  
 اوطیب قادر بود عمر عاجزانم هر بر بند منوال حیات اوطعه مقدر  
 اولوایه نقح لومه ضمیر و ضیالات ابتدیکم اخبار اولو نبی ساد  
 علیهم السلام بعض نکات سربته و عقده دل شکسته نک  
 صل و ایضا منه تحریب فامه غبیت ایلمت موعود کلک  
 بدایع نکارد و غزل ای خامه کنه و ارا ابدی صفت غنایتی •  
 ثبت ابدن صحایفه اسرار حکمتی • بر عارفان ظهور کلوب  
 فیض همتی • ویردی کفا بوسامه ده جو لونه رضتی • عالم بی  
 بضاعه ده صاحب اثر اولور • بشخصه اولی حضرت صفت غنایتی  
 صون امر و بجه دولت ایبه تو اماندر • بکنه بیانیه سندخی احوال  
 دولتی • تا ایتمه به معارضه اخبار ای کوکل • ایبه دین صحت شاه  
 ولایتی • صبر ایبه وضع کردی دورانه قاتنی • محو ابدی کرم مایه و  
 ضربه آفتنی

## مقاله

ابتدا ببدء علی الانبیاء ثم الاولیاء مصداقچه زمان صوفت سید  
 اولویاده میان امتح و فاش و آماده قنای خوان آئومه صید  
 و دعوت بیور بیون ذواندن بری خدای آراشیدین رضوان الله  
 علیه اجمعین حضرتت زمان هایونده بودکونه غوائل و شداید  
 عظیمه مفرور او طیب صیاف کاشات نوبت صوفت شاه و نور  
 زمزمه جانسوز هاد ثاتمه کنه و مالومال اولدینقت حکمتی ندر  
 دیوسواله ابتدار و اجترایدکجه اول زایجه شناسی سرار  
 روزگار یعنی حضرت حیدر گار رضی الله عنه و کرم الله وجهه شکر بر  
 قد تقیر و بیان اولوب بوجه اشعار بیور شد در که صوفت صبیحه  
 اکبره رضی الله عنه بن و فاروق اعظم و عثمان زوی النورینه حضرتان  
 متفق الکره اولدوه رای و تدبیرده بر برینه هبازوی معاونت اید  
 و بعد ایکن فاروق اعظم معینه ایدیت و هنگامی ذی النورینه صحای  
 بدیعه نمای تدبیرده همغان ایدیم الا ان امور نوبت صوفت  
 مجر دکنی رای و تدبیرمه محتاج اولدیندن اصحاب <sup>مناجی</sup> صقیقه اولون  
 امر معاش دنیا باعث افتدول و غوغا اولدی هب اصحاب رای  
 و تدبیرن هان و هر زمان زومنی تنیه و ایما بیور پیر لایحه  
 قلب شریفه و ارادات الایم و بان او نون ذات کرامت ایاتک  
 تدبیر صالحه افزع احتیاجی اقتضاید که ملون و سوطین  
 سازه مجر دکنی رای و تدبیرینه تفویض امور جمهور ایتیدوب  
 اصحاب عقل و تجربه دن بونان ذواته و اثما بنای امور <sup>مستندین</sup>  
 تأیید و اساس دیوار دولتیه تشبیه ایتیه لر

دولت ایرانند اکثر اوقاتی مانند طوایف جمهوری اولدیفندن اورندس  
 نشین کیان اولده شاهان قونایی مرغیه و مراسم مربوطه، رعایت وقت  
 ایندیج او ان سلسله صاعقه عسوز کبی گذرانه اینکله اولدیفندی  
 زمانه کیانیاندن ایکیبوز اولدی تاریجه و کیه کافه اصحاب تواریخ و سیر  
 کتیبه سلسله تقریر و ثبت صحیفه و رفته اثر اینتی اولدوقدا هدی اولدوت  
 شاهان محمد ثبات و استقرار اولدیفندی تأثیر آب و هدایه نسبت این  
 کلند ایرده اولدی تاریجه جانشین سیر کیان اولون فتحعلی شاه  
 ادباج دانش و انتباهدن مرزا شفیع و مرزا برزق اسمیه سی  
 ایکی شخص نامداره موفقه اولوب عامه امد و سطنتی عریضه تدبیر و باقدینه  
 نفوذ و احواله اینکله قوه سنه دن زیاده اسباب اینش و ادبیه  
 دولتی اعاده اولدور و بیج واردد کف شاهی ز قدرت اذلی گرفت  
 خانم دولت زمان فتحعلی مؤدبجه زمان سلسله قریب رفاه و سیر  
 اولدوقدا سبوره احوال اولدور ذکر اوضاع و ذرا احوال میکه سوار  
 عرصه حیات آیدی دولت نوظهور ایران یوقا فیدما کسب شرف  
 و شان اینکله آید بر تقضای تقدیر صیتی قریب متعاقباً وفات  
 اینکله تکرار سبب اقتدار و باری علوتم زوال اولدیفندی منظور  
 نظر عبرت اشغالدر از جمله سحاب تدبیر ابوالنجیب او افراسیاب  
 قاضیه ناک دومه ذبول یافته سلسله سیر سیر و ریایان  
 ایدی مستغن عن ابیاندر

## مقاله‌های تدبیر

نظم وادی تدبیر سرگرداندر عالم ولی صیده تدبیر سلب حکم تقدیر  
 ایاز مطلقجه بعض اوقات و احیاناً رأی و کلوده وقوع کلون

فها به غضب و انفعال اینجود سابقان حسن التفات کوریدون  
**صريح** التفات آینه دو صورت استقداده • و تیراجه از باب  
 عقل و تدبیری دو چار سکنه اغبرار اینجود و اثماً تأیید ایلمان  
 سزاواران اصحاب حکومت اولدیفندن بشقه محاربه ضد ضنه  
 بین العاکر مدفول و مشرخی اولیب قضا مغلوب اولون سر عکس زان  
 عز و تشکیده میند اینجود نکرار مغروریتنه تقدیت ویرسد  
 ایجاب صالح حربیه دندر زیرا اول امرده مغلوبیتنه اسباب اولون  
 کیفیت اطمینان دفعه ثانیه اعدایه غلبه ملاحظه بر حال سپر اولون  
 فیه محاربه ده و یارتنه عکسین اعتباری اولوب اولون اولون  
 امیه اولون اقسا امر محاربه در سابقه جواریه ضربه ناظر و کلی  
 وضع زعفرانی مدبر میر میرانند اعدای ضربه ضربه سنا  
 وضبت از ما اولدیفندن ضد مذکور باطناسیه اتعار و ایجا  
 ایلمنجه بعضی صیرلک ثقف حریه انضامیه ضد یوه و عا ایدیلر  
 ماضر صاحب سلطنت ادب راتی بیه اناسی تحقیق ایتدن اقتدار  
 و اجتناب ایبهر زیرا مقارنت و کلد باعث ازاله قدر شوکت  
 و مراتب دولت اولوب **تخصیر مراتب علیایه** حریه اولونه داعیه  
 بر طرف اولونه جانبارانه خدمت و صداقه هدسکار اولندن  
 عدم رغبتی مدب اولور هنگام جدانیه مفت و مجاناً استخدام  
 ایدوب ایام انظار برورده نغم عظام ایلمان قوانیه بعضی دو  
 وسلطنت اولونین هفاکه **ضمنه مذکور** اسلوب حکیمان بر کیفیت  
 اولدیفنی بدر سید ••

مقاله

اصحاب



اصحاب حضرت تدبیر مکیه در سخن و اوصاف سخن را بدوب غیر بدین  
صفت و صداقتند بدانند اجتناب ایستاد و هر چه که در  
جاسته کوه مافوق و جانان اوج و یا قدر در وقت ذوات نوزده  
دند که نفوذ و اعتبار بر برینه مادی اوله تا که اعتدال  
اورده حرکات مجبور اوله در بینه الکل و واقع اولون منافیه  
ظهریه نیت دهنه سخن و اجتناب اولونه زیرا افتد و کسوفی  
و ظلمه بادی اولونه بنیان قوی الی کاران دوتی زلزله افراطیه  
و قفای بدوب میان رنج در کار اولون عدم امنیت صبیحه دوتی  
مصالح محال محذور و یقین اجراء و تنبیه اصداف و اسناد  
قباحت و غرور زمامه مهیا اوله دره خرابی ملامت و صدمه باعث  
اولی و ارسته فیه و بیاندز لویه سوار فاجعه اسفار اولون  
طائفه که میان رنج عداوت و نفی نیت وقوع کلوار برده توطیع  
اصحاب مملکت اجار دوتی شکست سفینه به اتفاق ایدر در وصل  
و کسوف دوتی رض میانه بر تقضای بشریت عداوت نفی نیت  
نمایان اوله ایجاب ایدر برده امدار نوزده مکتب و حضور مرعیه  
سختی اتفاق و اتحاد اوزره اولوب خدمات نوزده ده مغایرت  
بنیات حذر و مجانبت ایجاب و اجبه ذمت اولیای امور اولون  
اصحاب تعدد و ایفانه نمایاندر حضور ملوک و سلطین بر زنت  
اوصافی و شایسته حد اعتدالی تجاوز ایستاد قدح و ذم نمیکه  
رضی مبالغه در امتراز اولونه بر کسبه صداقت و استقامت  
عرف اولون زانته عکس فضیه ظهوریه سلطان طرفین انفعال  
ایجاب ایستاد زیرا طبایع ناسی اظهار افند که مابردر اکثر اوقانه  
استقامت موصوف اولون ذوات در عدم استقامت و غیر بصیرت کسوف

خدمت دولت تکبیر و تطیفه کب استقدار و بیافت انیمه کجه  
 مقدسنا نائره فوز غضب و تعدد افروز همت اولفقه معنا  
 اولیب اجتراد اصحاب حکومت عبت انداعدن معدود اولو  
 امکداران سلطنت هنگام پیری و انچه طرح بجموت فتنه فقهی  
 عظیمدر زیر عذاب اموری باطلدوظه کافه اولکان دوسته  
 نفرت و اختراز اصل اولوب موجب انفصال عامه باعث زوال  
 دولت اولدینی برهنگذر صوری و معندی شایان تطیفه احسان  
 اولدیک عنایت و اکرامه تأخیر و اهل ایلمت بهج شامدر  
 ملکه عدالت و کلدیه صداقت رعایا به اهاکت موجب عاقبت  
 و سلطنت اولدینی محتاج دلیل و برهان و کدر بیت بر شکر ضمه  
 ایله بزیم توفقه رام ایتمک بی . نیم صون بیمانه ساقی تمام ایتمک  
 بی . ناطقه سیده مقدار وسیع و قدرت صریحی شرنیکو ارفضاد  
 و حکایتیه لبریز بیاله بیت الذهب حکمت ایدوب و اسو الحکمت  
 مخافته الله نشئه سیده دفع خمار غفلت ایدرن صوب مطلوبه  
 عزمت و اتمام کتابه مراجعت اولندی . و معنی التوفیه و الایمان

## فصل السابع

بیت مده بر جمعیتی فالون شمع . جفت بد حالات خود حاله شمع .  
 بالاده . دفعه دة کلام و بیان اولدینی اوزده ارض و مدن فک  
 وابطه اقامت و ترجمان قصاسنه و ویراه عزمت او سنج  
 اور کلام بی کون اقامت بعد از ترجمان قصاکه جانجه تحریک  
 زمانه رحمت و انبی کون اقامت رضیکه طریزون طرفه مطهران  
 میل و

میل و رخت اولوب سنج مذکور ایله اوزنجان میانه وقع کلید  
 نام هفتکه و اصل و اثنا طریقه حاصل اولون غبار و جنانی  
 بر مقدار آب انرا صیبه ازاله و ذرات ایلیک داعیه سیه نزول  
 اولوب بی دقیقه توفیق اولتی ابر ده ناکرکان دوسیه عسکری  
 باالتقی او در سیه بولند یقین مکده نصف ساعت مافیه بکلید کنی  
 اضبار ایند کلرنه در آن سوار توسی وار و کتخانه جاده که در نینه  
 ایضا و ایدوب دو بند مزبورون ام الطعان تعبیر اولنان کتخانه  
 قضیه نه و صوطه سیر و تکرار شد کذا و نفع سومت مقدار اوله  
 بکجه بیوتت فدک طریزونه بادیه نور و صافرت اولوب عسکر  
 لوصه عثمان پنا ایله موقات اولدوق طریزونه و صوطه  
 در عارته ازلا و مور و فکدی بشقه دو دونه بهی مصالح  
 مقتضیه ایله از یاه ایشداری تمیه و ایجا ایند کلرنه اولوب هر چه  
 عاجزانه مدن معروضات تحیر و امید اولوب معیت عاجزانه مع  
 اولون تانا در سیر لیرجه بعث و اسرا بیوردیلد در عارته  
 نظیر و ارسال اوقان معروضات عاجزانه ملک مانع صف الحزب  
 اون کلرنه دوسیه عسکر کلید قضایه قضاء تصادف اولوب  
 استاء جاده مدن بالقدور اخی افه مجبور اولدوه طریزونه  
 وصول عاجزانه می بعضی مواد فوات مقتضیه انضامیه انبا و شمار  
 ایشدیم حکمت خدا جان زاده جرضه می من با تانک از سیه  
 کورن از لک کلید بر سینه مفایر اولدیفندن استماع کون مشار الیه  
 قیوتخانه طرفدن مخفی جواب ستم آمیز ظهور ایند کلرنه بشقه  
 مدید بد شد کلام غیر صحیحه ایله تکثیر مواد ارقامه اجاب  
 اولدور

هفتاده انفجار اویای اموری نتیجه ویر زیر صفای خیز  
 اون بدبسته بالنفس کلکیده صوانه او در دو قالد و سب  
 نصب فیام احتشام ایتیم دیده و اصل اولون خیر انگزی  
 متعاقب فاتح افندی تقریری کلدی و ماه مطورت اون  
 سکرخی کونی ذکر اوضان کردن طرزون با جنبه عبور و مروری  
 و مذکور محده عا کراسومیه دن فرد واحد مهور او طیب ضح  
 اولدینی عرض و بیان ایلمی بد صورتی مارالذکر محرابی کلدی  
 ایجاب ایده بود تدبیر نتیجه مشار ایله نتیجه اونش ایسه  
 العاده لایتیک • قویجه دانشمعرض و افاده به ابتداء نتیجه  
 خصوصیات صحت مفرون او طیب ضوف موقوفه به خیر و انرا  
 ایتیکدن کب اطلوع ایتیب ایجاب ایدن مروضات عافانه  
 مان مدجهت الصدوه مفار اولدیندن فوض مذکور صحت باش  
 تحقیق و استماع ایتیکه سرکن تحکیمه عمل ایدن کن  
 سرکن مار ایله و کن صوب عافانه عداوت و بر وسیده  
 ایله شهر ایتیکه مجوریت پیدا ایتیدی باش یفته کار بقیه سید  
 جرف دوار و کن بازانذیق روز کار او طغین سرکن باشایی  
 دام ایله فریبه کوفتار ایتیکه راعیه سنه اولدینی ناصیه حال  
 مفدت ایشاندن بیدار اولوب کندو قوه حصار شرقیه و  
 ولوله ادای رعب واقامت و سرکن دخی بو حال اوزره طرزونه  
 فرج باش استقامت ایتیکه اولدقندن مواجهه اعدایه برود  
 جادت ایتد کلندن ناش کتخان دن مرور عافانه ملک مدنی حدود  
 ایله برود

اباح سبعمه به موصول اولدوقه افزنجی اصل طوبال جنارال  
 ارجیب مقداری عکسبه کتخا استید ایتدیکی ضرب موحی اثری  
 رسیده سمع سرعک اولدوقه ناصیه حالندن اماره فار ودهست  
 ثابان و اشکار اولفین بوی غبنت سجاغت اولکلانه نسبت  
 بجی درون اولوب زاییت نوکل باری کون کلدن زبان عجزانه  
 بودجه نقی ضمه تکین قندیکه دوسیه عکری طیزون اوزینه  
 رفیع مدفع اهتیم اینز دیدرک به مقدمه برهان ایدیک باعث  
 رفیع غوائل رعب وهراس اولوب عاکر دوسیه رضی برهفته کتخی زده  
 اقامت واهالی طیباً فرار ایتکل امدال و اشیا یبغا و غارت ایتیب  
 ارضدوم طرفه ده نورد عودت ایتدیکی شایع و اخبار اولدوقدن  
 بنقه کافه قضا و قرابی تخیه ایتکلرینه سرعک ماث رالیه  
 اینه صر بانا کونا کون معنار ویره دن کویا فرصت غنیمت  
 عدیه اوزاقدن اوزاغه تعقیبه جارتیه مبارت ایدیلر

مقاله

دوسیه عکرنیت فاهرده بدوسیب بایبورد و معدن و کلکید  
 و شیران قضا رندن ارضدوم جاقنه عودت مخصوصه دائر برهفته  
 مقالات غیر صحیبه السنه ناسر مانند مثل سائر دور ایتکلر  
 اولدوقنه بناء سرعک بانا صوب عا جزانه مدن بودجه صدق  
 صقیقت ابرازینه ایتدار اولدوقیه دوسیه سرعکرنیت ذکا و نظ  
 محارون عدوت و رحمتی فصدرض بیه الناس ندر و تقوه اولکل  
 صداوت صاب فرح اگرچه موهود معین اولون عاکر مدجبت قوت  
 قنب و ثبات اولطق اولوب بدگونه صورتا فائز درکار ایدیه  
 لکن دوسیه ندر بو اثاره تخیه قرا و قصیات ایتکلرینه اوج

متصور دو وجه اول غالباً ضربه و استیلا و صدمه او توحد و در  
تجاوز از تکلم دولتی طرفین اعاده و اشعار اولی وجه ثانی  
ثالثه صالحه دو وجه ثالث بودند نیز محله کوهها و شکستان  
اولی او نویاسمی بایبورد و سوز صوانه نادر و همدسکار  
ابتداء داعی سنه وضع دانه دام حیدر ایتدکلا و فی کتله و علی خرد  
بهر صورت صورت تملیکه و استقامت کوه سروب بوسیله فواره  
و دیوار و صوب صدای بنای صبر و تدبیره مائل اوله و فقه کشتی  
واریتوب اول محله بر مدت مترقب اراده دولت او طوطی مقتضید  
و در فی طوطی غالب بود انشاده صالحه قرار و بر بورد و یا حضور نگار تا بید  
امور محاربه بکسر و قتل بعد افضایه مکانه ابتداء اول نور

### مقاله

ما بعد تفریح و ضمیمه تاریخ مدثر و قرار کیه اولوب فرجه  
سنه و بیع اول دولت اون بشده طرب و نذر سوار اشراف و ن  
و کتفانیه تحبب زمام عزیت و ذکر اوطان محله عداق امده  
اهتمام و وقت ایدر اقامه نیت ایتدکلا برده جوفه می  
صوب باشانک اقصای مال بیجائی سرعت را بری کرد اب  
بج بدیه کفر ایتدکلا محصور او طغیبه بود سینه ایلر فزیبه  
مانع مطلقه مور عروفت ما هده ایتدکلا نذر صوب سرعت کیه بو کونه  
تخریب و اشعاره ابتداء ایتدکلا یعنی بنی او علم اسد فز غالب باشا  
و صالح باشا هفتره کبی جناب کزد فی فاتح افندیه نسیم زمام اختیار  
ایدوب بو وجهه دوت امور محاربه مدعی ایراک رأی و تدبیریه  
افانه و تفویض قلعه تجویز اول نور موادون او طیب و در حال  
زات

ذات و دستک بر محل مناسبی تشریف بیوروب موجود معینت اولان  
 وزدای عظام و میرمیران کرام و سایر سرک و کان حضرتیه پناه و  
 بایبورد قلعه سنه بالنفس و اوطعه مخصوصه فارو طیبی مقتضای فضیلت  
 اطفال بر منوال شروع کتبخانه جوار نه خاطر خواهی بیدریخت  
 بر محل مناسبه تشریف مستعدا در دیو ترقیم و اریال ابتدایی کلام  
 بیست و نه تا سرعک پناه در کتبخانه به انتی ساعت مسافه ده واقع  
 تکیه نامی قریبه به واروج انجمنه ارای شورت اوله بقدر بنی و نامعه  
 الحی و فلت برابر بونمتی ایجا و اشعار ابد کز نه صوب عاجزان مدون  
 بدکونه جوابه تصدی و ابتدار اوندیکه حرفه بی صن پناه کوشه  
 زاده زبانه زاده ایدوب در و نه صخر و اماده ابدیکی آینه مرآه  
 بر صورت ویرت سوادانه ذاهب و طرفه عکس ظاهر از ایتدیکی  
 فضیلتان اوصورت او غریبی کبیا کاذب او دینی عکس انداز  
 مرات اوراکم اولدیفیت فرام ایتدیکندن نهی حر و حرفی سرکل الوجه  
 کند و رینه معارضی اولوب فرام و سببه ذار ایتدیکی بیلمی اولدقندن  
 بر حال صوب عاجزان مه در کار اولون عداوت باطنیه نیمه ابراز  
 مجبور اوله دره حرارت کاذبه بی دین و مانع خوف غیبیه کتور مکل  
 طرفینه صوف رسوم سلطنت قبل و قالی موجب بر کیفیت حدرف  
 اغلب احتمال اطفال بنا علیه دفتدار طیبی اذکیه خصوص طوری  
 اجناسی نوزیر کتوا موارد صوب عاجزان مدون کمال حقه تفهیم قلمی اطفال  
 پاتای مذکور اذکی موی الیه و آینه مخالفه کونست و کدر نه جناج  
 دو فکر و حق تأیید مدعا به همه بیدر کز بنا علیه فردای علی السی  
 سرعک پناه و دفتدار اذکی ذکر اطفال محله وارد قلم نه

اسعد بان و عبد الجلیل زاده بجی بان و حرفه جی صوم بان حضرت  
 رضی کلوب جمعیت پیری قدرت اولی قدرتی صوم بان مندی ضمیر  
 ضیا تخییری اولون بایبورد قلعه سنه وارطنی تنسیب و ترجیح اینکلم  
 سرعکرتار ایله عداق اموری بیخاله مانند طفل شیر خوار  
 عن نیمی امیز موی ایره مائل و هو کمار اوله روم بایبورد وادی  
 ضمیمه قدر ویرد کزنی دفتر دار افند افاده عاجزانه اوزره  
 و خاصه انجام کار مدد خط سیده رأیدینه مغایرت ایدوب  
 کتخیان طرفه تکرار عدوت و مراجعه ایند کزنی و سرعکرتار بانک  
 بایبورد طرفه غریبه ایه کلنی استماع ایند کزنی هآ در عقب سرعکرتار  
 ایرهی تقیب و بایبوردده اون <sup>سینه</sup> مضافه ده واقع قواضی قدم سنه  
 بتسوج ضواه و نا ضواه هزار ابرام و ای صده توقیفه بندر مصل  
 مقدرت اونی ابرده اوج کون مروزه بایبورد و صاری هیوا  
 طبر زن رصت اولوب قصبه مذبوره اتی ساعده مضافه ده بر  
 قرینه متین ضرب ضیام اقامه ایدوب اول اثنا صوم بابه  
 تحریب و بویرون صالحه امری کدی کنی سرعکرتار حضرت فضیحه  
 عاجزانه افاده و اتقار اید کزنی وقفه حاله مناسب بدکونه  
 جوابه ابدار اولندیکه واقعا صالحه ضربی کلنی ابر بعد التحصیه  
 صالحه داز اولون ادا ده نیک مائل روسیه سرعکرتار طرفه اضبار  
 و اعدون اولسون زیر صوم بانک ضوق اصول جا بجا  
 اطوار نایجا به ابدار و اجتهادی روسیه دولتی غرافه کران کلنی  
 اولطفین بو کوندر بایبورد قلعه سنه شمیر ساعده اهتیم ایتمی  
 ضمیمه



علی نظر **صرع** عروج واقع می شود از وقوع باید کرده ماصدق اوزده  
 کسی <sup>ضال</sup> جاسوسی اولون مخاطرات قبل الوقوع دفعه صرف ازها و فقه  
 ایدون ایجاب صلحتن اولدینی هودیداد هر نقد ابراز اراده صالحه  
 به دشر صوب عاجزان مدن اقدام تام اولدیه ده کار او طیب  
**صرع** وار بر ندیری اما انکار اینم بکلام **صرع** برجه صدقجه ابراز  
 امر صالحه ده در کار اولون نرد و اضطرابی بر سر بسته به دل و اینگی  
 و جنات حال و تحریک منافر و ضمه استمالدن واضح و پاهر اولطف  
 تکرار صوب عاجزاندن بوکون نرینزجای نوسن کفشار و سئوال اولدیکه  
 ایدوم صوبه دو نکرده اوجیب نقره بانع عکس موجود برده فقدان  
 زفائر و مایه سبب اولدنی لایقیده اینه بر ایدینی نه هر و بیدار و امور  
 صالحه و محاربه کافه مربوط اراده دوله اولدینی انکار الیه ایدوم طفرندن  
 غوغابه شروع و ابتداره نجهه اعتبار اولدور دیوب کلام صحت انجامی  
 وسیع مدضا ایدیکیم قید کنی ایا صلبی زاده بادکار نیت یعنی  
 صالحه اقا و ابراز اولدن نقدی ارضومی فیضه و سیزه همه بیوردوب  
 یا سردهم یا ستانم کلهه قضیه نه امثاله همه بیوردی طلبی عالیدر  
 مایه خیره اجتناب اینگی شقه سخیفه اراده و اظهار اید کلزنی <sup>بطلان</sup>  
 نقدی صحت نظر اولون موادی بیانه شروع ایدوب دیدکه غایب اوسیه  
 سرعکس تخیه قراوقصبات ایدون ارضومه عورت اینگی  
 ص باث بشقه کونه خیر و اید اینگی اوله یعنی بویه طمه اولدور که  
 روسیه اید محاربه ایدون تاب آور مقاصد اولدوب ارضوم  
 جاننه نرینزا فر ایدک دیدن از ایلدی اولدیفته نیاد بویه غلبه

ارض و صدفی ضربه و استید حیزا مکانی فیه و اردان او بند حب  
 شمی آتیه صدف و صدف قیلم مدونه سید شقه مطورس ترقیب  
 و ارسال اقتضا ایلی و آثار شقه به بودن ماعدا معنا و یطز و فالدیکه  
 الحاله هف بویه امد و عظیمه قیومتی اسی شقه سند آتماز اول نماز  
 ماطل و جدان عجزانه مع اویای امد و ضربه و اکاه اولیه و نه مج و قیومتی  
 عقاید فاسک اوزره العینیه بقنی بنج ایه فحوسیه خدمه استیکه  
 وزیر خدمت موفعه الحسیده دوله علیه دن تالی تحسیه و کسری  
 کین باد آور آفریه اولوه استر فاین اثر با صده بدلتا اول ضروب زبان  
 زد بیان اودفع یوم مطورس بحال بوضوال اوزره الین تکرار  
 بایبورد طرفه اصرا رابیه مرثیا و آماده اولوب ندای بند صدای سفر  
 صحاف سامعه عاک صیده افزاده جده ک اولدینی کونکه یوم جمعه ایلی  
 مآ رابیه ایه ساحه بره تنخ زانوزده صحت اولدین صالحه صالحه  
 دایر طرفینه دخی زیب صلیقه صدور بیورین مکتوب قائم مقامی طرفین  
 ایه نه قاعه ایلیوب بایبورد و غزیه مصر اولدین تکرار  
 بکون خریح سان مقال ایتیکه الیدر بنایک بکله اقامه اوزره  
 استاده بیورس بنه کز صی پاشایه واروب بر مقتضای قوانین  
 سطنه سنیه هر خمی بونوه صید سزدن مقدم بایبورد و غزیه سنیه  
 افاده ایه ک زیر اسرک مقدمه الحسیه اولوب هر خمی اون اتی عه  
 مانه و راه بدلتوه و جناب سرعکبه بایبورد و غزیه ایه بندخی  
 کلمت اوزره ک قابله معینزه فلور اینه مفایر ماسع بودجه ایلی  
 نه اسباب صید ریه لم زیر اوسید عکس ووق کون مقدم ارض و دن  
 حرکت

حرکت و بایبورد جانته سود قصد عزیمت ابتدایی استماع اولدی  
 بوصورتی مصالحه خبرینی ارسال ایدوب اعدون و اشاعه ایلمک  
 واجبه ذمه مامورینز ایکن ابراز امر مصالحه به رضا ویر میوجب  
 اسایجی عامه موجب اولون مصالحه نیت اظهار و اشعارینه صورت  
 محافضه کوندن ذاته میدان محاربه به اسبان شجاعت اولوق  
 واجبه ذمتی اولدیغنی کوش هوشنه القاداعیه سید عرضه چی  
 باش طرفه واروب کلکید وارندن بر فریه ده موقوفات اولندوب  
 بر مقدار صاحبت وجبه قضیه ده ملک ناضحت قضیه ایسه  
 صر عقده درون ایدوب سویدمکه صد عافرانه مع ذات دو قلندن  
 و بعضی ذواندن واقع اولون فیرو قیالت استماعه بنا ساز افاد  
 نقضیه انضامیه جناج دوتکض قضیه کجور اولدم اولوسیدوب  
 قبح ربای محاربه به سد محافضه اولدیغنی ذالواقع فیه صوجب  
 عافرانه مع مقام تاسمه و خصوص مذکور صد اولیه روه صر رتبه  
 حکمه نه اولدیغنی محتاج براهیه و بیان اولطویه از جمله اولوز فریه  
 بیت مقداری عکس بر سنه کامه وافی و کفاییه ایسه جت ذفان  
 ارض و مده جمعه صوجب عافرانه مدن بذل ماصول غیرت اولندوب  
 کافه لوازمات عکسیه و راهانه عربیه بامشور معلوم المقدار عاکرن  
 صوغاندر واقع و بایبورد صی اسنغ ایتد کلری محاربه عامه عاطیانه  
 معلوم و ایلدیجی موجد مصیبت بوننان عکس او صیبت نفر دن عبارت  
 اولوب ذفان و راهانته رضی عدیه و جودی جمعه نیت عنذنه بجزوم اولدی  
 بوصورتی ایکیوز الی قطعه نوب و اون اتی بیکدن زیاده صولطانت  
 قرئونه بیبقا زوج تکرار نمیشد و ذالت ایتمدن الیه اعدون <sup>مصالحه</sup>

مناسب آید بدو و جهت طرفه در صورت رضا که مستطیعی حاصل  
 بر مقتضای قوانین سطحه سینه اذن جنابز مقدمه الجیمی اوله  
 باید درده غریبه بیدون بعد سرعک با شای و غیبه تشدید و این  
 همه بیدون بقصد تقدیر و تقدیر دیدن مقاله و صبحه رسیدن سرعک  
 اولوب نصف ساعه مروزه باید در محاطه سینه شدرعک کردن  
 بر نقد قواصی ظهور ایدوب دو سیه عکس ایدوب باید در او ز رینه  
 کلوب مغلوب و فزیز اولدینی حاصل عدوت ایدی دیدن تشدید ایدی  
 صون با شای بدو اداوت غیبه صبحه درون فریب اولوب بر مقدار  
 توقیفه نکند مشارالیه اولدین بدو اطفاب بر جود اولوب  
 مانع ایدوب علی السویه عکس باید در سینه ایدی  
 ضریبی کثیر و بیان اینکند ناشی صون با شای نفسی که باب و کم کرده  
 شده ماصدق اولدی **صرع** اولدین شیه زال جهان و بر روی  
 اشدرعکس **عروسی** کون طوعدن شیه شدن ندر طوع **•**

### مقاله

دو سیه سرعکری باید در سینه ایدی ضریبی اثری  
 رسیدن سیم حد تقاضای سرعکس اولدوق معینه بدو ایدی یکیت مقدار  
 پیاده و سواری اولون شکر کنج و صبحه فرقی اوله درق  
 مارا بیان قداصی قلعه استاری طرفه اعاده اولوب بانفسی  
 کند و او نوز قوه نقد توابعیه بدو اطفاب ساعه ایکی بقیه جو فری  
 صون با شای اولدینی کده و اصل اولدینیه بر مقدار استراحت و مقدار  
 عقینیه سویری کنانیه مالدرا سعک با شای و عجب جلیل زاده یکی با شای  
 مضامین

**حضرت** بر فائز ده بجمعا کوشه نشیبه و شنه اولدقضا حاله کربوه  
 کوهار تیبیره عازم اوطندر ابرده واری صبرت اقزابه دربار اولوب  
 نوسن صحرانوردی و تیبیره سوار اوله رفه تیزینه زمام سانه جرئت  
 اینیبوب مانند صورت دیوار متحد و سرگردان اولدقدنک ناچارده  
 اولدقجه نمیزنیک ویر قادر اسعد پاشان غیرک نایاب و نادر اولدقنک  
 نایب شاره بودجه تحریک عنان بیان اولدکه اولون موجود <sup>معتبر</sup>  
 کوه شکر بیان بدو حرب و قال یعنی بی داعیه جنه و جدال دوبراه  
 فاد اولطفه قرار و بر دکله محتاج برهان و استدلال اولوب دوسیه  
 سرعکری دخی بارجه بعد از وال اولدوی اسوده هجوم ایلج حکمی  
 قریب ارضمال اولطفیت مقدم دخی ابراز و اشعاری خصوصی صوب  
 عاجزانه مدن افغان و اهتیم اونتی ابرده بعضی اسبابه منی امر  
 صالحه موضوع صدوقه کتمان و افعال اولوب بناء علیه ضیاط  
 بازار عناد سرمایه متاع دفته کاد و یروپ باروض عدم تیبیریز  
 میدان سوه جهانده دوش استحقاقه بوکوفه و زانتی کیدرک افاضی  
 لویذکر لکن ایوم پیام راحت انجام صالحه ارسال اونفوه لوزمه کمال  
 یربتان اشمال اولطفیه هان بدانشاده بر مناسب ارم تدارک  
 واضار و صوب سرعکریدن دوسیه غافقه بر قطره اولدنامه تحیر  
 و اشعار اولسون دبه درک فتح وثبقة کلیم ایلدیکیم بوجود اولون  
 وزدا و سرعکردن لوزنمه دانه جواب صادر اولوب نیم خطه صبر  
 و سکون نطق یحیی بات حضرتها ضعی اوله ده صماغ سامعه عافزای  
 لبریز طنبیه صیرت اینیبوب سوبدیکه بوزنوصه اصدوع و التیامه

ما یقینه

برآمده بیافه و قدرت او لطیفی ظاهر و بر هر حال بود حركات  
 او زده تکرار تخصیص و ذالیه این حکم بدیدی و با هر دو همانه الامان  
 از خصوص مذکور در اجرای ما یقینه تشبیه بازوی همه بیوردی  
 کلامیه واقعه و ما یقینه جوابی و ما یقینه تا زیانته غیرت  
 او در حق تکرار صحن با شایه افاده و انتعار اینکه الحرج سما فیضیه  
 مبنی حضرت و غلبه ده قوت و کثرت نظر اول نماز بد صورتی موجود  
 معینی اولون عا که بر کل مناسب تدارک ایدوب بر مقدار اعذابه  
 قاج آوز ضلت و قال او طوع حد امکانی میدر مشارایه جوابیه  
 بر نفس من ماعدایه کفیل اوله لم دیدی یارب ساعه مروزه عکس  
 با شایه اجمالی در میان ایندیکر ضوضه تدبیر و اراده کز نذر دیدیکر  
 بنیم زرفالها لعیار ظن ایندیکم خاص تدبیرم وضع یوتنه قبول او طوع  
 مطلقه جبر کزن ضد بخانه فکر و ضیا کز در مبدون و مکلون او طوع  
 محتاج در مقابله اظهار صورت عجز اید کلز نه ینه ساز و زار در  
 جواب ظهور ایندی بدقیق و قال بیما اننا سنه عا که فیج فوج  
 فرارینی خبر ویردید هیچ بری جوابه تصدی ایندیج اختیار سکوت  
 بی هتلم ایند کلز در عقب سر کرده ک فضیه صالحی نیت و قوعنی  
 و در سیه او در دونه ارسال جوابیه اشعار او نه ضغنی افاده  
 ایدوب تکلیف غالبه رعب و هراس ایندیج اسمی قاعه کلیدیج  
 بشید زدن زیاره کوه عکبه هنگام بسید و از ایندیجی فردای  
 تحقیق او نمتدر وقفه ضغیفه دنسک اشعابا حضرتیه تحریک  
 زبان فصاحت ایدوب دیدیکه بین اناسی صالحی خبری شایع او بدینی

معلق

معلوم و عکس مذکور شد و عدم ثبات مجزوم و با خصوص قبل المصالحه  
 شرعاً و قانوناً امر جهاده اقدام نامه ایجاب و اقتضا اینست که  
 در جمیع لوازمات حربیه موجود او طعمه او زره او توپ و بیست مقدار  
 ریه و آماده عساکر صالح باشا کبی بر سر عساکر قوی او مقدار و صفتی باشا  
 کبی بر وزیر نامدار محاربه و مقاتله به ابتداء ایندیر صوب و الیوم  
 در کل لاجوده عجز در کار و فقدان مهله و عدم زاد و ذخائر اشکار  
 این و وقفه حال بیچاره بودند او زره او در بی صورتی مصالحه بر می  
 عدم ابراز اینده افضایه اجتناب نه اسبابه منید و زیرا مصالحه به  
 دایره ریه و عساکرینه ایما و اشعار او ندر بی حال بود حصول  
 این بیت یکی از قریب سنک ایستادند او صبی کون او زره  
 قرار گیر او لون مصالحه ضریه نه هوارتی روتی طرفین رویه  
 عساکرینه و اصل او لویسه بعضا عساکر ترک نقض عهد و میثاقه است  
 ایدوب طرفه اسناد نامه دایه سیده ابراز فتونه مدار او لور حاله  
 تثبیت ایتما و ارسته قیدت و ظنوندر بودرت و دره علیه  
 نکرار تکلفات سفیه به ناچار دوچار اینست ایجاب ایدوب  
 بعد ادبیای امور لطنه نه جوابه امکانه قرار و بر طندرتانی  
 ثبت زین جرعه مقال ایدوبکیم اسعد باشا رضویه مدعا ایدوب  
 فی الواقع بورای و تدبیر سنجیق میزان قبول او طغشایاندر  
 دیوب مرات مرام عا جزانه صورت نسیمه کویتر که با لوتفا  
 اشعار امر صالحه قرار گیر اولدی  
**مقاله**  
 بدینوار مذکور و تدبیر ابراز امر صالحه قرار گیر او در حق کور و فیه

متوجه اولوب یعنی نزد ماعدا اندر سفارته مناسب و اشنا  
 اصول و قوانین روسیه علیه به واقف مزاج و مزاج دوله روسیه به  
 آگاه و عارف میان مزده برزانت و جدوی ناموجود اولدینی ظاهر  
 و هدیه اوطنی به حال و ازوب اعدان صالحی ایکنه نوزمه بند  
 مقابله تکلیف ایما و مهارت ایید کلرین خدمات دولته واقع اولوب  
 صداقه موجب ندانسه عاقبه اولدیندن صوب عاجزانده ساسه  
 ظهور کون غیر و صداقتی کتمه کند و رزندن و قوع برون اهل  
 و رضایتی صوب عاجزانده اسناده تمام طریق خدعه و صل بود  
 مشهور اوطنی الان ظهور و شرطه داز صبه اولدیب  
 اقصای مزاج ابراز مصالحی در عبارتند بنا علیه بر قطع قائمه  
 رعایا بر نف تا تارده ترفیقاً ارباب اولدینی کافیر خصوص  
 مذکورده واقع اولوب اعتدال منی لغت عده اولدینون زیر مضمون  
 و مؤخر روسیه دولته بعضی موارد در کار اولوب منی لغت  
 عاجزانده نظراً سفارت خصوصی عرصه مه احواله بیورطدن  
 صرف نظریه بیوسی لازمه حالت اولدینی بدیهه دیوب  
 اضطراب در و نه خانده بیرون اولوب هفتان سرفاک  
 خان داده محمد خان حضرتی و مترا برهاند دیوانه کاتبینی  
 سفارتی مخصوصه ملخصه اولوب محظورات قدیه بیانیه رجایه کوندر  
 مضمون افاده بود و جهل میدان اعتذار زاده اولدیکه و قدمات  
 سابقه و لاصقه ده یعنی یکدیگر و قوه اوج مضمون کار به رز  
 بولنیغ صبه بود و فرجی دینی سفارتی روسیه دولتی رعایت  
 حدت



صدق و بادنی غضب و ضنوت او طعه لازم مکتوب حاصل است  
 سیدجا فاده موفقه او طاز ایسم بعد دوله علیه تحقیق  
 ماجرا اینیه در سلون عا جزایه مع وادی صدق و ثوابه باقیه  
 راه و کربوق عذرا وطنی مدو نظردن بعید دکلدر بو وجهه آینه  
 رجا ره دونما اولون اعتذاره صورت ماعه کوسه مکلدر دن  
 فائده ضیر حافظاً و هو ارحم الراحمین اراده فاطمه سنه اعتقاداً  
 مرات فاطره روی نسبت جلع پیرا اولوب سومت منت  
 بیضا نیت فاصدیه فراسی علی جناح الاستیجار قاره صبنان  
 صوب سفارت اولدم

مقاله غریبه

صوب مغربیه روان اولوب هنگام غریبیدن یکی ساعه مروزی  
 بو سخی عجیب و صواوت غریب و درج انداز صوب باشا طرفدن  
 افت و ابراز اولوب یعنی قاع افزیدن روسیه دوسته وقع  
 اولون ماجرای سابقه نیک ایجاب و اقتضای مومی البره مغربیه  
 عودت ممکن اولدیفندن بشقه جانب سوسندخی تصور اولماز  
 بو گونه اراجیف ناسزایه آغاز و صواوت طور و دراز جاگذاز  
 ایله عکس مختلفه دوستوب پریشان اولدوقص خارج فراد  
 ایتدکلدرن یکی ساعه بعد سافه صاوی کنار کوهاردن مقدار  
 خاروف و کوسفند نمایان اولطفله همان موجود اولو تا یکی قطع طول  
 دخی زن ایدوب مانند طبر و صحنی هوای مقارنه بر واز  
 ایدون پرکنج و کربزان اولوب ماصلا جعنه قادر اولدوقص نظر  
 عکریه دن تخیناً ایکیست ادمه قراض قلعه سنه قریب بر رویه صنی

و استوارده فائزاً قرار آید ایدک

مقاله فادرتحریر

یوم عزیمه عا جزای مکه بوم سبه ایدی قبل المظرب با بیورد  
 فصبه سنه و اصل اولدیغی آنه ضایه نذک بی استقبال  
 ایدوب عراف فرمتت او تور دینی قدنا غلث ماصه سنه  
 بر مقدار توقیف و سمن خیر ایدوب تر رفتت له داخل  
 اولدقن بی رفیق به قریب زمان کیچد که با انفس فرمتتال  
 محسذن قیام و سامة دارده تد اصفا نه سد فانه اهتنام ایدر  
 بودجه نوبت زبان اعتذار ایتدیکه ضرب او طوه صبیبه  
 اسباب ایج ضریه نذک فستدن نامی بو کجه اجرای مراسم  
 و همانند ازیر با ضرور واقع اولون قصوری عهد ایتدیک  
 التماس اولنور

جواب تحریر

دوت عبیه عثمانیه نذک و دور سازه نذک و کله و فذمه لرینه  
 هنگام فزده ترن خواب و ایج ایلک و اصبه زمت  
 عبودیت و صداقتدر بعدن بجانه وقوع بو اوان سوت اقتزانه  
 وقوع بولون مصالحه ضریه نذک و راسنه دوتدن سایدی سنه  
 کون بز و کون جنابها دامت ایزرر بو ایسه مصالحه اشعار  
 و ایجا اولدقن اظهار ممنونیت ایددیر

سوال

قیام ضعیف دنگه درون فانه یه داخل بر مقدار توقیف  
 و ادا مده مکه حاصل اولدیغی قائم نذک ملا معلوم اولدقن

اینکه صفوتنمای مصاحبه به صورت اعتماد گویند میباید بن بود  
قائمند که حاوی اولدینی مآله اعتماد اینم دید کلرین

جواب محرد

ظهور و بدیهه سوکت عثمانیه دن ای یومنا هذا صیده و خدعه مضمون  
اوله روه دوست و دوستمنه و کلدی سلطنت سینه دن بر کیفیت نازا  
مضبط فریطة کائنات او طمندر

جواب فرمعال

غایب جناب سرعک یکی اکای فروق سراسر ایندیکنه بناؤ شایان  
تجیب اوله جوه بر خدمته موفعه اولوه امنیکه سیل قامت استحقاق  
تکرار سزاوار تشریف آفرین بیورطوه ضیاء رینه زاهد اولوب  
افضای امر صالحه به اجتناب ایلدید

جواب محرد

سایه صاحب شریفه بوسنه ایکی ماه طرفه بدو حور قریبه غوغا  
و خارق دعوائی و متعاقبا اچاره و حور کصد محاربه رزه واقع  
اولان نصرت و غلبه سیرا لدرنه باعث تحسین اوله جوه خدمت  
و منانت اولدینی وارسته قید تفصیل و اشعار در

جواب فرمعال

حاصلی کلوم و فریادت مرام بن بود قائمه ناک مضمونه اولدینی مآله اعتماد  
اینک اصتمالی خاطر کلکون افدی مطلوب ندر بیان ایله

جواب محرد

عدم اعتماد عدت غایبه عاکر اسدیه ناک بفته هجری فطرح ظهور  
ایدرایر بو صورت خاطر ضواه سرعک او سیدی داخله رزه روم  
سلطنت اولیان غیر برآمد در سار اولدیرایدی زیرا و رای صیر و خدعه بی

مستحل اولان مواده ضمه دولت عليه منور قلم بندن بشقه  
ضد فترع شريف بندي تقسي و ملكه صبه الف ايتم دید بکیم  
ترجماندي تصدیقه و تفریح ابدک

جواب فتوال

یا فاتح افندی عنکره اظہر من الشمس در یعنی خصوص آ البیان اطرافیه  
معلوم و مجزومہ کہ من غیر ملک ضعه ایله موجود معیت اولون  
عاکر نضقی تفاتیہ کرینہ کجا اگر ابدن ماعد امالہ اولماز

سوال محرد

اظہار و حرکات ادرکان دولت روسیه به معلوم و کیفیت حقیقیہ حال  
عاجزانم بین اناس مجہول اولدینی مجزوم اولدین بوضوح  
صدور و استقامتہ و یا ضرر کذب و اهانتمہ و اثر هادنه طرفندن  
استماع اولمشید

جواب فتوال

امور دینی و دولتی ماضی و صدور و استقامتہ کافہ نہ مستحق اولدینک  
تقصیه و استماع اولمشید

جواب محرد

چونکہ استقامتہ فدانیہ مستکنہ دولہ علیہ معلوم و منور بیور بیون  
سفر کدخی صادره القول اولدینی مجزومدر بوضوح جنبانہ اشار  
ایتیکم و جهل صالحہ به عدم اعتماد نہ اسباب مجیدر ماضی صالحہ  
دائر درکن ایجاب ایتیکی صالح طرفندن متادکہ به وار ویریلوب  
جنبانہ دخی دولتک طرفندن اقتضایدن امر متدرب اولمک لازمه صالح  
ضریبه دندر دیدن اتحای مدعای صراح ایلدیکدن بشقه **مصراع**

مصراع  
همه

هر چه باد اباد بگذرد همدای کاکله مضنونیه صقع مکتوبه اولون معایبه  
 عدم اعتماد ده اصاری تمام مه بوه کلکله متوکله علی الله و متوسل  
 بروحانیت رسول الله تیغ جوهردار غیته بوکونه اب و قاب تکلم  
 و یروب بیلابه ابراز شعاع بیان ایندکه محاربه و عدم محاربه طرفین  
 ضاهندینه مربوط بر کیفیت و بیخ دخی ابراز صالحی دن مقصود مزبور  
 دو نوزاد مصافی فاضله صادر اولون اراده سنه اتباع دن عبارتند  
 اتباع ذات ائینه طرف کردن مراعات اولندی صوره سایه صاحب  
 تربیت محاربه دار عجز خاطر کلکون جهنت هر جانی عند کرده  
 سلم ایر افاده اولسون بز دخی اولو جهل حرکات قشبت و ابتداء اینک  
 نوزمه حاضر در و موی کریم و ناصر مطلق

مقاله

عرب و قار صلح و اتباع خصوصاً در و ساز فخر خواهی اولون  
 جانبی اختیار و اولو جهل قرار و برده امری شنید دودم زبانه دونه  
 ارای اب و قاب تکلم و بیان و یروب اشرب جایت سیرائی و تیر  
 و تدسینان تفهیم و تقیر فیکای غوغاره قرار کیر اولدی فی وقت له  
 جایگیر ضمیر اولدوق بر مقدار غضوبانه سکوت و توقف ایدوب بعد  
 بوکونه میدان تطیفه مطیه ران بیان اولدیکه فاتح اذنیات بود و جلال  
 عرصه کلوم ثبات و استقاری مصاحبه دریل قدیر یاریه روی  
 اوص اولنقه نام ترجمان جنارال اذکبه ترفیقاً سرعکریاست  
 حضرتیه سفارته ارسال ایدوب قواعد مستحکمه صلح و اتحادی طرفین  
 ساهه ابراز و بیان کنونیست نوزمه دندر لکن سن کلا عودت ایندیکه  
 یاریه علی السویه واره هلم سوره سوزانیدن و یا فور بپوردن کروی  
 عدت اینک احتمال خاطر کلکون دیونا کید مدعا ایدوب سویدیکه

کافه نامی فتح اقدیس صحنه حانه شاد است ایند کله کله کله و کله  
 و بندگی شاد است ایدم دنیا و افرات نانو سرمایه سعادت اوله بقدره  
 استباه ایندوند زیرا اختیار نزل اسایح او هان و دیار ایند کله کله  
 بو قدرت و زمان مرورنه دوله روسیه طرفه صالحه ضریب  
 و اتعاریه نصیبه و فلور بیطی و بویه امد عظیبه صرت افزا اقدیس  
 طرفه سر زده ظهور و رونما اوطی ذاتی مایه ازل اولون صحنه  
 براهبه قویه در دیدن تکلیف و تحسین تواضعانه کسب غایبه  
 فتح اولوق مشهود باصق دفع اولون عقل و درایتند اعتبار  
 اولون آینه مقاطع صورت ریا و مداهنه فهم اولون ضریب  
 بود و علم نمایان اولون تطیفه بر نمنا ایله اکتفایه مجرا اولون

### جواب کرد

ایجاب و انقضایه منی تکرار عود تم مانع و کله کله کن بدو طرفه غیر  
 صرف نظر اولون زیرا حاجی صالح او علی تحتاً اون بیت مقداص لوظ  
 عکریه طلب یونسه محاطه به و پدر او طفلیه بایبورد و عوادت عوارثیه  
 نازده آتشفشان قنایه فروزان ایتمی ملک و پدر سند صیاسه  
 دخی تحریک زمام عزیمه ایتمه زیرا اسعد بان حضرت عاکر کله  
 ایله کلکیده جابننه ضمیمه زن استقرار و طفلیه اثنا مصالحه طرفین  
 مفارقت و حرکات نابجایه قدم زیاد جار سه اوطه مناسب و کله  
 او ردوی عکله نه کله در دیوسناله ابتداء ایند کله کله مت زیاده  
 او ردوی فواضل علم جابننه و عرضیه یکی سایه بو طرفه عیاشی  
 مقدرینی سزا ایند کله کله عکله مقداص جاسودن استفسار  
 اولون دیدم غایت خوشنندی و تبسم ایند کله کله غایت صوب عافیه  
 بود و علم

بود و وجه اشعار او نیز که دقت محکم او در وزن و سوز و عیا که کلمه بی  
 ت مقرر بود و در ذی رسیه سمرقند فتاح او در قاف تکرار بود و در  
 جابینه صورت احوال کوثر مطلع با لفظ بود کونه افاده به مجبور و کونه  
 دید که ذکر اطفال محله عزیمت کف به او نذیبی صالح معاذ الله  
 اطراف مجبه اولون عا که کثیر است و صیدون امر مصالحه به مفا به کیفیت  
 واقع و نمایان اولی بر صاعقه اشبار غضب سلطنه سینه به روحار  
 او در صفر به رسید به صورتی طلب یونین مدد عیاری کیر و نیمی  
 و کلید طرفه مقرر شد که در قاف صهار طرفه اعاده قننی خصوصاً حاکم  
 هر طرفه بر قننی صوب عافانه مدون ارسال و تیار او نیمی مقتضید  
 لکن جنابک باریه هنگام طرفه قدر توقیف ایدن دیدار آنه طریقه  
 ایندی که مزار اوزره نار بند رضا او در قدره اوج قطره مکتوب مصنع  
 اوله روه کیر و صورت نه هره ذکر اطفال محله تیار اولدی  
 درون ورقه مندرج اولون مضمون بود کونه صحیفه پیری بیان  
 قلم سیدیکه بایبورد فصیح کنه روسیه دوستی سرکها بس قدیم  
 فتوح رایبه مدقات و ابراز امر مصالحه او در قاف اقتضای صلح و  
 ایستاده قیام و احوال او نذیبی معلومند او در قاف معتکذره مدد عیاری  
 کیر و به اعاده ایندی که لوزمه رندر ما بیده او را نه مذکور ارسال او نیمی  
 ابرده صوب عافانه مدون بو تکلفات ضروری بر کونه شدن  
 عبارت او در قننی سرکها بت حضرتیه ن نا افاده و ایما ایندی  
 قداسه توریع و تنبیه اولونب صوب عافانه مدون بود وجه طریقه  
 فدعه به مدون او در قننی حکمه و اسباب مارا بیان محله در اجتماع  
 عا کردن قطعه نظر نوع بشردن بر نفادیم او در قننی روسیه سرکها  
 طریقه و با خود قاف صهاره همی ایدر مدافط سنه منی مثبت از بایل

و ضعه او طوع ایجاب ایدی زیرا اور روز بر کعبه جمع اولوب  
 اور دخی ایکیب آردن عبادت ایدی کافه طهرین سرکریه معاً  
 بر قریه ده نصب ضیاح اقامت ایتمک ایدی بنا علیه فوج صوب  
 سرکریه عورت و در فاقه ترجمان جنرال سفارته غزیه ایچ طینی  
 و صوطه سرکریه باث و ساز و زرا ابتا بنده مدوقه همه بیورد  
 روسیه سرکریه وقع <sup>سؤال</sup> و جواب تخصی و قوف تام ایتمک زین بار  
 سفیره مدوقه هدکار اولوند

### مقاله

فراسی اولنقه نام ترجمان جنرال سفارته مور و فیه ترفیقاً صوب  
 سرکریه ار ساله ابتا ایدوب شار الیه دخی علی قدر اولمکان  
 ایز اولدی و جمعیه و اظهار سطوت ساخته وقت ایتمی ایسه ده  
 آنقا ذکر سببه ایدن کیفیتک صفیه حال و حال جواب و سؤالی  
 اولامرده صوب عا جزان مدن کفیه مبادت ایتمک سفیره مدوقه  
 رغبت و غزیه اولنون دیوانه اولمشیدی خصوص مذکورده در کار  
 اولون فاتح و ضری بمیوظ هاله ایدوبیه و صوطه سفیره مبادت  
 و اماده ایدکله خیمه یه جمع اولدقندت بشقه ماسم و تشریفانه  
 سفار صحت ناسزایه اجترارها مدبالیه <sup>مطلب</sup> تجاوز ایتمک بر تقرب تغییر  
 کلومه صوب عا جزان مدن مبادت اولنوب یعنی جنرال ایچ سفیره  
 بر مقدار تنفی و استراحت میدان و یرون بعد افضا ایدن امور و  
 شروع اولنور و به دن دفع و غده ذرات اولنوب جمیع خادریه  
 عورت ایدیر از جمله هنکار صحت صیانت سفیره فطابا تهریزان  
 غنفت ایدوب سویدیکه دوستی غراف دستر اصول صیانت ایدیر  
 زیرا اصحابه زمانه طرفیت سیرا لوری میدان مقاله عرض ایدار  
 کارزار ایدوب غوغایه شروع غزیه نظیره واقع اولسیدی  
 عکریه



عکس دخی اول طرفه تابع اولوب دیکر ضمت و جداله حاجه قاطاز  
ایچی بد صورتی غراف دوستز ایله بن و یا ضرر بر عکس پاش  
اونغز عرصه جانانان محاربه یه حاضر اولوب نعت نظر فرجه ظاهر  
ایداری اول طرفه اتباع اولوب غوائل دغغه قای جدال و قای  
بر طرف اتیک مناسبی

**جواب سفیر**

بزم غراف اولون شمشیر خون افشان نظرون بسته میان اولور  
کاهی صقه بیغ لکن اتلی بیات انفاری مشتمل اولون عاکری برائت  
ضفیفه ایله تنظیم و محاربه یه مبارزت ایشیروب اعدایه غالب  
کلک اصولنی غایبه اعدا بیلور بر عکس روزم اولون قنوت  
صربه کب اطلوع تام ایدوب دشمنی داغدن دغغه وار ایشیگر  
والا بر آدم نقر شمع و بلار اولسه ایجه برادمت تهنه قادر اولور  
وصیبه زمانته غوغا بویه ایچی دیدیکل دخی مسلم و کدر بیت  
تقریب ایله م چکدیکم اولم فلکدن زیرا که اندک وصفه بر کونته  
مانجه هنگام مذکورم سفیر مدقلم گذران ایدن کلیم و قبل  
قالت کافه ایما و اشعار ارباب غیرت و دیانته موجب ملول  
اولور مدو نظریه طی تفصیل بیان قلندک از جمله دوق محله ی کر  
کثیره مشتمل اوردوی اسد صبه مترقب امر کار زاد و بدو و  
فوت حریبه مز در کادود و نیلوج فتیله دخی صدت اعتبار  
بدیدار او طشیکه سفیر له ابتدا مدقاتها صیبه بو سر بسته  
حارنه دوزکار قاده میدان اشتراک او طغنه فصوص مذکورم ظاهر

وانتکار اولون حماقت صوب عما فزانه غایت الغایة باعث  
فجالت واکدار اولندر

لویه

في الواقع قطع مائة مقصوده طاب اولون شاهان و حکمداران  
میدان معرکه ده مردان سجا عتقندوان مانند کجیون سرب سیر  
آورده زیر دست تدارک اتمکه راجب اولطفه غالب اوله کلید  
والا سوار زینه همار اولوب قطع مائة مطلوبه ذاهب اولون  
ذوات کرام اجتراندن فیه ایدوب امورینی هبا ایندیگی  
عند العقود مسلم و بدیهیدر

مقاله

دفتر دارطبی اقدت سیم و ذریعاً سید کشانی دن صغیر  
استان طرفین مصالحه اضاریمه کوندریدون او فحالی صوب  
سرعکریه و درودک و محروروفت روسیه اوردوسدن اعاده  
قندوب مصالحه قرار کیر اولدیفن استماع ایتلمک اوردوبه غزیه  
اجتار ایدوب کللی ابرده غایت عقودون اولدیفنه محظوظه  
منصب داعیه به ایجاب واقضا ابدن مصالحه شوقه شفه  
ایتمیدب کیه نقد سننه هرکوت اوروب بیطرف  
اولدیفنی صالح اولتوردی سفیر مذبود اولدوی سرعکریه ایلی  
کون اسبی و حضور ایدوب دفعیاب عذرت اولدقندن نا  
المروفات تدار سفارته فوضعه نزد و اضطراب نمایان اولدقنه  
ایلی

ایچی سطور داخل حضور عکس اولوب فاتح افندی نه سفارته  
 عدوت ایتدی که اور دووزن ارض ورم جانینه عودت منصور وکدر  
 ریوب جدا به تصدی و مبارت ایتکلم بالضرور سفارت عافرانم  
 مجبور اولوب غیر مقوم عودت ایتضا ایتدی اولدیفندن اثنای  
 طریق باطناسه سفیره بودجه کتفا پرده زار ایدوب سویدم  
 یعنی به ابراز امر صالحه ایله اتمام مدعی سفارت ایدوب عودت  
 ایتدی بعد غراف جنا بدی تکراری اعاده به داعب او طاصنه اسباب  
 مینی اولدیفنی هر قدر ظاهر معلوم وکل ابرده باطناسه انکاره  
 معانی مه قلمند مصلوب غرافون نمایان اولون مقدمه  
 مرام ایکی کونه نتیجه ویره بکله ماملور وجه اول فاتح افندی  
 برز سینه فضا ایتدیروب یکری دوت سنه قدمه ایتدی دوشدن  
 تکدی اولمنه باری اوله لم وجه ثانی وسعی مفاصل دولت  
 روسیه به ایتدی مخالفت و مفایرت كافة محال شرفه معلوم  
 برکیفیه اوطنیه جلم سندن صرف نظر اولوب وجهه عدیه  
 ایله اجمالی ایتدی صنفه مخالفت مقابله اظمار شان دولت  
 و انانیت ایدوب عالمه باعث انگشتکزی صیرت اوطودخی  
 احتمالدر لکن بیت ای بکاسنک مدوندن ایدر عار دین  
 بنج اول باشمی اورتایه قویوب یاز دین • خواه سییه  
 عندی جزان مع كافة ظهورات موی اولدیفنی غراف ضابینه  
 افاده و شمار ایتکله مملکجه مدد

## مقاله

تکرار فارتنه دوسیه اردو سنه شمیر دامن عزیمت و استقبال  
 اولندق اثنا طریق و افعلکریه استقبال ایدوب اردو  
 بعدالوصول فیه گاه فتماله قریب بر محله نزول اولندق  
 جای وقایع اضاریه اجرای مراسم مهمانندازی و عابیه و نذیرین  
 بشقه امرای کرجستان اطرافه حاله بند جمعیت اولوب تذکار  
 اوصاف اوطان و دیاره مشغول این سفر مقدمه ثبت صحیفه  
 اشعار ابتیکم فضوی بر منداک مورد شروع غراف فتماله  
 تقدیر و بیان ابتکلم هان در عقب مقیم اولدغی ضمه بر عورت  
 اولندق واردینده قیام ایدوب دست عابانه می دست  
 و قیام بر مقدار توقیف رخصت قدم اشارت و برگری  
 اوزرنه اراغ اولندق ترجمانه فضا به ابتدار ابتیکی تعبیر قانا  
 بودجهل ترقیم اوراوه بیضه و عیان فندر که فاح افذیه تبیح  
 دست اتحاد ابتیک مد بعد دولت دوسیه و کلک طرفین  
 از هرجهه ابله اولوند زیاده قدره مد کل الوجوه رعایت  
 و احترام اولندق کافه التماس و مسئولاً قبوله فرین  
 اوره یقینی یقینه بیوب ایجاب و اقتضاییدن خصصاً بیادینه  
 تردد و احترام طرفه افاده و ابراز ابلوند فاح افذیه  
 دولت عثمانیه معتد علیه ابر مد بعد دوسیه دولته دخی  
 کذا لکن هر حال طرفین نظر التفات و اکرام اوطان و اولدغی  
 به

دیده در دفع غائبه اشتباه آید در تحقیق بویژه هنگام مغیبت  
 بدگونه تواضعان معمله ایست باعث دفع ظلمان درون او طرد  
 ناموالی و در مجرای خاطر آید در حد ذاته بسفید عراف فرمال  
 کون دولت ایران و کون دولت عبید آل عثمان فرزین بود  
 جنب و قمار آید در صنایع حویه و لاریه صبیح عکرتف ایست  
 مکزیب غنیه و ضمیمه ممالک ایست دولتیه نخس قوت و شریک  
 آید بکندن بشقه استیاد ایست یکی بلور و الوبه و قصبات و فوای  
 غارات و بغداد و قریه ایست یکی علماء و امرایه و محارب بوشنی  
 دولت بدگونه دعایته دفعه و غرایه توفیر و متواضعان وضع  
 و حرکت تکمیل ناموس اف ایت یکی افکار اول نور مواد و  
 او طبیب حاصل کلوم بودند غیرک دوسیه دولتی طرفند  
 مدت و قدم بشقه بر عکس شوه جابنده مالدیاتی نوزم  
 کلید دولت عبیه مالدیاتی ضد اصول و ناسزا هکات  
 غافونه و اظهار جا هدی رینه منی ممالک اناطول کافه مستقره  
 سیدب فار و بغا اولور ایست واسه طوفوه و الحافه

مقاله

ابتدای هنگام سفارتی دفعی ذکر آنی خصوصه دانش معارضه وقوع اول  
 ایست ب غایه و اقدام مالدیاتی به رینه بناؤ مذاکره شی وقت دیگره  
 تعلیمه آید یعنی از جمله صن بانا و میر میاندن خاتون زاده <sup>مصطفی</sup>  
 بانا و اضنه قصره احمد بانان حد و شرفیه بولند ایجاب  
 ایست سبب آید ملک و ستم باری اوله جلد بدید زیر آید

بیان منقذ و مربوط اولون جبل المین تریب و اتحاد عدم  
 رعایت عافوننه و جاهلونه جارتہ ابتاد و مبارک این جملہ  
 مکتوب بر حال عادت دیرینہ او زہ ایقا ناشرہ قبل و قال  
 ابدون تکرار باعث فاد و اختلال اولیہ قریب الاضمال  
 اولیہ همان وقت و زمانہ بد افادہ ضیضہا ہا نہ در وقت  
 عرض و اشعارہ وقت و سرعت اینکد لزومہ حال صداقت  
 اشتکاد

جواب بحر

دوین بیت منقذ اولون عہود و شرایط اقواسی احدہما اثر  
 امور دافنیہ نہ مدافنہ و تضرر اینکد مضمون مذکور طرفہ  
 تکلیف و اشعار اونی کتیا ضافی امر صالحہ اولیہ فی ظاہر بمضمون  
 فنون و زیرک و فنون آدمی استخوان طرد و مضمون مراد ایملک یعنی  
 سنت ایشہ برار صادر و خدمتکار اولیہ نہ مردانہ نمی گفت  
 و ابراز شجاعت اینکد صدیقہ فہم و رونما اولیہ فی باہر در بدو  
 اقصای صلح و صالحہ مغایر کیفیتر بنا بکند بود ادون صرف  
 نظر اینکد منا سبت دیوب جواب ویردیکہ نزاع اعجا و معارضہ  
 اولنک

سوال فرمایش

ابتدای فردن بداند قدر واقع اولون کار بہ بہ راز و ساز طرفون  
 سادہ ظہور بروز ایدن کیفیتن اذکیہ بسزیر طبع قبول اولون  
 موارد نہ بر اشعار و تعداد اینکد و طلبکدر  
 جواب بحر

غاف و عثمان جناب دینک مرامی هنگام محاربه ده واقع اولاد  
 متاثرندون کنایه ابر کیفیت جنس و قال قضیه کرب سجال قال  
 صقیقت استمانه بنی بر حال موقوف حضرت قادر ذوالجلال  
 بیدریون احوال مجوده دندو لکن فرمایش جناب دینک منشی نامی  
 بعضی حالات غریبه مشاهده اولنگ و غنیه سه رخ اسباب فواید  
 از جمله ضیفه و استیو اینیکی الیه و قضا صبی و غارتدن و قایه  
 ایدوب علما و امرایه حرمت و فقر و رعایای از هر جهت محافظه  
 و صیانه اینکلی بین الناس امان و امنیت شهرت و بیروجه  
 داخل اولدنی شهر و قصبه ده ابار قاعده انصاف و انانیه  
 ایدوب بدیه فطریه صیه سفیدت اسرار طریق عمره شدن  
 کلوب حیدر لاهنقه مالک و عکرنف ایندی یکسریه درسته  
 فذمه و دروسه اینیکی ممالک و بلدان خراب و بغی ایدوب  
 ملک و ملته اینیکی صون معاله و رعایه یعنی بود و جهل اصول کسرها بود  
 مهابه وضع و حرکت الحوه بیخ میزان قبول و تحسین عافران  
 اولدر دید و برنگ جواب و سینه خدمتک و ضهاب اولدقح مرغ  
 تصدیقه صورت نسبیبه کولتروجه انظار محبت ایدوب

لایحه

الحقیقه کیفیت محاربه ده دائر وضع و ترتیب اونها اسکی فدائین  
 وقتون عربیه هر نه فرستل ابر ده دوت علیه و دوله ایران  
 و جبرده غنائم دوسیه دولتک واقع اولون محاربه رندن

103

بشیر و قریب محاربه عجمه نیک کیفیت کب اطلع نام اولوب  
 لکن بو ذکر اوظن غوغارن کافهک بر برینه مغایر و غیر موافقه  
 واقع اولدینی اقتضا ایدر که عرصه و لوله ادای جواره طدر و اماره  
 بیوریدون عکس غایت نظیه و از کجاردن ماصی ارباب تجر به  
 و دورییه اولوب دانیما جنب وصال فوضنن اجهتاره قصه اولوب  
 میدان قتالک نظیراته دقه برله اوردوی بیگ و نازا محافظه  
 صرف بازوی اقتدار ایله و اوردوی دانیما مط و صحنه اهتک  
 اولوب کون مکنن و کون ملت افردن عکس واره حق  
 مکنی تحقیق و رؤیه ایندی که عزیمتدن اجتناب اولنه بقدر  
 اوردوی مکندن ایجاب ایندی که قالدیروج تحویل مکان ایلمک  
 خیران و تموز و نصف اول اغتدس بدندن افواج دمی و استعمال  
 شربت مرهم و بصر بر حال معیت سرعکریه اصحاب تجر به  
 بدلتفه و شکر و رانی آرزویه امداد و اعانه ایله بسلامت  
 و کرون عکس ضرورتدن بغایت ففقه و حمایه قلمقه و سپه لارم  
 نفوذ نامه اولطه حکم و جوبین اولدینی وارسته قید اتمار دور

### سوال محرد

دوله روسیه عکس رینک بوندن اقم شرفه جاننج واقع اولون  
 محاربه لک مضبوط جویق خاطر صدر لکن ایون جنابکزدن وقوعه  
 کلدن حرکات عربیه اصول سابقه توافقه ایندیکی و محاربه فوضنن  
 طرفزدن شهادت اولون ترتیب جدیدک حقیقتنه کب اطلع نام  
 سوره



سورسنجیم کیفیت مذکور ایضاً در دغبت و بسؤال  
 جدا بنه رعایت ایتماسند در دیوب تکمیل مقاله وسؤال  
 ایدیکم

جواب فرستاد

طرفین مطرب اوضاع سؤال بر حال بر حکمته دال و خصوصاً مذکور  
 محبت اولون سودای سیدای ضمیمه هفتاد و اشعار  
 ایندیکه حل عقده خاطر ایتمک محاور دیو مرآت سؤاله ابراز صدت  
 فاست برله احوال حال ضمیمه عقده انتقال ایتمک کتم اسراره مجال  
 بر اقدیقین ماعدا دامه صدقه واستقامتی لکه دروغ بیحال ایتم  
 ایتمیوب نقتی لوهه خاطر ایتمیکم مراتع عافوانی اظلاله بجه اولوب  
 دیدیکه بر دفعه دوسیه دوسته پدم طرفین دهن و زوال اطوه  
 اوزده انتم و بون تاریخ اوضوح استیوا اولندرق رعایه اسیر  
 ایندیکه ایسره صدر تا اسیر اولدم و بود قدر فی فایزه کدم  
 جای صفت جلد که ساهه ظهور بیور بیون امدور عجب غیبیه نیت  
 زلایتی بر امر مطهرات شانق وار و بروج دوله روسیه عکریه  
 با دستفول تدریکار بهیه مقرر بیور بیور اسم فبیه جنبانک  
 کبی بر عکس جنات از مادن تحصیل اصول حربیه ایتمی اولوز  
 حقیقت حال بوسؤال اوزره تاریخ احتمال اولدیفون بیاطت اهد  
 دیدیکه ان شالله فاتح افند بر عنوانده کدکس اتحادی  
 کفایت مقداری وسیله مکنده عنده موجود و دیه دن  
 بر جود له نقد نکون ایتمی احوال اوضاع ترتیب محاربه ناپلیون

اصول بیداری در الحقیقہ افزینہ خصوصاً مذکورہ وقت نین  
 ممنون اولیٰ ذی وقایع دفعہ نوزمہ ہنہ اصحاب غیر تدو  
 مقابیلہ کیمی ایلدی فی الواقع انا طویل و قوعہ طون کارہ پیا  
 اور پادونک تحقیقہ موفعہ اولیٰ بوج مجرور سیدہ عکرنیت  
 غیبی اہالی ولایتی رضوانتہ نسبت ایتدال پر وہ صحت حال  
 بدستوار اوزرہ اولیٰ بوج سے الحجب سجال قضیہ سیدر

### مقالہ

فردی سند صحت اسدن ہو کہ و با بیدار و قضیہ سنہ بر کیمہ اقا  
 و بعد از ضروری جاننے رہ نور و عزیت و کافہ قضایا تخلیہ یہ  
 دائرہ اتالی ایتیکم خصوصاً ساعت ایدوب فقہ از ریختہ جو فرہی  
 صحت با تانک قدمندہ صورت ساعت و رخصت کونندہ کونندہ  
 آئینہ ابراہیم بیداریتہ اقصا ایتیکم کف بیدار شدہ ایدوب علی السو  
 از ضروری جاننے بار بندہ صحتہ اولیٰ بوج سرزندگی اوج ساعتہ  
 واقع ایلجہ نام قبیلہ فرمتا لہ مخصوص ہاتم و طباطبہ اجزای مراسم  
 ضیافہ اولیٰ بوج بدلت و الف ساعت بر عدہ نظر اصناف قندوب  
 ساعتہ اوج صورتہ درون شہر داخل اولیٰ بوج استماع اولیٰ بوج  
 سے گفتگو ایدہ اولیٰ بوج شہر و بازار مصدر وقتہ بین الناس  
 نامہ الحروف ایدہ اولیٰ بوج حاصل حدادثانیدہ بیوت از ضروری  
 مال و مال اولیٰ بوج سے بیداری غمہ صدیکم کیمہ قاج و ساعتہ  
 قضیہ جمہ اجبا و اصدا فادہ بیدار اولیٰ بوج علی الصبح علی جناح  
 اولیٰ بوج

استعجاب كافة علماء و امرأ و وجده ببع مفرح اولدیفم او طه نعت  
 خاریضه بشقه بر او طه به انجن پیرای صیبت اوله روه مدقاته تقار  
 او ذره اولد قضا صوب عافانه مه ایما و اشعار اولندج و تمثال  
 ایله کورشدن مقدم کلد کله تحفیه و استخبار اولند قرح ابتدا عرافه  
 واروج بعد الملاقه بالاسیتان صوب عافانه مه کلمه رک  
 ایجب واقضانی افاده و تنبیه ایبدیکیم كافة عازم سوی و تمثال  
 اولوج صبه مدقاته بعض سئال و بعد ابدن صرح فاتح اقدیه  
 واروکزی دیوا هالی و تمثال لافندنا سئاله ابتداء اولندج  
 ه ب رفضت اولد قریبه ایما و بیان ایبد کلرنه اذن و رفضت  
 عقینیه بد کونه و زکردان صحایف بیان او طکر فاتح اقدی معت  
 اسدیه بیانیه نوجیه امیه ریه و طقت ایرینه رفی موی الیه و الیه  
 امیه و معتد انخا ز ایندن كافة فضوصات طرفیه عمره سه احواله  
 قنندر جمیع سئال کله مه بعد فاتح اقدیه افاده به مقرر اولدینکله  
 بیلدج انکار کله حرکانه ابتداء ایبیکیز حاصلی کلام انعام صحبت  
 و مرام اولوج تکرار صوب عافانه مه عدوت ایبد کلرنه مامل  
 ارضدوم و قارضی واضحه ایباتله جدار و یونیم اولدیندن بشقه  
 اولون هجوتیم ملجا و عاوی فقیهانه و اطفالی عنقدان جد اینیم  
 عماد صلی و وزرا و امرالنیک برودده زیر ضایع نریبه رک  
 اولدیفم صبیله جلد سنه صمیمی درکار اولون میل و کجت و بر طرفون  
 امر دینیه قدیمی م هره ایبت کله صداقت و برجا بندن استیلا  
 ایله جکر فون اولون اهالی و لایبه و مملکت و صالحة ضریبه

خبریه ظهوره کلون ویرالیه مرت از هر چه کبار  
 و صفاری مصرع کنی بغایه ینه مملکت صبر و خرد ز فریب  
 غریبه دریای بکا و جدت او در قدرش همه سینه تیره  
 درون و شکر کز ارنق خداوندی چون قندک

### مقاله

نثر صوابت صلح و صلوصه دولتی میانش واقع اولون مخادنت  
 و اصبع قیدی سایه شوکت استویه ده داخل دایره امان و دفع  
 اول قدرتی فراخ و ادراکه ناقابل یعنی ملت روم و ارضیه دهن بولنا  
 بی شعور و از ازلت معلوم است اول دفع ترک دیار و اوطان  
 او همیشه ملت بیضا استویه با او از دریا به اجزا و مبادرت  
 و بوفعل تا صوابه ابتداء و جراتش صوب عافرانیه افاره اخبار  
 اول دفع طرفین ترجمان و سلطینه و تکیه بولونه ایما و شمار  
 اول نزدیک دولت روسیه ملت صرف جزاین بیستاریه اندر جمع  
 و محاسن خصوص هزار تکلف و تدارکاته دویار اوطی ملت ارضیه  
 و ملل ساثره ملت مذاقنی اجراء داری اول بلوب مجرب جمع ملت  
 رعایت و اضامه ایلی و راحت کوشش نوسیع نافع ملت  
 ایتمدن عبارت اولوب بدو وجه جهان در تقسیم و رغبت اوزره برود  
 اقدانیه اولدنی عامه عالم و عالیخانه هدیاد و امر شکار اول طغیان  
 بنای علیه ملت نصارت <sup>صوفی کانون</sup> اسلام ضیاینامه بدانشانم در کاد  
 اولون

اولون جفا وفاقا ندرینه رضای وادیدر و بوی ثقه سفد  
 دوت علیه به ترک اوله بقصد کوشی هوشا ندرینه القا اولوب  
 عرض وادیدرله اقامت با بنه مثبت صدقه و ایمان اولری  
 ابراز برله قادیب اولدقردن بشفه حدود فاقانیه ده کافه  
 ملت نصارانک دوت علیه به ترک اولنی فوضی تکرار سدا  
 ایتیکم بو ذکر اوظان جواب مکت انضیمیل فتناله افاده وار  
 اولدق کافه مسؤلونه صورت ماعی ابرازیه فوضی مذکور  
 تنظیم امرنه صوب عجزانه دن ایکی کوناه لبرهت اولدیر

مقاله

مدد معذورن منج کافه ه ثقه روح و ارمینه ناک بطریقه و بریزد  
 جمع وارضاد و جمل سنه بو کون تینه و اشعار ایشک روسیه دولتی  
 ضیفه و استید اینیکی مکنک مدجدد جمع رعایانک دوله علیه به  
 ترک اولنی فوضی فتح افندی دولتزدن دجا ایتج اولدیفندن  
 ناجی عاقه رعایا کماکان بر لوبرنه اقامت و آسایشه ذنار بند  
 دقه اوله ره فتح عقیق ناقوس مکت ایدوب ایدم افذک  
 مدعی البره و ادرج جملک تحصیل رضا و عفو ضیفه استیکم کب  
 امنیه مبادرت و مت اسوده کما فی اب بوعه صمد اریه مداومت  
 و رفقه ایتیکر ه ثقه سفد بر منوال سطر بو تیریاخ استماع  
 ایتیکم طوعاً و کرها اسوده ترضدن کف بدشله بله صوب  
 عجزانه کلاب دونه اهعت و رفالت ایتیکر

## مقاله

الحقیقہ و خزوہ ضامہ بیان اولدینی اوزره بسقیج غراف  
 فتمثال لکیر شانه اف نیمه صورتیه هاب و دایما متواضعانه  
 حرکاته راغب اولدیندن بشقه الیدم خانه و خاندان دولت  
 روسیه مالک و ارضه اولوب مقدمات دولت مشارایه علی طریقاً لثوبه  
 و بی بیوب میان رنج اولدجهلم معروف اولدیندن ماعدا خدش  
 بوشدینغ دولت صارقانه و مردانه اجرائتیکم خدمات لایقده  
 رقت و اصول دولتی اوزره صومعانه مع حمت و رعایت  
 درکار اولون مبالغه ارکان دولت علیه یسودانظنه  
 ذاهب ایتیکی مواردن ازجمله ارضومه و صوطه موش  
 ایالتی و نفس ارضومسیدی قطع قضا رینی اگرافاً تخلیه  
 ایتکندن غیرک کافه رعایا و ملات و شهر مذکور در ورنه  
 مجدراً بنا و اف ایتکله قسمة صیمة شایخ اولرکان اشعار  
 مستندانه بناء علی حاله دولت علیه یسودان  
 وقوع دولت عثمانیه ده کزماه مقداری مروه و منفذ  
 قنات مدت اقامتن ایکی ماه تنزیه اولنه یعنی دگر و مرو  
 تفسی طرفه و در ورم جانب ایچرا طریدن بعض امور  
 لایقده ناس اجرائی شایان و سزاوار فتنه منی فخر صوم و درن  
 اولمشیدی تفسی طرفه غریبه سوز و بیکیم صقیقینه فتنه  
 اولمشیدی استانه یعدرنه ایجاب ایتیکندن ذکر اوضاع فخر صوم  
 اجرائی

اجرای بانج صوب سرحدین کند و عقل و دانشه مه بونه و لای  
 و اودا کنه لویه ماضی زمره جهودیه فائده مخصوص بر غیر بن  
 تدبیر ارسانه ابتدا اونگی ابرده فتیله طرفین مستوفیه  
 ماعده اونجوب حتی فتیله سغیره ویردکی جواب یعنی ضابط  
 سرحد و مدجود معینی اولون و ذوالی دیگر بازورینی کورپر لکن  
 بر تقربینی ماضیه ابتدا بر تقربینی کوزورینی قیر دیر بازور  
 ایشه یراماز مظلوم افغان مواد فاتح افغانیه و جاسنه بناؤ  
 قبول اولنوب موی لریه تقبیه غریخته اجاسی مربوط  
 قنشییدی ریه راج ابراز صورت انفعال ایدوب  
 کافه رعایا و مهماتی قابلدربوب قنیه مذکورکی دخی هم  
 ایتدیردیکند بشقه مدت معلومه دن دوق ماه زیاده  
 ارض و مع و محال سائره ده اقامته ابتدا ایتدیر

مقاله

اطبای بیوفای قتل غدار و حکمای کواکب نامدافه نا اهدار  
 بازوی مظلوم و غریخته وضع سیاهه هت ایدرک بوکرش  
 زمانه مخالف رفتار دخی اوقات مقدمه ده مانند فوطون  
 حکمت شعار دایما مرات ماضیه صدرتتمای دور و ماعده  
 اوله ره هنگام هجرتدن مدت مقدمه صلونه قدر بر تقضای  
 احکام قضا و قدر منبدا و دینیم جو حجه رهیم نایزیره ادویه  
 شیشه شفا ساز کورون مرها ابتدا ایتدیر امنیه بیله ضیای نایجا به

ذاهب و امیدوار اوطح ایسم بیت صانمه و صندف  
 صون دستک دل سوزانمه اول کجانه ابر و جگره نیر  
 مژگانن آرد و نیر لایحه مکتوب زیر ناصیه بودیب  
 و مستور رای یرده غیب اولان الام و کت نتیجه سنه  
 تکرار مقدمه تا که نظر دور اولدینی ترجمه حال غداشل استمطاف  
 نظر و رفت بیورانی ادبایب سحر و عرفانه نما باندر طیر  
 عبدالرحمن خالوک ناموه الحروف بیت ساعی در مان  
 بولنماز در و بیدر مانمه کلامی صاحب زمان غیبی میانی نموی  
 فی الحقیقه فی زماننا شروع ابتدایک اظدار و عرکاتمه ایما ضمنه  
 ضعیف خاطر بسند عرفا و ابلیس

**غزل**

یا فقهه کی درونی کباب ایلمکیه کی راهنجه کی در جان تراجا ایلمکیه کی بیدوره حال هم غناب ایلمکیه کی نخیل جرم منع ثواب ایلمکیه کی	یر و اندیم انجمنه شتاب ایلمکیه کی مانند ذره دو شمع آلود کدکانه بد صادرانه منته نقره صیه ایلمکیه ایندم بویل مفاطفه عصیان التزام
--	---

بده لب هدایع صانم ایلمکیه  
 فاتح بنای جاھی فراب ایلمکیه

**مقاله رد قلعه جدید**

مصدر بقعج غراف و نشان صفح بنای قدی اودکان تو ضمن  
 استحکام و یر و جب سامة بندرگاه نظیفه وضع ایلمکیه ایلمکیه  
 حوت



حومت و چار دای مودت و ضمت مانند قلعه افراسیاب متین  
 و استوار و ارتفاع برج و باروی رعایت خیره ساز عیدت  
 معمارستان و شمار او طین یعنی از هر بابا کلید دو استند عاید  
 خربک مضاعف آن ابتدیکم ساعت و آن دو آن فتح و کاد و بوز<sup>میت</sup>  
 خانه دل ناسد و معدر و اباد اولوب از هر جهت دستا اسیع  
 صلقة باب و جایه موصول او طدن مقدم سایه حضرت سلطان  
 انبیاده و دانندن صدای بندنای قبول رسید صماغ سامعه  
 موصول اوله روه من کل الوجوه صوب عافران می مجرب ایندیکندن  
 ناجی بقدر الودع و الامکان بر رسیده ایله تحصیل رضا و صلب  
 قلوب داعیه سنه اولدیفی ترجمان جناراله ایمان و تعار ایندیکیم  
 بدگونه سفره کتر مقام و تقیر اولدیکه اطعمه صد و پنجاه  
 مختارته نمکیز لذت اوله روه تکرار کیت دیت اشتراک ایدوب  
 نداله مجنده سیر او طعه جایکد ضمه اولدیفی خالد دستا دعوت  
 او نمندن اقمع بعد نظر انشای طمع بی تکلف عزیمت طرفزدن  
 مبارزت اولسه غافلج موجب منندیت و باری منوطیت اوله صفا  
 بدیهی و اشکاد در فی الواقع فدای مدت مقدم اولوب هم حرکت  
 و بد دعوت عزیمت ایندیکیم غایبه انباء ابراز منندیت و اظهار  
 بش نبه ایدید و الحاض ارضوم در و تنج مجتذابنا و افشا  
 ایدکلا قلعه صیه نند دوت علیه تران اولنی قصدی بوغز<sup>تمه</sup>  
 بنا قنطرب بعد اطعم انشادون بری ناموه کور فی برابر الوب

سیر و تشاد نطق قلعه مذکور در دونه ترک اوله جفتی  
 و ترکنه اسباب صکت نه اولدیننی بیان ایدک فی الحقیقه  
 ذکر اوظن قلعه کوردکنه مهندی ضیاء انچه یکریمی بیات  
 کیسه انچه ایسه میدان کلدی تختی ثبت جریده اجمال ایدک  
 حاصل طبع کثرت الحاح و ابرام و سیده صول مراسم اولور  
 سو دانسه و شمیموب دجا مندا اولدینم خصوصات معایر شروه  
 تعجیزدن احتراز نام برله اعتدال اوزره حرکاته ابتداء  
 و مصالح ضمنی ملاقات آقضا ایتدیجه عذره سرعت و تعجیل قیام  
 اوانه اهتاج وقت ایدر ایدم **مهم**

### مقاله

حار ابیان بعض خصوصات نوزمه نیک اجهلک معذور اولدیندن  
 بشقه اضحی ایاتی حد و دینه و انرا ایجاب ایدن مواد کندی  
 اقفا سنه باقلمی تفسیه عزیمت و ورور عافانه <sup>توقف</sup> فیلبند  
 ارض و مه و صولات اوله برنجی کون روسیه دوتی طرف  
 بیق مذکور کیدنات نصب و تعبیه اولون بانقرا تیف نام  
 جنرال بر عظیم ضیافت ترتیبه ابتداء و مبارزت ایدوب  
 مفتی ابراهیم ادهم افدی و اعیان عراقا معیت عافانه <sup>توقف</sup> بولند  
 اجزای مراسم موالات و مهاننوا زکیه وقت و رعایت اوله روه  
 بعد طعام نوش شربت مصالحه برله دفع حضرت ذهابه قال  
 اولدینت اتعاز دهرک درگاه حضرت ناصر طلوع و قاضی  
 الحیات

الحيات طرفه حمد و مناجاته خریب زبان نضیع و نیاز اوندی  
 چونکه تفسیه غزیت هر حاله دولت طرفدن مآذون او طبعی ملکاً  
 و صلیاً و ائت ضمیرده صدرت مناسبت کویستریبوج تکرار صد  
 سرعکریه عدوت و مراجعتیه مصر او دیندن بالضرور هدایا  
 عندانیده بر طلوع اعلامه و بر قظم یا قدرت خاتم و بر عدو مرصع  
 ضعی صدوب سرعکریه ارساله کجیور اولوب تفسیه طرفه عجیث  
 بعث و ارساله <sup>فصلیه</sup> ایجا و اشعار ایشیوب معبران دولت روسیه دن  
 نامه الحروفه بر غیر ترفیقاً تیسیر ایدوب ارض درمه و صد  
 او دیشی کون علی السحر مقاوله اولندی و جهل و تمثال تفسیه  
 طرفه غزیت و مور حروفه بر ساعه مروزیه او دروی  
 سرعکریه مرصه پیرای عدوت اولوب غیر مذکور تفسیه  
 هدایای مذکور ایدکنه بنج و کند و رنیک بالنعید سریقاً عدوتی  
 اقتضای صلحتن او دینتی شرح و بیان اینکلمه مترا ایددی  
 افندیب اعاده که ترتیب هدایای لویه به موقوفه دیو ابراز  
 اعتدال ایدکنه غیر مفسر طبیعت ارکان دولت بلیمه دل  
 هدایای لویه الاذن فاتح افندیب عدوتیدر دیوب تأیید <sup>الظنه</sup> سواد  
 مدار و باری اوطح او دیندن بشقه و تمثال طرفدن بالاسندعا  
 تران و تحیه ایتدی بیکم الوبه و قضارک فصوصه الیغیم سند  
 ریوی سرعک تصدیقه و غیره کما حدیثدن جارت ایشیوب  
 ایلی مذکورن بج کون اقامتدنک اعاده نه وار ویریلوب  
 بعد یکدی کون مروزیه مقدس و تمثال ایدرتیب اودان اصول

شایسته او زره صیه تخیه به قدر طرفین دماضه اولمیدب  
 علی حاله ترک اولمینه قرار ویدیکز قضا کردن تر جان قضا  
 صی باث خلاف شروع و معاهد عک کوندر یکی دوسیه  
 طرفین استماع اولمذوقه کفتگو ایبه بر اولدی ینه شهر  
 بازار قضیه بیه انسی ظاهر ویدیدار اولوب قضا مذبوره  
 دوسیه طرفین او پیش مقدار سدهات ارسال و بسیار  
 اولمذوقین بشقه سرع کردن و سازدن صرف نظایره دل  
 صوب عاجزانده بر قطع مکتوبه بر ادم کوندر و صی باث  
 طرفین قضا مذبوره کوندر یون عک دفعی وارایدوب دوسیه  
 عک دفعی تکرار قضای مذکوریه اقامت استقرار او زره اولدینی  
 افاده دن بشقه فاع اندک معیر شروع حکایته ابتداء ایتدکن  
 فدیله طرفین استقامت ایتنون افاده سیم کوندر یکی سفیره  
 صوب سرع کردن ترتیب اوضاع خانه یه واریدوب یقیم اولدینغ  
 قدناغه کلج وینغ سرعک متقدم خدمت و صلحت اطلبوب مجرد  
 فاع اندک ایبه مدفاته فاع دفعی دوجور و دفعی بر ساعت  
 مافده واقع اسعد باث حضرت نب یقیم اولدقضا فریه کوشمک  
 رایجه سیم وارمشیدیم سرعک طرفین عدوتکه ضرور و ابتدکیم  
 همان سریقاً عدوت و کیفیت ناسزایه واقف و معیر اولدینغ غیری  
 کافه ممالک اسلامیه بقیه اوردیمه محابه به شروع اولدی حوادنا  
 حاصل اولون غوائل و دهشت ناصعه کوفه مشغول عماله صیرت ایتدی  
 ایسه ده بر آن صوب صوب عاجزان دن جواب مسکه ایرادیمه  
 سفیری

خبری مطیه دان عدوت ایدوب بانقراتیف جناراله  
 مکتوب عاجزانم وصوله قضای مذکور دن عسکر  
 ارضروم جائنه اعاده به مبادوت ایتدیگی خبری وسیع  
 سیم عسکر اولوقه سے یادجا زبان هزه درایحی  
 بریم باد مآله ماصدمه من باشا و سار عونه خونه  
 بیبارک بوکونه تحریک زبان ژاژفا اولدیده که یعنی  
 فاتح اتدی روسیه عسکرینه کل دیدیکی آن کلید و کیت  
 دیدیکی اوانه <sup>سید</sup> مضمون احوه فریبانه اینه صفر تکرار دزل  
 بازاد اراجیف و حوادث اولدیده حاصل دولت علیه  
 ددکار اولون عدم تحفیه و دقت و مهورانه ساعه  
 ظهور کلدن حماقت و نفانیت و اعداده صاحب تعداد  
 کلز غالبیت و بخت الله لوفت منت بیضا اسدینه ده نمایان  
 مغلوبیت و بدو حال <sup>بیمانه</sup> صاحب شریفیت تدارک و درود  
 ایتدیگم فرصت فوت اولوه اماره و عدیمی فرام و ادراک  
 اولدوب ازهر جهت غریبه دریای صیرت و غوطه خود  
 قلزم ضحوت اولوب بیت دگر تیز مزاج جانانان  
 بیچاره بیاب برده طیب عقل نتونیکم اولنجه <sup>یار</sup> بیاب  
 برده مال صکت اشمالی او زره مدت مرقوم کیفیت  
 مذکور دن باگذور کف بد اینیم ایجاب ایتدیگند  
 وجدانم اولدجهل قران مجدر اولمشیم

اولد

## مقاله

تفسیر طرفه عزیمت عارفان از طصیحة طرفیه و محالیت  
 غنایه اهم اولاد بقدرت اولاد جهل قرار و بر طریقی ایستاده  
 مفروض مذکوره دائر طرفت تردد و اهتاج بر طرف اولاد  
 داعیه سبیل ذکر اوضاع دعوت خالصه کافه امرای کرجستان  
 حاضر مجلس اولاد بدو کونیه بجنابان مقال و بیبا اولاد بدو  
 دولت علیه ایله واقع <sup>مخاربه</sup> ده فائز مخرج و جناب بکر ایله  
 اصل اولاد موافقت عبارت اولاد دولت دو سیه  
 طرفین ولایت جانینه عزیمت احوال اولاد و جناب بکر  
 دفعی کلکه سوز و پروب بدو کونیه تشریف موعود و صلح  
 ایستاده بزاد دفعی کافه سنی ولایت دعوت کلدان  
 صلی کلیم ولایت دهنزی کوروب و کورمیت قشنة  
 زلزل دیدار فرام اولاد قبائل قزاق و اولاد کرجستان  
 سحاب فیضان وصال ایله رسبز و دیان و جمل اقربا و  
 تعلقات تکی و ارسته غوائل جوان ایدوب فریاد  
 و خندان ایکنز اقصای احوال و فترای مهابت  
 اشتغال مزد و دیده در طی صافه بیان اید کلزنج تکرار  
 صوب عارفان مدد و عد عزیمت اولاد اولاد جهل و دفع  
 اولاد تشریح بنا و علیه کون و تشار و کون محال کرج  
 بر ما هون زیاده عزیمت کورم مترقب اولاد ایستاده  
 بد کیفیت نهایت در کار اولاد فوائذ صلیه دولت  
 علیه

عید و کله وقت ایتمیدب بعض فونته هزه فارح  
 از سید صغه شایع اولون قید قالدن بشقه وقتا لک  
 رعهک مصاح لوزمه اجرایه وارث نامه الحرفک تفسیه  
 عدوتی مبیله خیر ایتیک قائمه دخی قید کتدای کتم ایتمکلم  
 ماحل در عادتیه جب و احضار فیضی استی ان اویستی  
 بانستماع امرن و صونضه مقدم فریبی سنهک و جب  
 افردنیب اویب شنجی کون متای اوردودن قلم دابطه  
 اقامت و شعبان المظلمه سلخه استانیه و اصل حضور  
 و انداخته نائل اولوب یوم نائیکه ابتدای شهر رمضان  
 المبارک ایدک بعد از افطار با جعیه وادوب  
 کتدای صورعی علی بن افک حضرتیه مدقات اونوق  
 شایان تکبیر و اتفات اوله دو جمله فقیه ده صکه  
 حضور قائمقاکیه احضار اونذیقده مشارایه دخی صغه  
 نوازش و اتفاتیه ابتداء ایلدک بر ساعت مروریه  
 صه لم نیاب اسمه فی کتاب یعنی مدق مقدمه  
 دیشا کتاب اقدیب اوطه سنه کلاب مدی الیردخی  
 باری صوره اشارت و ابرام ایتمکلم انصرفوق الودب  
 قضیه سنه امثال تکلیف اینکلک محله قعود ایدوب  
 مدمی الیه دخی صورتا اتفات نام کونتر دیر و استبحال  
 عافانگی هاوک تکرار زنجیب وارسانه مبادرت

او نشان امر و تاتار و قوی رفی مکتوبه صد عی  
 اندکی اشعار اولیوب بود کونه دفاتر اضلاع خردی  
 التزام اولیوبت فلم دسیه زان ایدوب لکن  
 تحقیق سورا سده و کلمه ماضی اول امر محاربه  
 و مصالحه ده صدی عافانه مدت میدان ابراز کلون  
 خدمت و صداقت بر تقیب نزد شاهانه بنی و شایان  
 تحیی اوطح اولیوبی ارکان سلطنت بعضی بنی  
 اولیوبت مذکور وقوع کلون افل و افترا به طرف  
 حضرت شاهانه دن صورت اعتماد کوه ترن ضیار بده  
 نیمة مقدمة معلی اشکار اولیوبت ناجی بعضی اران  
 اقبال رست صفح تقدیر معلی ایدر ایدی بیت  
 زاو فی الظهور نفه افوی زمزمه بنه و قاکه کاملی  
 زاده نیک برودن صبه قدیمی اولون کاتب اندکی  
 کوندردیکی عریفه سنت عالی حضور شاهانه عرض  
 اولیوبت عامه مذورینی بوساره امداد بیت اطال  
 رفی تأیید و کاتب اندیدی مرفوع قول نازان  
 تصدیقه و تائید زیرا مرفوع مامورینه سب اولیوبت  
 ناچار بنای کلام سخیف من تشید ایندیکند ضمیر ناچار  
 غبار انفصال عارض اولیوبت همه عافانه عرض غریب  
 بر کیفیت نایجا و نازاری سنه مرفوع سوال المکرر  
 بنی کلون



کز بخت کون اراده و اشعار بیدر خیزد قانع با شاهزین  
 اندر صای و در جاریه نظراً نامده الحروف عفو شایان و زواوا  
 بیدر یوب بیت به که زیر خرقه به حکم سری شد کبرک  
 هنده جالون فلک نایع هابون سایه به مفیدی از زره قدی  
 نزدی جزان مع مرغوب اولان گوشه وحدت و اثر و ایه مداد  
 او سنج طبع فیه بیت او طبعه انگشت دوشه اگر خیر مدار  
 شکر کیم مانند خانم بوز قواسیم کورمدن ما بیل شکر و تنایه مداد  
 رینا افق بیتا و بیی قوسا بالکوه دانت خیر الفانین کلمه  
 اعجاز انتضای حی و رود اجوانه دیر کای نضاع وحدت  
 در عای غریبانه ایه دست برداشته در گاه اجابت در عدد

فندی

مقاله

هینک بقیج فنشال غراف صه الانصاف کافه امدوده  
 ناقور ترجمه احوال و سرانجام یعنی نامده الحروفه رخصت  
 و استقلال تام و بیروج تفسیر جانینه غریبتم فصد صغ افرام  
 و اهتمام اینملک هفت تنه ناشره فروزا اولان عرب و ک  
 راتج خاتمان سوز جنب و اخلاک اسرار طریقی انطقه  
 بولوب نکرار دولت روسیه ممالک مذکوره ایه کارزار  
 تکلفه و وصار او طیب طریقی نفا تن و قابه به نیت

ثانیا دولت عمیه به بوبرانه اید بر عظیم خدمت ابراز بید  
 طبیعی دولت عثمانیه به اتحاد مجبور شدن عبارت اولین  
 ثانیاً و مع عمر دولت ایران عباسی مزار دخی صنعه عجمانه  
 ابراهیم رس عاقدین هرکاتیم طرفین صدت مدارا دخی بید  
 کویتر یکدن دولت عمیه اید ایران روک و دولت روسیه  
 اتفاق و اتحاد صحیحی در خصوص بذر حاصل قدرت  
 اینکم نیت و عزیمت ایدی حاصل خدمت خصوصی مذکور  
 ابراهیمی امری و عروفی اسباب قویه دن معدود ادب و  
 بود کوی مندی ضمیر اولون آسای مدد و منت صنعه ترتیبی حال  
 و نادر الوقوع حالاتی زمان فوت او طردن تکرار ابراهیمی  
 عزیز و رفت ایدوب آستانه ده دخی کیفیت نصرت  
 کب ایندیکنی بلاستماع در سعادت مخصوصی بدسته ارسال  
 ایدوب مضافا احوال در میان فندان خصوصاً مقوله  
 اولی روه بر تقرب شروه جانینه غریتم خصوصی ایجا و شمار  
 اینج اولی قدرندن نمودنی مافات داعیه سید فقه برینه  
 کامه صدقه رفته دینی باینه تقدیمه ابتداء اینکم  
 آینه صفوتنای تفریح صورت ماسع کویتر یکدن  
 شقه خصوصی مذکوریم قانقلم دارکان سلطنت انفعال

این که بدینی سابقه در کتاب الحیج ع کف افر حضرتها  
 صوب عی خزانه افاده و اخبار ایتح اولدیفندن فصوصی  
 مذکوره و سائر کافه مداردن کفا پد اهتیه فتنیه  
 مدت مرقومدن درت ماه روزنه بیت بدکوی بدشت  
 بد اندام و لقا بدبخته و بدزاد و اموز و بدبسنده و صدقه  
 نائل اولون ایلیسی مار صیب مطعون بی ادبی ثابت  
 مستفازتیب بدصل و بدترار یعنی هادی اعدور مفعول  
 حیاره ای سبب دوتی بر فوده اولی و ندر در مانجه  
 کنز ای سند صد ارتیناهی ظلمت افکده ادبار اولد قدره قطع  
 اصحاب حاله جاهل او قدر قلمه معذور در مدتی  
 اینک دو ادکل جاهل طبیعتی مذاهبه کمال بدونه هر نفسه  
 اقدای طبیعت ضحاک افته هیته فوعی اولور ان نطق  
 جاهل قضیت اهلی ایله اسناد کل منطوقیه قدیمی عمه صمیم  
 صوب عی خزانه در کار اولون عداوت و نفاستنی اجوابه  
 تمام هنگام فرصت عداوت کنی مانند زمره  
 مسوئیندن برینه تعلیم ایدرج یعنی فاتح افسر البدم  
 روسیه دوسته تابع اولوب ایلی بیست و ستمده راهی  
 اولدیر دیوهادش ایشیروب برصندال شروع در کتاب

التي برعه طرفون مصنع اوله روه سرکاتینه خیر اولوه  
 حضرت شاهانیه عرض و تفریر ایتمی اولدقلص التي ماه مروزی  
 تابع و استماع اولندب ه اذ املک الازال هلاک  
 الفاضل قضیه سه نمایان اولدک مردود مرقوم بوساله  
 عبدتخانک رسیده صو ضام بود یعنی شهر رضانه الطبارک  
 مألوف اولدینی عقیده نکر مصفت توأمی جان جان عزیزم  
 دارالبداد مغان هلاک اولقدر بیت قودع ظاهر  
 او بجهه عجز و قدر انتقامه الدر الله غیور مآل اوزره صه  
 عافانیه مع مثبت ازبال صل و افترا اولندن علی  
 اجرای راسم عبدیت و صداقه موفقه اولدیوب کنیز  
 دوستک امرنه بالضرور بولمغنی اختیار و اجرائیکور  
 اولدقدنن جزای مایبقدرک عدالة عرفه مثبت عزیز  
 ذوانتقام قلندب اما هاری مقهور باسب هداک  
 نف نیکینه تابع اولوب اقترای اعدایه رواج و تقدیت  
 ویروجب طرف سلطنت سینه انفعاله باری اولدقدنن  
 نانی باعث نفرت قلب فداصی و عدام او طعه رایحیه سیله  
 مردود دنیا و افوت او طی ضمیر اطوار قبایح  
 الایوم انقیام اصحاب حال وهذ میانش مثبت جریف دواعی قدری  
 لایک

۱۸۸

لا یحیة حقیقت حال

بانقض خوش باز که نه چوه تمام شد از زرد بجد ز بیم زوای  
 شکلی مانده حقیقت اشتباه بناؤ فی الحقیقه بی واسطه  
 اسباب عاریه دولت روسیه طرفین صفر صدف  
 مثل در کار و بیدار اولون رعایت و دولت فحیمه  
 ایران جانبدن دخی و نما اولون صورت مساعده  
 و صحت و کافه ممالک اناطولی عاتق ادره  
 صوب عاقرانه مه مراجعت و ممالک شرفیده دخی  
 میدان ابراز کدون انقیاد و اهانت فاضل بدو تبه  
 بیه انونام کب اشتراک <sup>و امتیاز</sup> اتیکه مخلوط اولیوب  
 داتا وضامت انجا مکاردون اجتناب و احتراز اوزره  
 ایلم فطم و روانه اسیرالم یارشدیم فریاد که محروم  
 زویدار شدیم داتم زبیدی هجی مبتدیه افریسات  
 بد گرفتار شدیم فرایارندن بشقه بیت هبا  
 اولدی بو بجه کلیده امل بریمه بو طغه جو و زنگار  
 کون مانا دخی و در زبان افغان خندگی

غزل جمال

نیت همینه ضریبه بویلم اشرده در همه اهل دوله صاحب نظر ده در

بسی وزبار باشم مانند افواج	بود واریت هوارت دور خورده در
قوی و قوه های خلد صایطون	دو تا جلا سینه خیر البسده در
تکبیر ایندرا ایدیه نقدیه خلد نی	انجام سور زیور شام خورده در
مفرد و او طه لذت دولت کماله	ضخ عروس شربت صبح مفرد در
نقصان قانع اوفیر برهاتیر کجا	وقف کمال ماه منور خطره در
مانند نخل ویرمه بویسه بار نغمه	هنکامه عزان عقیب خورده در
دکانه جلا ننگ ادا نم بویسه	کرجه متاع سوو معارف ضررده در
کسب معارف ایتمک سی ایلم فاشا	سرمایه عمارت سوو هنده در

مقاله عجیبه

ارض و ملک بد محاربه نسیم اونی سرقاً و قانوناً جواز و پیلور  
 موارد و اولیوب همدار قناله کبیرم دیور عک صاحبان  
 هفتنر اشعار و ابراز اید کز ارض و مود بویه بکام  
 بیور بدون قاضی افتر علی مدائناس سوو ارایه اشعار  
 و بود و جهل سخته ناهموار ابدار ایتیکه بات بات دوسیه  
 دوستی اوان استبداد ضربه و شخیر ایتیک اوزره اولدینی  
 شایع اولمشیکه سه ارض و ملک جهان و اولور سینی  
 بازده بی و غارت ایندیر ملک داعیه سز که لکن محاربه  
 اطراد کلز پیرن جهل ناسی اضافه و اغوا و رفتار  
 افریدنی

افزیدنی قول قاضی تصدیقه و ایضا ابیدوب قلبه تسبیح سب  
 منقول اول قدندن ماعدا دقد دار مدی الیه خزیه مرتبی  
 کتم و افقا یعنی کتباً سرقه اجزا ایتیگی ایله الی و فاته  
 ملتفت ارکان دولت اولوب قاضی فرقد مدعی ایتیگی  
 اهانت و خیانت مفاہنه با اراده شاهانه تکرار از در  
 مدویتی منصبه نائل اولمدر حکمت خدا بوسفرده ابراز  
 لازمه صداقلم اجرای مراسم دیانت و عبودیت ایسند  
 نزر دوشه زین و شرم خیانت و اهانت اجزا ایسند  
 ملتفت و مکرم اولدیر بفعل الله ما یشاء و حکم ما یرید

نصیب نورد فولاد

بدیهه ابدرسیم و فطرب مودنه عظیمه نیت زبانی نصرت  
 کونجکی افضای طبع و کله عجم کوه مرات خطره دروغ  
 اولدیفندن بشقه قزور و اسنده نورد فولاد نام قنبار  
 هنگام صدقاته بدوجهلم نذیر زبان دار ابیدوب سوبدیکه  
 با فایح افند سه حالت شرقیه و شرقه و شور و کله دولت  
 درسیه میاشته نازک جهان و فدا کرده ایچی خانه و خاندان  
 صدقه و استقامت شرق عالم و عاقلانه اولدیفندن مایه الیوم

اقبا و تعلقانک روسیه دولتی عنذنه منفت و معتبرانند  
 اولوب بوجله اینه دولت علیه به اتی و لغوت و بواثانده  
 مصالحه ضیه خبریه غایت ایتیکان مثل نامسومه بر  
 کیفیت اولدیندن فالحقیم ایران دوستیه هنگام مصالحه  
 و عذره بوجوهت و رعایت اولدک بینی بوردیم مقلد  
 در کار اولون صون معلوم و رضت دولت علیه <sup>طریق</sup> و نظنه  
 زاهد ایدوب سخی بر بویه منبوا ایتیک تمام مسلک <sup>طریق</sup>  
 به بقدر اذن کثیره و شکر بیان ایتیکم مر و ایدیکر انقدر  
 بند و نهایکی قدمه کردن قبول و اویزه بنا کوشی تصدیقه  
 ایدوب و مثال اینه تصدیقه معاً غایت و اور روی  
 سرکله به عودتدن صرف نظر همت و مبارزت بیدیکضا  
 همدان ضیر لوظه ایدرم وزیر دولت روسیه طرفه مقلده  
 ایجاب ایدن خصمه و اثر تقویت اوضاع مواد افاده میدان  
 ابر از اولدن مقدمه جنابزه دوله علیه دن معلوم دیکر  
 اقتضا ایدریم بناؤ علیه ایتیکم بینی موعود اوضاع خصمانه  
 کافه عدول اولندر و بعده مقدمه سعی و اجتهاد بر فائز  
 نتیجه ویریز و طرفیه بر برینه نسبته بشاید بیدره انا طوی  
 اها بسنه بر بید و ضررت ترتیب ایدر باغ سزا علم و بوج  
 خدمت



کلامه ضام و بر دگر طولف بیت ماشد زده دوستی  
 او شمس هدا سینه و اهنه جسم و جانی تراب ایکنه هم  
 مانی بعد از شکار بود کونه سخنه پیرای گفتار و مراغ اولدیکه  
 ذالواقع قوه ففکرده پرورشیا ج بیدریون و آئی و مهلم  
 یرنه در وسامه وقوع کلام دفعی کتدر لکن دوله <sup>علیه</sup>  
 دن بد اذن و رفعت تفسیر طرقة عزیت مفایر ماسم  
 ارب عبدیت اولدیفنت بشقه فای آنکی دوسیه  
 دوسته ابراز صداقه برله و لوشه اقامت و اسایشه  
 تحیر رفعت و کب امنیت ایدک رنیدر کی ظاهر و بعد  
 حد و روضه شرف باب الالبوابه قدر فتح و تسخیر موفه  
 اولوب ضخم مالک دولت عثمانیه ایسم بر وجه صدوب  
 عافانه سفت سینه و کلام اعتماد اینیه بکلی  
 باه در بر حال بقدر الواع والامکان اجوی لوزمه  
 صداقت تحیر رضایه کجبریت شرعا و قاندا و اجیه ز <sup>بندر</sup>  
 قادیکی مضدمات مذکور به دولت طرفین رقه بیدر طیب  
 صدی جزانه مدد عذری موجب خدو شروع و قانوت  
 بر کفینه مبارت ایدر ابر تنذاده نار عار او طوعه استمالی  
 خاطر کلکون الحکیمه الواهد القهار مقابله انما و مدعی

مرا می آید بیکه ناچار می در قدم بگذرد اختیار آید که  
 غرض از خالی اولاد بند و نهایی عدم اجتماع و قبول  
 زیاد کسب طهارت ایدوب افارعه عقینیه استغاثه  
 مبارک و بعد حمامه عزیمت و هنگام فروضه نشسته  
 شربت عدم ایتم کبی و هرگز بیت هر کسی که نصیحت  
 ز مجاز نکند کوش بسیار بخاید سرانگشت نداشت  
 فدای در کار آمده بیت به او مر و ایبه راغب  
 ایشی صاغ ایشی امتان ایمن چون چرخ صبا انداز بکشا  
 ناطقه سید ازلی مندل او دینم روحانیت رسول الله  
 شریعت و تدبیر اهل آبی تاثیر عنایت اینکلم حکمت الله  
 و قدرت بدو سب صومع افراز مع غرض و نف نیشه  
 با استغاثه اجزای مرا و هدانه آیدند و طهر غضب عزیز ذوق  
 او طفل هربری بر ربوبیه مبتدا اولوب زمان قبل طرقت  
 ریون و نارهار اولد قاص عبده لاولی الابصار  
 ثبت صحیفه آثار قدسی بیت کیمی کوردن غرض  
 اجزانه روشن شدن ایشان اولی بعد آفری فیروز  
 اولدی

قصه عجمه

انشای سفارتم و غنای ابدیه بیان ده چارک اولاد  
 و قد عاتدن بر مقدار تحیر و امل و در دونه عرض و ازها  
 او نمیشدک بعضی سفده روزه فا بدگونه لب جنبان مذامه  
 و استرزا اولوب یعنی فاتح افدک دولت روسیه ایسه  
 بیاهات انیمکه در اقتضای صکت جناب کبریا هنگام سعادت  
 انجام اینیاده علیهم السلام بتدی بیئات افتد اولندر  
 صفدنه عقد بنی بیته ایات بیئات و با قدر وحی اولام  
 ربانی ترول و ظهوریه طاهر الذیل اوله کلمدر اما بعد  
 البتوت موصه بوضد بان طینه اسناره صارت اوظن  
 زاننه جناب رب العالیه و اسرع الحاسبین جل جلاله  
 اولقدک متبدا بتکلمه فلقه اظهار قدرت و ابراز احکام  
 فی طعه عدالت ایتیکی بدیدیدر و هو علی کل شیء قدیر  
 و هو ضیاء الحاکمین فی الدواعی بازار کینه و باه عالمه خریدار  
 در کرامتیه صداقت اولندر تلف نقد و حیات اینه کدر کدر  
 ثبت جریق کائناتدر

قصه لطیفه

اسبوه اناطوی قاضی کرمی می داده مصلوح السید محمد اسعد  
 افندر حضرت بنک کریمه ریمه عقد بند نکاح و از دوابع

وای سینه او بدینم اشاره الهت رفوتته امر لطیفه  
 امثال و اجزای مندی ضمیر و ضیاء او بر روه عازری  
 حارسوی و بازار اولدی سابقه الفتح اولیان بر پیرستی  
 ضمیره تصارف اولوب کف پرده زار ایندی که صبح  
 عافانه به نگاه انداز التفات اولوب دیدیکه ای خودم  
 دنداز الان بنم ستم نتیجی متجاوز در انتمی ستم دندرو  
 وقیعات کائنات محفوضه لایحه ادراس و از بر صدر ممال  
 در سعادت بر کنه نیک خانه و احوالی گذره اولد قدر ضلع  
 محتاج و مفلس اولدینم اشدیم و بر اددنی کباره و اعداد  
 اولوب راهه ایندی که کدریم و صد اقد جانسپاران  
 دولت علیه اجزای مراسم رفیه و خدمت ایندن انجام  
 کاره وضع و مهلت اولدیب بکام اولدقیریه استماع  
 ایندی دیوب اسدیم علیکم فیه بیه و راع ایدیه

### مقاله در صفای محرمون

بیت می شرم ایدی سافکنه بنی ساغردون فالدیرک  
 پستی سافی ابریم دفع ضمار نفایه مقدم و مظهر بونیندی  
 مصاحبه و صد عافانه به بلوه کرامت شهید و ظاهر اولون  
 صورت فیه بودجهای نفس صیفة سطور و امدقندر که  
 عنفوان

عنقدانه اوان جداينج امرای ممالک شرقیه میان رنجه  
 تحصیل علوم و کتب معارف نافعہ عیب عدّ اولند اینکجه  
 قصد تحصیل علوم و افتابہ رغبت ایدوب کافه انبای  
 ضمنی تویقه سبب نقل اولر روه معہ جہہ الفلم  
 مطلع شمس المعارف قدم اولشیکه دولت عدیه عثمانیه وه  
 زن طریقہ سلطه سرمایہ ایچی و معارف و وجار  
 بازار کاسد الاعتبار اییدب هباؤ شندرا ایتدیگدر  
 ثانیاً افه و شرقیه خاندان ذاده رندن بوندیغم اسبابه  
 بنی ارضومه و ثوراً عزیمتک عامه ناسه الف و صبا  
 قدیمک بیلد اعظم امدتکونیه بعض خصوصه راز و کات  
 عاقبت خیرن اجواسی مزاج و فقه میانی کله حکم و  
 وزرای عظمیٰ مضامیند فی بر وجه صفائیت امتزاج  
 کمال و غیر ممکنه اولدیغی هدید الیکه شرقه اوردوسنه  
 مؤدیقی قبول و هلب اولدیغدر ثالثاً تبدیل طبع  
 ان نیه خصوصه قوت <sup>ناقصه</sup> ~~فهم~~ ممالک ملوک و جلاندر  
 عزیز درکار اولفلم بنج کی موردن اعجز واقف بوندیغم  
 صالح و سع مرتبه هرکی طبعه صدق و سراده سعی  
 و راجب اولدیغدر رابعاً شاه عباس ثانی ف

مدت مرفوع حدوده قدر دولت علیه ایله ایران دوتی  
 میانجی جای وضع فدائین اساس اتحاد دوتی اوطح  
 ایسه ده بر وجه قابل امکان و التیام اوطیان بویه  
 امور عظیمیه دوتی بیتره کشید راعه غیرت ایتدیگدر  
 ضام هنگام سفارتی ارضروصه اقامت و تظلیس  
 طرفه طصاحه غیرتیجی دوسیه فتی لی طرفین تکلیف  
 اولندوب ایجاب واقضا ایدن مسؤلاته صده کل الوجوه  
 م عی اولنقه ایکنه ذکر اوضحه مکنه بر مقدار توقیف  
 ایپه دن احوالیتیکم لازمه قضتی میدان بیان  
 و ابراز کتورب کافه اقضا ایدن موآون اجرایی  
 دولت علیه دن عرق عافرانیه اعاله و تفدیض ایتدی  
 ملکاً و صحتاً حیز امکانیه اوطفیه بدکونه عقیده تکرار  
 ارض و مدن اوردوی عکریه عودت ایتدیگدر ادا  
 اوردویه و در و صر و ضرراند صقره ضد فادقه  
 دوتیه از لایحه معلوم عافرانیه اولدوقه بنقیب ارضرو  
 عدت و جمل سندن واقع اولون اهاونت و رضوان  
 کما هوقه در دوتیه عرض و اشعار ایتدیگدر بند سادک  
 ذکر اوضان فصول عدیه احوالک فی الواقع فیه ابراه  
 طرف دوتی ایله اوطیب بر ارنابلان ایله دوسیه  
 دوتی

دوخته انجامیده بگور اولدی هوارنی بیه الام شایع  
 اولوب صوبی جفانه به باعث راحت صوری و صفندی  
 اولور اصترازینه بناؤ انذار و لالعار قضیه کے کینکیر صبر  
 و ایشارح اوطندر سابقاً سرعده لوصه عنانه پاشا  
 کبی برقتون و باغینت سمه سلامته اختیار ایدوب  
 وزرای ساره نذ صقع عداوت و نف نیدرینه بادک  
 اولدیقدر فی الحقیقه شارالیهک امر دیانت و فیهراً  
 صدیقی و کار ابرده امور دنیا به لازم کلان صون نیدرینه  
 یاری اولدی فی السنة ناسه جاریدر زیرا غیریدر  
 و با وضوح عدوریت رائبه تابع اولوب دیدان اقبیلی  
 کبی بوضوح یفهم و اسفهی خارنده کوندوب صوب  
 عافانه به تعهد اوفنان ضد صانت ابوانه لب  
 اولدقده فتش و طرفین قبول اولمیدب سوز  
 میدانج در اعا سوز ویریدیه ارم یوده بهرک باب  
 انمای سئ و سینه و طلبینه دست و داوریدب جهت  
 فرقیه مطیه ران عدت اولدوقه کافه رعایا  
 و رهات کلیاً قادر ب ممالک دولتی و ذات سلطنتی  
 افرقیل اوصیوزین کیه افجه ضرع و بیار ایندیکی

اهانتیدر یا خور صد افتخیر او نامیده اند اینها بنده و  
 و عدم او را که در حق فراموشی او اندر بیت حاضر اولسون  
 کمال است این ای غنی رهبر دامن صبر بی حال  
 اینکه خار ازار خودی در الحقیقه ریاضی دوستی کلین  
 دوه صدافت او نذر عاقبت دست و دامن غیری  
 تیر خوار خار ازار اولدیغی ثبت و فایع دوزخا دور

### مقاله

بیت خود قلم بر دست غدار بود • لوجوم حضور بر دار بود  
 ماصدق اوزره بوقیل وقال اثنا عشر باب عیبه  
 تقدیمه ابتداء او نشان آن ابیان تقدیر عجزانه کی  
 اعدر هاری کنی و اخفا ایتدیروب بکلی اذکیه زقم  
 و امد ایتدیکم بر قطعه شفه نیک قالنغ کویا دولت  
 علیه نیک خدمتدن استکفاف و استغنا ایتی بهر  
 ضوف ما وقعده ی انرا ایتی اولدقدینه بناؤ تقدیر مذکور  
 صدرت عکس اندازمات کائنات او طوره رایحیه سیل  
 قید رقة آثار قلندره

### صورت نقیض

او ان طفولیتدن بداند قدر بقدر کوسم و اولوکلنا می نطقه  
 اصدوریم



اور دینہ بیہ و حمایت ناموس دولت عمیہ ابد قرین  
 سو دانشہ خانہ و خاندانند دور اولیٰ روز ترک ایسی  
 و اختیار کنت غبت ایوج سایہ سلطنت عیایہ نہ رایہ  
 ایہ پناہ آذنتی جوت و انجا اولدیغ کافہ عالم و عا طیانہ  
 نہ ہر و ہدیہ اوطنیہ یکدی ایکی تاریخ و مخی شرف اور رزق  
 بولندج دینہ و دولت موفوق اولدیغ خدمات لایقہ ایہ  
 بیہ ایونام کسب و تحصیل ایسی شہرت صدقہ و رعایہ ناموس  
 نام جملہ بہ باہر و نمایا ایکنہ بود قدر شرف اور درونہ و قدر  
 خدمتہ مقرر و بنام بیوریلون اقدربنہ ری دولت عمیہ  
 مقصد ایسی رضوت و سرحد بابہ صالح بابا حضرتی  
 کبی برسپہار قدرتی اوقداران امور و مقصدنہ ویردیگی  
 کتہ و فاسدن بشقہ اور دویہ مرتب بیوریلون قرینہ  
 شرف بر وجه مراغ کتہ تجارت و صنی و حید بابا مختلفند  
 کلون بیس کیہ اقمی افق ایہ جوات ایسی اولدیغند  
 ناشی خصوص مذکوران صوب عا جرانہ دن اویای  
 اوردہ افسی مدظارینہ بناؤ ارض و مہ وصولند  
 ای الاون صوب بنہ کا نہ اظہار نف نسیہ و عداوت ابدار  
 ایوج از جملہ و یونہ تفسیر بدینہ اون ایکی ساحہ صافم  
 واقع ایوم داخل حکومت دولت روسیہ اوطنیہ

دفتدار صوفی البه و فغانیه فاتح افغانیک و بوی  
 روسیه دولتی تبعه شدند و برادرها ابراهیم باب  
 و حسن باب و حسین باب و جعفر باب و فی روسیه  
 دولتت معتبرانند و دیدارن با جاسوسیه و محال  
 سازد به عرض و از ابا ایلی بی غایب مرقدن و حسن  
 بابان بدستند و اقع اولون کلوم یعنی مرات خط  
 و کلای دولتت اخبار عارضه سنه یازک اولی بیت  
 الحویلی و لوی علی علیه صلوات بر عینین حدود  
 خاقانیه به قدر حدود مدت بیضا و اسدیه بر تقضای  
 قضا و قدر روسیه دولتت مقلدیندی صبیح معذور  
 اولد قدر معلوم و یا خود فرض کمال جاده مستقیم  
 شریعت عزازن کریمه صوف و ضولت و هند و عربیت  
 اولد ابراهیم سینه تکه اسدیه التجا ایزنده  
 روسیه و تعلقاتی بد اعداده در دیدارن عز و اسرار  
 راحت ایملات مغایر رضای شریعت و مخالف قوانین  
 مرعیه مدت اولدینی بخ و مدر زیر المکه بدر کبراره  
 صفدخ مدینه کرامه مستطیع اولوب تحصیل تکمیل  
 کمالات انسانیه ایله بدربنده برات فی و باهات  
 ابدک اعلا بیدربون صحابه و ابروینت تعلقاتی

معینه کفار و فریجی اولد قدرندن بنقه موکده جلد سوز  
 کاشات اولون اهد کار به شرح سعادت به ابی وقاص  
 ادرع یاسد فزان امی و ابی فهد بیده نظر دولت دارینج  
 بید افتزک کوه دندان عا طبرای رسائی کفده صدوقه  
 قدر ایدک یعنی هر فردن و دیعه زلاتخانه سدیدای  
 ضمیدی اولون ایمان می فطه کندویه نوزم و هر کسی کندی  
 افعالندن مستدر با فصوص در تیز بیل عدج کاری  
 منور ممالک غنائک امر دین در روتع صدوبت  
 و صداقت شرقاً و غرباً معلوم کافه انام او طعین  
 زکرا و فغان ممالک هنگام صبا و نمدن الایدنا هذا احکام  
 واجب الاضطرار شریعه مغایر و کات نبه کانه مشهور  
 الاطلاق خدمت دین و دولت دار بر قاج دفعه  
 ادر می طرح و صیه ده هنر تکلیف و اتعار اولندیه  
 سایه حضرت نبویه بدو نرود مخالفت ایتد کوری مجود  
 بدینج بی و بیه مینه و دولت علیه ابد قرینه خارج و دره  
 بدند قدرینه بناؤ اولدینی مجزوم کافه بر ایادر مهمل اصدور  
 دولت علیه ده اهانت و رضاونده در کار و صلاح اظمت  
 سینه ده عدم صداقت و غیرتها اشکار اولون بعض  
 زوانک یرده ناصح و تنوع عار و حیا رسه نامل

جان اولور خطائنه روحار اولدقدینه بنائز حق  
 بنه کانه مع افتادون فتح اولطوب دریای صفوتنمای  
 دولت انداخته فاشان خبار اشتباه اوله روم محاربه  
 و مصالحه ده جانب دولت علیه به فداشد کثیره نذ صلب  
 و اجواسه مانع اولدقدنندن ماعدا بیه اناس نفوه اشکدری  
 م و کیه دانه مفاوت کونا کندر دولت علیه به صمیمی  
 از قسیم در کار و بیدار اولون صدقتم عذرین معلوم  
 و اشکار اولون دولت و دشمنه باعث انگشتکرای  
 نعی و طفین با نفوسه موافقاً بایبدر استیونسنه  
 رعک و فرمجه و وزیرای بیک و موجود معتبره بوضع  
 عکایه قاری واره تبدیل و تکارضار و زراعتی  
 کب و تخصیص اینکلرنه بالفرد و سفارتم ایجاب ایدوب  
 و تن و طرفه و صدطه صوب عافرانه مدن ملکاً و صلحه  
 هدیه انتهای اولندیر جمله قبله مقرون اولد نقیب نشقه  
 و وساعت کیرویه صوب عافرانه مدن با لوسند عا عورت  
 ایدوب ارضزومه و صدطه موش ایالتی و ریک اولند  
 و نریمان و کوله و اسیر و نورتم و کلکیده و شیران و نریمان  
 قضا رینی کینا تن و تخیه ایلیدب رعایا و مرهانی  
 و فی

دخی توقیفه سوز ویریلوب و ارض و ملک و محال سازه ملک  
 رعیت تخلیه کفیه غریب شریعه موعود فتنه ب قصد  
 مذکور سینه حضرت پیغمبری و پادشاهی معنی و غیرت  
 جاگانه صد لحدی که در او طشیکه بود کون مانع مصالح ضریقه  
 دولت علیه <sup>و حقیقه</sup> اجباره ابتداء ایدن ذواته ادعای عافوان  
 تحقیق و طرفیه التزام و حمایت اولیة روه اجزای مابقیه سینه  
 بی در طوع یا بئز و اضکیر رجا اولدیغ می طعمای لیدر بی در دفع  
 او بیا بر امر و فرمان حضرت مده الامر کدر

مقدمه مقاله

موضع وقع باغی بیت فقدر کیم فلک ثابت و سیاره ک و او  
 اولقدر سینه ده هجران اوقفت یاره ک وار مانی ایما  
 ایدرت ترجمه احوال قبائل قزاقه بیانشه کویا فوش  
 ایندیلم سرکه شرف تلخ امین محمد روز کار به صورنا اند <sup>هکمه</sup>  
 و بود جلال صورتهای چیه چیه اولدیغ اعدایه محجب  
 شریقی لذت سکر و انکیبیه و دماغ اجبا و اصحاب انصافه  
 مرادت افزای شربت فزیه اولدوه نقی لوصه ضدیقیت  
 ایندیلم مواد مجرد امر ربه و فیت احکام شریعتیه بود سینه  
 کب شرف افانیت ایدن ادم عهد قدیم و دیرینه اوزره

ایینه بند استقامت اولاد ترک رفاه و اسایشی  
 شمار و تحمل بیات ابرار اوطفی اختیار ایدوب اولاد  
 نصیر رضای رسول برود نگاه جوهر کراخی به حیات  
 مستغاری بند و نثار ایتکه اخوانه رین وارباب  
 یقینی زنجیر و توفیقون عبارتدر و اولاد جناب صوم و فیض  
 مظهر حضرتین صدری و مفندی بو کتر کار برین  
 دوز کار فتنه ظاهر و بیدار بیوریدون عنایات ازیه  
 الهیه قابل صیغه فعدار و شمار و کدر بیت ظاهر  
 باطنه مستغوره اصانیم انی برجه بیلورم برده بر الله

بیلور

## مقاله

دو نفعه آرای ریاض جهان و زیب اقوی ساهه تره گاه  
 عالم و عاقلین لاله آل و کل خندان و سوسه و نرگدنی  
 زبور کلتان زمان اولدنی بیریپ و کمان ایسه ره  
 لاله آل راغدار کنت بدی جفا و کل صد برک خار آزاد  
 بدیه مبتدو سوندنی مانند صلقتنی بی برک و نوا  
 و نرگدنی سر بر بیستی فحالت برهنکی عربان و بی سرو پا  
 قاطع اوطفین الحجه باغ عاقله کلچین روضه کلام و کترق  
 دامن

دامن مراد اولون بهر و سیر قات اندر قات پوشیدنی همه  
 صیر ایند کلرک بود معنایه دال و شاهد صالد که زیب  
 سر لوصه کتاب افان اولون ارباب فهانت و از عیان  
 و کینه اصحاب عرفان بیت جیه سینه صافان رسته  
 چیه مدول او طاز نمایاندر بو حالت اضطرار مدح و دربار  
 مؤذنبه و انشراح درون و تراجم قوسون محتده چک فزون  
 او طارک و ارسته قید استباه و ظنوندر ماهر اصحاب  
 فضل و عرفان میند که بی پایان او طعه امر مقدر و کما اطر  
 کدوب علیه اراده قاطعه نه نظر انجلی کرا برای فضل و معارف  
 جریق سخن قسما ده رزقه مقدر قسیمی سر مقدر او طغیان  
 بنا و علیه ثبت صیفا اخبار الفرائب قنات انارها نفا  
 و عجائب و حدزاته اوضاع زمانه درون شکایت او طیب  
 فقر بدیهه و حکایت غریبه اشعاریه منه بر خدمت  
 اب ازندت عبارت اولاب رساله مذکورن حاوی  
 اولدینی و قوعات و عجیباتدن بشقه الا سنا تنزل  
 مدالسماء مفهومی تریفی اوزره اول و قوعات لفظ غریب  
 تاریخه مصادر و اسم کتابدنی صد غیر قصد و اراده اخبار  
 الفرائب قسینه تصارف ابتدکی مدهبه الیه اولدینی

زور العقول هویدا

مقاله

ثبت و اشعار و اجماع عمیق فامه بیان اولون بعض  
 مواد مقتضیه نیک سرشته سیرازه کتاب وسیع غایه تم  
 الخفای اولون مقدمه و فخرده کلام بیان قلمی الزم  
 و اهم اوطین یعنی رابع اداب کلامه و قدانی خدمت  
 و کب علم و معرفت و اصول اف و کتابته و ترتیب  
 اشعار و آینه بدعت و اثر تحبک فامه جوات اولونجا  
 بعد آثار قلم نامه الحروفین بر قطره مکتوب و ریک  
 ترفیع گونه تعریف ذیل شرح مشدک وصل رموز  
 اسمیه می شانه نامه ایده عرض میدان هند و ضمای  
 ابتدیلم قصیه نضیه رفیم اورا و اشعار و امد و قندک

بند اول

کسوف فافخ وجود انانیه و ممدوح کمالات روحانیه  
 و مقبول طبايع جریوی جسمانیه مایه حیا و نقد او ابد که  
 از جمله نطفه و تکلم شرفیه نوع انسان حیوان سازه  
 ممتاز و مستثنی اولدینی کبی خلقت ارابه روش استحقاق  
 فطرت مزینه اولون آدم انسان سازه دن اگر اولدینی  
 بدیهی و سکر ارابه رعایته صورت و معنی  
 حاصل



حاصل و بیدار اولون سعادت و عدم رعایتیه در کاد  
 و ظهوره کدون وضامت و شامت بر وجه تفصیل کزاد  
 فتوحات نام رساله مزده قید جریق نظیر قلمی آورده  
 بر مقدار بیان اوصاف ادابه ذیب صحائف اخبار ایلک  
 داعیه سلیله ثبت کتابه تحریر قندک فی الواقع وقت نفع  
 بنی آدمه واجب و از صدر که شان انبیا و شان خاندان  
 انبیا علیهم السلام تعظیم بوزمه اجرا ثانیاً قدر اولیا و  
 علمایه تقدیر و حرمت ثالثاً ملوک و حکمداران اربابه  
 اهانت و احترام و نام عظما و اکابرک صفاتیه تعریف  
 بنایت هذر و بجانب ابیدار و مناصب ظاهره کسب  
 مراتب افضای انسانیه ایلین ذواته علی مراتب تکبیره  
 مبارزت اولندوب حاصل سازنای اویای امدی  
 زحم وقوع ایلین اجتناب و احتراز ابیدار زیرا اولاد  
 حال گنت پار عالم و کافر خطوب صیبه بنی آردود  
 صورتاً آینه هاندزه صورتتیا اولون صور ساجی و نمندکی  
 منظمه نیمیخ و استقبال الام و مشقت اولوب اکار و اندو  
 اجناسی سازه دن زیاده اولفیه نفعی صیبه اقبالیله  
 شان وضوح کن و بیدون فتح اولطیب نشسته لویه  
 ضمیرها اولون رموز کدورات و جفا نمایان و هود اوطعه  
 بهمانند

لوزم کلیدی کافه کاشات اندک آقبال نعمته  
 غبطه ایتدیج بر حال از جان و دل اندر جالب  
 اعانه ربانی اولان ارحمة خیریه مداظمت ایدر ایدی  
 ادای قیام و قعوده اهتمام تام و اجماع وقت انام  
 اولفله مجلس توفیه لبس علما و کبراده قنت قعود و صلاح  
 و سرعت قیام لوزمه رندر عامه ناسر دجا مندر استقام  
 اولد فدرک مضامنی هنگام انبساطه توفیق ایدر  
 باعث حصول مرام اولور ضعیف استعداده ابرام و بالقرن  
 تمایح و مباحثه ایتدیج زیا کذت ابرام و الحاح  
 تصدیقه بادی اولفله تحریک ضدن غضبه باعث اولور

### بند ثانی لزوم حکومت

عامه فقرا و ضعیفا و کافه رعایا و برابرا و دیعه ضایع  
 کیریا و ضایع اتباع انبیا اولد قدرندن بشقه اسکی  
 بنیان قدری اوردیگان سلطنت و چاردرای دیوار دولت  
 اولد قدری بدیدر بویک و اسباب شکوه قدرن  
 عدالت رفاه و اساسینده اهتمام و وقت ایلد  
 و باطن لوزمه حال و شان حکمداراندر سلطین روی  
 زمین و جویانداران نصفت ایتدیج مضاف دانما رامن احکام  
 سلطنتیه التوده لکه زامت ضدن ناصحه ایتدن روی  
 و غیرا

مباد و هوای غضبه تابع اولوب امریش نجه اجترانده  
 مندوی بلیه نجه و تلون او طبر بر قومه عمدتاً سایه ای نجه  
 صاحب حکومت طردن عقیده معمله بیوطی تکیه فاره باری  
 اودنقدن بشقه انجامکار اولقوم صداقه مجدرتیه امرانته  
 و عبیدی طبیعت و شمار ایدر بر حال ساقه غبرای حکومتی  
 قز قفسه آلوده خون غضب و جدول ایند بلکه روی ایگی  
 و راحت مستور و کثرت شامت ظهوریم برج و باروی شوکتی  
 قریه دهنه ذوال اودنی مطور صحائف طورد و امور  
 جزه و کلتی به دانه ملوکون و کلد و ضمه به شفاها ایجاب  
 ایند تیرسات کلمنی تکرار ایروب فصولی مذکورده منی  
 فام و ادوان ایتدیکنه کب و قوف نام ایتدیکنه قطع  
 رشته فهاب و کلام ایتیر زیرا اول امرده و یابا  
 سها فی مانع ضبط افاده اوطی ملو طدر بنا و عهد تکرار  
 کلام ملوک و حکمدارانته ازیم و صندر امر و تینه ملوکه  
 عدم ادوان و استعمل ذات یارن ساهیدن اعاده سئواله  
 اجتنار سودا و ابدن عدد و شمار اولندنی ضد سها  
 هر دوسراده واقع اوطغیا تجویز تکرار سئوال بیانش  
 کذار قنصات نام رساله فی درج و تطیر اوظان ایضاح  
 و تأویله فدا هنکرده له اولون ذوات کرام و اجمعه

رغبت و اهتمام تمام بیوردار کلام مدون وسیع غایت  
 فصح و فصاحت او طبع مقدم و بر خصم صید فی حکایه  
 طریق صید اخبار اید و بتمام او طبعی مستحبه جوابه ابتداء  
 اینگونه

### بند ثالث

سازندن یعنی داخل دائرة ترفیقات او طیان  
 اشخاصی است امتیاز ایجابیه منی و کت و سطنته مراتبه  
 کوره القاب و ابده قواعد مخصوصه بوزمردن  
 اولوب با فرضی سوطیه غفام مضارته البه رسمیه  
 مقتضید و ذرا اثواب سلطنت قافح اسباب و مایه  
 دولت او دینی اصحاب دقه نما باندردگان دولت  
 و حکومت میانشه بوقاعه مرعیه رعایت او بموجب  
 هذو مشوار و فراجه یعنی علی حاله ترک اولی  
 بعضی است اسبوعه رشی الکتاب جانب افک کبی  
 بیت دامن کوه قاعته می بندی بلغم بر پیا زبده کبزی  
 نیچه بیکر سبیل قریب اوزره افک صومالی الی الاخر  
 الامر بواحد بنیستان فویکی صوریه بریشی  
 بنی و بر کبود جبهه ایله قاعته ایدر و بعضی بدینی  
 بعضی

بعض ذوات مملو یوشیه ذربفت وریبا اولر ده  
مانند زنان جلوه نما حاضر صوابه اجبا و اعدا اولور لر  
بودنی بمعنی و ناسزا دور ماضی شایان شاه رجال  
اولون البه و ائوبه یجه زن دقه و کربندهست  
اولوه لازمه عندان لطندر

بند رابع

ساقه بعینه ده بوظن سپهسالاران و کلا فقه محض  
اولیان مواده مباشرت ابتد کلر نه ملوکه و دکاب ملوکه  
بودن اولیای اموره عرض و انزایه مباشرت اینهن ای باب  
ایمان و اول اموره فقه ریدنی فیه کلا ای طرف  
سه نون انفعال اقضایه زیا خدجه فیه مصدر اوض  
مواد و کلابه عرض و افاده اولندب فیه مذکوره  
عدم اظدر علی سبیل اکثریات تدبیر ده فیه ابتد کلر و ضعیف  
فویظه صفه و از بر صدر اصدربیه فیه بیدر بیدر سپهسالار  
مقدمه نصرت مطلقه نفوز نامه و استقلول کامده ایله  
در خدمت عبارتدر خدمه دولت مدفوع اولدنی خدمت  
ملوکه امتنان اینتیب سینه لطفه کب و کسب  
انتظاریک مراتب علیابه بناؤ مهل و بیدر اولون خدمت

لایقه و مدوره بی دامن آفتاب و توجه ملوک نسبت  
 ایستاد صاحب مهارتی هنر مغرور خواهش  
 و مجبور اولدنی تکامل و استنادن اجتناب این در  
 بهر حال میدان ابراز کتور یکی سرمایه هنر و مهارت  
 آنست و اسباب سوطیه عفت ملک کارخانه توجیه سیر  
 حکومته و جدوی لازم اولون ذواته و اثر ایجاب این  
 امانه سرعت و تکبیر ماعده لزوم دندر امر سینه  
 نفوز ملوک فدائیه مرتبه احتیاطه صنی غایب ایجاب  
 احکام دیکره قانون نفوز ملوک ترجیح ایجاب  
 صلحند اولدنی ارباب دقته هدیاد در ذریاتی  
 نصیحت اکثر اوقات بدرم میدیوسف طریند وقوع یا  
 سعته استماع اولور ایدک یعنی ایجابنه بنی بر اولون  
 اداره سنه صاحب حکومت طاقون برینک نصب  
 و تعیین اقضا ایدک مجرذاتنه در کار اولون  
 غیبه و نفوذ اعتماد ایدون ناقابله تفویض امور  
 انبیا فخر در و دخی انعام محبت همت سفینه ویرد یکی  
 جواب صوابنارنددر دبی و جانندن عرضی و لادن  
 امیه اولطیان قومون تکلیف انبیا علیه امید صدقت  
 ایجاب غفلت و عینه اشتغالدر بودنی بد مددی  
 ارباب

ابراهیم کلمات حکمت امیرانند که موجب  
 ضرر اوطیان مایه و اثر خدمت و وقوع کلمات  
 نفعات ناسزایان عقد و عدم استماعی احسنند  
 و فصوص مذکور یعنی "علا الحکامه در بعضی امکداران در برسی  
 فقیه شمه جارت اینیکه استماع ایدوب فصوص مذکور  
 مکتوب برده کتان قاطنی استماع ایدوب دفعی تیه و تاکیه  
 ابیدوب بر مندا شروع بیان شروع ابیدوب مویانه  
 حضرت زن تدار ثبت حافظه دفعه ابیدوب کلمات مرغوبه  
 بری بو و جهل زیب و رفته انکار کنند که اصانه و همته بوجه  
 دتیه و رفعت فخر اوطیان و کله و سطنه بیه اناس بجمت  
 اولور ینه مدی لیردن زید و صافی استماع و فووده کردن  
 اطمینان ابیدوب جهاد کرا بطلای مقاله دند که فووده و کله و  
 غضب و انفعاله عدم عقد له صدرت ثبات و اصار  
 کدندن ملکات رونق بازار سلطنتی با اشتغال و همت  
 کله و مایه و محبتی بیه اناس کعبه اولور

بند خامس

با اوقضا بر فصوص اجرائیه کونید عزیمت و نشید ساعت  
 بیدریب ضرر و صعبتی موجب اولور حالتی ظهوری  
 ملاحظه و ملاحظه اولور فخر افون وقوعه اعتدال

او نمیدب یعنی اول امر عدم اقدامت فارنگدوت  
 ایدر خاطر کف خاطر گزار او طیفی خارج اور عزیمت نه کف  
 ید ایدب و قه ریکه تعلیه و هنگام فرصت تدقیق ایلک  
 لازمه عرق اصحاب سلطنت در جای ممالک ده ساعه  
 ظنون کلده فه و مغایرتنه عقیده معمله برله تأسیس  
 ایدوب اول و ادریح سوار کسبه بجاست اولک عاقبتی  
 سوطیه و حکم ارانه بموجب سکتة سنگلاخ فرتر

### حکایه

انبار بدیده آثار قدرت الیه دن ممالک شرقیه و اقع کور  
 تعبیر اولنان زهر عظیمکه جویانه نیل مبارکه کما برادر  
 زهر مذکورن منبیا ضمه ایالتدن ترشح و نشست برله  
 جانب کرجستانه روان اولاب شهر تغلیبه دروشه  
 ایکی صنف جسمه میانی شفته جویانه ایدر برضی صافه  
 اطرافتی قبائل جسمه و اقمه احاطه ایدوب ه غتانه  
 و روان و یونانیه اذربایجان میانی فاصدور  
 عالم صفتیه واسطه وصول اولان مرشد کمال داننده  
 دست آویز نیاز اولان سالکانه طریق مستقیم آن دریای  
 روانه و اصل اولان مقدم صیقله صاحبین بیرون  
 و صیای اعداددن افزون بر صوفیه انار جسمه ورود  
 اطرافدن



و اطراف جمع اوله روه درون کوره و در اید و نب  
 و بتدر از جهت نفیسی مرور است که نطق نخط و صی  
 و آفتقه و جانب هفتانند قنیه و تروان زمین  
 زه ارس که منبی ارض روم واقع بین کور و انجلیدر  
 مدتی اولوب بعد کیدون و در طرف ایله نیدر قید  
 میانشه بر قاع قور اوله روه که هزاره مکه و منصب اولور  
 زکرا وطن در بانک قه هره بر طرفه جریان او طیب  
 جبار البرزق تختون بحیاطه منقذک او طعه کور  
 فاما زکرا که منبندون زلاتینه و از نجه و کیه جانی  
 طراوت رهفت جهنم ریح سکون بر مکه نسبه و شایسته  
 قید انبیب ماضی جنازه جلا نه تعبیه نشا و شایسته  
 اوان طفولیت اکتراوقات با رضی حکم فضی  
 اقتدار کرده کناره زکرا مذکورده کلکت سیر و تمام  
 مجید ایدم مدت مطوره معاد اوزره ناقه است  
 عزم انبیب کلک بلار خدمت کناره جویبار نا طقه  
 بعد الطبع میل کناره جویبار انبیب اول آنه بر صا  
 کلب دوم مطوب انقار قدر انبیب در عقب اوله  
 بر سمل مانند ریح نفه مهم دنیا دهکت اولوب  
 تار سوز بلده منبند او دفع سمل کوقار رضی و هیاه

صرف دندان افتاد و صیاد در فی جنبه دبه بازوی  
 سرعه و مکنه ابتداء ایدوب طرفین حاصل و در کار  
 اولون کتک شدت صیاد بدندان قطع رشته قسمت  
 ایدوب صیاد مذکور بر دندان مطور فحیه مبارزت  
 ایندیکه تا یوس و بیضه او طغین ضابطاً قطع افزای  
 جبره اولوب کتک بعد دیگر صیاد بود حاله عدم اظلام  
 کنار زرع و صور بدنه موجود اولون اولطای تا مذکور  
 ابقا ایدیکه بدندان فی دام تمناسه بر سمت جسم نضار  
 ایدوب صیاد طرفین بر مقدار کناره حکم مبارزت  
 اولدوقه اولر صیدان نفه خوب و شریکه عمد و طبع اشکی  
 دام صید و کینه اولدوقه صیاد ایدوب جانب زرع بر تاب  
 ایدیکه صیاد ارضای عنان صی ایدوب رت تدویم امداج  
 شدت و می رفت صدت اضطاب کدند صیدب  
 صفت مسمی اوج ایدیکه رضع افتاده بدام طیدین  
 مه فائز مژدانه ماهی گرفتار بر قابع رفیق وار بعد  
 قوار ایدیکه صیاد ضمیمه شمار ایپی کندی طرفه حکوب  
 سمت بیجان کناره قیب اولدوقه کال اولول دماغ جان  
 ناتوان و صیدت اشغال نیش سوزن انچه مکرر  
 و مخت اولدوقه محوسی اولدوقه نذار واره ابتداء اینکیمه  
 صیاد

کینه

صیاد مذکور تدارکیت اولی اوزره ایچی برافدی  
 ماصی درت بی دفعه بر وجه شروع تدبیر عقده پسند  
 ایبه عمل و حرکت مدفعه اولوب بالاضافه سکنه افاد  
 قاب وندان قاطبیت م هج و نمان اودفعه در حال  
 چکوب کنار دریای نخه سنایه کند روی مخرج فقه  
 صفته در الفقه غرض مدلولی تأخیر و تألیخ ایبه صدی  
 اسیر و مفلول اولون کیفیانه ابراز صورت سرعت و صل  
 اینتیب اسلوب حکیمان طریقه صل لفظه سلاک لازمه  
 عنوان سوطیه و ملول اودینی منج و لول و برهیه  
 اولدینی وارسته قیدار تبا بدر

مقاله

انتعار و بیان <sup>نهاد</sup> خصوصاً <sup>تأخیر</sup> تأخیر اولون ذکرانی مقادیر  
 ابرازینه دانش کلد گزارانه ایتدیکی نه هاریده بر حال  
 تدلیفنه در خاطر اولون مواد لازمه دران ثبت اورا  
 عیار قلمه منفه عمه ایباند یعنی دائرة سلطه ارباب  
 مدقت و تنجی عمل گذرنه میل و رغبت ایبه شان  
 و حکمدارانه جهانه اواز مراتب فوضض حاصل و در کار اولون  
 ایبه ف و عنایتی اصحاب حیثه خاص و موقوف ایملک

لزومه و نذر و خدمات سهانه مشغول و ترفیاب  
 بیدربدون و کله و بندگانه دخی و انما داخل دائرة حضور  
 او طفره مائل اولوب اولوب جهلم حکانه بذل نقدینه  
 قدرت ایدور زیرا سرای عز حضور دت بعید و دور  
 اولون خدمه دائرة باب التفانندن ماجور اولور  
 بابوره ایما اولندی و جهلم بیه اولکله تحدث ایدون  
 اقتدار و مغایرت و عدم اتحار ایله و قد عبد لاون  
 نف نیت ایدر ظاهره ضرت ترشیه بادی او طاز  
 اما اصدها اخره مانع فیض اولمه رایه سیم و انما  
 تدبیرده قدره و رای صدای قدر ایتمه رس سکت  
 عظیمه به باعث اولوک و ارسته قید اشتباهدر

### مقاله

بدون و حکم اراده حضرتت کب شرف تقرب ایدنه زواته  
 نقاقه دائر مدادون اعتزاز اینک الزم و اهر اولدیغی  
 و هر قدر طبع سوطیه عظم بیه اولکله عدم اتفاقه مائل اولور  
 نهایت <sup>نقابه</sup> خاطر ملوکانه عبار انفعاله بادی اولوب انجامکار  
 منافعه سیاسته و اربوله منی ظاهر در ملون و سوطینک  
 اعراض و انفعالنون تأیوس و انتفاته اعتنا نه مفور  
 اولمه حضور و انما ملوک ملکا و صحتی فطرح نمایان  
 اولور

نمایان اولدوق دفعه و نیاز ایله صوب هوا به ترغیبه بند  
 ماصول غایت ایملک و کله به و اجهت زمتدر ملوک و پادشاهان  
 نازل اولدوقی التفات فقیهیمه مرشد کلامه انتساب ایتمیسه  
 سالد طریقه حواسمدر پرده کتمان ایتمیسه فیض و ایشته  
 بادی اولدوقی عابدیر

**بند سادو**

ارکان سلطنت بوضان ذوات دایمه نقرده ایشته مشیت  
 اسباب مهله اولدوقی یعنی منج دیکر نیسه سورا سته دشمنیوب  
 اوره حاله قناعت و محبور عهده نیافتی اولان خدمتیه  
 تجارت و زراعت مثلا مواردی آینه احتیاج دعا بایه صدقنمای  
 انصاف و عدالت واردات حکومت و منافع رعیتیه مساوات  
 و اعتدال اوزره حکانه دفعه بهر حال طرفینی غدر و حمایت دون مجت  
 وقت سلطنته مدار مستقر عداوضان اعمار محالکه بند نفوذ همت  
 مصلح پنج شیخ سلطنت و اسی دولتسرای حکومت اولان ولایتی  
 از هر جهت محافظه و حیانت و اجهت زمت و کله دولت اولدوقی  
 وارسته فید جریقه تفصیل و بیاندرا اختیار کوشته راحت و عزت  
 ایدرن طالب مناصب دنیا اولطیان ذوات طرف پادشاهیدن  
 تدبیره بیوردیدن منضیه ابراز صدمت استغبارله واجب لذت

فلوت و صریح سزوات انزوا اولیه زیرا طریقه تفوی  
 و طریقت خدمت فتنه سلوک عبارت اولوب عبارت  
 قویه نامه خدمت غیر دکدر و مفید دماغ امور و قوار  
 اولون مواده یعنی مانند صید و شکار و بوندن امثال تطیل  
 ملامح انامه مدار و اسبابه عد اوضان خصوصاً هوسکار اولونه  
 ارکان دولت شایان و سزاوار دکدر

مقاله متوشکار

مانند صیای صید و شکار اولونه مراسم امرای عتاش و قبائدر زیرا قبائدر  
 اهد بده کی امور متفرقه ایله عدم استقلاص درکار اولطین  
 اولوجه دفع توغلی افکار ضمت صید هوسکار اولطص مانع دکدر  
 اقا سوطیه عظم و دکدی فخم لفظاته سفور فطوب صیبه ملامح  
 انام اولطلم موجب تطیل و موتن هوا و هوس اولون مواده رضت  
 و برکت حکایه لطیفه کوسه بیدوسه سنی غنیه تابع میخایلم  
 قصبه بعد از رخ واقع قنار دن برنخ انتملوه اعیان صیده اغا  
 دیکلم موقوف و مشهور که اقصای اعط و اگر امی انتمی باره دن  
 عبارت اولدیفندن نامی مقدار اصان مرقومه مخص و انقاج  
 اشتیاق اولطلم اولطلمه صیداردن برک مویالره برت هیبه  
 اهداسنه اجتر ایندکرم اعیان طوقدن اکل و ترینه دانشوار  
 اطوار

اطوارت هیندن سؤاله ابدار اولنرق صیاد مرقوم بود هر چه نوبت  
 دنبان بیان ایشکم جایجا اوضاع روز کار دن اینته ظاهر عارضه غبار کدر  
 رونما اولدایم گاه بگاه بد شاهیه بند پرواز ایله غم صید گاه  
 ایلدوب اضمحکبان بیایان ایدوب وتدر و خوشتر قار دغی  
 آویزه نغمه درنجه اولدجه دفع غواشل افکاره باری اولور  
 و دغی اشترای نازکانه ای اقلقه سندن غیره باز و درسه معده طریفته  
 کتت و برون ماعدایه دزار اولاز و ایکی کلب معلوم دغی ت هیره مذکورده  
 هفتان صاحب اولوه لازم دندر دیوب انجم مدعی مراده  
 قار ویردکه مدعی لیلک عمان امانه معلوم و قدیمه موج انگیز  
 اوله روه برعد مسکون التملوه اعه ایلدوب زنایت صیاده  
 فهاب ایدوب ریشکم ای مخدوم بر صیدانک که بدیکی مطلوبه ات  
 اوله و مصاصی دغی ات اوله آنزه صیمنت یوقدر هماره سز بوشه  
 های پروازی فدون آرمه اعه واضاره قارمه جنبان همت  
 اوله سز ریه رس دفع ایشیکی واقعه مصابقدر زیرا نانا مو کور  
 دغی عنقدان بداینه یعنی هنگام طفولتیه بر مدت کرسنه  
 صوای غفلت اوله روه بدسورای وسوسه فوایه روه جار  
 و مجبور اولوب صلیان تدر کیه آنچه و قرق تعبیه وطن  
 طبوددن بر اوته یه ایکی سنه مقداره پروده بازوی کبت

و آورده کنار رغبت ایتیمیم ناکاه بر کون المون فرادواج  
 سماره قرار ایتیمیه خ الحقیقه تا عقل و هوشم بسته منوار صفاکی  
 اوله روه اول بازجه هدایه پرواز ایدک بیت هدمرغ از قفس  
 رفت بکست قید و کرده نکرد بدام تو صید مؤذنه هر قدر صیل  
 عاریه صیادان اوزره دام مقصود و تمنایه کنور ملک سودا سینه  
 روشم ابر ده کارک اوطک اقبضای هدای طفولیت مرغ  
 مذبورن فراق جان دام صبر و آرام ایدرب جانب سمایه  
 نظر انداز وقت اولدینجه کویان حال ایله صوب عی فوازم  
 ذهب ایتیمیب بد کوزل معنای اشکاک و مقدر ایدیک یعنی  
 بنم اورا و بوقلمون دند بال و برمه نمایان اولان نقوش  
 غریبه عدم و فائده محر و دیوار آستینانه الفتم حکم استوار اولمید  
 لونه انیتیم عاقبت دام تأسف و کدر اولدین مدظمه  
 و ادراک ایتیمیب بویله سودای سریع از والیه و بایره اولان  
 رشته اصدای ناقوس بیثاله دبسته و قنار اولوب  
 زیور نوع بنی آدم عدا وطن علوم و معارف کسبیدن صرف نظر  
 ایدک صرع زهی تصدیر بطل زهی ضیاء حال مفید می صماغ صفا  
 خاطر سانه پیرای ظهور اطفال با عنایت اولها و خداوند  
 غزجل ستمه نغمه پرواز اولان آواز صفیه مرغانی رفته رفته  
 صبر



صدیخانه به مبتدایان بعد طریقه هدایا و هوسه سلوک  
ایتمید بجام شریک قلمی جاده فنا معارفه و تریک ایلم

### بند سابع

شیرازة کتاب صفت عالم اولاد نوع نبی آمده تحصیل علوم و حکم  
و کسب فنون و معارف الزم دهم اوطنیه فطری مذکور سعی و غیرت  
و بیضا زمت ان نیت و واجبه دقت آدیندر بدو نم صلیه نائل  
او طیب کسب و تحسین مانند نامعه کوف ناقابل اولاد بیله اولاد  
والجودان و بلکه مادون صیدانه اولدنی عیانه و مراتب عیالی اصحاب  
علوم انما بخشی الله من عباده العالی و اولاد العالم درجات اراده  
قلم رندن معلوم و مستبانه اوطنیه بدو یکگاه حکمت و ر و کورخانه  
کینه بازار عالمه سوداگر جواهر کرا نقدر علم و تجار کلائی هفت و معارف  
اوطنیه لب اولاد زوات اول آمده اهم فتح صرف و نحوه صرف نقد  
اوقانه بندر و جود ایتمک راغب اولاد اول ام العلوم و ابوالعارف  
ضیرالاولاد اوطنیه غایت و بعد هفتون بنسخه لطیفه ذات و صفه  
متونه مابرت و ضبه لفته همت ابیدب مالت سرمایه علم و همت  
و قیاسی استواج و هیت اولاد و نه نسخه کبرای و جودری مجدی معنی کمال  
ان نیت ابیدب اولادهم واقف بر آدینت و کسب حکمت و قیاسیه  
تشریح مابرت ابیدر هنگام ضیرانجام تحصیل استارینه توظیم و تقوی

و امر معاشره قوت لا یجوز فاعت و اکتفا و در بعضی هزده  
 غریب باغبان هفت اولاد شجره علوم و معارف شرحیه تلف  
 و هیا اولاد مبرا ایدر حاصل علت غائیة صفت اف نیت  
 خالقه عبارات و عبودیتیه نفس ناطقه قوت کسبه رقه و غیرت  
 ایلمدر بافصوص صلوٰه مفروضه جمیع ضیور بکات حادی و سلیمان  
 عبارات سازه اولاد معنی فداوند کثرت کتک اولاد بنفیدیه بشقه  
 صحت بدن و طول عمر باری اولاد وجودات از ی رضی اولاد  
 علم و ریاضت رافع و بریکه عصیان و مرضه مرهم نافعه حتی جد کور  
 میریافت الدینک دانه عمری سرحد فرس مایه کلمه و اسباب  
 عشرینه یعنی عمر طبیعی و اصل اولاد مدت العمر بر رقه نمازی  
 قضایه قاطب عاقبت نامه ایله افراوقات رفی شعور و قوت  
 ظل کلیدب صحیحی و سالی دکوب و نزوله قادر ایدر طول عمر  
 و عبادت شرفه منی الیوم فاندانرا سمنه نسبت قلند رحمت  
 الله توفی علیه و علی سائر المسلمین

### بند نهم

جانب منافع دنیا و باعث اسباب جاه و منزلت عقبا دف  
 بری فن لطیف امروان اولادینی فهد و هدیدارر فهدی مذکوره  
 هاب و تحبذ کاهی راغب اولاد ذواته لازم دند که ابتداء حقه  
 ضامه

خامه غیرتی ثبوت و ادبینه پرواز و برمدت تهباز کلاک  
ضوتی آواز همتی آسینانه قلمدانده لایه ساز ایدوب ساعه  
صوای و صفای هنزده صن قطم سرافراز و عربی و فارسی ساندز  
فارس میدان بدوخت اولوب اقوانه میانز ممدوم و ممتاز اودر قرضه  
اسرا العباره تحیرات بدیعندک بر نو عندن اوده و یا فدر بیکری  
قطم مکتوبک فقطه بذک ماهر مکت ابیدرک اقد قیل الترح  
تیمجی مکتوبک ثانی ثبوت ورقه از بر ایدوب بعد ریبام تقریفه  
مکتوب الفاض بیفانه و صر تغییر ایله اداونان فصیحی و فی فقطه  
صرف از هانه رفت سیر ویسی و ذیل نابی و بدز و اتک اشالی  
تواریخ اصحاب فصاحت مدامت و صکر اعدا و طاز ایسه ده  
ارسله الحال ارباب انث و امودن برینک ساعه تربیکه سنه  
سیر زاندی قلم عنبرین رقمه رفعت جولان ویروب قواعد معینه  
انث به کتب اطلوع تام ابیدر صالح و اموره داز او طیب ندریک  
و ترسینه و یا فدر افرمودن ایجابنه <sup>بنی</sup> تحریر اوضاع مکتوب منشیاه ترقیم اولیا  
مخاطبه منسوب اولان خصوص مراعات اوزره ترتیب و بیع و مضامیه  
لایقه و نکات و رموزات مستحینه تصنیف و توضیح ابیدرک  
رسیق غایبه ختام و اولو جهل رونقه تام ویر هر کرمه فی زمانه هر  
فردک مراتبه نسبت القاب و کتابت خصوصه رسوم عاده عجمیت  
درکار یعنی اقواندن اقوانده اعدودن ادنایه و بالکس تحریر اوضاع

در قدر مکنه اولیوب ماضی قدر رتبه انقاب مانند متاع  
 تنای قریب بازار اشتراک دون ساقه و او جود و رون بلا اولیوب  
 بدیهی و انکار برده نه کاتب بظنه ذواته صقیقت کتبه است  
 اولیوب لازم دندر ملون و حکم داره مضامنه و کب مراتب افعال  
 ان نه ایدن ذواته تقسیم اوضاعه مودضاتسه ترقیم اشعار و ابیاته  
 ابتداء ایلمت مفایر رسوم و اداب کتابتدر اقا صاحب عربینه  
 کوه تعدادن بوندی حادک کلام مدزومه و ابیات تحریریه مبارک  
 ایتمک مناسبدر زیرا ابراز صنعت فیه و کدر از جهل اشرف  
 انقاب غزت و سعادتدر ایوم استعار اوضاعه مکه وقت  
 اولیوب اصول کتابتدر عدم رعایته دوله واضحه در عرب  
 و فارسی نندینه نسبت زبان بدیه بیان ترک جامع الاطراف  
 اولیوب قدیمی بر سه قیل و بیه اولیوب ضعیف و ذلیل اولیوب  
 فیه و ایوم مانند دولت مجده مؤید ضیفه فطه زبان سازه  
 ایتمک توسیع دازه قوت و اصطلاح ایتمیکی باه اولیوب  
 اولیوب ترک ل نه حاوی اولیوب فصاحت و بدقت صی بیان  
 مسلم کافه عالم و عالمیان و بدایکی ل نه انتساب صید زبان  
 علمان جنان اولیوب تا باند ل نه مذکوره منبع جو بیار بدقت  
 سواکه استانه سعادت و قطر ان طویل بوندن اصحاب هذ و قدر  
 فطه ترفیع اولیوب ان طوی منسنة علوم و اداب منبع فذرت  
 و نظایب

و خطب مستجاب مقدر فخر و فطانت ینبوع در بای دینت  
 عمان معارف و حکمت او طنین صد کل الوجوه ابروی صفت بیضا  
 و نونه ارای اصحاب شریف غرا او در قدس نه هرا و باطن اصحاب  
 رفت و فطانت هدی دار مدبخت العالم و الدیانده قاصد ارض و دم  
 و اضغه و نفس ارض و دم و شام و صلب و دیار یک و عینتاب  
 و مرغی و کلبی و انکوری و مویسه بید و سه و قیصری  
 و قدینه و ادرنه علوم و دیانتک نظیر صعبه بود که انا طلیح  
 در کار اولون میل و کجتم و اول فان پاک صیمی بیدار و شکار  
 اولون استیاده و غنیمت و کافه سیر ساعه ظهور کله مؤنست  
 و انفتح قابل صلاخه خیر دهر اولقدمه رعایتیه صل اولون  
 فیض و نصرت و آنده مؤقصدیه اذا و صفایه اجزا ایدنده  
 و قد عبودان شامت مضبه جریه اصحاب دقدر اللهم اعظم  
 فی الدنيا والاخره

غل

علمای کبی که در دنیای سیمایی  
 که در مدح بودید بر اقلیم ادب افزایی  
 بود مزه صل دورتره بدون دنیایی  
 یعنی هنگام زیارتش سه بطحایی  
 که سه خدایانی مجنون او تدور لیلایی

انا طولا کبی که در دنیای بر جایی  
 بر بر عالمی مانند فلک دور استیم  
 انا طولا کبی خودتید فتن هر ساعت  
 بذل امدالرحیمه اید اهل مکه  
 هدی بی سیدیکم الحوه او فاک بلک

در بیان سبب عدوانه در حق منافع اربعه در اصل و منبع الوجود

میآید او بر بادم او کجا برده	استزاد اصل سلطنت دارایی
طوت انا طولا افافه مزع فاع	نوع دلبوب کججه او فیکم هنر پیرای

بند ناسع

ممالک غیر ممالک انا طویع مودر کافه علی و امر و برایا اجای مراکم  
 اداب شریحه و قانونیه ده و مجامع کبیه باه و محافظه امور دین  
 و اهانت ملوک و مدوطیه و شرع آئینه و رعایت غربا و ملاجرین  
 و صحت انقیاد و تدبیر عینه اهتمام و رفق و مهر و لطیفه بنا علیه  
 شایان مدح و ثنا بر او کله دیانت ادا و دینی عامه جهانیا نه  
 هدید اور داخل دانه اداب شریحه اولیان قوم و صلح سلوک  
 و اطاعت خلافت فقیهه سلطنت ایتدور پادشاهان عکس  
 قدرت معنیه و عارفانه مرات علم و فقیهه بنا علیه هر قوم  
 با قوال کلم فقط بود و نغزده قادر بر اولوالامر و جدک  
 لازمه دندر انا عقول ملت افونک اصول سربستی التزام  
 و حکم دخی انت جاره اینه بکوم اولون امدن جریان دم  
 هنکامنه نیشت اینه تکار فان المغه اقدام ایتدور مکتظ  
 اولون فدائره کبیا طویع ایتدوم مصلح بریمت هدفته پیرای  
 سربسته مفضلون و در بسته اولون مصلح شانه تدبیر و امید  
 عمده زلف اقتدار اینه رضه باب و شکسته اوله روه آغوش  
 عبود جمعیت کبیه دوزای خواب استراحت است اونی

بجای

مجربیت و هدیہ دندر طرح بیت اولدی جهانیه باعث ازاد  
 معرفت خلقه قباصت ایتمدر اظهار معرفت اخذ فداعه  
 ابتکله لودن کتابی هر کیم اولورک یعنی هدیکار معرفت  
 ثانی بعد الاشعار مدعده فائده بدیده کینخار اولورک انار  
 عافانه مدن از جمله شیخ الموم النبوی در ویحی بابا حضرت صیغه  
 مقدما شام ایالتی تدبیه بیدردینی اثناده مقیاده  
 مقیم اولدینی سرائی دینی کتوره اوطفییه اوتوزانتی تاریخیه  
 ندریک وقتیه حاوی صوب عافانه مدن قله اثنان  
 قائله صدقته و زین شرح مشدیة تقریفه هشتین خرافه  
 تقریفه بروجه اتی دونه اقزای صیفا اخبار قلندک

صورت قائمه

همداره ذات کرامت ایاتنا عتبه کعبه <sup>مقصود</sup> وصفیه و اصل  
 در مقرون و داخل کفه عرفات اولشک المقربون اولاص  
 رعدهات قدسی اراتی بیله زن اجابتگاه بیت الطهر خدیجی  
 و راسته عرضحال عبد مراعیم رهوند بیدرکه خدمات حضور رسول  
 کائنات و شفیع مدجدداته مقدمه قبل اولون واقعه هائمه  
 خون انکیز اعتدافه صواصفانه رزق نیجه نجی سرور عظمی اولدینی  
 مشهور و منظور افان اولمدر فی الحقیقه اراده تقدیر و حکمت  
 غزول عمه الازل عوسی سرته تنوع اندوه والامک

و دانسته و شاهباز روز مکان پیری مطه‌بی که سارا خوان  
 و اکداران عدوق قصداً نه وضع این کلمه حضرت  
 جدول الدین و البقیه شمع بزم ادای انجمن و اصیغ  
 طب بیماران عاشقان و رونقه افروز معرعارفان  
 مولانا قدس الله سراره حضرتین بیت فائزید کور  
 هلا فروغ بر نیامد بجای بیچوش بیت لطیفی  
 بود معنایه دال و شاه حادر اگر چه قامت خلقت  
 کرامت و قدرینه بود ذمت صید نه خلعتی دست  
 ضیاء قدومه موهود و مهیا ای رده اماروش مراحم  
 پوش دستگیرینه کسی بر خلق الیه به موقوف  
 و مهند ایچی کرامت اقم حضرت ذات برسد و مسعود  
 آرابی که عاده ظهور و شهرد اولدینی او اذن برو  
 ملک جدول و جمالک امعان اولی از هجرت صدری  
 و معندی امتیاز بطوح اولد قدرندن ناهی بیت  
 عیبین بان عمار صاف و مبد کورینور هر طیکم کرم  
 انجی سوزانه دستر ضمدن تدار صفا صفا ریزه وقوع  
 کلمی ابرده صید صفایه تخم ریزه مرکز اولان صبر  
 و نخل و هر حال جدولین انصاف الیه تدر و توکلری  
 مقابلی



مقابلی کوه کجینه نبوت نبر اعظم صبح رساله بنجد خزانه  
 اعانت در یکتای دریای شفاعت بانق مبانق شریعت  
 مدستی بخیان طریقت سالار میدان حقیقت یکتا سواد  
 ساهه معرفت فرسه کتاب خلقت ینبوع زلزل حرکت  
 مجده نهارخانه صنایع اعجوبة کارخانه بدایع مرصوب  
 ضوئیه سماوات وارضیه یسوب الانبیاء واطفین کجوب  
 خداوند پدید نظر نسبه فدای نیک فدایم انا نعلم غیره  
 و ما بعلمون صدر وادوس دیوان محشر خیر اطلاق ولبشر  
 صلوات الله تعالی علیه عمارت التمسی و القهر اقدس حضرتک  
 مه زاره قبرک حدیث ترقیقت حاوی اولدینی بت است  
 عیابه نظرتیک بربیب و استباه اراده قاطع شفاعت  
 ینا هکذا نقله ابیدیکی شیخ اغ سر ابرده دولت مزین  
 عندان افا و سلطنت مالت رقبه ملک و صلت و حق عیدن  
 کافه مسلمین سرمایه بازار افتی رسو طین دوی زمین هادم  
 قدایم الظلم و ارتعاش بانق مبانق العدل و الانصاف  
 ظلاله و ضیفته فی العالم و سیفه بین بنی ادم قطب فلت سلطنت  
 و نا جداری مرکز دائرة ضوئیه و شریاری بیت الذی اصاب  
 حکمه السیف و الظلم و خلف عدله الذاب برعی مع الفهم توکل  
 قدریک و ما نبیلد یا شاه عاظیناه اقدس حضرتیک ضمیر الامم

پذیرند و آن رزق بواسطه معنی و علم بیو ریلد با لوجه  
 بونعم صیده ایله شان جلوت عند اندک نیکی قلند در  
 فوت بخت سعادت انتظامکه منبع انداز التزیل و نظرگاه  
 حضرت رجا جلیل ~~مرابط~~ جناب جبریل امینی و مصاف اوینی  
 و لافین قانذ کتبه او باب یقین حضرتینک دوفه مطرفه  
 مبارکه و هایدی ذیارت علیه سینه ناشی اوله و اندن حرم  
 محترم خاصانی صد صد و سداد ایله یول بدله حبند طالع  
 فرضه انجی مکه فرمائندای خافقی و امام القبلین  
 اشرف الانبیاء و المرسلین افضل من مقام والارینه و شی  
 صبیبه عبودیت ایلیدوب توتیا حیم جهان بی زنی و صحت  
 اولون عبار مرقد فلک و ساری کج دینه جان و سمره  
 عینی روان ایله اولوجه قیده ابد الانبیاء یعنی حرم  
 سید الوصیه راضی کیر رجا و انبی اولوب محفظه سندات  
 ارواح و خوار جمال آرای بیت الله یعنی حور و سوره  
 تقیینده راه مقید نزار عشه و فصول بیت یارب بحو کعبه  
 سند بنان نفسی در زفر عم فکن از قبله گاه ما فیه  
 زمره ساز نیاز اولوب کیر زهی توجه بخت ضحسته انار که  
 پر زات کرامت سمانک عمره باقنه بو خدمت جلیل  
 صدره هداله افریه طیت اقبال شمار که بویه فطرب  
 مودله

مودتة جمیل مبین کردن همته احواله بیدریه حاصل  
 چاره ساز دور دندان رجا و نیاز متم مکارم اخلاقی قدس  
 و اعجاز ندرت و عین چشم نبی برترین مناع کارگاه آفرین  
 کین کوشه نشین زلاتخانه غار کمان علم و علم و صبر و وقار  
 محرم اسرار دنی قدر صیف معدن در ضیافتخانه قاجار  
 قدسی او اولی صیب جناب کبریا نرس دوامه مازاع  
 البصر و عاطفی عنده کشتن و ما بنطوره عهد الهی بیت  
 طیت ادم او طردن تخیر اول ابدی راز دارچی قریلهان  
 کدینی و رسول الثقلین اقدس حضرتین بای روف پیمای  
 رسالتنا هدیه قریلهان و مرف بیدریه امانه مبارکه  
 زیارتنه جناب دولتآباد رعدت نعم الدعوق و نعم طرفه  
 اوزره اولدق صاف سامعه عالمیانی رضیه ابتکله  
 جلم پرور و سرت شام و خاصه بدو بدینه رینه صدور  
 بی نهایت حاصل اولطفیه مجرتشید بنیان عبودیت و تجرید  
 چارهای خصصیت سیاه واقضای مطالب ربه و دولت  
 اولون زیارته تازیانه توفیه نعم ارفیقه تحریک عنان  
 غنیمت خدیوان رنیک تبدیل و ترسیده نی حادی تقدیم  
 عرضی له اجزا اولدی ان شاء الله تعالی ندی شرف الوصول

کیفیت صدقہ و خدمت می طعم مراحتمد علی بیوردی در دفع قائل  
 او بدینم توجهات مراحم آیات اصفانہ لہا کما کانت حق  
 عافانہ مع مقدر و ابقا بیدر طعمہ باینہ اور طعمہ مدبر الامور کرد

### تفریح مانتہ تفریفة

کلام اعجاز انتظام منکلم نطمہ آفرین برات نبوت رسول  
 الثقلین حجت قاطعہ سید المرسلین شامل رموز و لواط  
 و لایابی الا فی کتاب میں تزیل من وج المعاطین  
 عندان ترقیة فی ارسا بسمہ کتاب عقل کل نطمہ بے  
 کیف خداوند پیچون لازمة عندانی لایتمہ ابوالطہرون  
 بیوردیون کلام قدیم و نظلم کریمک معنای لطیفی مشتمل  
 مرات صفا یوہ اشیا فظہر خطاب و ما یطعمہ عبد الہدی سید  
 الوری صل اللہ تع علیہ وسلم حضرتینک معانی احارین  
 شریفین مجہ و شامل اولون مشنوی شریفک انقوی  
 دیکلم بی الانام مقبول و معروف کتاب مستہ بلک  
 صرع با صدی شرح مشنوی تاریخی و درجہ الف و د  
 او افزہ خدیو اکرم داور معظم قانع ابواب الخیر و الکرم ہ  
 نادر الزمان و لغز حکون اقدیم و الحج طر علی حفظہ  
 بطرفہ الخلی حضرتینک دار الطباعہ داوریڈنہ بعدیہ بجانہ  
 و تفت روح

روفته ادای حلزومه غایبه و زین صیانت سطور و زبانه  
او طندر ومن التذقیه والاعانه

غزل

طبعه تکمیل اولوب شرح جناب مشنوک  
شان مولانا به برهاند کتاب مشنوک

مرد کمال دیده نایاب ای سالک جهان  
مرد کمال در آفاقه فضا مشنوک

مشکران دهه مانند کند رهکدی سده  
آهکدی بیت وحدت و عرفانه باب مشنوک

عاشقه کونتری روی شاهد اسرار حق  
چهره معیندن اجدق نقاب مشنوک

ابلیس فاتح سنی الام قب داوره  
قدی بدختر یعنی انتخاب مشنوک

بند عاشر

هر قدر درها امکن تمیبه سی وغیرت و صفه صحت مدار اولی  
مقدار فقه حکمت و طبابت اخذینه دامن در میان همه ایدوب  
معالجه ندرنج اسلافه هر اوقات یل و زلاره بندر لعل  
انقار ابیدر بیت رتبه عایبقام اولیا اولی شریکیمیا  
رضون فقیقت مشنوک اوزره با الطبع خلق طبیعت شریه اصحاب  
هر قدر فقه عروضه محتاج دکلا ایسه زه بر مقدار علم عروضه  
هدکار اوطعه قوت طبیعت و اشعار مدار اولدیفیند بشقه

مانع معارضة صادر و اغیار دور بر حال ارباب شهر  
 رانت اصحاب حال و اتقیاد بدینگونه نوزده دند  
 زیرا که وجود نفس و هدایت کسب قوت روحانیه اینکلی  
 مانع کفندی مؤثر اولی و اصل قوت اتحاد بر  
 فیه تاریخچه که قدمای سعادت عجم بر کعبه ایله خاصه پیرای  
 و قم آورده کلمه در از جمله مدونا عبدالرحمن جامی قوسه  
 ابی حضرتین تاریخ ارتقا در فرزند و جناب معارف  
 ثاب فدایه حافظ شیرازی طی مافه عفا ایتکه اول  
 مناز آفرنی ساهه مصی او طفل و فانی تاریخی دخی خان  
 مصی دیو بخیر روانه و آمد قندب دیک صاحب صفای  
 کفان زول کفاد اولدنی قطع تاریخچه که فی الواقع  
 راهوان جبرضیاک و سالت صدق مستقیم اولوزان  
 بدعت اشعار اولون صی بیان اصحابین فرد واحد  
 مانند بی ثب طوره ایوان کائنات اینکه موفقه اولمشدر  
 بیت زفده ما کذیریم زتی ما کذرد ازان سبب شرح تاریخ  
 او کذره که ما فی الحقیقه بدو مضمون ضلی خاطریند شعرا  
 نظم و ادایمشدر مؤلف دوه نادری مرزا مهدی  
 فانک دخی رولده علیه ایله ایران دوتی میانشه عقد بندتار  
 قطن البیام اولون مصالحه به دائر ایراد و اف و بدیکی  
 تاریخ قضای پسند و صرع جد رفت از میان سر باران  
 اتحاد

اتحاداً تاریخچه سقای روم و فی منی رفته صهار  
 ایوان بدعت قندر مصرع هندی کفر کردی بفراده  
 سلمان بوقایع و فی بیه انرا اصول مرغوبه دندر  
 اما سقای بدعت افزای روم مؤخراً ایجا و اختراع اینکله  
 رسوم تاریخ قندم تمام بر مصرع او طعه اوزره وار ویریلوب  
 ایینه منی تعیه به رفعت جواز ویرطدر تعیه تاریخ  
 یکمی برج عمده قدرت سبب اولندب زیاده مقبول او طیدب  
 بلکه تعیه ده رموز و نسبت نامه اوله اولافه زیاده اولنه  
 درکار اولون هنیات انکار او طخاز و ان تعیه ده قنت  
 اصندر منار تاریخ تمام مصرع دکلدر دور ارم کیمدی  
 بدور و محدود مدلاکت بخندن شیخ محمد دره ناک مشیختی  
 و اوم دره ناک وفات تاریخچه شیخ الاسلام اسبوعه عاشر  
 اذک و هنرینک روش استخفاف اکای ذوق بیضاقوی  
 و انکت بیه اقبال نزه خاتمه نام اورامضای اف  
 او در قدره سقادی کردی و در اول ثابت قداخانه بود  
 اینکله مصرع بر جسته و در اول زین جریقه منته است  
 فندی مصرع موفقدر مجرعه عاشر نقل فتاده  
 و نامعه الحو و فک ایکی تعیه ایبه ترتیبه صی ثیف کلزار گفتار  
 ایندیکی تاریخ بودجهای ترتیبه ورقه انار قندر که بیست

بیت ایک عالم سروری معنیہ امداد ایلدک شاه محمد  
 عکس مضمون ایجاد ایلدک و دیگر معنی بیخ محمد  
 اقتدر قوس مفرقین در بقایه ارتحال دین بر تعیبه ایلد  
 نامہ الحروف ثبوت اور اقره جرات ایتدیگ تاریخ نظم  
 فاتی و عدتہ چون مثل ایلد بیل و زرار مرشد کماله مقبول  
 انام محمد کدی چون و صدق اوانی دیدم تاریخ دو صده  
 ضد سیم اولدی مقام محمد بر دودة کنار جنتی اولدیغم والد  
 وفاتہ با تعیبه زیب صیغه اثار ایتدیگم تاریخ نظم کیدوب  
 دار دنیا ترک ایلدک اونقادی کزین او عصمت و  
 هم استار هم والد مع فاتی که غم بقا ایتدک و اسرتا  
 رعایتی کنارین او میدد بیدک مکانک جنات اولد  
 ضیالنا قادیکی مصرع تاریخه خیر و مطور دکشیخ  
 صحیفه طدر اولون هنر و الف مدک بفضیله صابہ  
 داخل و بفضیله رد ایلد بید یعنی مضاده مدخلی  
 او طیب مجرد ارتباب و زنه مدار و خارج طدر ترقم  
 اونان هنر به اعتبار اونماز قته اغیارده اولون  
 هنر کی مداه عاصه داخل دائره صاب او طدر قدنه  
 بوضت انابع او طح ایلد ده ایکی سیدی داخل سبحة  
 صاب قندر و دخی لام لفظه جلوده بیه اشیا  
 واقع اولد معاد



معارضه نك حقیقتی بود و جهل ثبت صحیفه توجیه و بیان  
 قنبر که شیخ اکبر قدس سره الانور حضرت نیک اجترالدین  
 بنی لام لفظه جدول واحد ذوالجلال یکدیگر اما صدی  
 قندی انار الله مرفوع حضرت مسدا اولون دو اینه او صدر  
 بدین بیه عالم امکان و بحرین عمان و ضا و عرفان حضرتانک  
 در یای اجتراد ریگر در جانبه میل و جریان ایتندن فلام اوضان  
 اسرار بگونه زیور طدر عمان قنبر که لفظه جدول افتره  
 لام اولون کلیمه مضاف اولیدوب لام جردنی داخل اولدینی  
 صاب قول حضرت شیخ رضی الله عنہ او زره ایکیر دنیلور والو  
 قول جناب صد الدینہ مراجعت قنبر بحت تکر قافیه از جمله  
 بی بیتی هاو بر قطعه غزلت بیت ناشد و یا خود فقط مننه  
 قافیه تکرار و قدعی جاژد و قصاندره مقاله شرایط  
 قصیه اجرا اولدنیجہ یعنی غائبه و می طبه فضا ج کلدر  
 کلدر که تکر قافیه به رفعت ویرد یکندن بشقه کز هضه فی  
 قافیه تکرار قنبر صاب بی بیتی تجاوز ایدن قصاندر  
 بر اسم تسمیه قلعه لوزمه عرفه تعداد قواعد نظم داز مدوی  
 رسد مرجع اشارہ واقف و اسنا اولون اصحاب هند و معارف  
 ثبت صحایف اصدا و اشار ایند کل صافه و هودیا اولدینہ کن  
 دیوانه نظم و بدخلت اصنع اساسی و اعظم اموری ترتیب نظام

بدیعہ انتظام قصائد اول یعنی مالا کلمہ مدر قوما و یا زہوی  
 متاخرین شہای دولت عذر زہ شایہ سہ مذکور اظہنی  
 اقا نامہ الحروف ات دایتیکم قصائد اوج شہ الحی و وضع  
 ایدوب طفقز عدد شرطہ انحصار اولندک ذکر اوضاع ترتیب  
 ایکی یا خود اوج شہ بودند ابر ماسع عاریہ قصائد تکلیف  
 اولی اولور شرح تفسیر شہ قصائد بد کون وضع میزان  
 شمار قندر کہ شہ اول کزیکاه یعنی ترتیب مقدمه  
 شرط ثانی غائبه ضحج شہ ثالث مخاطبه ضحج  
 شہ رابع مخلص شہ ضعی دی شہ سادس غزل  
 شہ سابع منطبی کفتاد و بیانه کتدرت شہ ثامن  
 فائز قصید مقابله در جوابه ابر از سخن ایتمک شہ  
 ناسع ایجابنه کون مقدمه موافقه جمیع معترضه اذخات  
 ایتمک ذکر اوضاع شرط صحنه حادثه <sup>معه عالی موافق</sup> حل رموز  
 اسمیکسی نام نامی خدیوانه ایله ات سنه ظفر باب اول یعنی  
 قصید نضیر بحب التتیب نادیر و ناشیر بوج ابره  
 کثیره طدر بیان وثبت جریر اوران قندک

**قصید مذکور**

<p>         اول دورم لیس و قدرتم اغدوسی جانہ          دستم کویا تار حیر ارغوان اوزره          کدیر       </p>	<p>         بد کون بر سر صاطی کلک تا اوزره          آجوب کیوریمه ترا ایتمک صحره چننداره       </p>
---	--

کوروج اول کلبه نازی قزندی لوله بچندن  
 هزار فوسنوار نغمه ساز او طحی فزون اوزده  
 کوروج خسارینی کل سبزه بیگانه بیخوردگی  
 اولوج مانند خار برین سبیل باغبان اوزده  
 دهان اولقدر باریکته دیکم کورون سوبد  
 قدیمی نقطه موهوم سبب اصفهان اوزده  
 کورکوشن کمرغان اول شمع سبب افوزی  
 فروغ سعه دن تاب اورا طاز آسپانه اوزده  
 قزانتی بدنه ربع دن دنده امیه او طاز  
 قنات به حقار روح روان اول صی و آنه اوزده  
 هودوب بزمنه ساق باره کلکون ایدر تکلیف  
 سرب عشق در نوحی ایلین پید و جدا ان اوزده  
 شهوار کوه فی الکلنینه بود برنگته در باقی  
 بود در دوله بود جای نوحی ایندر جاوردان اوزده  
 کوروب هندوی خالان کردن بتلور و ببردده  
 که طبعش همی حکمی تشکریمه هندوستانه اوزده  
 صت به جابه معطر اولدی بوی یکس سندن  
 طوق فحیه صبا اولر کاکل عنبر فتن اوزده  
 معنبر کاکنده مرغ طبعم لونه ساز اولدی

هدی فایز غم شیرین اوج لعلخانه اوزره  
 او توفیق دوی خشت تنه بر فقه اعانه کدرم  
 دیدم وجهه ندر بد فقه یاز طبع ابر وانه اوزره  
 نوازنج گویندوب عشق پسند اظهار اید و اظهار  
 دیدی رضون فقه عهد وفادری عشقانه اوزره  
 امید و طبع دیدم اول خط بن هوته نمی ظاهر در  
 بفادری عازمت ای ماه رو افتاده کانه اوزره  
 تجا هدی نمی کلان بودی صبر نمی وار سینه  
 نمایاندر بد فقه ندر ظهورم نکته دان اوزره  
 نکیه دهر دن صد ایدج اول نام الای  
 خدیون سایه سینه عالم اولی هب امان اوزره  
 جهان آورده اودی ره صوابتیه آب  
 کند صدق زنجیر در کردنک اوزره  
 ایدری خدیوشم ساعه رزم و سجا عتبه  
 شعاع تیغ براف دوستیدی فریمان اوزره  
 همه دوری بوقفه قصه دیدگرافام  
 ندر سینه بودا تبتتاف این و آن اوزره  
 دیدم که حال و دل آورده در سب عالمون  
 قاتل و ار که کله سدی اولی کجی جان اوزره  
 فصدضار وین بریده ضایع اولدی اوقاتم

مکتور در درون ضایع اوجی عنفوان اوزر  
 آنگذیم هر صانعیم بخدمت کیم آدی کیم صاندی  
 مزاد اولدم عجائب و روحی دلال زبان اوزر  
 دیدی سی شرفه و نور اولدنیق ایامین کوردیم  
 که هکدرک اولقد شمشیر غیرت دشمنان اوزر  
 کیر و بیه دفعه ابدرب اول ربه کیمی خسارتیدک  
 وریا اولمشیکن عکرایران وان اوزر  
 خصوصاً فتخال دوله روسی ایدوجالرام  
 سله اولمشیکه بر دخی سلویان اوزر  
 ولی ایران و طغستان و کرهستان شاه دور  
 که صفات قالدی الحوه دولت عثمانیان اوزر  
 سنی سندن زیاده بیدید امر صد اقره  
 بد باره منی حدوده کوردیدر بر فداجهکان اوزر  
 بد حکمتی نمان سوسه هربرندن بشقه بر درسی آل  
 کلور صحن و جوده مرد کامل امتحان اوزر  
 جهانیه مهمل بدتوس اقبال و طالعون  
 زمینیه ایشدیکه پای حقماز نزدیکان اوزر  
 در سینه لونه ساز اوس بنه قاف توکلده  
 حقماز سیرغ همه برده قاطر آشیان اوزر

سنی بر زاتہ تابع ایتیم ایچونہ شیوخ تقیر  
 دو چار ایتیج بدو کلو ابتدی ناکران اوزره  
 کلا اجمدی سابعی سن بی غنیت داورمورک  
 بدوز دیدانه صفحہ عرضی فی فرجهان اوزره  
 عبدی کلهی یعنی نظام مدح و مستح  
 که فی ایبه جهان اولی و صاحب قران اوزره  
 مؤید بودامش اولی زان و رحمت پیرا  
 دعایا دولتی واجب اولی و پیر و روان اوزره  
 سواد احمد مخناد در هم حیدر کراد  
 بو بر اسم مجدد آنزه جمع اولی عیان اوزره  
 او بر زان مکشود روی و ابی عاطدر  
 بدزه بیت مولی سیمه واجبانی و جهان اوزره  
 نجلی خداداد زاتنه که هست ایدره  
 که بر مدد ضعیفی غائب ایداریدون اوزره  
 و بر مانند لقمان نازده جان سبابة لطفی  
 طوفنه فرجی بیماریه نبض ناتوان اوزره  
 بود در کاهلی قبه مقصود عاطدر  
 که مایوس ارطالی و خا اولی بوستان اوزره  
 او تو مشتم اگر چه کدوئه و حدیثه حدیثه

که غیرت

که غیرت ویرجی کلمه بنه زانذی بیان اوزره  
 کلای تبریک فامه سافه مدحیه جدولک ایت  
 که او صاف صفتیماز ارضه و صحنی سما اوزره  
 کندریک وصف ذاتی عرصه امکانی قابلگی  
 صدود و دوصع موجد و اولون نظم آوردان اوزره  
 که ز صیر و رغبت قاطدی کل صف هانه  
 که ایتیه خاکبایی سر مه جود شمع دوان اوزره  
 اورتبه سفا انقادی بسوده اولدی افاقه  
 نمکیاتی فاعله او طاز عتقا استخوان اوزره  
 اورتبه زیب رونقه نجی او کله بازار دنیا به  
 نقدری قاطدی برکنه نیک جب زبان اوزره  
 ویروب اولد رتبه زیب و رونقه مآطه لطفی  
 سراسر اتم دنیا غبطه و صادر جهان اوزره  
 بدلوب آب حیات اکنه ریه کی لطفندن  
 بیخ نیلندن قتمی دود بج بیکران اوزره  
 او دریای هم نی اوزره بجهر بنا ایتدی  
 مآبه طول و عرضی آسمانه کمریکان اوزره  
 ده بلسون شب بکجودون اول سافه شریها  
 طلوع ایتدی بآرت شمسی شام و قدسیان اوزره

خدیو داد او را امری عجز و سخی و تنه  
 که در جهانیک او طبعی مصلح سرودان اوزره  
 نظر قدمی سراسر قصه شاهان اسدوفه  
 که مشک او طبعی مبدوم او زندگ کجا اوزره  
 بحدسه که اولدی قسنه قاشیکه زمانه  
 که زهرت صیقله ظاهر جوده تیغ و ستان اوزره  
 طباغشیکه بلوغ غازیان دیدار حیرت  
 یازدی صدت فتح ظفرت کمان اوزره  
 کلور فریاد آقلم فها دن چیمه ماچیندن  
 هجر ایدر چینه فطه افغانیه اوزره  
 سخی صنفته حاصل کدرک لقمه  
 نفقه ایدر سرعکون چنگیزخان اوزره  
 که معارفک ضح ایتنه سورانه عدیل او طاز  
 کماضت کدهارون قلعه مازندران اوزره  
 نجابت نشته تاریخ کندر و قصه دادا  
 که فرقه سطلتک فایقدر اول ساسانیک اوزره  
 جوان معدن لطفک کینت بکان و برک  
 که مخارج تکلف ایتدک دنیای کمان اوزره  
 که اولدی سببان ماندرک دون فیمه لطفک  
 جوانه نیمه بدزبید یکی بنی نمان اوزره



غروب اینمزدی ماه خاندانی افوه ظلمت  
 طلوع اینسیدی شمس هفت بجایان اوزره  
 که نه اوطیدی سدا اولودر کعبه مقصود  
 سحاب قره و بره طوتک و هابیان اوزره  
 اولودری غوه سیدج قتی بخت بیضا  
 اگر سدا و طیدک قته افزمان اوزره  
 کواطنجا اینه فاتح یعنی هنکله اجابتد  
 دعایت اینه تکلیف اعانه قریبان اوزره  
 ضیا و بیون جوانه افتاج طوسه و سانی  
 سما ویرد که زیب و رونعه بدضا کدان اوزره  
 نینه ای ماه دو بزنگه سربسته مزقادی  
 که واقف اوطعه ستر خاطم داز زمان اوزره  
 عجب بوسه روز افزون به صیدتیم سوبه  
 ندر باغ تفدقه ایدک هب و هوشان اوزره  
 که بر کون سید قدم سیددی بن باغ شیرالی  
 طراوتنجی اولوب آجا و هداک صحن و آن اوزره  
 که وادرم لوصی الله اویله بر باغ جوانی  
 زمیندن دخی نقاده ممکنر جنان اوزره  
 سکندر کورهای مانندی مراتت دویا ده

متن باز صحت و قه نوریان داستان اوزر  
 جده بر کوه سینه نیمه بیت قزلب روح افزا  
 که مانند شریا زین ویشی افتان اوزر  
 فوسه که باغیان ده بر روه بر او طاز  
 او کشیدک دیاضت حار باغ اصفهان اوزر  
 عجب رونقه ویرود در بای نیل اتصافه  
 قدیمی که بیا آینه در آینه دان اوزر  
 فصد اربم و حیدر عناصر امتزاج اینی  
 بهار ایدر هداک دکه که باد قزان اوزر  
 فدیو اگر مه کوش ایدم مرغ سحر در ج  
 بد مضمون ایله ایدر دی عا سر و صفا اوزر  
 سعادور ایندی که قبه اصحاب حاجات اول  
 ز صیه دور دفعه سند سایه انداز صفا اوزر  
 غزل کریمه شاعرانه زین قصا ند ده  
 او هر و بر معاصرتن اندر می عیان اوزر  
 زینکیم ناودان بک قدر تدعیان اوزر  
 بر حرکت بقون اهل اولوب اول ناودان اوزر  
 وجدده کلیمک مکله دکدر خاصه هقدر  
 مجید بر جلاینده هنر دور ایدر سان اوزر  
 کده هم علی سینه بر زان دیمی اسوف

اولور محمد و سایه غریبه و سینه خاوران اوزره  
 منبر جم اولور ک فایم بودیم براسرار برهمه  
 که صحتی تفریحیم لازم تر جان اوزره  
 کیه اولور قیه سقف آسمان یا قایم الالبواج  
 کت رایت باب فتح و نصره باوفان اوزره  
 صفت بر جاد ابرو اوزره سر و جان اوزره  
 اید و ج بر ضیعی صحت داغ پرداغ اود دوی اوزره  
 طیانجی شاف سروه صحت دیواره دوشی هم  
 اوده صید نه در مانند صحت سن وان اوزره  
 اولور شاد ابر فیض دعت روح مادره  
 اوجار ابر و کیده جار باغ اصفهان اوزره  
 دیدی کرجه اوهر وضع ابر از غزل قلجی  
 خدق سحر ترن غزل بیت عان اوزره  
 که سنه خوشنندار وار کیه بود باغ عالمه  
 اوزر و کندن طریقه همان دهه اوزره  
 حیدر بجه ایندی الحقه لطف ابدی <sup>خ</sup> اوجاد اوزره  
 کند درم بر غزل تکرار طرز ارفغان اوزره  
 او داور کیم تفکره ایندی شاه سلون اوزره  
 اگر قوی ایسم شایسته خنده مع اوزره

بدوی تیغ خامم دام اولورکے تویس طالع  
 مام خلی مدد غم اقیع بیان اوزره و  
 نه دے دماز آغاز اوسم اوصافیه علم  
 که خام سبقت اید ضعیف است و بیان اوزره  
 وفا تصویب اید و ووزع کو یا فامه تقیر  
 مصدر اولون تقی بفاریم بیان اوزره  
 خدیو اید که بودی رونق بازار لطفکده  
 تا عمر قاطاز آخر دوسی دلال زبان اوزره  
 بد اخبار غائب کیم دید انجانة نامک  
 مرجع در انفضی او کتر رایگان اوزره  
 ریاضاد در منور اولی در انتفاکدن  
 اولور بد در نظم سعه او اگر زمان اوزره  
 بد اثار کیدر خطه فانه و روانه  
 بازار صحت مضمن ایدان بها اوزره  
 دکو بد قول بند یعنی بد قول مجرب  
 فلت بر سایه بد هزما بر دوک اوزره  
 هنر منیدانه اولدی بیجا هیدن لطفک  
 قالور اثار مد خط حشره دن کون و اوزره  
 دیمی صورتی غیره ماصدقه کن که بو معنایه

کرامتی و رسم بلغم ندیم نکته دان اوزره  
 فدظون جهانیکم استه صمد تدبیری  
 بیار باروته مخزن شعرون اجارون اوزره  
 کن و اید جهان فاتیما فتح احسان  
 اوردی رکطیدسی کنج شیکه اوزره

مقاله

نظم اول در درج انا افصح که حکمت دایم شرفیده لب جان  
 برودین ترقی قلمی شبر زیودود آهائزگی ناقصه  
 اولکه کامدادانی محتاج زیور قلمی مدونجه وان کتبخانه حقیقت  
 انداد التزیل السنه حکمت تفسیر صفت آیت الکران برهان  
 قاطع تدربیکاه هر دو جهان مجدم کماله صفا به اشیا طود  
 تجلیات جناب کبریا سیدنا و نبینا صلے الله علیهم و آله و سلم حضرتین  
 کلیم لائی انتظام و در باری اهل مراتب عیبای اعجاز اتمی  
 او در قدردن و ما علمنا الله و ما ینبغی له اراده قاطع سنه  
 بناؤ قاصت و سائپداری محتاج زیور صفت اشعار او طیب  
 صوری و معنی کوه ذات شفاعت اراهی صول کوه  
 بازار حقیقت کمال عبار او طلع ذات هایون نبوت  
 ایاز شرفیه نسبت شرفه سزاوار قدردن با نیاز اولوج

مخلوقات سازنده ذی روح استحقاق اولیاد کلیم موزون  
 ابرازندن مستغنی و میرا بیدار طشینه بیت کلید  
 دو که اسرار مفتح حقیقت کیم: بواسطه تکیه جمعه فیضند  
 و بیاد و بنا بر عینه علماء کرام و ادب علوم انجمنی عظمی علیهم  
 السلام اولاد قدرند منظومه دیدان معارف اولون رساله  
 حال سعادت اشمالی شیرازه بندتار اشعار اولون مستغنی  
 اولوب زیور ذریفت علم و عرفانه قامت استعداد  
 ارانده اولطیبه اول معر کجوب انقلاب بر جسم کسوی  
 فضائل محتاج شانه شاطره نظم و شمار اولدی مصلح  
 خیر الملوک اعلام مضمون کیمی خیر العلماء دخی امور دنیا  
 انقائیه نشر علوم و فضائله دقت و تعداد دخی زرع و قدح  
 و سرقه آثار سازه مثلوس فاهت و شامتی موجب اولور اولون  
 بغایت هنر و بی نبوت و امنای سلطنه دخی امور حکومت  
 صداقت و جلب اموالون بیاعت بر له رعایا ایله حکومت  
 میانسه فوم صغیرت اولطیب بر برینه موقوف علیه  
 اولدیفن بالادوران طرفینی وقایه به صرف تقدینه جوده  
 هیت و غیرت ایبهار مصاح فیضیه نوع بنی آدمک  
 اعمد قدار و فعال اولطی فعال مارون مجوق اولدر  
 اما کلیم موزون ملوک و حکمداران و وزیرا و سپهسالاران  
 حضرت

حضرت و کرم سازه به زینت آن موهبایان لسی قور شریفی  
 اوزره قارشم کب اطمینان تکتیر سواد فطانت و تدبیر  
 دائره نظافت و تحصیل مایه قوت زکات و ایتکال قبول  
 عامه اولادین موجب اولاد از جمله فضا طیب تیغ جوده داری  
 جازب آهن خون اعدا و ولایت آب شمشیر و شمشیری صفت  
 و سیدوب فار دنیا سر عکس فظ پیکر و سیر سالور ز صدف  
 بر و رهنم باغ بیت القیم و خاتم بحیثه عندان فطر شریک  
 علی ابراهیم مؤید احکام القیم <sup>سنه</sup> مزین مقام اکبرم ابراهیم  
 حضرت نیک قوانین عابدی حاصل فزادق ملک اسوده  
 عذوق تمکین اولادجه اطمینان اخبار خیر آثار اسوده صرف  
 اوقات وقت و حضور تکران تا به کب و قوف تا فیه  
 بیست بیور و قدرند بشقه نزد مکار صوف شیعان زرع  
 مد کل الوجوه رعایت و عمت عرفا زرع و الهام اولدنی عامه  
 جلا نیانه ظاهر و هدیاد و مرنا دوة الصبح هنگام غمگین  
 برانم طرفد زرع سایه انداز اجود و آرام بیور می اولد قدرند  
 نامی نامه الحروفه مدقات خیر انجام سیر ساریک صبر  
 اولیدوب و قاکه طنشده بیت تشریفی صره صدرت  
 بیجانه جان ویر فیضا قدومی عاطفه روح روان ویر <sup>سنه</sup> مؤدا  
 سنه ایل تاریخی شهر رمضان المبارک کل عشر اولنه مانند شمس

پیرا جنب محالک شرفه دن ضیعی اقصا و غریب و اتم دنیا  
 اولد قدرند و ذره وار هداوار شرف مدقات کردون  
 وقارها اوله دوه حضور فیضکیندر سپهسالوریه و قوس  
 اوردست و عزیمت اولنج ایسه ده نظر اکید اثر رینه  
 سابقه معارفه و مناسبت اولد یقین مدت مرقوم اول  
 اقیاب جهان اراون بود ذره بمقدار نابدار توجه و لطفات  
 اولطفه سحاب نجائی مقدر هائل اولطین مشارالیه حضرتک  
 تدار برات طرفدین امانه بیام نصرت و عدوت بید و خیزه  
 اثنای طریق بر تقرب و ضد عایدین کلوب کتیکم معلوم علم  
 رصیانه بیدردقه ذات شجاعت ایاتدین مکنذ ازلی  
 بیدردون جدا هر کراشهای لطف و شفقت و وفایه افضاک  
 قصوی مذکور و ات نظر عاطفانه رینه سبب عارضه غبار  
 ناسف اولد یعنی استعاضی همه بودر که بودا که بمقداری  
 متفرد دریای صرت و غوطه خدار عمان محنتیت ایلوج  
 نامقه نظم اجتنابینی احوالیه کرا عدایه هیت طولا  
 رنگی او بودر در بیانک نام اصانه شروع ایتمه انک  
 تطیفی محنتک کولکنی زلفدن انور میدنک  
 مزاج اوزره بد اشر لطفک ساهه فرود طلمی اوزره کولک  
 شبتک قلم ایتمک توج غائبانک تا زبان غیبت اولدر



مدح مشاوریه

شرفی روح صورت بیجان جان ویرد  
فضی قدری عالمه روح روان ویرد

اول شهادت نامه اقدیم رحمت  
نیم التفاتی طبعه کس بیان ویرد

عشق دیندی لطفند اولسیدی و ظاهری  
بقدر همای همته برایشان ویرد

ایامتیارم بوزهقه فکر  
سایه ذال دهره مذاهد جوان ویرد

دنیا به سیرام جهان اولدی رونما

شایسته عنایت اولدکلوان ویرد

اوقاتی دعا سینه صرف ایده فاتحی

یعنی دعای دوتی زیبایان ویرد

بی نامی او نباشد یارب جویف

عاریف زیب عالمه صاحب دلون ویرد

مقاله

ترتیب کتب و تواریکه شیرازه بند صحایف انار اولون ذواته لوزم دندر که  
تحریر و اختراعنه ابتداءه هدرکار اولد یعنی موادی ابتداءی نفسی صحیفه  
ضمیر ابدوب بعد رقرنه ورقه نظیر ایله تألیفنه موفقه اوضاع

کتاب رسیده خاتمه صن الخه ب اول دفع بر مدتی عرص  
 میدان ابراز ایتیموب مترقب سندات غیبیه و معنییه اوله  
 زیبا اکثریا ترقیم رفیه اثر قدیمی تألیفات مه بوالسنه ناسه  
 رموزانه باطنیه تدافعاتیکل بدکونه ساعه ظهور کله و قدعات  
 غیبیه تکثیر سواد افکاره بادی اولدیفندن بشقه قحاج ذراندوز  
 تألیفی رونقه بازار اشترار اولدر حتی قروه ایکی سنه کے تاریخ غری  
 ریاض بیانه ایتیکلم کذا قدعات نام رساله ده رشته تا بیفه  
 حکیمیه جواهر کانیه معرفت غریک بر در کانیای و کمانک  
 عذاص فامه قهریم فیالده افواج و ابرازی فصوصی بر رده  
 اصناف مدوظه و مطالع قلمی ایدک و قدعات یکم بیانه  
 تصادف ایتیم اولطفیه اول کوه کانه قدر بدعتی نظم سجه  
 بیان ایتیکله هب هدا و هوس بیجا اوله روه جایی حرف  
 قدح وزم دخی علوم و الحاقه اولتوب کدی ایتیموب تدقیات  
 داعیه سید زم القدر مشتمل قضیه کندن اهتزاز ایتیموب  
 بدستلله سدرای قلم و سوسه فرمای بخته دیت دماغ غفلت  
 ایتیکله ندانسته زاندزن تا تف و هیرت اولوب تجا و زانه  
 عم شیان و عهدیه تالم مفایله استفاد ایدرن و سانه مذکور  
 نسخه ثانیه صریحه که ترجمه قبائل قرآنی حاویدر ایتیموب  
 تاریخ

تاریخ تصحیح اوله زوره کمد و اثبات فلندره ارباب معارف و هنر  
 مرصود که ترجمه احوال قبائل مذکور اوطیان رساله به اعتبار  
 ایتیه و الله العفدر اصحاب تألیف الزم و اهل اوله کیفیات  
 سینه سینه آوده اولدینی ملوک و حکمداران صفاتی ثن صفیات  
 آثار ایتدیکین بنف کندی ابا و اجداد و قبائلی رفته کلام  
 بیان ایدوب ابقای از کار جمید رسد کب شرف حیات ثانی  
 ایتدینه اجوی لوازم غیرت ابدیات عقده اجداده دی ایتدیر تبرکاً  
 بعضا ذوات کرام و انقیای ذوی الوصرا مکدی نام سحر انبی مدینه  
 تنزل الهمه قول شریفه <sup>عند ذکر بعضی</sup> امتثال ایتدیب آثاره مدفعه اوطیان  
 ارباب کمال و عرفانیدی باطناسیه ثبت جویر اثر ایتدیر  
 و بعضا اصحاب آثار اولدینی دخی زیب و رفته گفتار ایتدیر و با  
 ضمیمه زیر جناح تربیه زرع تحصیل فیض معارف ایتدیکی ذواتک  
 نام سعادت ارتقا مدینه تنبیه صحائف آثار ایتدیر زیرا سبب  
 نعمت معارف از جمله حروف و فک ابتدا ایتدیر معارف مودر زرع  
 بد افتدیره علمه شروع ایتدیکیم جامع المقبول و المنقول حادک  
 الفروع و الاصول و واقع مدونا مدعی افدک ثانیاً قاص  
 ارض و می خانداننده و اعف ذاده السید کمد حاد افدک و بعد استانیم  
 چهار تنبیه وی الحیج کمد سعید افدک و اضمح دی علی فکر افدک  
 صفاتی ایتدیر نجات دارینه نائل و نظر فیضات ربانیه اصل اوله را ایتدیر

بجاه سید المریدین <sup>بنی زهر</sup> منزل توحید یافتیم زهر فرمنا قدسسه  
 یافتیم مفارجه اصول کتابته و اثر اول و انشا سید قاص  
 از ضروری و ایسی مدرس زاده السید عبدالله یاسا حضرت تندر  
 و لسان بدیم بیان لسان فارسی ابتدا با لاده مطهر مدسی افری  
 حضرت تندر بعد علی رضای اصفهانیدن <sup>حضرت</sup> اولاد ابی مکار زهر  
 خدمت در دولت الحاق اولادین تکرار کردن انشا به سیر و غیبت  
 ایدوب اولادین اسیران بیان همه او طبع تحریک بحاج غیرت  
 ایدوب مؤلفان عارفانه به ثبت صحائف تطهیر قضا  
 زین حکم نامه رساله لطیف مؤلف و مضفی طاعت از صبی  
 افری حضرت تندر استفادیم بذکر <sup>مجلس</sup> رفته اولاد اصحاب  
 فضائل و عرفان حق و کلام که تألیف اوضاع کتب بسط حادی  
 اولادین وقایع و صحایفه اوج یا ضد ایکی دفعه منظمه علم در  
 گذران ایدوب که در معارفه کتب الطبع و وقف ایدوب  
 هر صغای تحیه موقوف عقده اعتراض اولاد و رضی تألیف  
 او نامه کتابت توحید و ترقیه رفته اشتغال اولاد تامل حضرت  
 نه هر وید اولاد اثار صمیمه رفته اولاد زرا کثیره همه تطهیر ایدوب  
 اول اقبال الفرائب سیمه پیرای غایه ضام اولاد حضرت فیض کجدر  
 داوریه عرض و تقدیمه ابتداء اولاد مقدم ایل اوج نه محسنات  
 ستمه وضع اوضاع فدائیه جدید بنا دیدانه معلو ارکان قدیوسه  
 ترتیب و کتاب بیدریون تخلص قلمی نظارین دیدار مکیه طریقه پیری

جب اذی حضرت نیک معتدینہ سنہ مرقوم صفا الخیر نیک  
اونچی کون مقرر بیوریلوب تدسیع دائرہ معاشی و اعتباری بیان  
و مدفعہ اولی الامم اضممت باخیر آیات

نظم

ینہ دل ویریکہ بر یار کلور خاطر مہ  
هدس زلف سیرکار کلور خاطر مہ  
بہ بوغنی نہ درہ مرآتہ نظر قدحہ  
ہبت صورت دیدار کلور خاطر مہ

حیدوہ زمانہ اولدیکہ ماجد رسال یار مہ  
ینہ اول دولت دیدار کلور خاطر مہ  
کرم بیخانہ درہ مدھوج فراہم ای شیخ  
تکہ درہ ویردیکہ اسرار کلور خاطر مہ

باقہ کی دفترینہ صرف او نمانہ اوقاتک  
قدرقوم گنت اغیار کلور خاطر مہ  
طرز افکون بو اظہار ہر قاطاز فاتح  
عمارت کردی دواد کلور خاطر مہ

غیر یاسیابہ قشبت ایہم سمہ نم  
دامہ احمد مختار کلور خاطر مہ

مقائے خاتمہ

شامہ نظم حمد اول حضرتہ اسہ عظیم الشان • ایردی بونام درہ پایتہ  
بند کوندرہ دخی • بعد از یہ وقتنی اوصاف رسولہ صرف ایست •

اول و بر رویه افان بگویند دهی • صبت هر چه شروانی  
 نگر خا اید • واره بدنامه هفتان بگویند دهی • باوره  
 یکان یکان نفع صحایف بیان اولون خدمت وسی عافران  
 مانند مکافات شمار زکاء اطعمه علی سستی انکار اولوب  
 صد عافران مع درکار و بیدار بیدریون معامله ارکان دولت  
 مامور بگویند مشهور افان اولون اجتناب و صداقت خلوص  
 مأمور عاتق سامة ظهور کلمه مکافات اجتناب و اعدایه باعث  
 انگشتنای قبی و صیرت اولون **مصع** مبتدین یا تحمل بفرود  
 جاده • قضیه سه بنا بومعامله نافرمان کردن کلوب کافران  
 اسدیه میانج سردی حیاتی اولون رو و لایتمه و یا ضرورت  
 ایرانه عزیمت کربندیت اولوب اولوبهم رساله ضیاله <sup>ضلیله</sup> برکت  
 صرف باصرف مه لود رفت اولون ابرده صفا که هیچ بر جانب  
 مقدار عافران مع اوزره مندی ضمیر اولون ادعای قدیمه توافق  
 و مه یقت ایتمه کند بیت فاتح ابواب کرم الجناب •  
 هر که بر بوزدن اید رفیع باب • امینک سیر ره نورد فیضای صیرت  
 الکیه بیت آینه سیم فاطمه کلک و سیم ایدم • بار ایامه او بکله  
 ضوی کلوب استیاره مژه ظهور آینه درون مضم و درکار اولون  
 بیج تاب زبان و ظلمان سدیدای جان مانند که زلف خود بان ویرم  
 هد تر بای دیدان و ضانه صاطع نمایان اولون باشلیج باوض  
 مشاطه عوسی سیم سوی کیدی ام دنیا به شان زن میل و غبت اولون  
 بشفه

بشقه تنظیمی عامه امته فرضی یعنی اشرف اماکن کفر ارض  
 اولون عربستانه جانبته کل شیئی یرجع الی اصله منظومه شریفی اوزره  
 اختیار هجت اولنذب بیک ایکییز قوه طقدز سنه و ماه جمادی اولون  
 یکیمی دردی کون اسلوبودن فلک رابطه اقامت میسر و سنه  
 مذکور رجب الفردینک او اسطنق مر نادره الله و صحت عابفانم  
 مقدر ارضیه بیت بیک شریفی و مذاق مفرد • هست بر اندازه پنج  
 سفره و صد پنجه زکراویان شهر بارکوه اقامت و فوجی بیکه کیم  
 واستراحت اولنذرقه ربی هندوران زمان • فواید اولون بیت بیضا  
 اسلوبان • فاتح محاملت دوران • نادره العبد والدوران • معینه ملت  
 ابهه • حکران اقصیم صرافقه • خدیو دریا هم • داور محمد و شیخ  
 محمد علی • صانه الله بطفه الجلی • مرضی • نامه بیت سیکه الی خدیو  
 زمان دیار • اصحابه مرضی لطفدر اعدایه قلم • رضدینر مساز  
 اسبج اولدینم مدته تخصیص معانیه مافتمه رعایت و دیوان  
 خدیوانه میرا بی افند • حضرتنیک معینه استخوانه  
 اواره و اشارت بیدر بیوب بعد ماه مردوزم بوداقه واقع  
 دارالطباعه کتبه رتبه تایان و خدمت مذکورده اولونکرمه اعداد  
 نذر مولونای تکبیر و خانه عابفانم مر اقامتله آرام ایدوب مندر  
 ضمیمه اولون اخبار الفرائد و فی تألیف و اتمامه نوسن خامه خاصه  
 کماله ارفای عنایت و اماله نجامه ایتمکده جابجا اهتدیه تاخ ایتیمه ایدره

ستمند سپند قلم دوچار سکنه سنه اوضاع زمان و لم اولون  
 فتح اولوب او بوجده پای بند عقده کند تا خیر اولیب


### مقاله اتمام مقاله

تألیف و اتمامه بند و وصل غیرت ایتدیگم اخبار الفرائض ریاض  
 حکومت صریحه ثمغ باقیه اولدیفن با امانت هر میر دیوانه قدیمی  
 حیب اذیر حضرتی نیکو <sup>تیمار</sup> خصمه ایما و اشارت بیدرد قدرند  
 بشقه **مؤلفه نظم** اوقات ضایع ایله ای دل امان کیچر • ایرمز بوز  
 زلایته بریده زمان کیچر • هر فعل و هر مقاله ده وار حکمت خدا •  
 حکمت و جوده کلمه صحت نه آن کیچر • مصدر قنجه و اصل فضانه زال  
 طبیعت خوب کلهاره کنت ایدرن پرورده آنجی صیرت  
 ایتدیگی زاده بانوی خاتمه فیاض اولون بو طفل ناز پرورک  
 آورده کنار قلندان محبت و رغبت ایتدیگجه **مصع** کون طوغدن شیشه  
 سبدن ند طوغر • **رد مسیده** توهر اوضاع دوزکار وضع ناملول  
 ابراز و اظهار ایدرن بر ضیعت بدت پرورشیا جاهه نمود و استقامت  
 اولونه مانع اولدیفن **مه دایه فیاض** قامت استعدادی **صدعته الله**  
 رسیده اولوره اتم دنیا به کلدیکم اولندن ذکر اتی ایما و اشعاره قدر  
 بدشیره قاصد ترک و نیان اولتیدی ذکر اوضاعه اثار مانند طفل  
 شیرخوار مانع عقده تکمه کربیان و بستان مارد و کارد اولوب  
 اولوی کلام شکر بار ایله و رای پرده ردن چون خدیبه نورسیده  
 ض

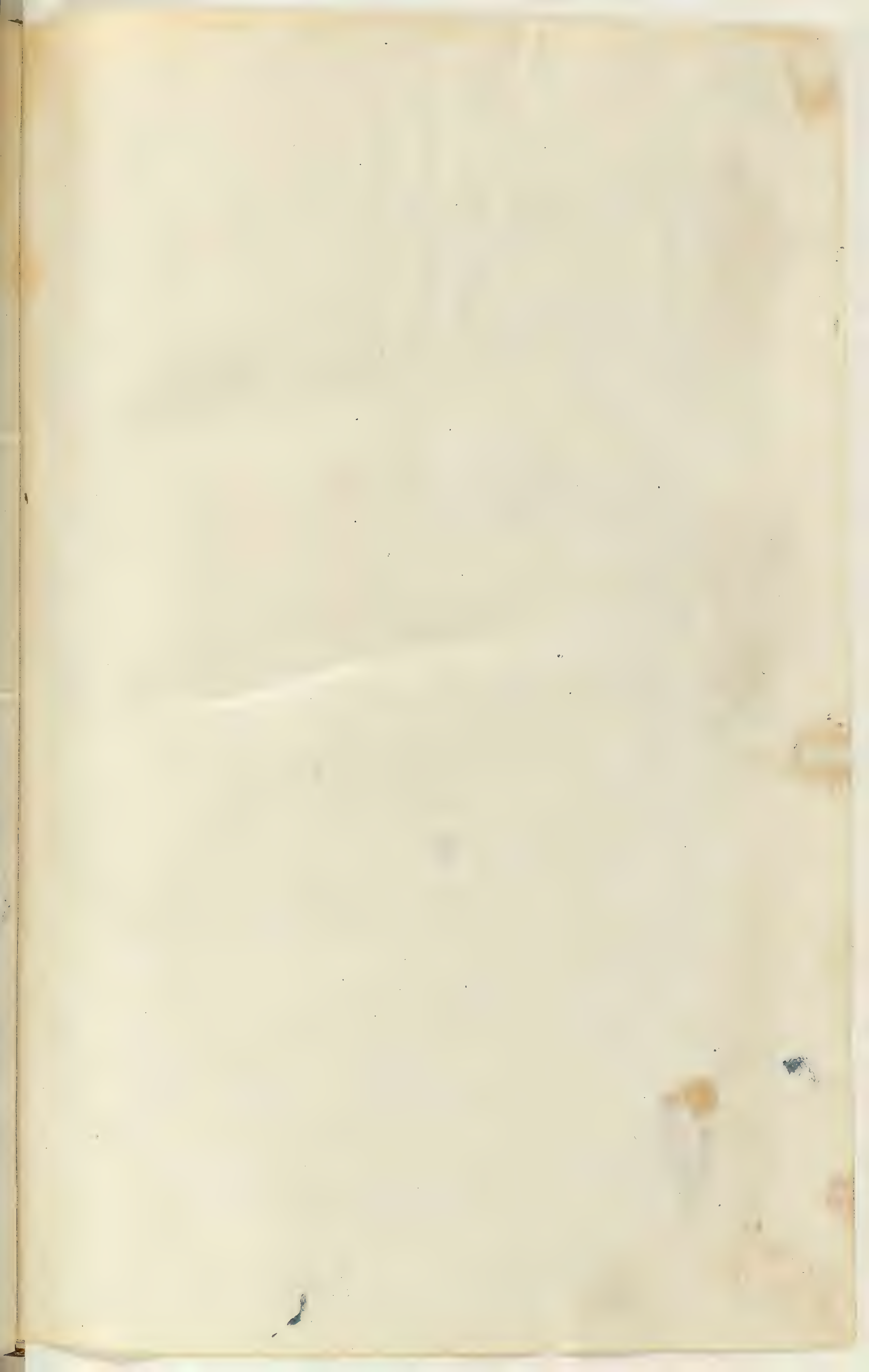




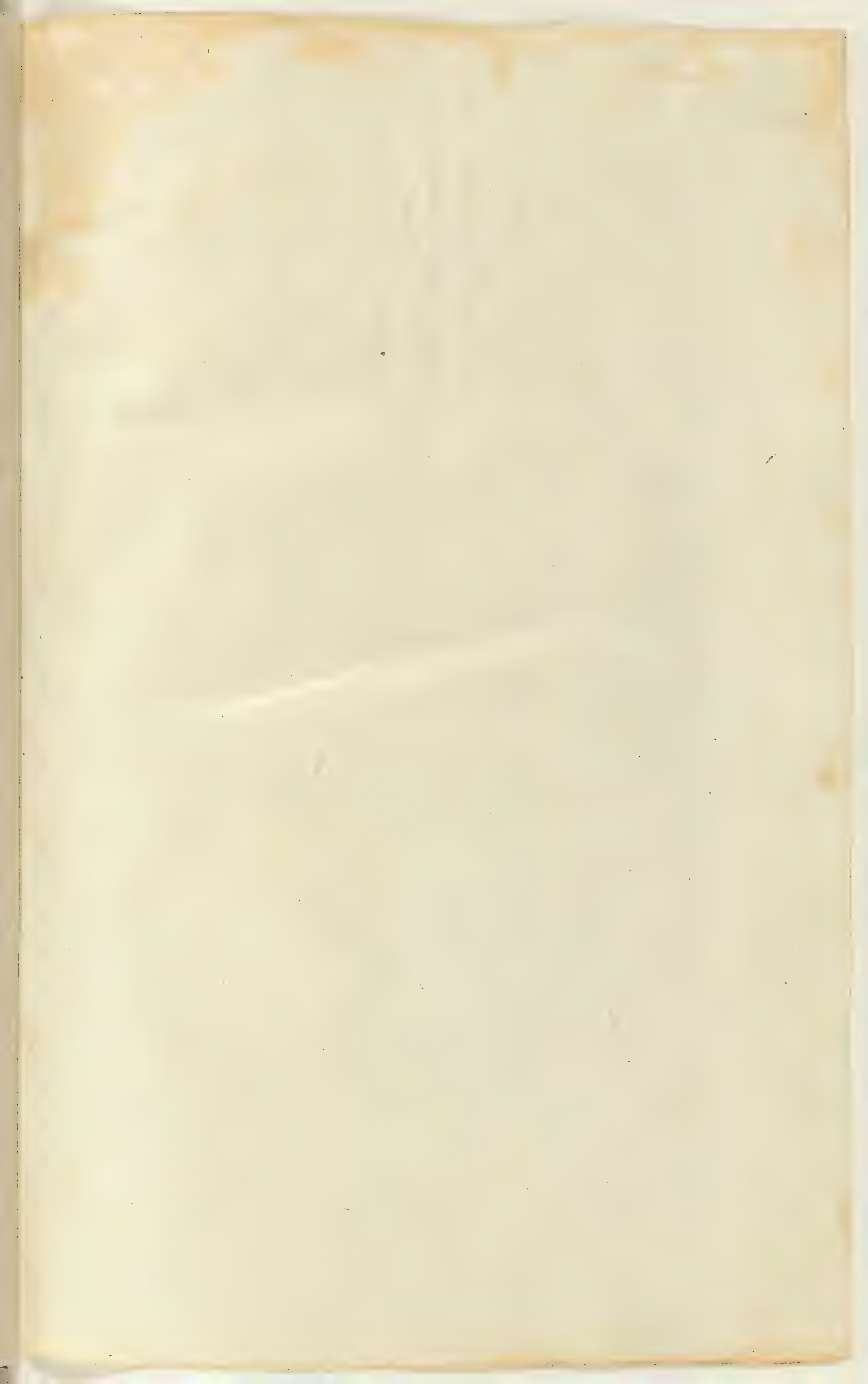
## غزل خاتمه

مذات صوفیه و هدایت او بود کثرت قبول اینم  
و در اصحاب کثرت شیوه و هدایت قبول اینم  
او در دل کیم سر سودای زلف کلمه بریت ندر  
عزیم عالم دنیا در همه جهت قبول اینم  
شفا یاب او طراز افروخته دیدار جانان  
طیبا حکمه زحمت و در فر صفا قبول اینم  
بود بازار جهان در صفا سوداگر طبعی  
مژده صفا که سر عالم و اصره قبول اینم  
هدایت سنن سوی اب صابونه فنا علی  
بد هر کاب جهان را من همه قبول اینم  
او کیم مانند سرو ازاده در بار عدوت نقد  
قرانه رنگ و بر من رفته آفته قبول اینم  
قبول زخم ایدوب مانند لعل جود عرفان  
اولوب نام آور قصه کیم ترهت قبول اینم  
فدوضه جفادون دینه سند صدا شدن  
شکسته اولدی که کل آینه صفا قبول اینم  
دو تره بیج و تابه بر جم و کسوی استغنا  
اصدب زلف و جایت شانه منت قبول اینم  
وطنه مایه دار شود تم نظر بیمر ده  
ولعی تره و بار غیبی غیرت قبول اینم  
بیشمار فانی اصبی صله دور دنیا  مفیر کوشه فقر و قانروت قبول اینم

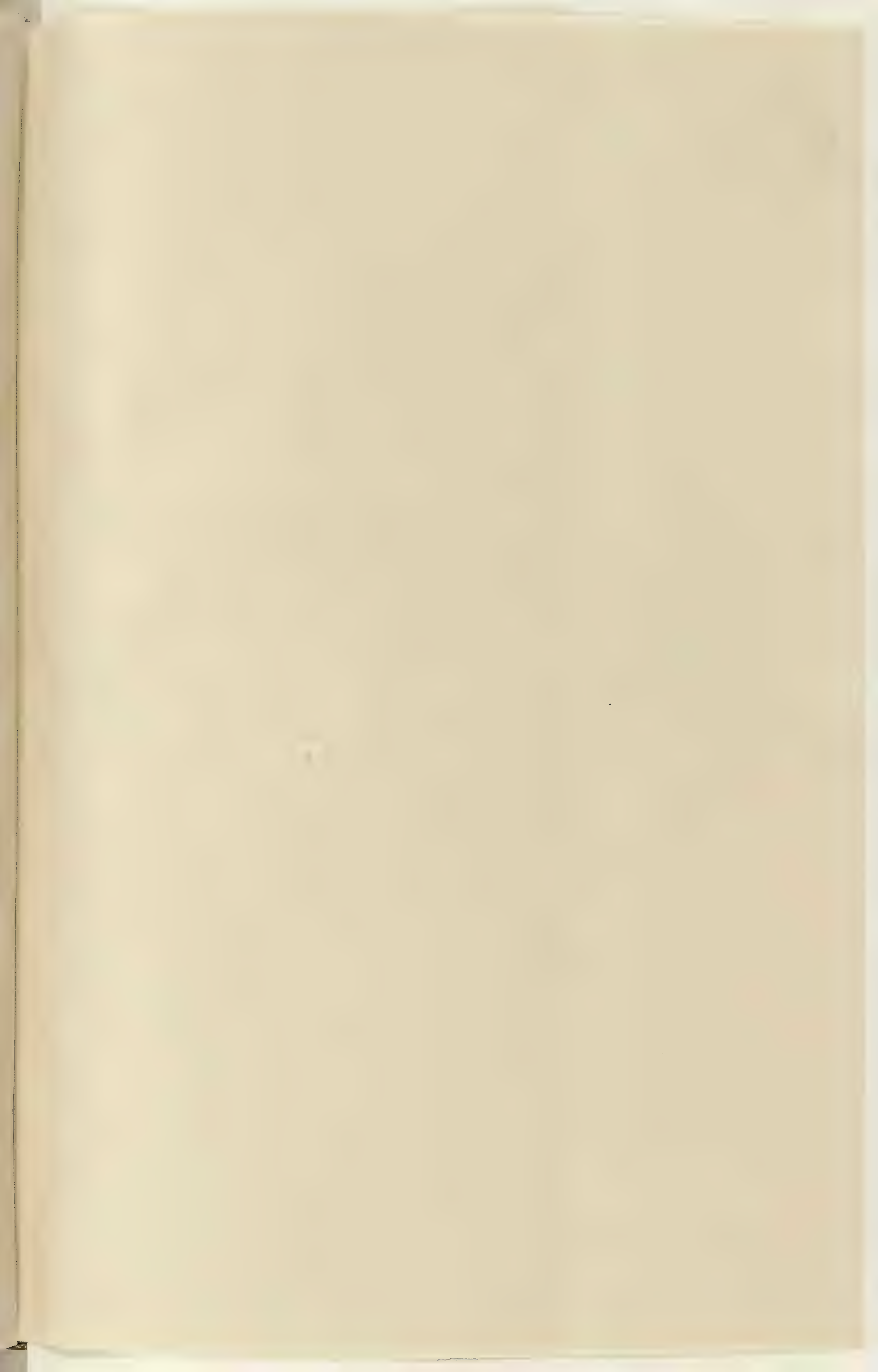
[153]



[154]

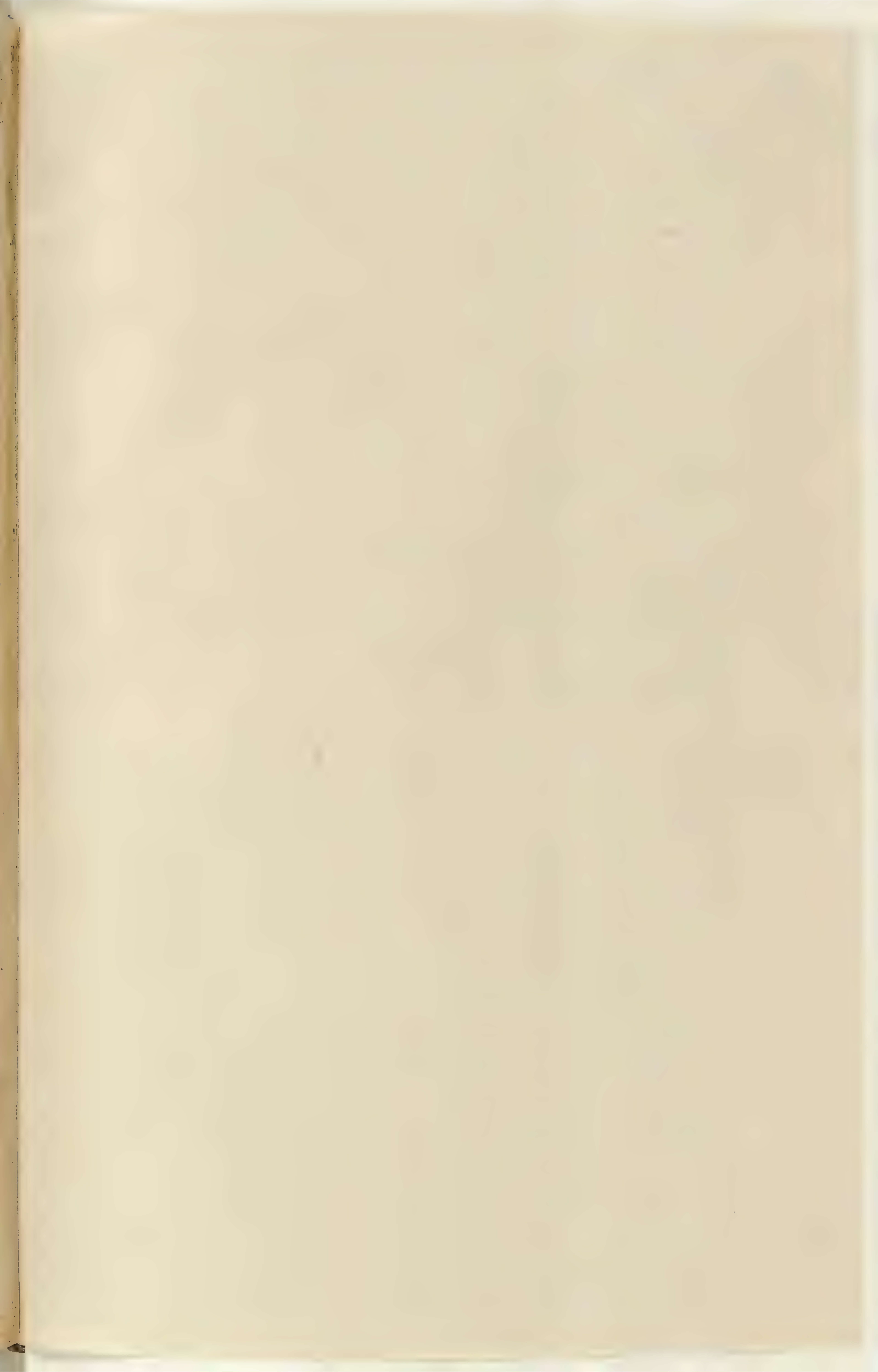


5517



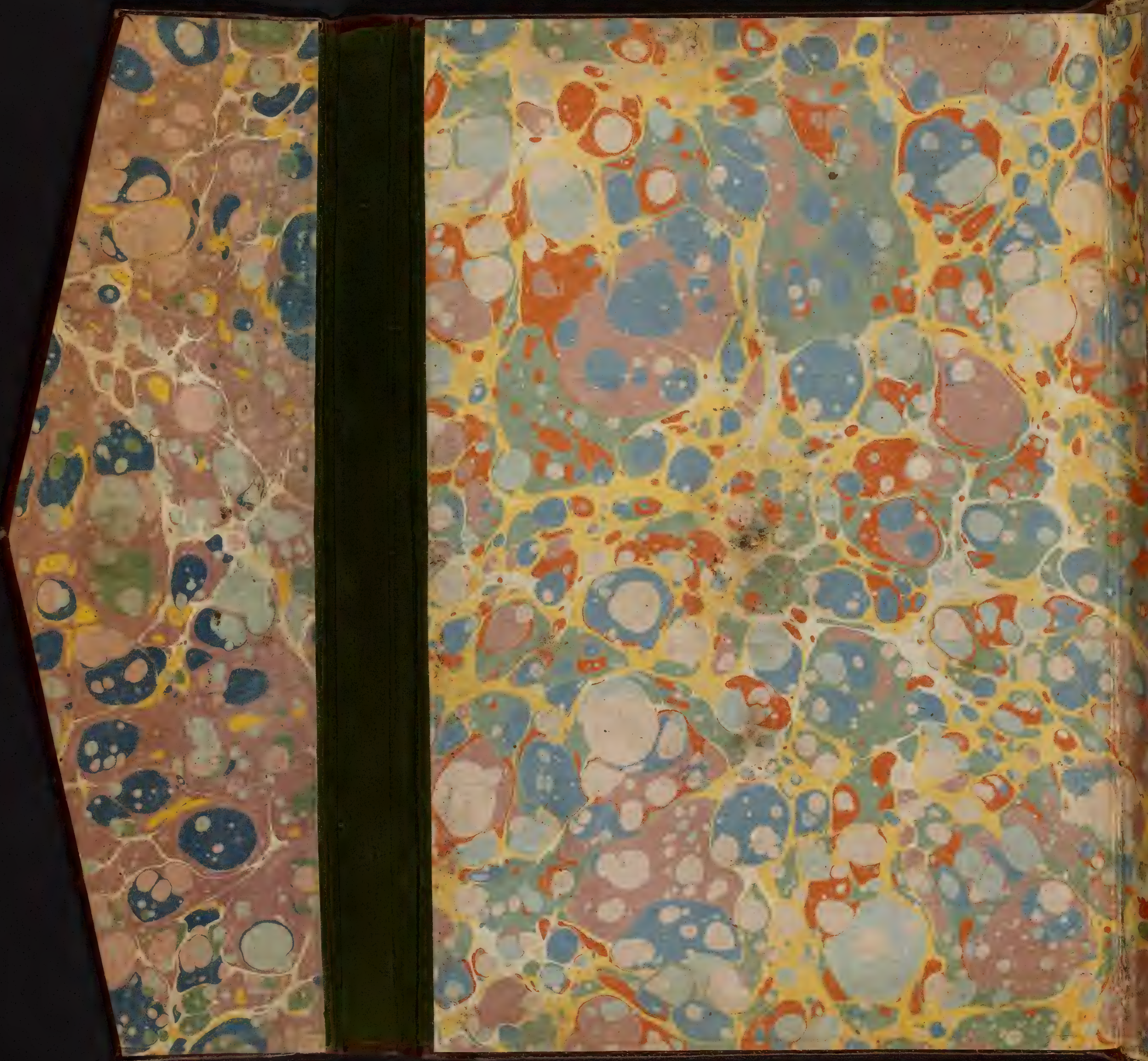


[95k]



[157]















Restauro per D. Des Fontaines  
Nov. 2024  
1332,05 €